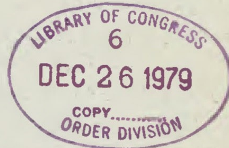
ژوندون

د اطلاعاتو او کلتور
شنبه ۱۹ عقرب ۱۳۵۸
۱۰ نوامبر - ۱۹۷۹
شماره سی وچهارم
سال سی ویکم
قیمت یکشماره ۱۳ افغانی





استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خلق خود
در انکشاف و تکامل کشور خویش سهم بگیرند

اختصار وقایع مهم هفته

هفتم نوامبر مطابق به شانزدهم عقرب مصادف با شصت و دومین سالروز انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر بوده وبنابرفیصله جلسه اخیر بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان که تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومړی وزیر بعمل آمد از ین روز تاریخی وپرافتخار خلق های کشور دوست، برادر وهمسایه ما اتحاد جماهیرشوروی سوسیالستی درسرتاسر میهن عزیز افغانستان تجلیل بعمل آمد .

رفیق امین به همین مناسبت شام ۱۵ عقرب ضیافت مجللی رادر خانه خلق ترتیب داده بودند که در آن اعضای شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیك افغانستان با خانم های شان اشتراك نموده بودند .

کمیته شهری شهرکابل حزب دموکراتیك خلق افغانستان وانجمن دوستی افغان و شوروی روز ۱٦ عقرب طی محفل شانداری در کابل ننداری شصت ودومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر را تجلیل نموده همچنان به مناسبت همین روز ساعت دوی

انقلاب کبیر اکتوبر ومخصوصا با برسمیت شناختن آزادی و استقلال افغانستان آغاز گردید تاکنون سرحدات افغان وشوروی رادر جهان بنام سرحدات صلح و دوستی یاد می کنند .

مبصر آژانس باختر علاوه می کند که گذشت زمان وپیوند های انترناسیونالیستی انقلاب ثور وانقلاب کبیر اکتوبر می رساند که این روابط بازهم راه تکامل راطی نموده وعلی‌الرغم توطئه هاودسایس منابع‌امپریالیستی وارتجاعی روابط بین دوکشور هرچه بیشتر تحکیم وتوسعه یابد .

* * *

حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولومړی وزیر جمهوری دموکراتیك افغانستان ساعت یازده قبل از ظهر ۱۵ عقرب جلالتماب ویلیم نورمن هیلیرفری سفیر کبیر برتانیه در کابل را برای قبول اعتماد نامه اش در قصر گلخانه خانه خلق بحضور پذیرفتند .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد که در این هنگام دکتور شاه ولی

روز ۱٦ عقرب در سراسر کشور عزیز ما افغانستان با شکوهمندی خاصی تجلیل بعمل آمد .

به خاطر تجلیل از ین جشن انقلابی خلق های کشور پهناور شورا ها ساعت ده قبل از ظهر ۱٦ عقرب محفل مجللی از طرف کمیته شهری کابل حزب دموکراتیك خلق افغانستان وانجمن دوستی افغان و شوروی در تالار کابل ننداری دایر گردیده وبنا به دستور بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رفیق دکتور شاه ولی عضو بوروی سیاسی ، منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان معاون لومړی وزیر ووزیر امور خارجه بیانیه جامع انقلابی ایراد نمود .

* * *

رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی ولومړی وزیر ساعت دوونیم بعداز ظهر ۱٤ عقرب با ایراد بیانیه علمی وانقلابی شان اولین کنفرانس عالی سازمان خلقی جوانان افغانستان را در قصر سلامخانه خانه خلق افتتاح نمودند .

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومړی وزیر جمهوری دموکراتیك افغانستان، شورای وزیران روز ۱۳ عقرب از ساعت پنج بعداز ظهر تا ساعت هشت شب در خانه خلق جلسه نمود .

* * *

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومړی وزیر جمهوری دموکراتیك افغانستان جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان از ساعت سه ونیم بعد ازظهر الی پنج عصر روز ۱۳ عقرب در خانه خلق دایر گردید .

در ابتدای جلسه در باره اقداماتیکه به جهت تطبیق مصوبه بوروی سیاسی راجع به تجلیل شصت ودومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر صورت گرفته بحث بعمل آمد واقدامات مذکور مثبت ارزیابی گردید .

* * *

رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی ولومړی وزیر جمهوری دموکراتیك افغانستان بعد از ظهر روز ۱۳ عقرب یکعده از ژورنالستان داخلی و خارجی رادر حالیکه خیال محمد کتوازی وزیراطلاعات وکلتور نیز حاضر بود در قصر گلخانه خانه خلق برای مصاحبه مطبوعاتی بحضور پذیرفتند .

رفیق امین بعد از آنکه به احساسات ژورنالستان با صمیمیت پاسخ دادند وازملاقات با ایشان اظهار خوشی نمودند ورودژورنالستان خارجی را به میهن عزیز ما این سر زمین انقلاب ثور خوش آمدید گفتند .

سپس منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومړی وزیر در فضای نهایت‌صمیمانه ودموکراتیك به سوالات ژورنالستان داخلی وخارجی جواب داده وروی موضوعات سیاسی اقتصادی واجتماعی کشور روشنی انداختند .

* * *

بعد از ظهر مسابقه بزرگ باستانی وعنعنوی بزکشی در استدیوم ملی ورزشی کابل صورت گرفت و جریان آن مستقیما از طریق رادیو تلویزیون خلق افغانستان برودکاست گردید .

مبصرباختر آژانس با ارتباط به سالروز جشن انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر می نویسد :

پس از آنکه در کشور همسایه بزرگ شمالی ما دولت شوراها تاسیس گردیدجنبش های انقلابی طبقه کارگرونهضت آزادی بخش ملی ودموکراتیك در سراسر جهان اوج گرفت ودر همین روند انقلابی خلق قهرمان‌افغانستان نیز قهرمانانه به پاخاست وعظیم ترین‌نیروی استعماری آن وقت راکه آفتاب‌درمستعمراتش درآن زمان غروب نمی کرد از افغانستان بیرون نموده وزنجیر های ننگین استعمار را در آسیا برای اولین بار شکستاند وبه این ترتیب افغانستان استقلال سیاسی خود را به دست آورد وروابط دوستی خلل ناپذیر میان خلقهای افغانستان واتحاد شوروی از طلیعه

معاون لومړی وزیر ووزیر امور خارجه ، محمد نادرشاه نیك یار رئیس دفتر شورای انقلابی ومحمد ولی مندوزی رئیس تشریفات وزارت امور خارجه نیز حاضر بودند .

* * *

پیام رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومړی وزیر جمهوری دموکراتیك افغانستان که عنوانی کانگرس جهانی همبستگی با خلقهای عرب منعقده لزبن صادر شده است مورد استقبال نهایت گرم وپرشور شاملان‌کانگرس واقع شده است .

* * *

بتاسی از فیصله بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان که تحت رهبری رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی ولومړی وزیر بعمل آمده بود از شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر

در محفل افتتاح این کنفرانس اعضای بوروی سیاسی واعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، اعضای شورای انقلابی وشورای وزیران کدرهای برجسته حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس، معاونین‌کدرها وعده‌یی از اعضای سازمان‌خلقی جوانان افغانستان اشتراك نموده بودند .

هنگامیکه رفیق حفیظ الله امین به قصر سلامخانه خانه خلق تشریف آوردند حاضرین بپاخاسته با دادن شعار های انقلابی کف زدنها، پاشیدن گلبرگ ها واهدای سبد های گل از قوماندان دلیر انقلاب زنجیر شکن ثور استقبال کردند که با ابراز احساسات پرحرارت وصمیمانه رفیق امین مواجه شدند.

در آغاز محفل سرود ملی جمهوری دموکراتیك افغانستان پخش گردیده ومتعاقبا دکتور غنی وثیق رئیس سازمان خلقی‌جوانان افغانستان پیرامون کنفرانس عالی سازمان خلقی جوانان افغانستان که برای اولین بار در پرتو انقلاب نجات بخش ثور در کشور ما دایر می شود توضیحات ارائه نمود .

* * *

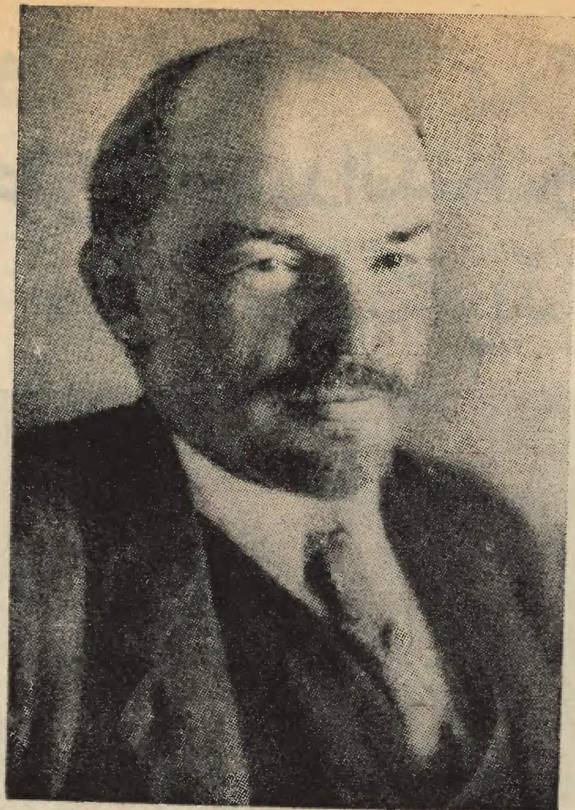
دکتور شاه ولی عضو بوروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان معاون لومړی وزیر و وزیر امور خارجه ومحترمه خانمشان شام ۱٦ عقرب در ضیافتی اشتراك نمودند که به مناسبت شصت‌ودومین سالگرد انقلاب‌کبیرسوسیالستی اکتوبر در سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی در کابل برگزارگردید.

رفیق حفیظ‌الله امین شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر اکتوبر را به رهبران اتحاد شوروی تبریک گفتند.

کابل ۱٦ عقرب (ب):

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد ، از طرف حفیظ الله‌امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای‌انقلابی و لومړی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت‌شصت ودومین سالگردانقلاب‌کبیرسو سیالستی اکتوبر پیام تبر یکیه‌آتی عنوانی‌رفیق لیونید بریژنف و رفیق‌الکسی کاسیگین به‌مسکو مخابره گردیده است:

رفیق لیونید بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحادجماهیرشوروی سوسیالستی.



و۱۰- لینن رهبر اولین انقلاب کارگری‌جهان‌وبنیان گذار حزب کمونست اتحادشوروی





حفیظ الله امین منشی‌عمومی کمیته مر کزی‌حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس‌شورای انقلابی ولومړی وزیر که‌برهبری ایشان‌افغانستان عزیز مابسوی جامعهٔ سوسیالستی به‌پیش میرود



لیونید بریژنف منشی عمومی کمیته‌مرکزی‌حزب کمونست وصدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی‌که‌به‌رهبری ایشان جامعهٔ اتحاد شوروی بسوی کمونیزم نزدیک میشود.

رفیق الکسی کاسیگین رئیس شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی .

کریملین، مسکو .

باکمال مسرت زیاد به مناسبت شصت ودو مین سالگرد سترگ انقلاب کبیر سوسیا لستی اکتوبر ، بهترین تبریکات گرم و نهایت صمیمانه وقلبی خود، کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان،شورای انقلابی‌وحکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و خلق زحمتکش افغا نستان رابه شمارفقای گرامی، کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی ، حکومت و خلقهای‌برادر ودوست ما اتحاد جماهیر شورو ی سوسیالستی اظهار می دارم.

بااعتقاد راسخ اطمینان میدهم که بعداز انقلاب‌شکوهمندثور علایق دوستی وحسن همسایگی ،تفاهم و همکاری های ثمر بخش و نزدیک بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی مستحکمتر گردیده و به سویه پختگی برادری‌تکامل نموده است .

یقین دارم که این روابط رفیقانه‌و صمیمانه و همکاری های همه جانبه‌مابه منفعت خلقهای زحمتکش هردو کشورو خلقها ی زحمتکش سایر کشور های سوسیا لستی‌و تمام بشریت ترقیخواه درامر تشئید و تقویت صلح و امنیت درجهان و ترقیات برای رفاه بشریت انکشاف‌مزید یافته‌مفیدومثمرواقع گردد.

درین هنگام خجسته که خلقهای کشور دوست ما اتحاد جما هیر شوروی سوسیالستی و سایر کشور های سوسیالستی و تمام بشریت ترقیخواه شصت ودومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیا لستی اکتوبر را تجلیل می نمایند مایه مسرت من است ، بهترین تمنیات گرم ،صمیمانه و رفیقانه خودرا برای صحت و سلامت شما رفقا ابراز نمایم و یقین دارم که خلق دوست وبرادر همسایه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی تحت رهبری خردمندانهٔ شما رفقاوحزب کمونست‌اتحادشوروی به‌ترقیات روز افزون نایل گردیده و مبارزات بشردوستانه شما به‌خاطرصلح پایدار در سراسر گیتی با افتخارات زیاد تر نایل می گردد .

حفیظ الله‌امین ، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک‌خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و لومړی وزیر دموکراتیک افغانستان .

استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خلق خود، در انکشاف و تکامل کشور خویش سهم بگیرند



رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق‌افغانستان، رئیس‌شورای انقلابی ولومړی وزیر جمهوری‌دموکراتیک افغانستان موقعیکه ژور نا لستان داخلی وخارجی رابرای مصاحبه مطبو عاتی‌بحضور پذیرفته وبه سوالات آنها پا سخ‌ارایه میدارند.

متن مصاحبهٔ‌رفیق حفیظ‌الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک‌خلق‌افغا نستان رئیس شورای انقلابی و لومړی وزیر باژور نا لستان داخلی وخارجی که بعد از ظهر روز سیزدهم‌عقرب در خانهٔ خلق بعمل آمد.

در آغاز مصا حبهٔ رفیق حفیظ الله امین خطاب به ژور نا لستان گفتند :

مسرت دارم که شما ژور نالستان محترم را در سرزمین انقلاب ثور استقبال نموده وباشما ملاقات میکنم

وازینکه به افغا نستان وانقلاب افغانستان علاقه گرفته اید تشکرمی نمایم.

طوریکه میدانید انقلاب شکو همند ثور تحت رهبری حزب دموکراتیک‌خلق افغانستان ، حزب طبقهٔ کارگر کشور صورت گرفت وسیستم فیودالی راکه درکشور ما حکمفرما بود ازبین برد. قدرت رابه خلق زحمتکش افغانستان به نمایندگی ازآن به طبقهٔ کارگر کشور انتقال داد وجمهوری‌دموکراتیک افغا نستان راتحت زعامت حزب دموکراتیک خلق افغا نستان تاسیس کرد وبدین ترتیب پروژه های‌مختلفی برای ازبین بردن تمام بقایای فیو دالیزم در افغانستان رویدست گرفته شد.

مهمترین کار، اصلاحات ارضی بود که توسط دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان موفقانه تطبیق شد.

ازآن گذشته قدم های مثبتی برای تکامل نیرو های مولده در افغانستان وافزایش تولید کار اتخاذ شد.

امروز جمهوری دموکراتیک افغانستان به‌رهبر ی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان کار تسوید قانون اساسی راتحت شعار مصونیت، قانونیت‌وعدالت رویدست گرفته است.

دشمنان انقلاب ودشمنان خلق زحمتکش ماکه مذبوحانه تلاش دارند تادست آورد های انقلاب ثورراتخریب کنند اکنون نزد خلق ما ونزد خلق های تمام جهان افشاء شده اند.

افغانستان کشوری است که در آنجا قانون اساسی بشکلی تسوید خواهد شد که راه را برای اعمار جامعهٔ فاقد استثمار فرد ازفرد یعنی‌یک جامعهٔ سو سیالستی باز کرد.

پسر خلق افغا نستان بشکل روز افزونی از حکو مت خود حما یت میکنند و حز ب دموکراتیک خلق افغا نستان در و حد ت کا مل با خلق به چنا ن مر حله رسید ه است که در تاریخ حزب ما نظیر نداشته و میتواند مثال خوبی برای تمام احزا ب برادر د ر کشور های نظیر افغانستان باشد . اکنو ن افغا نستا ن

برای تما م کسانیکه به امور آن‌علاقه میگیرند به خصوص برای ژور نا لستا نی که با اخلاق عا لی ژور نا لستیک مانند شما آرا سته با شند بکلی باز است .

ما بسیار خو شحا لیم از ینکه شما را درافغانستان ملا قا ت میکنیم از شما می خوا هیم سایر ر فقا ی خودرا تشویق کنید تا به‌افغانستان بیایند ما شاید نتوانیم همه تسهیلات ما دی راکه شایستهٔ استقبال از شما ست مهیا سازیم اما یقین دار یم احساسات دو ستا نهٔ ما این کمبود را جبران خواهد کرد.

اکنو ن از شما دعو ت می نمایم تا در فضا ی کا ملا ورفت و آمد عادی ترا فیك را در بعضی شا هراه ها دچار اختلال میکنند آیا شما درین مورد چه می فرما یید؟

جواب ـ انقلا ب ثور تنها انقلاب کار گر ی نیست که‌با دشمنی امپریالیزم و ارتجا ع بین المللی روبرو میشود ،هر انقلاب طبقه کار گر در هر جا ی جها ن که وا قع میشود باعین سرنو شت انقلا ب ثور روبرو میشود یعنی با توطئه ها و دسا یس

> قانو ن اساسی‌جد ید افغانستان براساس ایدیا لو ژی طبقه کار گر که‌قدرت خلق رادر افغانستا ن تمثیل خواهد کرد تسوید میشو د .

دوستا نه و دموکرا تیك سوالات خود را طر ح نمود ه‌و جوا ب های مرا بشنو ید .

سوال نمایند ۀ تلو یزیون جمهور یت دمو کرا تیك آلما ن ـ لطفا در باره قانو ن اسا سی جد ید افغا نستا ن که کار تسو ید آن همین حالا ادا مه دارد قدر ی رو شنی بیندازید ؟

جواب ـ قانو ن اسا سی جدید افغا نستا ن بر اسا س اید یالو ژ ی طبقهٔ کار گر که قدر ت خلق را در افغانستان تمثیل خوا هد کرد تسو ید میشود و را ه را بسو ی‌ایجاد جا معهٔ فا قد استثمار فرد از فرد در افغانستا ن رو شن کرد ه به همه ملیت ها ی افغانستا ن حقو ق مساو ی میدهد .

همچنا ن این قانو ن طریق تکا مل همه ار زش ها ی فرهنگی داخل جا معهٔ افغانی را باز خوا هد نمود .

از همه گذ شته این‌قانو ن موجب ارتقا ی اجتما عی و اقتصا د ی شد ه آزا د ی‌کامل عقید ه ، مذهب و سا یر آزاد ی های اسا سی ر ا تضمین خوا هد کرد .

سوا ل نماینده ٔ هند : راپور های متوا تر ی درحلقه های مختلف بعضی کشور ها شایع است که شور شیا ن مناطق و سیعی از افغا نستان را تحت کنترو ل خود دا رند

امپریالستی و ار تجا ع بین المللی مقابل میگر دد و حتی امپریالیز م و ارتجا ع بین المللی در امور دا خلی کشور ها بیکه چنین‌انقلابا تی در آن صور ت میگیر د مداخله میکنند .

از انقلاب کبیر اکتو بر گرفته تا امروز هر جا بیکه قدر ت کار گر ی مستقر می شود امپریالیز م به چنین مداخلا تی دست زد ه است .

در افغانستا ن آنها بیکه قدرت استبدا دی خود را از دست داد ه، از وطن گریخته اند توسط امپریالیز م‌ومتحدین آن حمایت میشو ند و پروبلم ها یی برای کشور ما ایجا د کرد ه اند من نباید پنها ن کنم که چنین مدا خلا ت ادامه دارد بعضی فعا لیت های ترو ریستی تو سط آنها به حمایت امپریا لیز م صورت میگیرد و لی این چنین معنی ندارد که شورشی در کشور ما و جود دارد ، حکو مت جمهور ی‌دموکرا تیك افغانستا ن کنترو ل و قدر ت تا م بر تمام منا طق کشو ر دارد و همچنا ن بشما ژورنا لستا ن میگو یم که بعضی عملیا ت ترو ستی‌در بعضی نقا ط صورت میگیر د ولی شما شا ید اخیر ا شنید ه باشید که خلق ما نیرو ها ی امنیتی ما را استقبا ل میکنند و این

جنایت کارا ن فرار میکنند وبه خار ج میرو ند ، اما و سا یل اطلاعات جمعی،رادیو ها و منابع امپر یا لستی بر ضدما تبلیغا ت مینما یند مثلا می گویند که جا ی یك زند گی آرا م و مصون در افغانستا ن وجود ندارد . زمانی که کنفرانس صلح و همبستگی باخلق افغانستا ن در کا بل دایر بود بعضی از نمایند گان شا مل بمن گفتند که و قتی فامیل ها ی خود را تر ك میکردند اعضا ی خانوا د ه هایشان می گریستند و لی بعد از آنکه آمد ند و به اکثر ولایا ت رفته با مرد م تماس گرفتند و به چشم سر اوضا ع را دیدند از آرا مش وضع تصدیق نمود نـد . امپریا لست ها تبلیغا ت زیا دی در مورد کا بل می کنند حتی امروز هم از را دیو های امپریا لستی و منا بع ارتجا عی می شنویم که نمی توا ن در خیابا ن های کابل قدم زده وبه دکان ها رفته ولی شما میتوانید هر جاییکه خواسته باشید برو ید و قدم بزنید و او ضا ع را ببینید وحقایق را در مورد آنچه د ر افغانستا ن میگذ رد بخو د معلو م بدا رید .

باتمام اینها افغا نستا ن‌یك کشور کو هستا نی است .

سوال نماینده آژا نس باختر : شما در جلسه شورای انقلا بی جمهو ری دموکراتیك افغانستان که بتاریخ‌سی‌میزان صورت گرفت در باره انکشاف اقتصادی واجتماعی افغانستان الی‌سال ۱۳۶۵ توضیحات‌همه جانبه‌دادید. حالااگرلطفابگو نید که برای تطبیق این پـلا ن بزرگ انکشا فی افغا نستا ن انقلابی و نوین و برای انجا م دادن تمام این کار های بزرگ بودجه مالی آن از کجا تمویل می شود یعنی این پلان ها ی بزرگ از کدام بودجه ما لی تمویل میشود ؟

جواب: عرض من این بود که در تمویل این پروژه هاتا اندازهٔ زیاد ضرورت ها ی مالی ما از منا بع ملی ما رفع میشوداز کشورهای‌خارجی‌که‌با ما مسا عدت میکنند اتحا د شوروی کشوربرادرو همسایه ما با ما کمك نهایت زیاد می نماید ما باین اطمینان دار یم هر قدر کمکی کـه برا ی انکشاف افغا نستا ن بکـار اندا خته بتوا نیم اتحـاد ـ شوروی و سایر کشور ها ی سو سیا لستی برای ما میسر میسازد و کشور های دوست نیز کمك می کنند .

سوال نمایندهٔ روز نامه انیس: طوریکه در یك ماه گذ شته دیده شد ه با فواهم سا ختن

> بهترین استفاده‌ا ز قوا ی‌بشری هنگامی‌صورت گرفته میتواند که خلق خود،درانکشا ف وتکا مل کشو ر خود سهم بگیر ند .

وقتی امپریا لیز م بخوا هد توسط دسته های جنا یت کار برای ما پروبلم ایجا د کنداگر به آنها پو ل و سلا ح بدهند آنها میتوا نند اینجا وآنجا برو ند فیر کنند یا اینکه بریك موتر لا ر ی‌آتش کنند و بعد مراکزامپریالستی آنرا در رادیو ها ولود سپیکر های خود بز رگ میسا ز ندو میگو یند در افغا نستا ن‌این وضع یاآ ن و ضع بو جو د آمد ه تا به این تر تیب نگذ ارند ر فقا ی شا ن به افغانستا ن بیایند و او ضا ع را خود شا ن ببینند .

زمینه کار دولت خلقی ماسعی نموده تا از قوای بشر ی حد اعظم استفا ده رادر راه ترقی و شگو فانی کشور نما ید . میخواستم سوال نمایم که‌چه اقدا مات عاجل را دولت برای استفاده هرچه بیشتر از قوای بشری‌روی‌دست‌خواهدگرفت؟

جواب: بهترین استفا ده‌از قوای بشری هنگا می صورت گرفته میتواند که خلق خود در انکشاف وتکامل کشور خود سهم بگیر ند .

جمهو ر ی د مو کر اتیك افغا نستـا ن پلا نهای

باین منظور روی دست دارد مخصوصاًاتحادیه هاوسازمان های مختلف رابو جود می آورد تا تمام زحمتکشا ن ما از را ه ساز ما ن هایخود در سرنو شت کشور خو د سهم داشته با شند و تمام امور انکشا ف کشور را به سهم خود به پیش ببر ند . این در صور تی بسیار خو ب انجا م یافته میتوا ند که‌اداره کشور بدست خلق با شد ، توسط ساز ما ن ها واز راه سازمانهایی که ایجاد میشو د خلق افغا نستا ن ادار هٔ کشور را بدست خود دارد و می داشته باشد و امور مر بو ط به سرنو شت خود را خو د به پیش میبرد و بر علاو ه برای اعتلا ی سو یهٔ تخنیکی کار گرا ن و کار کنان هموطن ما هم تر تیبا تی گر فته می شود و برای تطبیق این پلان ها اقدا ما ت لاز م روی دست است و علاو تا سکالر شپ ها و فیلو شپ‌ها وامکا ن تحصیل در خار ج‌هم برای هموطنا ن و جوا نا ن ما میسر است ، مخصو صا در اتحاد شورو ی و کشو ر های سو سیا لستی برا ی صد ها هموطن ما هر سا ل امکا ن تعلیم و تر بیه میسر است . بر علاو ه د ر بعضی از کشو ر های دیگر نیز این امکا ن برای ما موجود است ما باید ازهمکاری های ملل متحد نیز یاد آور ی نماییم که درین زمینه با ما مساعدت ها نموده و ماآنرا تقدیر می کنیم .

سوال ژور نا لست جمهور ی دمو کرا تیك آلمان: آیا ممکن است نقا ط بر جستهٔ پلان پنج سا لهٔ انکشا ف اجتما عی و اقتصا د ی جمهور ی دموکرا تیك افغا نستان را توضیح نما یید وهم بگو یید تا کدام انداز ه در تطبیق آن مو فقیت حاصل نمود ه اید ؟

جواب ـ مهمترین هد ف پلان پنج سا له تهیهٔ فرصت های مسا عد برای سهمگیری در اعمار جا معهٔ فا قد استثمار فرد از فرد است، منظور آنست تا اساس ما دی و تخنیکی محکمی را بر ا ی اعمار چنین جا معه آما ده سازیم . از آن گذ شته ما می خوا هیم تا زراعت خود ر ابه شکلی عصر ی بسازیم که کشور ما هم یك سر زمین زراعتی باشد و هم صنعتی یقین داریم که صنا یع ما تکا مل خوا هد کرد و زراعت ما شینی خوا هد شد که‌همه این کار ها باید با سهمگیری کامل خلق همرا ه با آگا هی صور ت بگیرد ، طو ریکه‌برای بالا برد ن سطح آگا هی خلق جها د وسیعی بر ضد بیسوا د ی آغاز شده است .

سوا ل ژور نا لست جمهور یت اتحاد ی آلما ن : در افغانستا ن پیو سته ا ز احترا م عمیق بدین اسلا م سخن گفته میشود ، با درنظر داشت این نکته اید یالوژ ی شورو ی که شما از آن طرف دار ی می کنید ضد مذ هب است چه شیوه ای در اعمار جا معهٔ فا قد استثمار فرد از فرد در پیش خواهد بود ؟

جواب :ما هیچگا ه اصطلا ح اید یالو ژ ی شورو ی رابکار نبرده ایم ، استعمال این اصطلاح وتعبیر آن‌ازشماست ایدیالوژی که ما با آن‌معتقد هستیم اید یالو ژ ی انترنا سیو نالیستی طبقهٔ کار گر است که مطابق آن بهتر ین تسهیلات برای ز ند گا نی توا م با رفا ه را بر ا ی خلق خود فرا هم سا خته میتوانیم ، این کار ما هر گز با اصو ل اجتما عی دین مبین اسلام مغایر ت ندارد .اسلام هر گز خوا هان آن نیست که خلق در فقر و گر سنگی بسر ببرد ، اسلام نمی گوید که استبداد و ستم ظا لما نه در جا معه حکمفر ما باشد . اسلام مخالف بهبود زندگانی وافزایش تو لیدا ت نیست. ولی اید یا لو ژ ی ما یك سیستم ا اقتصا د ی واجتماعی است که ز حمتکشا ن را ا ز زیر استثمار می رها ندقدرت تولید ر ا افزایش مید هد و سطح ز ند گی خلق را با لامی برد . پس و قتی ما جا معهٔ سوسیا لستی بسا زیم جا یی برای استثمار فر د توسط فرد با قی نخوا هد ماند .

ما عقید ه داریم که هر عضو جا معه آزا دی مذ هب وعبا د ت داشته باشدو تمام مراسم مذ هبی خود را باکمال آزا دی بجا آورد .

اینکه میگو یید اید یالوژی ما ضد مذ هب است این در واقع تعبیر خود شما است آنچه ما می گوییم آنست که ما به آر مان های مذ هبی و احساس خلق خود احتر ا م عمیق می گذ اریم و د ر عین حا ل به نفع آنها کار می‌کنیم مانه تنها به مذ هب خلق خود احترا م عمیق می گذاریم بلکه در عین حا ل تما م امکانا ت ما دی را برای رفاه وآرا می آنها مهیا می سازیم تا آنها به یك سطح ز ندگی بالا تر بر سند و قتی سطح زندگی خلق ما انکشا ف یافت و خلق ما هیچگو نه اختنا قی از ناحیهٔ استثما ر فرد از فرد احساس نکنند ، وقتی آ نها تمام بقا یا ی استبداد طبقات استثما ر گر وا از میا ن‌بر ند بااحساس آزادی بهتر هر نو ع عباد تی که خواسته باشند انجا م خوا هند داد .

سوال ژور نا لست جمهور یت فدرا لی آلما ن : چرا خانهٔ خلق با محا فظین وتانکها حما یت و حصار شده است . ؟

جواب: من گارد محا فظین را در قصر ریاست جمهور ی فرانسه و در قصر بوکنگهم انگلستا ن و قصر سفید امریکا نیز مشا هده کرده ا م واینها همه با گارد محافظه‌می شوند پس چرا باید در جلو خانهٔ خلق ما گارد محا فظین نباشد . و جود گارد محافظ بدان معنی نیست که خانهٔ خلق توسط‌گارد ها حصا ر شده است .

سوال نمایند هٔ کابل‌تایمز: طوریکه مشاهده می شو د مر حلهٔ او ل اصلا حات اراضی در افغانستا ن موفقا نه پایان یافت در مورد مر حلهٔ دو م این اصلا حا ت چه فکر می کنید ؟

جواب ـ مرحلهٔ مهم اصلا حا ت ار اضی د ر افغانستا ن عبار ت ازاستملاك زمین از زمیندارا ن وتوزیع آن به دهقانا ن بی زمین وکم زمین بود که با موفیت زیاد و در یك مد ت بسیار کو تاه انجا م شد امروز هیچ فر دی در افغانستا ن سرا غ نمی شود که بیش از سی جریب زمین داشته باشد .

تا جاییکه بمن معلو م است این را دیکا ل ترین‌و دموکراتیك ترین ریفو ر م ارا ضی می باشد که‌در کشور های مانند افغا نستا ن انجام شده است .

ایدیالوژی که‌ما باآن معتقد هستیم ایدیالوژی انترناسیونالستی طبقه کارگر است.

انقلاب‌ثور تنها انقلاب کارگری نیست که با دشمنی امپریا لیزم وا رتجا ع بین المللی رو بر میشود ، هر انقلاب طبقه کارگر در هرجای‌جهان که‌واقع میشود باعین سر نو شت انقلاب ثور روبرو میشو د

مر حلۀ دو م عبار ت ا ز ریفورم زراعتی میباشد باین معنی که قابلیت تو لید زمین قابل‌زرع بلندبرده‌خواهد شد. درین مر حله تکنالو ژ ی عصر ی ، کود کیمیاو ی و تکنیك های مدر ن ز راعتی که در پیشر فته ترین کشور های جها ن را یج است تهیه خوا هد شد .

همین اکنو ن این ریفور م آغاز گردید ه است .

سوال ژور نا لست‌هندی :

ما یقین داریم‌طو ری که خلق های‌زحمتکش‌افغانستان پاکستان و ایران‌بین خود برادر هستند دوست‌شان مشتر ک ودشمن شا ن مشتر ک ا ست

بنظر شما کشور هند چه نقشی را در انکشا ف افغانستا ن ایفا کرده مـی تواند ؟

جواب : جنبه های‌عمو می اشترا ك فر هنگی خلق ها ی افغانستا ن و هند نزد تما م افراد این دو کشور و کشور های جها ن روشن است.خلق افغانستا ن احساس دو ستی خاصی نسبت به خلق هند دارند و خوا هان گستر ش مناسبا ت اقتصا د ی وسایر علایق با خلق هند مـی باشند .

هند به مقایسه افغا نستان کشور پیشر فته تر ی است‌و ما طبعا انتظار همکار ی ها ی اقتصا دی و تخنیکی از هندرا داریم که خو شبختا نه برا ی ما داد ه شده است. احسا س خلق های دو کشور کـه د ر گذشت چندین سا ل نسبت‌به همدیگر تبار ز داد ه شد ه نه تنها ادا مه خواهد یا فت بلکه تقو یه هم می شود .

سوا ل نماینده ۀ روز نا مۀ هیواد : از کشور دو ست ما هند یاد آور ی شد از نظر قو ت ها ی صلح دو ست و متر قی منطقه این مفکور ه که بحر هند بحیث یك منطقـۀ صلح شنا خته شود به نظـر شما چطور تحقق یا فته مـی تواند ؟

جواب : من عر ض کرد م که تشویش نظا می در بحر هند همیشه یك طر فه ایجاد شده است که در آنجا ازطرف امپریالیز م و کشور ها ی امپریالستی تشو یش جنگی ایجاد شده است که با اعمار پایگا ه های نظا می‌و تشبثات نظا می در آنجا آزا دی د ر بحر هند مختل گردید ه و تشویش جنگ پیدا شد ه است ، پس این به کشو ر های امپر یالستی و امپریالیزم ارتبا ط دارد که آنها باید پایگا ه های نظا می خود را از بین ببر ند و به ما هیت نظا می آن منطقه خا تمه دهند که این به اساس فشا ر ذهنیت عا مۀ بین المللی امکان دارد که به امپریالیز م‌وکشور های امپریا لستی این فشا ر را بیا و رند که به تشبثا ت نظامی در بحر هند خا تمه بدهندتاآنجا بحیث‌یك منطقه صلح تحقق یابد .

سوا ل نماینده ۀ آژ انس تاس : در مورد ابتکا ر ا ت صلح رفیق لیو نید بریژ نف منشی عمو می کمیته مرکز ی حزب کمو نست و صدرهیا ت رئیسه شورا ی عا لی اتحا د شورو ی که طی بیانیه شا ن در بر لین اعلام شد چه نظر دارید ؟

جواب : اگر مقصد شما بیرو ن نمود ن یکجا نبـۀ بیست هزار سر باز و یك هزار تانك اتحا د شورو ی از خاك جمهور ی دمو کرا تیك آلما ن باشد باید بگو یم که این ابتکا ر نه تنها مورد قدر دانی‌و تمجید شخصی من بلکه تمام ر فقا همکارانم و خلق افغا نستا ن قرار گرفته است .

این یك حقیقت است کـه چنین ابتکار ی از طـر ف تمام خلق های صلح دوست جها ن مورد استقبا ل برادرا نه قرار گرفته و باید این کار توسط سا یر کشو ر های دیگر بخصو ص اعضا ی ناتو صا دقا نه تعقیب شود، این قد می بود که مو جب امیدوار ی ز یاد خلق ها ی ارو پا و خلق های سا یر مناطق جها ن گردید این ابتکا ر تنها مربو ط به اروپا نبود ه بلکه متعلق به تما م خلق های جها ن میباشد و به نفع نهضت صلح بین المللی تمام خوا هد شد .

من درین مورد نیز قبلا تبصره کرده ام .

سوال نماینده ۀ روز نا مه انیس:

با ارتبا ط به سیا ست مثبت ومتر قی ، جمهو ر ی دموکراتیك افغا نستا ن کـه همیشه طر فدار تر قی‌وصلح بوده و است ، میخوا ستم سوال نمایم که برای بهبود روابط با پاکستا ن و ایرا ن آیا مذاکرا ت و تماس ها جریان دارد ؟

جواب : افغا نستا ن با پاکستا ن در تماس است و انتظا ر دارد که مشا ور د ر امور خارجی جلا لتمآ ب ضیاء الحق رئیس جمهو ر پاکستا ن یعنی بنا غلی آغا شا هی بنابر دعو ت وزیر خارجۀ افغا نستا ن به افغانستا ن بیا ید و درینجا بخا طر عا دی سا ختن روابط بین دو کشور مذاکرا ت‌رابا وزیر خار جۀ افغا نستا ن ادا مه دهد . به تعقیب آ ن

ماعقیده داریم که هر عضو جامعه آزا دی مذ هب و عبا دت داشته باشد وتمام مرا سم مذهبی خود را با کما ل آزادی بجاآور د.

انتظار داریم که جلا لتمآ ب ضیاء الحق ر ئیس جمهو ر پاکستا ن که از طرف خود م به نمایند گی از حکو مت افغانستا ن دعو ت شده است خوا هند آمد و در اینجا ا ز طرف حکو مت و خلق افغانستا ن به گر می‌استقبال خواهند شد و مذ اکرا ت دوستا نۀ ما ادا مه پیدا خواهد کرد ، وقلبا میکو شم تاتما م سوء تفا هما ت بین دو کشور رفع شود و امکا ن عا د ی ساختن روابط دوستا نه بین دوکشور ایجا د شود . به همین تر تیب علا قه تما س‌با اشخا ص مسوو ل و. با صلا حیت ایرا ن هم نشا ن داد ه ایم . شارژ دا فیر مادر تهرا ن چند بار کو شش‌کرده که وزارت خا ر جه ایرا ن را به این ملتفت بسازد و خود م به شا رژ دا فیر سفارت ایران در کا بل هم گفته ام که ما علاقمند آغا ز مذاکرا ت دو ستی بین‌دوکشور هستیم و ما یقین داریم طوری که خلق های ز حمتکش افغانستا ن ، پا کستا ن و ایرا ن بین خود برادر هستند دوست شا ن مشتر ك‌و دشمن شان مشتر ك است حکو مت های مربوط این احسا سا ت گرم مشتر ك و برادرانۀ خلق های خود را در عمل منعکس خوا هند سا خت . تا زمینـۀ رشد دوستی بین خلق ها ی هرسه کشور تهیه شد ه بتواند .

سوال نماینده ۀ جر ید ۀ خلق ار گا ن مرکز ی حز ب دمو کراتیك خلق افغا نستان طوریکه برای تر بیت علمی کدر های حز ب دمو کرا تیك خلق افغا نستا ن انستیتو ت علو م اجتما عی افتتا ح شد ه آیا ر هبر ی حز ب درین زمینه ابتکارا ت جد ید ی را در نظر دارد و اگر دارد آیا بطور مثال پیشن بینی کر د ه میتوا نید ؟

جواب : دفتر سیا سی کمیته مرکز ی حز ب دموکراتیك خلق افغا نستا ن در تاسیس این انستیتو ن که به آن اشار ه کردید برا ی ارتقا ی بیشتر سطح دا نش اعضا و کدر های حزب نو جه خاص داشته و دارد و علاو ه بر آن نیز اقدا ما تی در نظر دارد که از جمله خود جر یده خلق است که برای انکشا ف ونشر بیشتر آن تو جه خاص بعمل آمد ه است . همچنا ن بعضی سیمینا ر ها و کورس ها در ولایا ت کشور هم دایر میشود که در آن اعضا و کدر های حز بی اشترا ك می

بقیه‌درصفحه۵۷



«نن ډیره ستر انقلابي نیرو چې داکتوبر انقلاب ارزښتونو او بریالی توبونو ته دوام ورکوي او دنړیوال انقلاب څرخ په حرکت راولي دسوسیالیزم دنړیوال سیستم دنړیوالی کارګري طبقې جنبش اودنړۍ دخلکو دملي آزادۍ غوښتونکي جنبش دی».

«ملګری حفیظ الله امین»

شنبه ۱۹ عقرب ۱۳۵۸ ۱۰ نوامبر ـ ۱۹۷۹

داکتوبر ستر انقلاب د بشریت لپاره د بې استثماره ټولنې دجوړیدو دلارې روڼ مشال

دروان عیسوي کال دنوامبر او ومه نیټه داکتوبر د ستر سوسیالیستي انقلاب له دوه شپیتمې کالیزې سره سمون خوري.

دوه شپیته کاله مخکې (۱۹۱۷) کال په همدې ورځ په روسیه کې دولا دیمیرایلچ لنین په مشرۍ او دکمونیست ګوند په رهبرۍ دروسیې قهرمانی پرولتاریا تزاري نظام چې سلتنې یې په بوروژوازۍ او ملاکینو ولاړې وې پرنګ کړ، او د بشریت په تاریخ کې دلومړي ځل له پاره د یوې داسې ټولنې دجوړیدو دوران پیل شو، چې هلته دانسان څخه دانسان استثمار، استبداد، بې عدالتي، تیري او جګړه نه وي.

داکتوبر ستر سوسیالیستي انقلاب د ښکلې پېړۍ ډیره ستره او ارزښتنا که پیښه ده چې د ټول بشریت د نکامل او ودې له ریښې څخه بدل کړ.

داکتوبر دستر انقلاب له بري څخه مخکې په روسیه کې اکثریت پرګنې له لوږې، بې کورۍ او بربنډتیا سره لاس ګریوان وي دتزاري واکمنو ظلمونه تیري او بې عدالتي اوج ته رسیدلي وی، نو دغه بې عدالتیو ملي او طبقاتي ستمونو کنټرول ترمورګو رسولي ؤ.

چې دغه مطب داکتوبر دستر سوسیالیستي انقلاب ستر لاربنود په څپله دا سې بیان کړي دی: «بزګر په فقرکې ژوند کاوه. ده له خاورو سره یو ځای استوګنه درلوده ... بزګرانو تل ولږه ګاللې اودسو کلونو (وچ کالي) په وخت کې چې ډیره پیښیدله. په لس ها ووزره بزګران له ولږې او اپیدمیو په اثر مړه کیدل.»

دغه راز په روسیه کې نه یوازې دبزګرانو بلکې د ټولو زیار ایستونکو ژوند له سختو ترو څخه ډک او د زغملو وړنه ؤ.

په دغه ناوړه استبدادي شرایطو کې ؤ چې داکتوبر ستر سوسیالیستي انقلاب بریالی شو. ددغه ویاړلي انقلاب دا بریالیتوب چې له استثمار، استبداد، ظلم بې عدالتي، جګړې او نورو رازرازو بدبختیو څخه دانسان د ژغورنې په منظور ترسره شوی دی دعلمي نړۍ لید او دکارګري انقلابي ایډیالوژۍ ددغې دوران جوړوونکې ایډیالوژۍ د پلي کولو د مبتکر (داکتوبر دستر انقلاب دستر لاربنود) برکت دی! نو له همدې امله ویلای شو چې داکتوبر ستر انقلاب بري په عین حال کې دمترقي او کارګري ایډیالوژۍ بري هم دی چې دلومړي ځل لپاره ددې بریالیتوب دلمر وړانګې په شوروي روسیه کې وځلیدې.

داکتوبر ستر انقلاب نوی عصر (له پانګه والي څخه سوسیالیزم ته دبشریت دتیریدو نوی عصر) دامپریالیزم له جغ څخه دملتونو دخپلواکۍ او د جګړو اووینو تویولو د پای ته رسولو او د نوې انساني ټولنې دجوړولو له پاره د حاکمه استثمارګرو طبقاتو دراپرزولو لاره پرانیستله.

داکتوبر ستر انقلاب څخه مخکې چې په ۱۹۱٤ کال کې لومړۍ جهاني جګړه پیل شوه تر دغه وخته پورې لا دجګړې اوربل ؤ او ددغه امپریالیستي جګړې بار او بوج د روسیې د زیار ایستونکو خلکو پراوږو بار ؤ زیاتو کورنیو له دغې جګړې څخه دسر اومال زیان لیدلی ؤ او د خلکو دسولې هیله او آرزو او د جګړې د اورد ختمیدو هیله درلوده.

نو ځکه ؤ چې داکتوبر ستر سوسیالیستي ستر انقلاب لومړی ګام او لومړی فرمان (دسولې فرمان) ؤ چې دروسیې او ټولې نړۍ زیار ایستونکو یې په پوره شور او زوږ سره غوڅ ملاتړ وکړ.

د ۱۹۱۷ کال داکتوبر له انقلاب نه وروسته پرا تمه ورځ دنوې جنتري له مخې دنوامبر په پنځلسمه ورځ شوروي حکومت (دروسیې او لسونو د حقوقو اعلامیه.) چې داکتوبر دستر انقلاب دستر لاربنود په لاسلیک ښکلې شوې وه خپره کړه.

په دغه اعلامیه کې داو لسونو ترمینځ مساوات، برابري، وروروللي او په خپل سرنوشت حاکمیت او دخپل مستقل دولت دتشکیلو له په شمول د خو دارادیت حق د ټولو ملي او مذهبي امتیازاتو او قیوداتو الغاء او دملي اقلیتونو ازادانه انکشاف اعلان شو چې ددغه ویاړلي انقلاب په هماغه لومړیو ورځو کې دروسیې دپخواني امپراطورۍ او لسونو دمتقابلې دښمنۍ، عداوت او تضادونو له لارې څخه واړول او ددوی ترمینځ ډیر ژر دمتقابلې درستي او همکارۍ اړیکې ټینګې شولې. داکتوبر دستر انقلاب د بریالیتوب په نتیجه کې مینځ ته راغلی شوروي اتحاد دسوسیالیستي دولت د جوړیدو له هماغه لومړیو ورځو څخه سره لدې چې له زیاتو کړونیو ستونزو سره چې دنړۍ څخه ورته په میراث پاتې وې خپله انترناسیونالیستي سپیڅلې دنده هیڅ وخت له یاده نده غورځولې، او تل یې په خپلو فعالیتونو کې انترناسیونالیستي سوسیالیستي اصل او انقلابي جنبش د خپل عمل ملاک ګرځولی دی.

داکتوبر د ستر انقلاب دغه ثمر (انترناسیونالیستي اصل) ته دثور انقلاب زړور قوماندان حفیظ الله امین تیر کال ددغه ویاړلي انقلاب دیو شپیتمې کالیزې دنمانځنې په غونډه کې داسې اشاره وکړه.

(... داکتوبر انقلاب له خپل پیل څخه انترناسیونالیستي ماهیت درلود او دسوسیالیزم بریالی ځکه چې په پتروګراد کې جګړه شوه د روسیې په سرحدونو کې ونه دریدی او لکه دلمر دوړانګو دڅپو په شان یې پر ټوله نړۍ اغیزه وکړه او د هغه خلا نده رڼا دنړۍ دانقلابي غورـ



استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خلق خود، در انکشاف تکامل کشور خویش سهم بگیرند.

• • •

انقلاب کبیر اکتوبر و تاثیر قاطع آن بر جنبش های کارگرورهایی بخش ملی جهان

• • •

داکتوبر دستر انقلاب اوه شپیتمه کالیزه

• • •

نگاهی به اهمیت بین المللی انقلاب کبیر اکتوبر.

• • •

انقلاب کبیر اکتوبر جهش بزرگی بسوی روشنایی وبهروزی.

• • •

اکتوبر کبیر در رابطه با هنر وادبیات.

• • •

نگرشی بر ادبیات شوروی.

• • •

درجهت آرامش ورفاه خلق شوروی.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر یا آغاز تاریخ نوین بشریت.

• • •

دشوروی اتحاد علمي، اقتصادي، صنعتي فرهنګي بریالیتوبونه.

• • •

شرح روی جلد:

مشت نیرومند وپرتوان خلق که فرق زورگویان واستثمارگران رامی شکند و پوزشانرا بخاک نابودی می مالد.

• • •

پشتی اخیر تمثالی ازژن کوچی

تبصره

انقلاب کبیر اکتوبر و تاثیر قاطع آن در جنبش‌های کارگری و رهایی بخش ملی جهان

با شکست تاثر بار و تاسف انگیز کمون پاریس (۲۹ ماه‌می ۱۸۷۱) بمثا به نخستین دموکراسی توده یی در جهان که پس از ۷۲ روز استقرار حاکمیت سیا سی زحمتکشان «هفته خونین» در تاریخ مبارزات طبقاتی دو خصم آشتی ناپذیر ودونیروی عظیم جهانی (کار وسرمایه) ثبت گردید ، هم بورژوازی وهم طبقه کارگر جهان برآن شد تا در تشکل، تهیج وصف آرایی نیرو برضد هم ، نتایج وتجارب حاصله ازآن را هوشیارانه و عاملانه در نظر گیرند وبرای تصرف سنگر های گرم مبارزه میتود ها وروش های قبلا بررسی شده وتدوین یافته یی رادر تیوری وپراتیك مبارزات شان پیاده نمایند .

کارگران دورانساز وپیشوایان خردمند و سترگ آن که‌از اشتباهات کمون پا ر یس مبنی برعدم موضع گیری کمونار هانسبت به بانك فرانسه بمنزله پشتوانه عمده مالی ستمگران، عدم مصادره دارایی عناصر ضد انقلاب وعدم پیوند عمیق طبقه ملیونی دهقان باکارگران زنجیر گسل، نتایج سودمندی را دریافتند ودر گسترده مبارزات طبقاتی آتیه ورفع اشتبا هات خورد و بزرگی که بورژوازی را قوت وجبهه انقلاب‌راتضعیف می‌نمود گام نهادند تاانجا که کار گران وزحمتکشان قهرمان روس بر هبری‌ولادیمیر ا یلیچ لینن پیشو ا ی ستمکشان سراسر جهان کوره را ههای سوزان و پر خم وپیچ مبارزه را برضد بورژوازی و ملاکین بزرگ، بر ضد ارتجاع وامپر یالیزم بین‌المللی وبرضد انواع نظریات وجریانات انحرافی چپ وراست طی نمودند وبا بزمین زدن نظام پوشالی وجبارترین ماشین ستمگری (دولت فیودالی - نظامی - امپر یالیستی تزاری) و شکستن دژمادی ومعنوی محیل ترین مفتنین سیاسی (کادتها ، منشویکهاواس‌ار ها) نخستین دولت سوسیالیستی رادر اکتبر ۱۹۱۷ در پهنا ور ترین کشور جهان بنیان گذاشتند .

باپیروزی انقلاب کبیر اکتبر واستقرار اولین کشور سوسیالیستی جهان است که نه تنها خلق میهن پرست وانترناسیونالیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از اسارت وبردگی نجات یافتند، بلکه همه کارگران، دهقانان وزحمتکشان جهان پادر جاده زندگانی نوین گذاشتند و چر خش عظیم‌تاریخی‌رابسود خویش استقبال نمودند . با پیدایش این‌نقطه عطف در سیرتکامل‌تاریخ اجتماعات‌بشریت که خلقهای زحمتکش جهان طی نبرد وستیز در سنگر های دا غ و جانگدازمبارزه‌یکی‌پی دیگر بحصول استقلال سیاسی نایل آمدند وچه بسا میلونها انسان زحمتکش که سابقا یوغ جانکاه سرمایه را حمل مینمودند، امور سیاسی، اقتصادی واجتماعی خودرا خودبدست گرفتند .

بشهادت تاریخ باید گفت: پیش از آنکه مشعل پرفروغ وزندگی بخش انقلاب کبیر اکتبر بمشابه ادامه وشکل تکامل یافته انقلاب ۱۹۰۵ روسیه راه نجات خلقها را عملاروشن نماید، جهان در اواخر قرن نزده واوایل قرن بیست به باستیل غیر قابل عبوری میماند که زندانیانش را همه خلقهای ستمدیده جها ن ومیرغضبان وزندان بانانش‌رافقط دولتهای‌چند کشوربزرگ صنعتی‌تشکیل میداد. ستمگران وآدم کشانیکه ماشین اقتصاد و سیا ست این چند کشور صنعتی را باختیار داشتند ، فرمانروایان تام الاختیار همه کشور هامحسوب می شدند که اراده شان میتوانست کشوری رابسوزد وتمدنی را یکسره نابود نماید .

قلدران وزور گویان سرمایه درهمه اکناف جهان پنجال انسانخوارش رابه گرده خلق فرو برده بودند ودیوانه وارازآن خون می گرفتند وهیچ کشور ضعیفی را تاب مقاومت وپنجه زدن بروی استعمار وامپریالیزم نبود . خلقها در تمام اکناف جهان یا بنام خلق کشور های مستعمره ونیمه مستعمره استثمار می شدند ویا با هزار توطئه ودسیسه استقلال سیاسی آنها ناقص وبی محتوا بود . عدهٔ از کشور های امریکای جنوبی وآسیایی که ازاستقلال‌سیاسی‌صوری‌برخورداربودندباهزاران بند تحت تسلط اقتصادی و سیاسی یك یاچند قدرت امپریالیستی درآمده وعلی الرغم تلاش خلقهای شان درراه تبدیل به مستعمره کامل بودند .

افغانستان نیز جزو کشور هایی محسوب می شد که بازار اقتصادی، سیاست داخلی وخارجی آن مستقیما از مرکز بریتانیا تعیین می گردید وامور دولتی آنرا مکناتن ها، برایدن ها، جنرال سیل ها وجنرال پالك ها کاملا در اختیار داشتند . (خط استعماری و نام نهاد دیورند یکی از ننگین ترین بازمانده های آن دوره سیاه است که خلق نجیب و شجاع ماحتی از شنیدن نام آن متنفراند) .

درآن سامان باوجودیکه‌تقسیم ممالك‌ضعیف میان‌استعماریون انجام یافته بود ولی این تقسیم نه تنها عطش آتشین استعمار و امپریالیزم را خاموش نساخت بلکه تناقضات وتضاد هارامیا ن آنها بصورت روز افزون تشدید می‌بخشید. تشدید تضاد ها وتناقضات میان کشور های قدیم صنعتی از یکطرف ومیان این کشور ها وکشور های قدرت مند جدید صنعتی (آلمان وجاپان) ازسوی دیگر چنان اوج بی سابقه یا فت که جنگ بین المللی اول را به یك امر ناگزیر تبدیل نمود .

جنگ بین المللی اول که‌جان ملیونهاعنصر فداکار ومیهن پرست را باعده یی بیشماری‌از اطفال معصوم وبیوه‌زنان طعمه‌یی حر یق ساخت ،چیزی نبود جز محصول جنا یات وفجایع رژیم‌سرمایه سالاری‌که بخاطردریافت ارزش اضافی جابران سرمایه آن همه‌قساوت وکشتار را بحق تمدن وانسان روا داشتند. «جنگ اول بین المللی محصول تشدید این تناقضات امپریالیستی بود . بدون تردید اگر جنگ جهانی اول در چار چوب تمایلات امپریالیستی یعنی با پیروزی این یا آن‌گروه امپریالیستی تمام می شد وضع موجوده مستعمرات با تغییری در این یا آن جهت حفظ میگردید . در این یاآن مستعمره بجای ارباب قدیمی ارباب جدید راه می یافت و مناطق از این دست به آن دست می افتاد ولی در اساس سیستم مستعمراتی تغییرات اساسی در دور نمای نزدیك خلقها قرار نمی گرفت وانقلابها ی ملی هنوز برای دوران طولانی ما نند انقلاب مشروطیت ایران (۱۹۰۶-۱۹۰۷) ودها جنبش انقلابی دیگربدون موفقیت نهایی‌به‌وسیله نیرو های‌امپریا لیستی سرکوب میگردید.»

جنگ بین ا لمللی ا و ل تنا قضات وبحران عمومی سرمایه داری را شدت بخشید وانقلاب کبیر اکتبر بعمق ودامنه آن هرچه بیشتر افزود ی بعمل‌آورد.

پیروزی انقلاب نجات بخش اکتبر تنها با ژرفا بخشیدن تضاد های حاد طبقاتی میان کشور های سرمایه داری محدود نماند ، بلکه در جنبش های رهایی بخش ملی که از انقلاب ۱۹۰۵ آغاز گرفته بود نیروتحرك ده چندان بخشید . خلق کشور ها ی مستعمراتی سابق باتکای قوه مادی و معنوی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جنبش‌های ضد استعماری وضد امپریالیستی را شدت دادند وتا ختم جنگ دوم جهانی سیستم مستعمراتی را از میان برداشتند . جنبش جهانی طبقه کارگر باستفاده از تجا ر ب ورهنمون های عام انقلاب اکتبر به موفقیتهای مزید وبی سابقه نایل آمد ودر عدهٔ قابل ملاحظه یی از کشور ها هم اکنون تماما اختیارات وقدرت اقتصادی وسیاسی به خلق تعلق دارد .

انقلاب دوران ساز اکتبر تنهابه کمیت کشور های که جنبش رهایی بخش ملی‌راطی مینمودند (ومی نمایند) نیفزود بلکه محتوا و کیفیت این جنبش رابا روح زمان و منافع زحمتکشان همساز ساخت .

اگر جنبش های رهایی بخش ملی تا قبل از پیروزی انقلاب اکتبر برهبری بورژوازی تحقق‌می‌یافت‌ودرعالیترین‌شرایط خود بورژوازی را مقتدر ورژیم سرمایه داری را مسلط می ساخت ولی بعد از پیروزی انقلاب اکتبر خلقها جهت رهایی واقعی‌خود باادوگاهی‌عظیمی‌دست یافتند . باین مفهوم که خلق های ستمدیده درك نمودند که هرگاه انقلابهای ضد فیودالی وضد رژیم های نیمه فیودالی برهبری بورژوازی صورت گیرد، در بهترین حالات خود دست آورد آن چیرگی ستمگران سرمایه واستقرار رژیم پردرد سرمایه سالاریست .

تعقیب راه رشد سرمایه داری که‌استثمار فرد از فرد را شدت بی سابقه می بخشد جز به هدر دادن نیروی مادی ومعنوی زحمتکشان ودرازاگرفتن عمر استثمار چیزی رادر دورنمای نزدیك باخود ندارد. ولی پیروزی انقلاب‌کبیر اکتبر باثبات رسانید که فقط ا نقلاب سوسیالیستی برهبری حزب طبقه کارگر می تواند نجات خلقها راوثیقه نمایدولاغیر.

درست پس ازانقلاب سترگ اکتبر است که انقلابات طراز نوین جای تیپ کهنه (بورژوا دموکراتیك نوع کهن) ر ا شغال می کند وراه ر شد غیر سرمایه داری محتوای سودمند ودموکراتیك خودرا نسبت به تعقیب راه پرمصیبت رشد سرمایه داری اثبات می سازد . مثال برازنده در اثبات این گفته شگوفایی اقتصاد کشور مغولستان است که خلق آن با تعقیب راه رشد غیر سرمایه داری وانجام انقلاب برهبری طبقه کارگر از جامعه فیودالی وماقبل فیودالی مستقیما به فرماسیون اجتماعی ، اقتصادی سو سیالستی گذار نمودند وبدون آنکه راه کلاسیك‌مبارزه (انقلاب بورژوا دموکراتیك نوع کهن)) راطی نمایند یك مرحله تاریخی را بکلی طفره زدند وجامعه فاقد استثمار فرد از فرد راایجاد نمودند .ازآن به‌بعد مشت خیانتکار بورژوازی در امر فریب خلقها بکلی بازشد وخلقهای ستمدیده دریافتند که‌مواعید بورژوازی مبنی بر پیاده نمودن دموکراسی اجتماعی کاملا دروغ بوده وهدف آن جز سیطره طبقه خود در تاروپود اقتصاد ، سیاسبت وفرهنگ‌اجتماعی چیز دیگری نیست . اینکه بورژوازی جای ملاکین را اشغال میکند نه‌استثمار نا بود می‌شود ونه دموکراسی به توده های‌زحمتکش میسر .

بورژوازی بخاطری شعار دموکرسی ورفاه اجتماعی میدهد تا رژیم سرمایه را بجای رژیم نفرت زده فیودالی جابجا وحاکمیت سیاسی واقتصادی طبقه خود را مستقرسازد. نتیجه آنکه با پیروزی انقلاب اکتبر محتوا و آرایش طبقاتی در انقلابهای رهایی بخش ملی تغیر کیفی یافت وخلقها پیروزمندانه راه نجات خود را برهبری حزب طبقه کارگر سراغ نمودند . تا کنون که ۶۲ سال از انقلاب کبیر اکتبر می گذرد تحت تا ثیر آن در عده زیادی از کشور ها به شمول افغانستان انقلابی ، انقلابات طراز نوین به نفع خلقهای زحمتکش تحقق یافته ومطمیناء در سایر کشور های مماثل نیز تحقق خواهد یافت .

انقلاب کبیر اکتبر درست سر آغاز زوال رژیم سرمایه داری وعصر انقلابات کارگری و اوج جنبش های رهایی بخش ملی محسوب میگردد . بدرستی میتوان ثابت نمود که تحت تاثیر مستقیم انقلاب کبیر اکتبرمنحیث

بقیه در صفحه ۵۸

داکتو بر دستر انقلاب دوه‌شپیته کالیزه

داکتو بـر دانقلاب د٦٢ کالیزی په مناسبت .

دوه شپیته کاله دمخه دشلمی پیړی ډیره ستره پیښه دشو روی سوسیا لیستی جماهیرو داتحادپه خاوره کی را منځ ته شوه دا پیښه داکتو بر دستر انقلاب دبر یا لـی تر سره کیدو څخه عبـارت‌وه.

داکتوبر ستر انقلاب چی دمار- کسیزم او لیننیزم دافکارو او ایډ- یاگانو ثمره او نتیجه ده په حقیقت کی په نړی کی دنوو انقلا بـی مبا رزوپیل گڼل کیږی . دغـه انقلاب له نړی وا لو څخه غو ښتنه وکړه چی دبشری ټو لنی داو سنی عصر دډیر ستر پرا بلم یعنی سولی او جنگ په باب خپل نوی ابتکارونه طرح او په کار واچوی . که څه هم

دسوسیا لیزم دښمنان تل‌ټینگارکوی چی دنړی ټول‌انقـلابو نه او انقلابی مبا رزی له جنگ او جگړی څخـه راولاړیږی خو واقعیت بل شی‌دی. دمارکسیزم او لیننیزم داید یالوژی پەرڼا کی دا خبره ثابته‌شو یده چی‌یو سو سیا لیستی انقلاب هیڅکله له جگړی څخه نه را منځته کیږی .

بلکی سو سیا لیستی انقلا بو نه تل‌دطبقا تی مبا رزی څخه سر چینه نیسی ، کار گری انقلابو نه دیـوی نوی مختللی اومترقی ټولنی‌دجوړولو

دغږدی آزادیو دتامینو لو او دبشری ټولنی دنیکمر غی او سو کا لـی دشرا یطو دبرا برو لودپاره تـل دسو لی او امنیت‌ته ضرورت لـری دهمدی دلیل له مخی گورو چـی سوله او سو له ایز گـډ ژوند دشو- روی اتحاد او نورو سو سیا لیستی هیوادو دبهرنی سیا ست بنسـټ او هسته تشکیلوی .

دشو روی سو سیا لیستی‌جما- هیرو داتحاد داکتو بر دانقلاب‌دبری دهما غو لو مړنیو ورځو څخه سو- سیا لیستی ټولنه دنړی وا لی‌سو لی او بین المللی امنیت داسا سا تـو دټینگیدو دپاره کار کړی او دغـه کار ته او سبی هم ادا مه ور کوی هغه فرمان او تا ریخی سند چی دنړی- والی سو لی او دمو کرا تیکوآزادیو دتا مین په خا طر صادر شو پـه وا قعیت کی داکتو بر دستر انقلاب دلو مړ نی رسمی سند څخه‌نمایندگی کوی .

ددغه سند او تا ریخی فر مـان څخه وروسته په شو روی اتحاد کی یولړ نور فر ما نو نه صادرکړی‌شول چی‌هر یوی دسو سیا لیزم دعلمی

اسا سا تو په پیاوړ تیاکی دستـر نقش در لودو نکی دی ددغـه فر مانونو په جمله کی دنړی‌دنورو هیواو نو سره دشو روی اتحـاد دخوااړ خیزو همکا ریـاوبه‌سوله- کی دگډ ژوند تا ریخی فر مان هم شا مل دی دشو روی اتحاد دسو له ایزو فر ما نونو په صادر ریدلوسره په۱۹۲۲ کال کی دژ نیـو بین- المللی کنفرا نس اود ۱۹۲۲ کال‌د دسمبر په میا شت په مسکو کـی دو سلو او پوځـی تجهیزا تو دمعیار درا ښکته کو لو بین المللی جر گه جوړه شوه دمسکو په ښار کـی دوسلو او پوځی تجهیزا تو محوه کولو ته یوا له جر گه په وا قعیت‌کی لو مړ نی جر گه وه چی داکتو بـر دستر انقـلاب په نتیجه کی جوړه شویده .

دژنیو په بین المللی کنفرا نس کی شو روی اتحاد پیشنهاد وکـړ چی‌په ټوله نړی کی دبی وسلـی کو لو اعلامیه خپره او ټوله نـړی له وسلو څخه پا که شی . په دغـه کنفرا نس کی شو روی اتحاد دلو- یدیځو گاونډ یـو هیوادو نو څخه غو ښتنه وکړه چی لږ تر لږه پـه محدوده تو گه دبی وسلی کو لـو پا لیسی تراجرا لاندی ونیسی .

په مقا بل کی‌پا نگه وا لو د بی- وسلی کو لو په باب دشو روی‌سو- سیا لیستی جما هیرو داتحـاد ددغه پور تنی غوښتنه لیـک‌د موادو دتطبیقو لو څخه ډډه وکړه .

داکتو بر دستر انقلاب څخـه را په دیخوا ددوه شپیته کلو نـو په موده کی دسو لی‌او بی‌وسلـی کولو له پاره مبا رزه چی دشو روی اتحاددبهر نی سیا سـت مهم هدف تشکیلوی پیل او لاتر او سه پوری روانه ده . همدا رنگه په آینده کی به هم دنړی والی سولی او‌بی‌وسلی کولو په خاطر مبارزه د شـوروی اتحاد دبهرنی سیا ست په سر کی واقـع دی . د ژنیـو د ۱۹۲۲ کال په بین المللی کنفرا نس کی‌چی دشو روی اتحاد په گډون دنـړی شپږو هیوادو داستا زو په بر خی اخستلو سره جوړ شوشو روی‌اتحاد دلو ید یځو هیوادو نو څخـه وغو ښتل چی خپلی ټولی وسلی سمد ستی محو او له مینځه یو سی مگر دلته هم پا نگه وا لو هیوادو نو ددغـه سو له ایز پیشنهاد دمنلـو څخه ډډه وکړه . دنړ یوا لی سولی‌او دجگړی دآثـارو دمحوه کو لو اوله مینځه وړ لو په باب دشو روی سو- سیا لیستی جما هیرو داتحاد داسا- سی قا نون په ۲۸ ماده کی داسی ویل شویدی :

«دشوروی سو سیا لیستی جما- هیرو داتحاد حکو مت او خلك‌دلیننزم داید یالوژی له مخی دنړی دبیـلا بیلو هیوادو نو سره په‌سو له کـی ژوند کول غواړی‌او دغه راز دنـړی دټو لو سوله غوښتو نکو هیوادو نو سره د گډو او خو اړخیزو همکاریو غو ښتو نکی دی »

نن یعنی داکتو بر دستر انقلاب دبر یالیتوب اود سو لی دلو مړ نی فرمان دصا در یدو څخـه دوه- شپیته کا له وروسته بیا هم دشو- روی اتحاد دحکو مت او خلك پـه نړی کی سو له غواړی او د بشری ټولنی دافرا دو دهو سا ینـی او سو کا لی په خا طر شپه او ورځ هلی‌ځلی کوی .

ټوله نړی په دی وا قعیت باندی ښه پو هیږی چی شو روی اتحـاد او نور سو سیا لیستی هیوادو نـه دنړ یوا لی سو لی‌او بین المللـی لو مړ نی او یوا زنی ساتو ونکـی او مـلا تړ کوو نکی دی او تـل هڅه‌کوی چی ټو لـی جنجا لـی مسئلی دروغـی جوړی لـه لاری څخه حل شی .

ددیتا نت سیا ست دسو لـه- ایـز گډ ژوند او سو له ایـزتفا هم دیاره ښـه بنسټ او پـه زړه پوری اسا س گڼـل کیږی ددغـه سیا ست له اهدا فو څخـه پیروی کول په حقیقت کی دبیـلا بیلـو اجتما عی سیستمو نـو در لودو نکو هیوادو نو تر منځ دسو له ایـز گـډ ژوند او خو اړ خیزو همکار یـو له‌پاره لاره‌او ارول دی .

جاویدان باد نام و کار رهبر انقلاب کبیر اکتوبر !

محمد آصف (خر می)

نگاهی به‌اهمیت بین المللی انقلاب کبیر اکتوبر

به همگان معلوم است که پایان سده نزد هم و آغاز قرن بیست، این قرن توفانی و پر آشوب پایان دوران تحول سرمایه داری کهن به سر ما یه داری انو ین و یا بعبا رت دیگر آغاز مرحلهٔ امپر یالیزم بـه حساب می آید .

در اواخر قرن گذشته و اوایـل قرن جاری از نظر اجتماعی نه تنها سر ما یداری کهن وارد مر حلـه نوین امپر یالیستی گر دید ، بلکه ساز مان های کار گری نیز رشد نموده و در دهلیز زمانه از پیچ و خم های پیکار و نبرد رویا روی به مر حله نوینی گام گذاشت کـه تمام حوادث اجتما عی و سیاسی بعد از آن مستقیم و غیر مستقیم به آن ار تباط پیدا می کند .

بر رسی مسایل مربوط به اواخر قرن گذشته و اوایل قرن بیسـت نشان میدهد که نهضت انقـلابی طبقه کارگر و بخصوص احزاب‌طراز نوین در کشور های سرمایه داری او لین یورش ها و حملات خویش را بالای سر مایه داری بصو رت منظم تحت ساز ما ندهی انقلابی آغاز کردند که متناسب به واقعیت های همان عصر و زمان و مطابق‌به خواسته های اساسی زحمتکشـان بود .

جنبش انقلا بی در آغاز قـرن بیست با جو شش آهنین درمیان ملل اروپا راهشس را باز نمـود و در روسیه تزاری پرو لتار یای آن کشور در معرض بیر حما نه‌ترین استثمار سر مایداری قرار داشـت از یك طرف بحران اقتصـا دی سا لهای ۱۹۰۰ ـ ۱۹۰۳ وضـع زحمتکشان را وخیم ساخـت و از جانبی هم افق های نوین پیکـار و مبارزه در میان صفوف طبقه کارگر پرتو افگنی داشت ، تا اینکه‌درسال ۱۹۰٤ جاپان بـه همکـاری و پشتیبا نی امریکا و انگلیس خود را آماده جنگ با روسیه میکرد. اما روسیه برای جنگ آمادگی نداشت.

بهر حال تزار روس پلان دیگری داشت که اگر درین جنگ فاتح از میدان بدر شود مستعمرات دیگـر هم بدست می آورد و جنبش داخلی راکه روز بروز جوشان و خروشان می شد و اوج می گرفت نیز امکان سر کوب میسر میگر دید وبه ایـن ترتیب جنگ در گرفت .

در جنگ جاپان پیروز گر دیـدو وضع روسیه و بخصو ص وضـع زحمتکشا ن بدتر شد ، و انقـلاب در دستور روز قرار گرفت .

گذشته از مرور انقـلاب ۱۹۰۵ درروسیه که تحت شرا یط داخلـی و بین المللی به وقوع پیوست که بررسی آن از حوصله این نبشتـه بیرون است انقلاب در سال ۱۹۰۵ آغاز گردید و تا سال ۱۹۰۷ ادامه یافت . و انقلاب به ناکامی انجامید.

اما این نا کامی مبارزه ، را در روسیـــه تشدید نمود تا اینکـه انقلاب بورژوا دمو کرا تیك‌فبروری سال ۱۹۱۷ و به تعقیب آن انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ به قوع پیوست . و با پیروزی آن منا سبات اجتما عـی نه تنها در روسیه بلکه به ار تباط روابط بین المللی و مبارز انقـلابی علیه امپر یا لیزم در سراسر جهان وارد مرحله نوینی گردید و تمـام واقعات و تحولاتی که بعـد از آن رو یداد ، اثر انقلاب کبیر اکتوبررا میتوان به چشم سر در آن مشاهده نمود .

با فرجام‌دوره کهن سرمایه داری و تحول آن به منا سبات امپریا یال یستی به نفع انحصا رات غول پیکر ، مبارزات طبقه کارگـر و زحمتکشا ن تشدید یافت و روابط اجتماعی در روند دگر گونی هـای عمیق به‌نـ فع پیکار گران با سرعت هرچه تما متر راه کمال و ترقی پیمود . چنانچه با پیروزی انقلاب سو سیا لیستی اکتوبر در سال ۱۹۱۷ نه تنها سلطنت تـزا ران روسیه و مناسبا ت استثمـا ری سر مایه داری در آن کشور سرنگون شد بلکه منا سبات بین‌المللی و بخصو ص آرایش نیرو هـای اجتماعی در جهان عملا دگر گـون گردید .

جامعه شنا سان مترقی ، تحـول پسندان و مبا رزات سراسر گیتی از پیروزی انقلاب سترگ اکتوبـر آگا هانه دفاع به عمل آوردند و در تمام کشور های جهان به شیوه ها و اشکال گونا گون سنگر هـای دفاع از انقلاب اکتوبر و آرمان های اکتوبر بمیان آمد ،و صدای‌اعتراض کار گران ،دهقا نان و رو شنفکران مترقی در جهان بلند شد تا دست تجاوز و مداخله از امور داخلـی روسیه انقلابی کوتاه گردد .

چون انقلاب اکتوبر فقط و فقط به سر حدات روسیه محدود نمانـد تاثیرات عمیق آن‌مایه وامید مبارزان در کشور های دیگر و بخصـوص در کشور های سرمایه داری گردید چهار ده کشور سر مایه داری بـا حیل مختلف و با وسایل مجهـز تمام امکانات مادی و معنوی خویش را به کار بردند تا در گـام اول انقلاب را در نطفه خفه کنند و اگر این امکان میسر نگردد ، حد اقـل از تا ثیرات بین المللی آن‌بکاهند.

درین میان انقلا بیون رو سیه بر هبری حزب دو رانساز طبقـه کارگر از میان توفان های سهمگین نبرد با غول سرمایه و ار تجـاع داخلی و بین المللی پیروز مندانـه در فش انقلاب را از گزند حمـلات دشمنان نگهدا شتند و روز بـروز بارو های انقلاب از استحکام هرچه بیشتر بر خور دار گردید چنانچـه مبارزه انقلا بیون روسیه بعـد از انقلاب نشان داد که هر کوه و هر تپه و هرخانه‌و کاش مانه وبخصوص سینه راد مردان زنان انقـلا بی و مبارزه در مقا بل حملات کین توازنه دشمنان به سنگر دفا عاز انقلاب مبدل گردید و تمام دسا یـس ، توطئه ها و شانتاژ دشمن جایـی را نگر فت .

او لین پیام انقلا بیون روسیه‌به خلق‌زحمتکش و ستمد یده آنکشور توزیع رایـگان زمین به دهقا نـان و نخستین پیام اکتوبر کبیر بـه جها نیان پیام تامین صلح و طرف داری جدی از صلح جهانی بود که هم در روسیه و هم در جهـان با احسا سات انقلابی خلق هـای سرا سر گیتی مواجه گردید وانقلاب عملا راهشس را در اردو گاه های دشمن باز گرد .

بر وایت تاریخ بعد از اکتوبـر کبیر نهضت های انقلابی طبقـه کارگر در کشور های سر مایه‌داری اوج گرفت و جنبش هـای آزادی

بقیه در صفحه ٤۳

جاوید و مستحکم باد دوستی خلل ناپذیر خلق های

اسمعیل

انقلاب کبیر اکتوبر جهش بزرگی بسوی روشنائی و بهروزی

هنگامیکه مطابق پلان تجاوز کارانه‌ی «بار با روس» آلمان فاشیستی با بسیج کردن همه قوای خود بر سر زمین انقلاب کبیر اکتوبر تجاوز را آغاز نمود. همه کسانیکه عظمت وشکست ناپذیری خلق را نمی دانستند و یا تجاهل عارفانه می نمودند چنین قضاوت می کردند که کشور شوراها در مقابل این تجاوز سیل آسا مقاومت نخواهد کرد و از پا در خواهد آمد، نظیر این قضاوت در کشور ما نیز تحت تاثیر تبلیغات دروغین انگیریز وعمال داخلی آن چنین اراجیفی زمزمه می شد. ولی تاریخ گواه است که نه تنها کشور شوراها از پا نیافتاد ومردانه وار تحت لوای با عظمت سوسیالیزم و بر هبری حزب آهنین و قهرمان کارگری خود همه خلقها نیرا که در تحت استعمار و وحشت فاشیستی قرار داشتند آزاد ساخت.

آری در همانوقت نیز بشریت ترقی خواه و صلح پسند، انسانهای آگاه وامیدوار به آزادی واقعی انسان درپهلوی آنکه ایمان قوی داشتند که سر زمین انقلاب کبیراکتوبر نابود نخواهد شد با همه وجود با دل و جان همراه وهمنوا با خلق شوروی و اردوی نجات بخش آن در نظر و عمل علیه فاشیزم این طاعون بزرگ انسانیت می رزمیدند.

انقلاب اکتوبر چرا، چی وقت، تحت رهبری کی و چطور آغاز یافت؟

صبح گاه روز ۲٤ اکتوبر سال ۱۹۱۷ وقتی که حکومت موقت (این حکومت در فبروری سال ۱۹۱۷ به اشتراك همه احزاب و دسته های سیاسی پس از شکست تزاریزم روی کارآمد ولی درین حکومت اکثریت بدست ملاکان و سرمایداران بود) روزنامه‌ی «راه کارگر» ارگان مطبوعاتی حزب بلشویک را مورد حمله قرار داد، بی درنگ گاردهای سرخ وسربازان انقلابی بدستور کمیته ی مرکزی بدفاع و حفظ بنای روزنامه برداختند و نیز در همان حال با سدا ری کاخ «سمولنی» مقر ستاد قیام راتشکیل دادند. رهبر نابغه ی انقلاب کبیر اکتوبر درین وقت خود را شخصاً و بدون هراس از هزاران خطری که دشمنان متوجه وی‌ساخته بودند، به مسمولی رسانید تا رهبری قیام را شخصاً بعهده گیرد. در بامداد ۲۵ اکتوبر مراکز تیلفون وتلیگراف، ایستگاه رادیو، پل های عمده ی‌پایتخت (پطرو گراد)، ایستگاه های راه آهن و مهم ترین ادارات پایتخت به تصرف کارگران، سربازان و ناویان انقلابی مسلح در آمده بود. به هنگام انجام قیام نبوغ بی همتای رهبر انقلاب کبیراکتوبر دررهبری خلقها در خشش بی نظیری داشت.

وی با خرسندی و با جسارت خلق های انقلابی را رهنمائی می کرد و با روشن بینی اعجاب انگیزی پیشرفت حوادث‌را پیش بینی می نمود بنا به گفته ی کسانیکه ناظر بودند و لادیمیر ایلیچ در آن روز های چرخش کبیر، شادمان بود، هیجان داشت گوئی نوری بخصوصی درونش را روشن ساخته بود، تردید نداشت و مطمئن بود.

بارهبری ایلیچ لینن‌و حزب بلشویک، با فداکاری و قهرمانی کارگران‌گارد سرخ، سربازان و ناویان انقلابی، این بزرگترین حادثه ی تاریخ بشری بوقوع پیوست، حکومت سرمایه داران و ملاکان واژگون شد.

ساعت ۱۰ صبح ۲۵ اکتوبر کمیته ی انقلابی نظامی پیامی خطاب به خلق روسیه انتشار داد پیام را شخصا ایلیچ نوشته بود. درین پیام نوشته شده بودکه حکومت موقت واژگون شده و قدرت بدست شوراها ست خلق به هدفی که در راهش مبارزه و فداکاری نموده دست یافت.

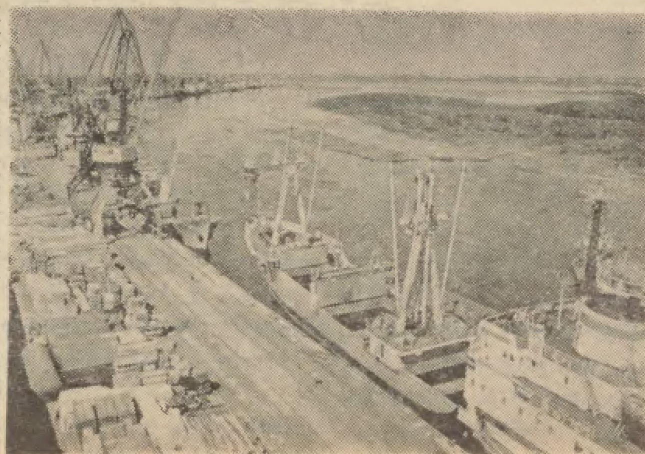
شب ۲٦ اکتوبر بدستور حزب‌وایلیچ فرمان صادر شد که کاخ زمستانی که در آن وزیران حکومت موقت اقامت داشتند بی درنك اشغال شود و دیگر آفتاب اکتوبر کبیر این روشنگر راه خلقهای روسیه وجهان دیگر کاملا طلوع کرد، انجام پیروزمندانه‌ی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر دوران نوینی - دوران سوسیالیزم رادر تاریخ آغاز نهاد.

بشریت گامی استواری در راه نجات وترقی بر داشت. بدینسان حزب بلشویك برهبری ایلیچ بزرگ، خلق روسیه را به پیروزی تاریخی بی همتائی رسا ند انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر به سراسر جهان، به تمام خلقهای کره ی زمین، نشان داد که طبقه ی کارگر همراه با دهقانان تهیدست دارای چه قدرت عظیمی است هرگاه رهبری آن بدست حزب انقلابی مجهز با ایدیالوژی مترقی باشد. انقلاب پیروزمندانه ی اکتوبر یك انقلاب واقعا خلقی بود. بدنبال این پیروزی بزرگ ودر نتیجه ی آن نظام سرمایه داری استثمارگر و ستمگر در کشوری به مساحت یك ششم کره ارض ریشه کن شد.

برای نخستین بار در تاریخ بشریت حکومت بدست زحمت کشان برهبری طبقه ی کارگر افتاد.

با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر، بشریت پا بمرحله‌ی نوینی از رشد و تکامل خود نهاد، دوران تلاشی امپریالیزم و سرمایه‌داری‌دوران پیروزی سوسیالیزم و جامعه ی بدون طبقات آغاز گشت.

همه می دانیم که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در بحبوحه ی جنگ جهانی اول به پیروزی رسید. روی همین ملحوظ اولین کار لازم‌در مقابل انقلاب مسئله‌ی صلح قرار داشت رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بتاریخ ۲٦ اکتوبر اولین خطابه ی تاریخی خود را در حالیکه شش صدوپنجاه نفر نماینده از تمام اطراف واکناف کشور در کاخ سمولنی جمع شده بودند در باره‌ی مبرم ترین وظایف و در راس آنها مسئله صلح ایراد نمود. مسئله‌ی صلح مبرم ترین و حاد ترین مسئله ی روز بود که نوده های ملیونی زحمت کشان، عطشان‌آن بردند. بنا به پیشنهاد رهبر انقلاب کبیر اکتوبر، کنگره فرمان صلح را تصویب کرد (مراد از کنگره درینجا شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان است که قبل از انقلاب و در پهلوی حکومت موقت و علیه آن از طرف زحمتکشان تاسیس شده بود ودر طول زمامداری حکومت موقت ماهیت ضد انقلابی این حکومت را وسیعا افشا کرد). این‌نخستین اقدام صلح جویانه ی حکومت شوروی بود در برابر سیاست اشغالگرانه ی بورژ-



افغانستان واتحاد شوروی!

وازی امپریالیستی. (از آنروز تا کنون سیاست خارجی دولت سوسیالیستی اتحاد شوروی همیشه و بطور پیگیر درخدمت صلح و دوستی بین خلقها و ملل بوده‌است) فرمان صلح مصوبه ی کنگره‌ی دوم‌شوراها **دارای اهمیت زوال ناپذیر تاریخی است** در همین کنگره دومین موضوع مهم‌مسئله زمین بود و رهبر انقلاب کبیر اکتوبر نیز پس از مسئله صلح به مسئله ی زمین پرداخت و لایحه ی فرمان زمین را که‌خودش تهیه کرده بود، قرائت کرد. مسئله ی **دلچسپ** ومهم درینجا اینست که رهبر انقلاب کبیر اکتوبر از شروع قیام با مداد ۲٤ اکتوبر الی صبح ۲٦ اکتوبر **قطعاً** استراحت و خواب نکرده بود و در همین حال مسائل مهم تاریخی را نیز داهیانه رهبری می کرد.

(زیرا او در کمیته ی نظامی انقلابی بود و قیام را رهبری می کرد، سپس در طول تصرف کاخ زمستانی فرمان می راند، در توقیف وزیران حکومت موقت، در گشایش کنگره ی دوم شوراها ... الی صبح ۲٦ اکتوبر). فرمان زمین درکنگره‌ی دوم شوراها به تصویب رسید طبق این فرمان مالکیت ملاکان بر زمین تماماً برای همیشه و بلا عوض ملغی شد، زمین به مالکیت خلق در آمد. با اجرای این فرمان یکصدو پنجاه ملیون هکتار زمین زراعتی مجاناً به دهقانان واگذار گردید.

و لی کشور بادشواری های بسیاری روبرو بود. قبل از هر چیز می بایست به جنگ پایان داد. دول انگلستان، فرانسه و ایالات متحده (متحدین روسیه ی تزاری در جنگ اول جهانی) علی رغم پیامهای مکرر حکومت شوروی از مذاکره درباره صلح با آلمان خود داری می کردند. رهبر انقلاب کبیراکتوبر بازهم بانبوغ داهیانه‌ی خود یگانه راه حل این موضوع را انعقاد صلح جداگانه با آلمان شمرد و لی بازماندهای بورژوازی و اژگون شده، منشویکها واس - آرها و نیز تروتسکی و هم چنین گروه کمونیستهای چپ رو؟! **با انعقاد صلح باآلمان مخالفت** می کردند. و لی بروز ششم ماه مارچ ۱۹۱۸ هفتمین کنگره‌ی حزب بلشویک در پطرو گراد گشایش یافت. مسئله‌ی مهم‌تر این کنگره در جمله ی سائر مسائل مهم سوال صلح بود. (این کنگره اولین کنگره ی حزب پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر بود یعنی پنج ماه بعد از پیروزی انقلاب) سر انجام بعد از جرو بحث زیاد و مخالفت منحرفین و مرتجعین بتاریخ ۱٤ ماه مارچ ۱۹۱۸ قرار داد صلح« برست- لیتوفسک» با آلمان امضاء شد.



مردم اتحاد شوروی به‌جاهای‌سرسبز، غرض‌سپری کردن رخصتی های شان می‌روند

ازین فرصت صلح دولت شوروی تحت **رهبری‌ایلیچ لینن‌برای تحکیم مواضع سوسیالیستی** وانقلابی بسرعت دست بکار شد و این کار مبنای استدلالاتی بودکه رهبر انقلاب کبیر اکتوبر برای انعقاد قرارداد صلح ارائه می نمود.

انقلاب کبیر اکتوبر در حالیکه دسیسه و توطئه‌ی مرتجعین و مفت خواران داخلی به‌کمك و حمایه ی ارتجاع وامپریالیزم بین المللی بشدت علیه آن ادامه داشت راه خود را به پیش می پیمود و از هیچ مرتجعی واز هیچ نوع دسیسه ی هراس نداشت. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر کسانیرا که از برتری بورژوازی سخن می گفتندو به استعداد خلاقه‌ی خلق ها باور نداشتند، به حکومت شوروی تهمت می زدند، سگان حقیری می‌دانست که‌بر سر راه **حرکت** فیل زور مندی پارس میکنند وی می گفت: «بگذار غوغو کنند ما راه خود را خواهیم رفت».

رهبرانقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر نه فقط بطور کلی بلکه با رهنمائی های مشخص به انجام کار بزرگ ودشوار نوسازی سوسیالستی کشور پرداخت او بود که امر نظارت کامل بر تولید و توزیع کالارا سازمان داد. او می گفت: «محاسبه ی پول را منظم ووجدانی **انجام بده»، درامر تولید مقتصد باش و** ریخت‌و پاش نکن، تنبلی نکن، دزدی‌نکن، انظباط کار را دقیقاً مراعات کن ..».

اوهم چنان کارگران رابرای افزایش بازده کار و رشد و توسعه ی صنایع سنگین، صنایع تولید سوخت. فولاد سازی و ماشین سازی فرا خواند. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در پیشبرد کار ساختمان سوسیالیستی اقتصاد کشور اهمیت‌بزرگی برای ساز ماندهی وگسترش مسابقات توده ای قایل بود. او می گفت‌در سوسیالیزم برای نخستین بار امکان فراهم‌ می شود که به مقیاس وسیع و خلقی مسابقات تولیدی سازمان داده شود. وی

هم چنان معتقد بود که سوسیالیزم‌بدست خود توده های خلق ساخته می شود. زیرا باساختمانی سوسیالیزم زندگی نوینی برای خود فراهم میکنند که رفاه مادی آنها و رهائی آنها را ازقید استثماروانواع واشکال ظلم و ستم تامین می کند.

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر دوران نوی را پدید آورد دورانی که در آن انسانها «خود با آگاهی کامل ایجاد تاریخ خود را آغاز کردند» نقش **عامل ذهنی در پیشرفت اجتماعی بمیزان** فوق العاده زیادی افزایش یافت. اهمیت شگرف تئوری علمی که دگرسازی سوسیالیستی جامعه بدون آن غیر قابل تصور است از همینجا ناشی می شود اهمیت اصولی و غیر قابل تعویض نقش رهبری حزب پرولتری وانقلابی حزب‌طبقه‌ی کارگر یعنی پیشرو ترین و انقلابی ترین طبقه که با فراگرفتن این تئوری قادر است بموقع وبا قاطعت تجزیه و تحلیل

بقیه در صفحه ٥٦



پیکره پوشکین در شهر مسکو

اکتوبر کبیر در رابطه باهنر وادبیات

م. عاقل بیرنگ کوهدامنی



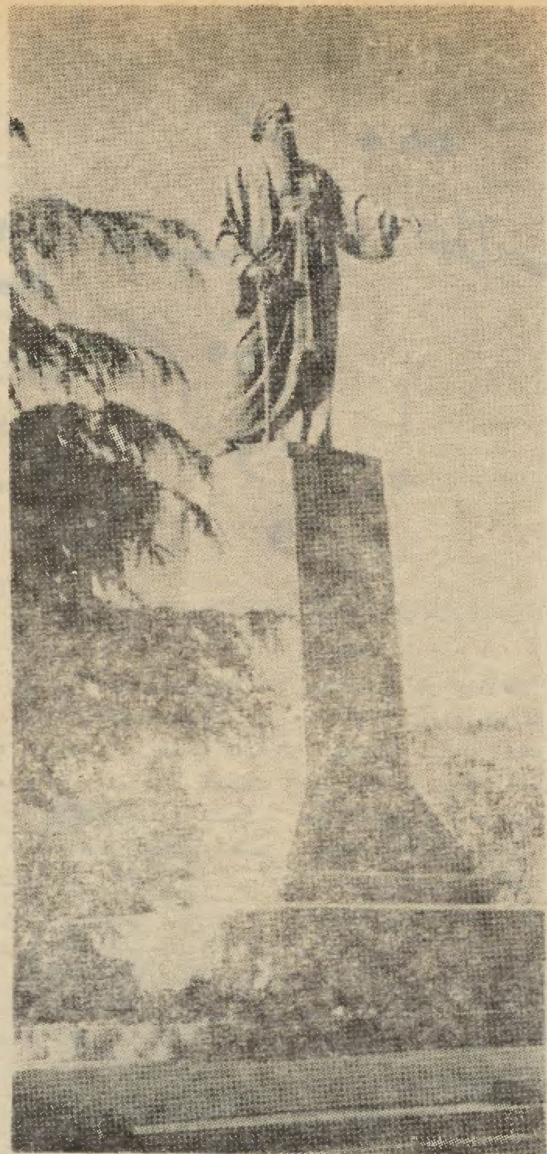
حبیب الله فیض الله شاعر معاصرجمهوری‌سوسیالیستی تاجکستان شوروی

انقلاب کبیر اکتوبر که به‌پیش آهنگی طبقه ی کارگر و رهبر پرنبوغ کارگران سراسر جهان در ۲۵ اکتوبر (۷نوامبر) **سال ۱۹۱۷ در پهناور ترین سرزمین** (روسیه) پیروز گردید در همه ی زمینه ها دگرگون شگفت انگیزی پدید آوردو بر خاک توده های رژیم های استبدادی و ارتجاعی ترین نظام های اجتماعی بنیادی استوار گذاشت و دنیایی دور ازطبقات وبر کنار از استثمار انسان به وسیله انسان و مناسبات فرسوده ی اجتماعی آفرید. انقلاب اکتوبر همه‌ی نهاد های ظالمانه را فرو ریخت و مژدهٔ آزادی و رهایی‌انسان راداد. **رهبران جهان بینی علمی طبقه ی کارگر ازسال ها پیش شبحی را بر فراز اروپا درگردش می دیدند**، شبحی که پیام آور زندگانی نوین بود و نوید آبادی و سربلندی ملت ها را می داد. اندیشه پردازان جهان بینی علمی طبقه ی کارگر **مرگ قطعی اقتصاد و فرهنگ محتضر** غرب را پیش بینی کرده بودند. وبه روشنی دریافته بودند که غرب با مناسبات کهن سرمایه داری خویش به آخرین مرحله امپریالیسم رسیده است و غروب می کند، پیشوایان جهان‌بینی فلسفه مترقی طبقه ی کارگر چه تحقق این آرمان را در یکی از کشور های صنعتی سرمایه داری غرب پیش بینی می کردند. اما به پایمردی و پیکار بی امان ولادیمیر ایلیچ لنین انقلاب کارگری **درسرزمین پهناور روس پیروز گردید و این پیروزی سرآغازی دیگر است درتاریخ** تکامل جوامع انسانی - و شگفت‌انگیز ترین حادثه است در درازنای تاریخ **زندگی انسان، البته نباید از نظر دور داشت که پیش از انقلاب پرولتری اکتوبر** نیز در جهان انقلاب هایی رونما گردیده **اما این انقلاب ها در سطح بوده واز درون** توده ها نجوشیده، و بیانگر احساساتی نیستند که طبقات رنجبر و سازندگان راستین تاریخ جوامع انسانی حس می کنند انقلاب کبیر اکتوبر برای زنجیر شکنان سراسر جهان برای رنجبران و برای آفریدگاران واقعی تمدن های شکوهمند **مژده‌ی رهایی و آزادی داد. انقلاب رهایی** بخش کبیر اکتوبر به‌گفته‌ی رهبر دانشمند آن **: به** سراسر جهان راه سوسیالیسم را راه نجات طبقات رنجبر را نشان داد و به صراحت اعلام داشت که پایان سیطرهٔ بورژوازی فرا رسیده است. وبا آموزش انقلابی می توان برای همیشه به این آیین **پایان داد**. پیشوایان جهان بینی علمی طبقهٔ **کارگر از رشد ناموزون اقتصادی**، سیاسی، جوامع سرمایه داری در مرحلهٔ امپریالیستی آن نتیجه میگیرند که کشور های مختلف در دوران های مختلف به سوی سوسیالیزم روی می‌آورند. و هدف انقلاب های کارگری چیزی بغیر از واژگون‌کردن حاکمیت استثمار گران و استواری دیکتاتوری پرولتاریا وبنیادنهادن مالکیت اجتماعی سوسیالیستی به جای مالکیت خصوصی بورژوازی، حل عادلانه ی مساله ارضی به سود دهقانان، رهایی خلق های وابسته از ستم استعماری وملی نیست: دیکتاتوری پرولتاریا قرار دادن دموکراسی سوسیالیستی برای زحمت کشان به جای دموکراسی برای استثمارگران و آغاز دوران حاکمیت واقعی خلق است،

پس از پیروزی انقلاب کارگری اکتوبر کبیر، کشور ها یکی پس دیگر در پی رهایی و آزادی برآمدند و برای ساختمان **سوسیالیسم در تلاش صمیمانه اند** واین ساختن جامعه نوین و افراختن درفش های کارگری در جهان تجسم‌واقعی‌وآموزش پیشوایان راستین جهان بینی علمی طبقه کارگر است، غرض در این مقاله ی فشرده آن نیست که همه‌ی دست آورد های اکتوبر **کبیر مورد تحقیق قرار گیرد چه این** کاری است سنگین و متضمن فرصتی فراوان و حوصله ای فراخ. در این مقالت فقط به زمینه ی فرهنگی انقلاب کبیر اکتوبر می پردازیم، زمینه های اقتصادی سیاسی اجتماعی این رویداد بزرگ تاریخ بشریت در رساله و مقاله و حتی کتابی نمی تواند بگنجد، بگذریم.

از تذکر این نکته نیز ناگزیرم که همین قلمرو فرهنگی و مسایل ادبیات و هنر با ارتباط به انقلاب کبیر اکتوبر هم کاری آسان نیست و خواهان پژوهش گسترده است در این مقالت سیمایی کلی از ادبیات پیش از پیروزی اکتوبر کبیر کشور شوراهارا به اختصار به دست **می‌دهیم و پس از آن اندکی مفصل تاثیر انقلاب‌کبیر اکتوبر را بر ادبیات و هنر** از بکستان و تاجکستان که در شمارجمهوریت های آسیایی اتحاد جماهیر اشتراکی سوسیالیستی شوروی می آید و بیشترین افتخارات ادبی و فرهنگی ما با آنان مشترك است بررسی می کنیم. سرزمین ما را از **روزگاران دیرین باینسو با ساکنان آن** طرف آمو دریا پیوند های عمیق فرهنگی بوده است، از خوارزمی گرفته که درستاره شناسی و ریاضیات و الجبر استاد بود تا رودکی آن شاعر تیره چشم روشن روان، الغ بیك که رصد خانه اش حادثه ای شگفت در آن روزگار به حساب می آمد، **تا ابوریحان بیرونی بزرگ مرد اندیشه** وقلم و علی شیر نوایی شاعر و دانشمندگرانمایه. گاهی این سوی دریا بود ندوگاهی **افتخار نامه‌های عصر خویش رادر آن سوی** دریا می نوشتند، ما را با برادران تاجك وازبك و ترکمن آن سوی دریا رابطه ای کهن تر از تاریخ است و بسیاری ازمیراث های فرهنگی ما امتزاجی جدایی ناپذیر دارد، **وباتوجه به‌این موضوع ادبیات این دو قلمرو را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.**

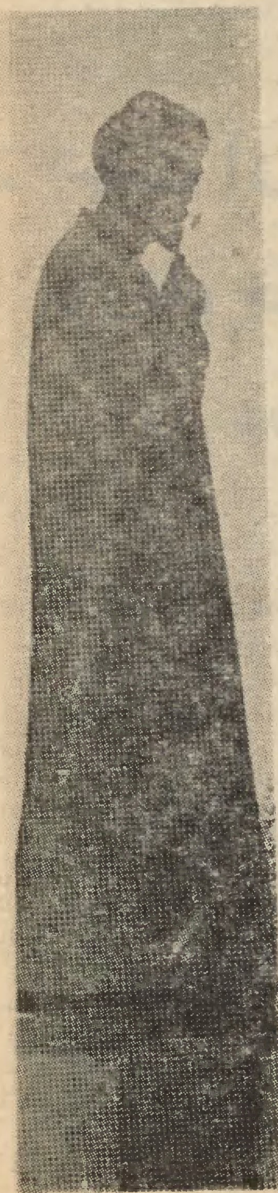
دگرگونی هایی که پذیرفته وشکوفانی هایی که یافته. البته پیش از بررسی نگاهی هرچند گذرا و شتاب زده برروسیه پیش از انقلاب باید افگند، روسیه ی پیش از انقلاب سرزمینی بود گسترده وپهناور و تشکیل یافته از ملیت های مختلف با فرهنگ ها و نژاد و زبان های متفاوت، تزاران چکمه پوش و نیکلای های پاشنه آهنین با زور سرنیزه و با منطق شمشیر حکومت می کردند. تزاران و نیکلای‌ها



پیکره رودکی درشهر دوشنبهٔ تاجکستان

به غیر از فرهنگ روس وزبان روس به ادبیات و فرهنگ ملت های دیگر اجازه رشد و باروری نمی دادند واصولا می کوشیدند که ملت های دیگر را تحت بیرحمانه ترین استبداد فرهنگی قرار دهند. تلاش آنان بر این پایه بنا یافته بود که توده ها را در تاریکی و نادانی فرو گذارند تا آنان از سر آگاهی ودانایی پی به ماهیت کثیف آنان نبرند. طبقات حاکم و ستمگر همیشه در طول تاریخ ازبیداری توده ها ترسیده چه بیداری خلق سرنگونی خود شان است و بااین ملاحظات بود که تزاران وسردمداران خودخواه آن زمان با زور و شکنجه خلق های دیگر روس را وامی داشتند که فقط زبان روسی را بیاموزند وفرهنگی بومی را کناربگذارند، روسیهٔ پیش از انقلاب کبیر اکتوبر گذشته عجیبی داشت، حتی مسایل مذهبی در زیر نظر تزاران باید انجام می پذیرفت تزار خود را وارث حکومت الهی در زمین می دانست و با استفاده از این نقاب به غارت تاراج و بیدادگری می پرداخت. مذهب در دست تزاران آلت دست بود و روحانیان اجیر نیز مسایل مذهبی را به سود، سودپرستان و ستمکاران توجیه و تفسیر می کردند. اگر صدای اعتراض از گوشه ای بلند می‌گردید، ماموران پاشنه آهنین تزار به سر کوبی می شتافتند وهرصدای‌اعتراضی رادر نطفه خاموش می کردند یا سداران تاریکی و بیداد از درخشش هر ستاره ای اگر چه کم فروغ. در هراس بودند، آنان با سیاهی و تیرگی مانوس گشته بودند و سود خویش را در زیان دیگران می جستند. تزاران از خون رنجبران کاخ های سیم اندود می ساختند و قبه های زرین بر فراز کاخ‌ها و کلیساهاکه دا می بودند برای اغفال و فریب خلق می نشاندند اگرچه این از خود راضی هاو زرپرستان وستم کیشان وخود کامگان گاهی در اثر اعتراض های دهقانان که در می یافتند از طرف ارباب های بی‌فرهنگ استثمار می‌گردیدند ودست‌به شورش‌می‌زدند، عقب نشینی می کردند ورفورم‌های سطحی پدید می‌آوردند. اماخلق رانمی توان برای همیشه در لباس شبانی فریفت باری‌امتیاز هایی‌که نیکلای‌ها وتزاران ستمگر به دهقانان می دادند نتوانستند روحیه مبارزه را در آنان ازمیان بردارد چکمه پوشان پاشنه آهنین سنگین‌دل تزار با سر نیزه های شان دشت هارا وکوهپایه ها را از خون شورشیان رنگین می کردند اما نمی توانستند نیروی ایمان را و مبارزه را در آن دل سپردگان راه آزادی و حقیقت بکشند. از خون یک انقلابی هزاران انقلابی می رویید. اگر درفش مبارزه از دوش یک فدایی به زمین می افتاد فدایی های دیگر آن را برافراشته وسر بلند می داشتند، کشاورزان به گونه ی پراگنده مبارزه می کردند. کارگران با دریافت این واقعیت که ثمرکار دست ودماغ شان در جیب سرمایه دار و صاحب کارخانه فرو می ریزد، همیشه اعتراض داشتند، ستیزه می کردند اما این ستیزه ها این اعتراض ها و نفی کردن ها پراگنده بود. تنظیم نیافته بود و برای تنظیم آنان و تشکل و بسیج آنان به حزبی نیرومند و فدایی نیاز بود. حزبی که بتواند باانضباط وصمیمیت‌آرمان های سیاسی طبقه کارگر را بازتاب دهد. آنان را بسیج کند و به نیروی عادی مبدل کند ویک مثبت محکم وهمبسته‌بسازد تا بااین همبستگی و با این جهان‌بینی به دژ دشمن یورش برد و قدرت سیاسی رااز دست طبقات حاکم به رنجبران جامعه انتقال بدهد.

کلاسیک های جهان بینی علمی طبقه ی کارگر از نخستین روز های سده ی نزده با نبوغ انسانی این را دریافته بودند که راه رهایی انسان آینده، راه رشد سرمایه داری نیست و به این باور بودند که‌راه نجات توده ها وخلق، راه رهایی استثمار انسان به‌وسیله‌انسان است‌که‌جامعه‌ی بدون طبقات می تواند پاسخ‌گوی نیازهای انسان باشد. کلاسیک های جهان بینی علمی طبقه ی کارگر به روشنی دریافته بودند که شبحی که در گردش است ضامن پیروزی، خوشبختی و آزادی آینده ی انسان های روی زمین است. ودر راه تحقق این آرمان که خانواده ی بزرگ بشری را از رنج، فقر، شکنجه، عذاب وتفاوت های طبقاتی نجات دهد، مبارزه پیگیر و صمیمانه کردند و سرانجام منطق پرولتاریا را به کرسی نشاندند و انقلاب کارگری با رهبری دانشمندانه و. ا. ل. در قلمرو پهناور روس پیروز گردید، باید به خاطر سپرد که‌راه مبارزه راهی آسان‌گذر و بی خطر نیست و در هر قدمی دشمن توطئه می چیند و دام می گسترد و با لطایف الحیل می کوشد، جلو سیل خروشان و توفنده ی پیکار های میهنی وخلقی را سد کند، انقلاب کبیر اکتوبر نیز یکشبه نبالیده است در ختی‌است که ریشه های آن را خون آزادی خواهان آب داده و شاخ و برگش را سیراب کرده است. مبارزه در راه آرمان های رهایی بخش قربانی می طلبد، متضمن فرصتی است که توده ها به نیروی خود ایمان بیاورند و سازندگی خویش را دریابند بار ها از طرف طبقات حاکم برای انقلابی‌ها محدودیت خلق شده و شکنجه دیده اند. بیشترین روزهای زندگی پیشوای کارگران جهان در بیرون از خاک روسیه گذشته و در دشوار ترین شرایط‌مبارزه‌را رهبری کرده و با امکانات بسیاراندک آثار علمی خودرا تدوین کرده است. در دشوار ترین روز های زندان قلم را ازدست نه نهاده وپیام خویش را از سلول های زندان نیز به گوش رنجبران وانقلابی ها رسانیده است.



پیکره امیرعلی شیر نوایی درازبکستان‌شوروی

فرخنده باد شصت ودومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر !

ترجمه : داود

درجهت آرامش ورفاه خلق شوروی

**

در چند ماه نخست انقلاب کبیر اکتوبر ، فرا مین و فیصله های صادر شد که بعضی ازین فرامین و فیصله ها پیرا مون حفظ و حمایه وتندر ستی رنجبران ، زحمتکشا ن و زار عان و تعیین‌هشت ساعت کار در روز و بوجود آمدن بیمه های اجتماعی بود .

اقدا مات و عملیات اضطراری همز مان با صدور این فرامین و فیصله ها نیز در قسمت صحت و سلامتی مادران‌اولاد دار ، پشتیبانی و حفظ سلامت اطفال . ملی کردن دوا خانه ها، سنا توریم ها ، استرا حتگاه های صحی ، که زیر- بنای سیستم اجتما عی خد مات صحی عموم مردم را در بر می گیرد نیز صورت گرفت و فیصله بعمل آمد که بیش از همه جنبه صحت خلقهای زحمت کش مد نظر گرفته شود .

حق یکنفر تبعه روسی ، درمورد تضمین صحت وی ، در قانون اساسی اتحاد شوروی ؛ درج است.

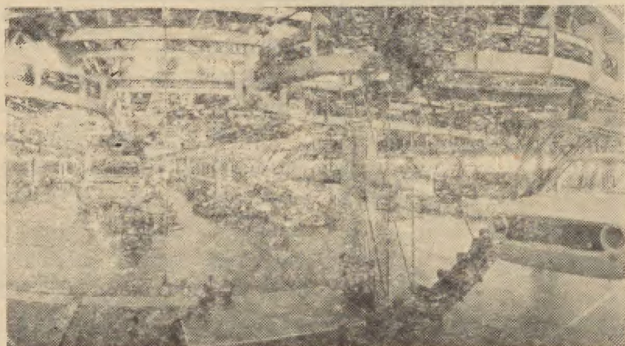
اتحاد شو روی ، در جهان ازنگاه انجام خد مات صحی برای مردم مقام اول را دارا می باشد .درسال ۱۹۷۳ به تعداد هفت صد و شصت هزار داکتر در اتحاد شو روی مصرو ف کار بودند که آنها یک چهارم داکتران دنیا را تشکیل می دادند باو جودیکه جمعیت آن وقت این کشور صرف هفت فیصد نفوس گیتی را تشکیل میداد وبرای هرده هزارنفر بیش از سی و پنج داکتر مصروف فعالیت بودند . (در سال مذکور در جمهو ری فدرالی آلمان ۲۱٫۵ داکتر در امریکا ۱۹٫۴ در فرانسه ۱۷٫۵ در برتانیه ۱۵٫۷ نفر داکتر برای هرده هزار نفر وجود داشت) .

البته هرگز نمیتوان سیستم صحی کنو نی اتحاد شوروی را با دوران قبل از انقلاب اکتو بر مقایسه کرد زیرا در روسیه زمان تزار ها برای هرده هزار نفر صرف یك داکتر وجود داشت . امروز همه ساله از کالج های طبی این کشور بیش از چهل هزار داکتر فارغ التحصیل می شو ند . چنانچه در سال های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۵ تقریبا ۲۱۲ هزار داکتر و بیش از ۱۸ هزار دوا ساز از دانشگاه های طبی فارغ و آماده خدمت برای خلقهای کشور شان گردید ند و امروز برای هرده هزار نفر بیش از ۳۴ داکتر وجود دارد .

مکاتب متو سطه طبی ، همه‌ساله اضافه از یکصد هزار نفر محصل پار امد یکل راتقدیم اجتما ع می کند و اکنون بیش از ۲۱۲ ملیون نفر از این کار گران طبی در سرتا- سر اتحاد شوروی فعالیت میکنند .

خد مات طبی در اتحاد شوروی بکلی مفت و رایگان انجام میشود. همچنان این گونه خد مات برای مردم در کلینیك ها خیلی صمیما نه و بدقت صورت می گیرد و حتی داکتران کلینیك ها ی نزد یك جهت معاینه بمنزل مریض میروند ، مصا رف امبو لانس ، داخل بستر شدن ، عملیات و غیره مریض را، دولت می پر دازد .

بطو رمثال عملیات اپند یسی به شمول چهار روز بستر شدن در شفاخانه برای حکو مت ٦٥ روبل تمام میشود و طی مدت ۹ روز که که یك زن حامله با طفلش دریك زایشگاه میگذرا نند ۱۷۵ روبل را بمصرف می رسانند .



گوشه از ورکشاپ پرزه جات وبسته کاری‌موترسازی «ویلوژونسکی» دراتحاد شوروی .

دولت اتحاد شوروی ، در سال ۱۹۷٤ بیشس از ۱۰ر٦ هزار میلیون روبل را ،در این چنین خد مات بمصرف رسانید .

دولت اتحاد شو روی ، سالانه برای هر فامیل چهار نفری ،بیشس از یکصدو پنجاه روبل را جهت مصرف خد مات صحی آنها بمصرف می رساند و کل این پول سالانه در بودیجه دولت در نظر گرفته میشود . در روسیه قبل از انقلاب مصا رت خد مات صحی فی نفر به ۹۱ کپیك می رسید و این مبلغ نیز در حساب و کتاب دولت شامل نبود .

اوسط طول عمر کار گران و دهاقین قبل از انقلاب اکتو بر در حدود ۳۰ سال بود وامروز اوسط طول عمر آنها به بیشتر از هفتاد سال رسیده است واکثر امراض ساری خو فناك ریشه کن گردیده در حالیکه در زمان تزار ها سالانه

یك تعداد زیاد از مردمان روسی را این امراض بسوی نا بودی می کشانید .

همچنان در سا! های پیشس از انقلاب در روسیه سا لانه اضا فه‌از نیم ملیون کودك باثر کو لرا، چیچك و طاعون تلف می شدند . بعد از انقلاب تمام نیرو و قدرت مردم در راه از بین بردن امراض فقر و بیسوا دی و غیره بکار اندا خته شد و زند گی تمام افراد شوروی از طرف سرو یس ها ی صحی بر ر سی و وقا یه گرد ید چنا نچه یکی از شعار های امروز

اتحاد شو روی ، در زمینه حفظ صحت مردم چنین است :

«سرو یس های صحی شوروی صحت و سلا مت جسمی مردم شوروی را بدون تبعیض نژادی جنسی و سن تضمین وطور مجانی معالجه میکند» .

سرو یس های صحی به‌سیستم جدید مبارزات دامنه دار و فعالیت های خستگی نا پذیری را در ازبین بردن امراض مختلف براه انداخته و درین راه مو فقانه پیشس می روند . همچنان کمیته های‌مخصوص بیماری های ساری که بعد از انقلاب بفعالیت های خود آغاز نموده تا کنون برای صحت‌وسلامت مردم شوروی خدمات ار زنده ایرا انجام داده و مید هند .

اینکه اوسط طول عمر در اتحاد جما هیر شو روی هفتاد سال است چنین معنی نمی دهد که بعد از سن مذکور مردم تحت کنترول

طبی قرار نمی گیر ند بلکه مو سسات صحی در کشور شوراها همیشه و بصو رت پیگیر کوششس و تلاش مینما یند تا زمینه خوبی را برای صحت مر دم فراهم نموده بطول عمر آنان تا سرحد امکان خدمت نمایند .

باساس همین کو ششها و تلا شهای دامنه داریکه در امور طبابت صورت گرفته بعد از انقلاب کبیر اکتو بر ، دا کتران آن سر زمین بر اکثر بیماری ها غلبه حاصل نموده اند .

روی این منظور است که امروز اضافه از سی میلیون اشخاص که سن آنها از یکصد سال تجاوز میکند درنقاط مختلف اتحاد شوروی بسر مـی برند بر علاوه بیشس از دو میلیون افراد یکه عمر شان از هشتادسال و بیست‌میلیون کسانی که عمر شان از شصت سال تجاوز میکند در روسیه پهناور حیات به سر می برند .

امروز معیار و فیات در اتحاد شو روی بصورت عمو می نسبت بز مان قبل از انقلاب برای هرهزار نفر چهار مر تبه ، و در قسمت اطفال یازده مرتبه پایان آمده‌است.

خد مات طبی در اتحاد شوروی تا مرز امکان در خدمت هر فردی از افراد آن کشور قرار داشته و هر شخص حق دارد از کمك های طبی از نزد یکترین کلینیك محل سکو نت خویشس مستفید گردد .

تا سال ۱۹۷۵ در اتحاد شوروی زیاد تر از ٤١٠ر٦ هزار کلینیك معاینه بیما ران در خدمت مریضان قرار داشت و طی سالهای اخیر پنجصد کلینیك بزرگ نیز روی‌این رقم اضافه گردیده است .

هر کلینیك خد مات اولیه طبی ، بیست و چهار ساعت بروی مراجعین باز بوده به تداوی واقعات عاجل می پردازد . امبو لا نسهای این کلینیك ها نیز که اکثر آنها با وسایل کافی و ادویه لازمه‌برای مریضان قلبی ، مسمو میت ها سو ختگی و غیره مجهز می باشد بیست وچهار ساعت در خدمت بیما ران قرار دارند .

این کلینیك ها و سائر سازمان های طبی اتحاد شو روی کار های مفد ماتی حمایو وی را همیشه‌برای مردم انجام میدهند و آنان را از بیماری ها وقایه می کنند .

خد مات بیمار ستان ها :

امروز در اتحاد شو روی ، برای بیمارانی که مرض مشخص دار ند و بایست داخل بستر شفا خانه گردند بیشس از ۲ر۸ میلیون بستر وجود دارد که این رقم برای هرده هزار نفر ۱۱٤ بستر می رسد و عدد مذکور با مقایسه با سائر کشور های جهان به شمول امریکا درشت ترین رقم می باشد .

تا اواخر سال ۱۹۷۵ تعداد بستر های شفا خانه ها در اتحاد شوروی به سه ملیون می رسیدکه باین حساب هژده هزار جمعیت ۱۱۷ بستر داشتند اما امروز این رقم بیشس از پیشس تزئید یافته است .

اکثر بیمار ستان های که درین او اخر در اتحاد شوروی سا خته شده اند خیلی بزرگ و اختصاصی می باشند . این شفا خانه ها در شهر ها دارای هزار بستر و در قریه ها از سه صد تا چهار صد بستر دارند .همچنان اکنون‌سازمان های اختصا صی طبی آن کشور به سطح خیلی بلند ار تقاء نموده و شکل مرکز وقایوی و معا لجوی را بخود گرفته اند.

خد مات طبی وابسته به سازمان ها :

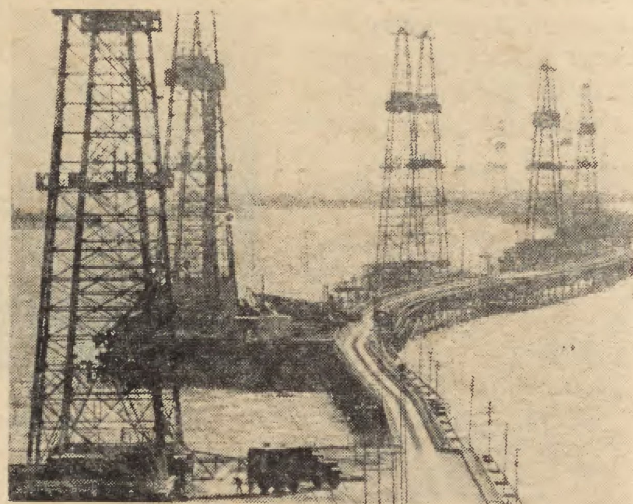
بر علاوه انجام خد مات معالجوی در اتحاد شو روی در جهت طب وقایوی نیز گا مهای سریع وبلندی بر داشته شده و هزا ران سازمان صحی ، در سراسر اتحاد شوروی. برای وقایه صحت افراد مصروف‌کار و فعالیت می باشند.

همچنان همه ای کار کنان طبی اتحاد شو روی ، از تمامی نقاط کار و مساکن بود وباش عمو می کار گران و شعبات مامورین باز رسی مینما یند و بصورت منظم از کار گران و ما موران ، معاینه طبی بعمل می آورند و نه تنها به تداوی و معالجه آنها می پر دازند بلکه کوششس می کنند در نخستین قدم به تداوی او شان بپر دازند .

روی همر فته این ساز مان ها و مو سسات تمامی پرو بلمهای طبی را منسجم‌کرده با داکتران دانشمند مشوره های را بعمل می آورند و بعد با قدا مات موثری می پردازند. این گونه فعالیت های ارز شمندرا بیشتر از سایر دستگاه های طبی در سنا توریم ، ها بیمار ستا ن ها پولی کلینیك های امراض تناسلی ومراکز مشورتی میتوان مشا هده نمود .

در اتحاد شو روی ، همه ا ی مراکز صحی و داکتر ها با همکاری اتحا دیه های تجارتی ، مصرو ف مطالعه شرایط عمو می تولید بوده و تلاش دارند تا زمینه های رابرای کار گران بوجود آورند که برای حفظ صحت و تند رستی آنان‌مفید واقع گردد . این منظور ، همه‌ساله پلان انجام وظایف طبی در ساحه

لطفا ورق‌بزنید



منظره یی ازچاه های نفت‌آذربایجان شوروی

کار ، کارگران بین مو سسات اتحادیه تجارتی و دوایر ذیعلاقه بامضاء می ر سد .

طب وقایوی در شوروی

در اتحاد جما هیر شوروی ، پرنسیپ عمومی در خد مت صحی ، همانا جلو گیری از امراض است . باین اساس اقدا مات وقایوی بر علاوه کلینیك های ایالتی از طرف مو سسات‌مخصوص طبی نیز ، همه ساله انجام داده‌می شو د . مرا کز طبی و ظیفه دارند تا تما می افراد و خلقهای را که در محوطه و دور دست آنها می باشند بطور منظم و بصورت دقیق معاینه نمایند تا امراض مهم را قبل از آنکه گسترش یابند در یابند و از نفوذ آنها جلو گیری بعمل آورند .

بر علاوه ساز مان های طبی و کلینیك ها ، از طرف شبکه عمومی صحی نیز ، فعالیت های و قایوی صورت می گیرد . شبکه عمومی صحی که ملیون‌ها انسان صحت‌مند در آن کار می کنند توجه خاصی در قسمت معا ینات اطفال،محصلان زنان حامله و کسا نیکه که درشرایط غیر صحی کار میکند مبذول میدارد. دراتحاد شوروی همه مر یضانیکه فشار خون بلند داشته وبیمار نیکه از ناحیه قلب و چشم د چار تکلیف باشند مو ردتوجه بخصوص قرار میگیرند .

از فعا لیت ها، تلاشها ومعاینات وقا یوی که در فوق ذ کرگردید نتیجهٔ قابل توجه ای بد ست آمده وبیش از یك ملیون نفر بیماری که موا جه بخطر سر طان بودند از شر این مرض خا نمان سوز نجات داده شد و اکنون در حال صحت وسلا مت زیست مینما یند.

این توا میت طب وقایو ی‌ومعالجوی است که در پهلوی فعالیت های اقتصا دی اجتماعی ،صحت‌مندی توام با سعا د تمندی را برای همه ملیت هااتحاد شو روی،بوجو د آ ور ده است.

مو سسات تحقیقا ت طبی

در اتحا د شو روی به‌تحقیقات طبی تو جه خا صی مبذول میشود و برای انجام این کاردر آن‌سرزمین بیش از چها رصد انستیتو ت تحقیقاتی علمی وجود دارد که هر یك با پر ابلم های جدا گانه‌ای سر وکا ردارد .

در جریان چند سال اخیر زیر بنای یك تعداد انستیتوت های‌زیاد تحقیقاتی دیگر نیز گذ اشته شد که از آنجمله میتوان انستیتوت های گسترو انتر وجی ، پلمو نولو جی ، نفلو سننرا ، ،پیو ندعضلات انستیتوت طبی و رائت ، کنترول اد ویه طبی و غیره را نام برد. اکا دمی علوم طبی شو روی،دربین اوا خر یکی ازشعبا تخو د را درسا یبر یا نیز افتتاح کرده و تعدادی از دانشمند ان شو روی در انجا نیز مصر وف مطا لعات وتحقیقا تسو دمندی می باشد.

بعضی ازانستیتوت های تحقیقاتی تحقیقات بزرگ و دامنه داری رادر قسمت جلو گیری و تداوی امراض ویرو سی و انتانی قلبی و غیره انجام میدهند و برخی‌از انستیتوت های بزرگ آن کشور مصروف تحقیقا ت بیرا مون ، امراض قلبی نسائی و غیره میبا شند .

روی همر فته همه انستیتو ت های تحقیقا تی اتحاد شوروی کار های خیلی‌بزرگ و مهمی را درجهت خدمت به صحت و سلامت مردم شوروی وجهان‌انجام داده و میدهند.

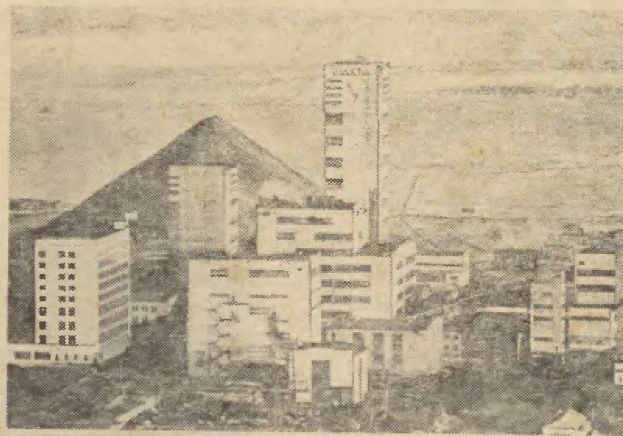
افزایش عواید اصلی جمعیت :

در سیستم سر مایه داری، پولی که ، یکنفر کارگر در مقابل کارش، بدست می آورد ، تنها عایدی است که باآن ما یحتاج مادی و اجتما عی خویش را بدست می آورد و بسر آورده می سازد .

در اتحاد جما هیر شوروی ، با آنکه عایدی که یك فرد در برا بر انجام خد ما ت بدست می آورد منبع عمده در آمد او میباشد . اما یگانه منبع عا یداتی او را تشکیل نمیدهد زیرا کار گران و فامیل های شان، بر علاوه معاش ، عواید فرعی دیگری نیز دارند و این عواید را ، منحیث حقوق و امتیا زات شان از عواید ملی بدست می آورند .

کل‌پولی را که کار گران با این نام بدست می آورند بنام سر مایه مصرف اجتماعی یاد می کنند از این رو ، عواید حقیقی خلقهای زحمتکش اتحاد شوروی عبارت از معاش آنها با ضافه امتیازاتیست که از سرمایه مصرف اجتماعی مستحق میشو ند .

به عباره دیگر ، عواید حقیقی مردم شوروی ، عبارت است از معاش و دستمزد ، تضمین های اجتماعی ، مصرف اجناس متنوع، انجام خد مات امداد آزاد پولی



صعود و نزول قیم و غیره و این به معنی آن است که عواید حقیقی خلقهای اتحاد شوروی منعکس کننده ارزش هایست که کل آن شا خص اسا سی در نشان دا دن، آسایش همه جانبه جمعیت اتحاد شوروی می باشد .

پیشرفت سریع در تو لیدات اجتماعی اتحاد شوروی ، توام با افزایش در عواید حقیقی جمعیت است لذا همان طوری که در اتحاد شوروی سطح تو لیدات بلند رفته از سال ۱۹۴۰ تاکنون این عواید برای هر فرد ۴٫۵ مرتبه بلند رفته است .

امروز سویه زندگی مردم در قریه های نزدیك ،معادل به سو یه زندگی مردم شهر یست و در پلان پنجساله گذشته پنجاه و چهار هزار میلیون روبل برای افزا یش عواید حقیقی منظور گردیده و در پلان کنونی مبلغ مذکور به هفتاد و دو هزار میلیون روبل ارتقا داده‌شده این عمل باین منظور صورت گرفت که یك فامیل چهار نفری از آغاز پلان پنجساله جاری سالانه مبلغ یك هزار ربل بیشتر بدست آورد. پس در ینصو رت میتوان گفت که عواید حقیقی فی نفر در اتحاد شوروی به سی و یك فیصد در پلان کنو نی پنجسا له به مقایسه پلان گذشته بلند رفته است .

منابع اساسی تزئید عوایدجمعیت هما نا بلند بردن اندازه معا شات است که برای کار گران فابر یکات و کار کنان فارم ها، پر داخته میشود . این پول سه بر چهار حصه عواید حقیقی هر کارگر را در بر‌می گیرد و یك بر چهار حصه دیگران از خزانهٔ پو ل مصر ف اجتماعی برای آنها داده میشود .

در اتحاد شوروی ، معاش کار گران‌و ماموران ، در قدم‌نخست افزایش می یابد زیرا کار های موثر و مهارت های آنها باعث‌تزئید معاش اساسی آنان میشود .

طی پلان پنجسا له جاری‌دستمزد ها در سر تاسر کشور و در تمام شعب اقتصاد ملی افزایش داده‌شد و معاش آنانی که دارای عواید متوسط بودند بلند گردید برای کار گران شب کار ، نسبت به سابق دستمزد زیاد تری تادیه گردید وبرای کسانی که در شرایط نا مسا عد اقلیمی و فابر یکاتی چون صنایع آهن و فولاد کار می کنند و برای خد متگاران ترا نسپو رتی شبانه ، امتیا زات جد یدی در نظر گرفته شد که در نتیجه در زند گی همه مردم اتحاد شوروی بخصوص نود میلیون کارگر و کار کنان شعبات گونا گون یك دگر گو نی چشمگیر اقتصادی پد ید آمد .

همچنان طی این پلان ، دستمزد ها و معا شات مستخد مین متوسط الحال اضافه شد و حد اقل‌دستمزد تعیین گردید وحقوق متقاعد ین به معیار جدید سنجیده و پر داخته شد .

در معاش داکتر ها، معلمین‌مکاتب و ساز مان های تر بیت اطفال قبل از مکتب، مکاتب ثانوی و مسلکی بیست فیصد تزئید بعمل آمد .

گذشته از آن طی این پلان امداد پولی دولت برای محصلین که موفق به تحصیلات عالی میشو ند و مکاتب اختصا صی بصورت قابل ملاحظه ای افزایش یافت‌ودستمزد ها و معا شات ، مستخد مین متوسط العوایدمناطق شمال اتحاد‌ـ شوروی ،شرق دور ، سا یبر یا اورال و نواحی قزا قستان و آسیای میانه اضافه گردید .

معاش زنان کارگر ، بدون درنظر داشت ایام حاملگی که ۱۱۲ روز را در بر می گیرد صد فی صد اضافه شد و در عواید زارعین در فارم هایشان از سی تا سی وپنج فیصد تزئید بعمل آمد. و در باره بهبود هر چه بیشتر زندگی زار عانی که بصو رت دسته جمعی روی فارم‌ها کار می کنند تصا میمی اتخاذ گردید .

در جهان امروز ، داشتن خا نه گرم یك پرا بلم عمو می مردم دنیا را تشکیل‌میدهد و در اتحادشوروی باین مو ضوع توجه خاصی مبذول میشود تا این مشکل در کوتاه ترین مدت حل شود .

روی این منظور دو لت شوروی سالانه ، مبالغ هنگفتی را جهت اعمار خانه ها و منازل گرم‌مسکونی بمصر ف می رساند .

چنا نچه تنها در طول دوازده سال یعنی از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۲ بیش از بیست و هفت عشاریه سه ملیون اپار تمان در آن کشور اعمار گردیده و در حدود سی عشاریه پنج ملیون نفر یا دارای اپار تمان های جدید شدند و یا شرایط منازل شان بهتر از گذشته ساخته شد .

در سال ۱۹۷۳ دو عشاریه سه ملیون آپار تمان بر علاوه آپارتمان های سابق تحت سا ختمان قرار گرفت و این اپار تما نها شرایط زندگی یازده و نیم ملیون نفر دیگر را بهتر و آسوده تر گردانید.

امروز اتحاد شو روی از نگاه حجم کار های سا ختمانی و خانه های مسکو نی در دنیا مقام اول را حایز است و از نظر تعداد آپارتمان تحت اعمار برای هر یك هزار نفر در ردیف پنج کشور جهان باز هم مقام درجه اول را دارد .

در طول دوازده سال متذ کره بیش از نصف تمام جمعیت اتحاد ـ شوروی دارای منازل عصری جدید شدند ولی باوجود این وبر علاوه‌ـ ایکه در سالها ی اخیر بیش از دوازده سال قبل ، در شو روی اپار تما نهای مسکو نی اعمار گردیده و با همه سرعت بی نظیری که در اعمار منازل بکار می رود هنوز هم مو ضوع مسکن در آن کشور بطور کلی حل نشده است زیرا مردم شوروی قبل از انقلاب کبیر اکتو بر ، زندگی فلا کتباری داشتند و جنگ عمو می دوم‌جهانی مشکلات فراوان و خرابی ها ی را برای آن کشور بار آورد و طی ده سال اخیر سی ملیون نفر به جمعیت این کشور زیاد گردید .

در طول سا لهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ شوروی ها ، هفتاد و سه وـ نیم هزار میلیون ربل را بمصر ف آپار تمان ها رسا نیدند و این رقم نظر به پنج سال قبل دوازده ونیم فیصد بیشتر بود . در جریان این سا لها بصورت عموم از پنجصدـ و هشتاد ملیون مربع متر زمین‌برای سا ختمان تعمیرات کار گرفته شد موثریت این‌پرو گرام ساختمانی را میتوان ازین حقیقت درك نمود که در روند پنج سال تعداد خانه های که ساخته شد از تمام خانه های که در سال ۱۹۵۰ در اتحاد شوروی موجود بود زیا د تر بود و برای بیش از شصت میلیون نفر خانه های جدید کفایت کرد و شکل زندگی آنها را دگرگون گر دانید .



منظره از چاه ها ی نفت آذر بایجان شوروی

آپار تمان ها از طرف دولت توزیع میشود .

در اتحاد شو روی ، تقسیمات آپار تمان های جدید از طرف حکو مات محلی و نماینــد گان‌کارگر ها با همکاری و معاونت اتحادیه های تجارتی و غیره ساز مان ها، در قریه ها و شهر ها صو ر ت می گیرد .

هدف از اعمار و توزیع آپارتمان ها ، این است تا مردم در آرامی و سعاد تمندی زندگی نمایند و از همه ای وسایل و لوازم عصری و مدرن استفاده نموده بتوانند .

کمترین کرایه :

دولت اتحاد جما هیر شو روی برای مردم خویش خانه را یکان مید هد اندازه اپار تمانی که به یك نفر داده میشود مربوط به‌تعداد فامیل اوست . بطور مثال ،در فدراسیون اتحاد شوروی اپار تمان ها به اساس ۹ متر مربع فی نفر داده میشود . اما دراو کراین این ساحه به سیزده عشاریه شش متر مربع میر سد .

کرایه اپار تمان ها به شمول پول حفظ و مراقبت و خدمات اجتما عی مانند برق ، گاز ، آب گرم و غیره عموما اضافه تر از چهار یا پنج فیصد بودجه یك فامیل نمیشود این پرداخت ها برعلاوه ایکه‌به هیچ صورت مصا رف سا ختمان را که‌از طرف دولت صورت گرفته تکافو کرده نمیتوا ند حتی از اندازه مصرف حفظ و مراقبت آن نیز خیلی کمتر می باشد . باقی‌مصارف حفظ و مراقبت عمارت از طریق صندوق مصرف اجتما عی تادیه میشود . از سال ۱۹۲۶ تاکنون به کرایه اپار تمان ها افزو دی بعمل نیامده است .

کو پرا تیف های اماکن

سا ختمان خانه های جدید تا چندی قبل در شهر ها از طرف دولت صورت می گرفت اما چون تاکنون دولت نتوا نسته صدفیصد احتیا جات اپارتمان هارا برای‌مردم حل کند درین اواخر خانه سازی در اتحاد شو روی به شکل کو پرا تیف و تحت رهنما یی کمیته های متشکل از نماینده گان طبقه کارگر ، مو سسات و ساز مان‌های که کو پراتیف های سا ختمانی را روی کار آورده اند صورت می گیرد .

اعضای کو پرا تیف ها ی سا ختمان اماکن‌عبارت از کارگرانی هستند که بمیل و آرزوی خود شان میخواهند منزل شان را آبادسازند البته طرح نقشه های آن از طرف مو سسات خانه سازی بر اساس استندرد قبول شده با در نظر دا شت خوا هش اعضای کو پراـ تیف ها ریخته میشود .

چهل فیصد پول سا ختمان این گونه اپار تمان باید قبل از آغاز کار آن تادیه شود . شصت فی‌صد باقی پول آن از قرضه دولتی تامین میشود این پول در جریان ده تا پانزده سال باید با سود نیم فیصد واپس پر داخته شود .

دولت تمام تسهیلا ت حیاتی .از قبیل احداث سر کها خطوط موصلات ، تیلفون ،خد ما ت کلتوری و اجتماعی را در جوار این خانه ها بمصرف خود انجام میدهد .

در نواحی دور دست عمو ما خود مردم یا بمصرف خویش و یا به قرضه دولت و فارم های که روی آن ، کار های دسته جمعی صورت می گیرد ، خانه های شخصی می سازند و دولت زمین این چنین‌خانه ها را ، در دسترس کو پراتیف های شهری و دهاتی میگذارد .

یك اپار تمان راحت بخش برای هر فامیل :

در اتحاد شو روی ، درساختمان عمارت ، از طریقه های بسیارپیش رفته صنا عتی استفاده بعمل می آید . روی این منظور یك تعداد زیاد فابر یکات اختصا صی قسمت های عمده عما رات را ، در چهار دیوار خود می سازند و صرف برای جابه جا کردن آن به تعمیر آورده میشود .

طی نهمین پلان پنجسا له خود اتحاد شو روی ، توجه خاصی در قسمت جنسیت مواد سا ختما نی و طرح و دیزاین بهتر و مرغو بتر و نقشه خوبتر و مقبو لتر منازل مبذول داشت تا از هر نگاه‌عمارات زیبایی بو جود آید .

اتحاد شو روی بزودی یك پرابلم عمده اجتماعی را از بین می برد . یعنی برای هر فامیل یك اپار تمان راحت بخش با تسهیلات لازمه آن مهیا می کند .

بقیه‌درصفحه۴۶

نگرشی برادبیات شوروی

هارون یوسفی

دراواخر قرن ۱۹، در روسیه تزاری مبارزات طبقاتی روزبروز اوج میگرفت و مخالفت هاویرخاش ها ادامه مییافت وهمین بودکه سازمان طبقه کارگر بوجود آمد.

و۰ای۰ لینن درمقاله «خاطره هرتس» (۱۹۱۲) مینویسد:

«حرکت خلقها طوفان است۰ کارگران یگانه طبقه ای اند که پیش روان مبارزات اند اولین توفان در سال ۱۹۰۵ بوقوع پیوست وتوفان بعدی آن درپیشروی چشم ما اوج میگیرد»۰

موضوع اساسی جریانات ادبی این دوره همانا مبارزات خستگی ناپذیر نویسندگان وهنرمندان مترقی بخاطر بوجود آوردن ریالیزم سوسیالستی وضدیت شان در مقابل هنرارتجاعی وبورژوازی بود۰

ادبیات کلاسیك روس رول بزرگی را درانکشاف معنوی جامعه بازی نمود.زیرا این ادبیات زیر شعار «خلق ودموکراتیزم» تمام خواستههای تودههای عظیم را ترسیم مینمود.

نویسندگان بزرگ ادبیات پرولتری چون ماکسیم گورکی، سرافیموویچ،دیمیان بیدنی اکوپیان وغیره ، مبارزات انقلابی خلقهارا بخاطر ایدال سوسیالیزم در آثارخویش بصورت روشن ترسیم نمودند .مقالات نویسندگان مترقی به طرفداری ازبلشویك هاهمیشه درجراید «ستاره» و «حقیقت» به نشرمیرسید ریالیزم انتقادی درشروع قرن۲۰رول مهمی رادر روشن ساختن اذهان مردم بازی نمود .

لیو تولستوی ،چخوف ،بونین، کوپرین ویدی سایف، الکسی تولستوی وهمچنان مایاکوفسکی . بلوك و یسینین نویسندگانی بودند که آثار بزرگ و ارزشمندی ازخود بجاگذاشتند۰ آثار عالی ریالیزم انتقادی این دوره عبارت اند از : «حاجی مراد» و«پس از مجلس رقص» تولستوی، «باغ آلو بالو» و «نامزد» چخوف، «آقایی ازسانفرانسسکو» بونین و بسیاری از اشعار میهنی بلوك .

نویسندگان درآثار خویش جهات مختلف حکومت آنزمان رامورد انتقاد شدید قرار میدادند ونفرت وانزجار خودراعلیه عساکرتزاری مامورین دولت دستگاه کثیف بیروکراتی دولتی آشکار میساختند آنها درآثارخود جامعه طبقاتی اقشار و تبعیضات را درشرایط کپیتالیزم بصورت واضح بیان می نمودند .

حزب بلشویك به رهبری لینن توجه خاصی درمورد بوجود آمدن هنر جدید پرولتری نمود لینن اساسات تیور یك ادبیات سوسیالستی را درسال ۱۹.۵ درمقاله «سازمان حزبی وادبیات حزبی» آماده ساخت۰ لینن درین مقاله پرنسیپ های ادبیات حزبی را بیان نموده است . ماهیت اساسی پرنسیپ های حزبی را درساحه ایدیولوژی وتیوری، لینن بصورت مشخص درسال ۱۸۹۰ درنوشته های خویش فورمول بندی نموده است .

«حزبی بودن برای ادبیات کارگری-یعنی صف گرفتن در جهت انقلاب وطبقه مترقی معاصر وهمچنان فشار وظلم سیاسی واستثمار را برای خلق هاروشن ساختن است معنی حزبی بودن برای نویسنده، هماناقبول کردن ودانستن ایدیالوژی طبقه کارگر، پخش ایده سوسیالیزم ، همدردی و عشق به خلق وپشتیبانی از مبارزات ایشان بخاطر انقلاب رابطهٔ روشن اوبا طبقات مبارز ، طبقه پیشرو وانقلابی کارگر وحزب آنست» .

لینن به ما آموخت که باید مسایل ادبی قسمتی از کارهای همه کارگران را تشکیل بدهد این مقالهٔ لینن مخصوصاً را جع شده بود به «روشنفکران بورژوازی» وتصورات منفردانهٔ شان درمورد هنرمند وموقعیت آن در اجتماع .

لینن خاطر نشان میسازدکه آزادی هنرمند



تولستوی نویسندهٔ نامدار کتاب«جنگ وصلح»

درجامعهٔ بورژوازی «ماسك بیش نیست» واین آزادی مربوط به خریطهٔ پول است وبس . وی درمورد آزادی جامعه سرمایه داری مینویسد که این آزادی ماهیت بورژوازی وفاشیستی داشته که دور ازمردم تولدشده است . وعلاوه میکند : که «زندگی کردن دراجتماع وآزادبودن از اجتماع ناممکن است».

لینن در آرزوی چنان آینده ای بودکه ادبیات خلقی وسوسیالستی ، بعداز موفقیت انقلاب محکمتر شود و انکشاف یابد ورول بزرگی را در جامعه بازی نماید .

لینن می افزاید: «درآن زمان ادبیات- ادبیات آزادی میباشد وده ها ملیون خلق زحمتکش را که باقدرت اند وبمملکت بالای آنها استوار است می نماید .»

ازبزرگترین نویسندگان پایان قرن نزده یکی هم انتون پاولویچ چخوف است چخوف در۱۷ جنوری ۱۹۶۰ درشهر کوچك تگانروگ تولد یافت . پدرش مالك غرفه کوچکی بود که درآن چای ،بوره صابون وغیره میفروخت چخوف ابتدا درمکتب یونانی شهر تگانروگ شامل وبعداً داخل لیسه گردید چخوف علاقه شدیدی به ادبیات وهنر داشت. وی درمنزل دراما های ترتیب می نمود وخودش بابرادر وخواهر در رولهای آنها سهم میگرفت۰

بعد ازفراغت ازلیسه در سال ۱۸۷۹ بهمسکو آمد وشامل فاکولته طب پوهنتون دولتی مسکو گردید . وی در دوره تحصیل خود برای پیدا کردن پول مصرف زندگی خود بابعضی مجلات فکاهی نویس مانند «بمبیرك»، «ساعت زنگ دار» ، «تماشاچی »و «آدم بی اشك» وغیره همکاری می نمود .

سومین مجموعهٔ داستانهای وی بنام «در تاریکی» از طبع خارج شد و این مجموعه برای نویسنده افتخار بزرگی بخشید ، زیرا چخوف از طرف اکادمی علوم مفتخر به گرفتن مدال افتخاری«پوشکین »گردید.

اولین نمایشنامه چخوف بنام«ایوانوف» در سال ۱۸۸۸ روی صحنه آمد و هم در همین سال داستان بزرگ وی بنام«صحرا» انتشار یافت .

همراه با شهرت چخوف جهان بینی این نویسنده بزرگ هم تکامل مینماید چخوف از لحاظ نظریات خود انقلابی نبود و به همین جهت اکثر نقادان وی را به سبب نداشتن جهت سیاسی موردانتقاد قرار میدادند مخصوصاً انتقادشان زمانی بیشتر میگردید که چخوف موافقه نمود تا داستانهای خود را در مجله «عصرنوین» که سیاست حکومت تزاری آنوقت راپشتیبانی می کرد ، به نشر بسپارد .

چخوف مدت زیادی به این منکوره بود که نویسنده باید دور از مبارزات اجتماعی قرار داشته باشد، ولی در سال ۱۸۹. این فکر انسانگرای رابرسر گرفت چنانچه خودش مینویسد : « اگر من ادیب و نویسنده هستم ، برایم لازم است تا در بین توده ها زندگی نمایم ».

در سال ۱۸۹۲ در « سازمان کمك با دهقانان و گرسنه » نیزنی گوردشامل میشود . درین وقت در قریه «میلیخوف» که در شصت کیلو متری مسکو واقع است خانه یی می خرد و با فامیل خود به آنجا میرود . در آن جا دهقانان را بدون گرفتن پول معاینه و تداوی مینماید و همچنسان مکتبی برای اهالی آنجا اعمار میکند .

در همین جاست که چخوف داستانهای «اتاق شماره ٦» ، « خانه با لا خانهدار» «دهقانان» ،«داستان یك انسان ناشناس »و « کاکا وانیا »را می نویسد .

داستانهای چخوف برای ادبیات روس وجهان ، سرمایه بزرگی بحساب میرود.

چخوف در مدت بیست و چهار سال زندگی خویش توانست این شاخه هنری را تا مرحلهٔ تکامل برساند . سیما ها وتمثال های بعضی از قهرمانهای داستان وی گنجینه و شهکارهای ادبیات جهانی گردیده اند .

لیو تولستوی چخوف را با موپاسان ناول نویس معروف فرانسه چنین مقایسه می نماید:«فرانسه سهنویسنده دارد: استاندال، بالزاك وفلوبر ودیگر هم موپاسان ولی چخوف بهتر از آن است .»

باید گفت که داستانهای چخوف بر علاوه ملاحت خندهیی آن، جنبه ها، و سایل حاد اجتماعی و روابط عادی و روزمره را دارا می باشد .بطورمثال داستانهای «چاق ولاغر » «مرگ کارمند»، «بوقلمون »، «ماسك » وغیره که در همه این ها مسایل عمده اجتماعی نهفته است ... «کارمندپایین رتبه یی در تیاتر نزدیك کله ناسی جنرالی عطسه میزند . از ترس اینکه مبادا روزی جنرال بلایی بسرش بیاورد ، چند ین مرتبه عفو می خواهد ... و بالاخره میمیرد .» (مرگ کارمند . این فکاهی است ولی فکاهی کهدرآن وضع روحی وترس انسان را در اجتماع ترسیم می کند .

حقیقت اسلحه و شعار چخوف بود ، وی در یکی از نامه های خود می نویسد : «ادبیات هنری را بخاطری ادبیات هنری

می گوییم که زندگی را آن چنان که هست ترسیم می نماید ».

چخوف با زبان ساده و عادی ، بدبختی ها، حماقت ها ، محرومیت ها ، فجایع و بی‌رحمی های حکومت تزاری روس را در داستانهای خویش انعکاس میدهد .

گورکی دریکی از نامه های خود بــه چخوف می نویسد : «با نوشتن داستانهای کوچك خود وظیفه بس عظیمی را انجــام داده اید . داستانهای شما خلقها را از خواب عمیق واز زندگی نیمه مــرده بیــدار ساخته است ».

داستانهای چخوف تنها سرگرمی نیست . وی سوالات جدی را در برابر مردم طرح می کند :« به چه درد میخوری؟ حاصل کار تو چیست ؟» این نویسنده مانند جراح . تیغ بدست گرفته و معایب جامعه را عملیات مینماید .

در مجموعهٔ «مردم ناراضی » یك دسته



گورکی

از روشنفکران بی اصول را می بینیم که‌از پیش چشم ما میگذرند . باید گفت کــــه آثاروی به هیچ وجهه منحصر به روشنفکران نیست . می توان گفت که نوشته های چخوف سالنامه ادبی آن زمان است .

در نمایشنامه «باغ آلوبالو » صحنه آشکاری از تباهی ، تنگدستی و ضعف فکری نجبا دیده میشود ، آخرین نمایندگان طبقه ای که قبل از آن معروف بودند وحتی در دایره المعارف زمان از آنها‌سخن می راندند . چخوف راز این مردم حریص و مال دوست را فاش می کند و مجذوب مردم ساده طبقه زیر دست و فقیر است.

چخوف در داستانهای «میل به خواب و«والکا» مدافــع حقیقی ستمدیدگان است.

در نامه پر احساس و پر از غلطی هــای املایی که وانکــای خرد سال به پدر بزرگش نوشته و بدرفتاری هی با داران خود را برای او حکایت می کند ، کینه آشکار نویسنده در مقابل بی قیدی ها وستمگری ها میبا شد .

در داستان«میل به خواب» خدمتگار فقیری بنام «وانیا » کاسه صبرش لبریز شده‌مجبور میشود بچه با دار خود رابکشد تالااقل یکبار در عمرش آرام بخوابد.

آثار چخوف گنجینه پرارزش‌ادبیات شوروی ست . آثار این نویسنده د راکثر زبان های‌جهان ترجمه گردیده است.

بانام لیوتولستوی نه‌تنها خلق‌شوروی بلکه خلقهای سراسر جهان آشنا اند تولستوی در ۲۸ اگست ۱۸۲۸ دریاسنا یاپالیا نــانا که در بیست کیلو متری جنوب شهرتولا قرار دارد تولد گردید . خانوادهٔ پدری اش ازاشراف بودند، مادرش نیز از نجیــب زادگان ودختر جنرالی بود. مادر تولستوی زن مهربانی بودکه تولستوی در کتاب معروف «جنگ و صلح» بنام پرنسس ماریــــا از او یاد کرده است . هنوز تولستوی سه ساله نشده بود که مادرش درگذشت اند کــی بعد پدر خود را هم از دست داد .

در سال ۱۸٤۱ خانم «یوش کوبا » که سرپرستی او را به عهده گرفته بــــود متوجه شد که این کودك با هوش به تعلیمات جدی تری ضرورت دارد . همین بودکه وی رابه کازان بردو او را چنـــد سالی در آنجا نگــهداشت . درسال ۱۸٤٤ تولستوی دورهٔ مکتب رابه پایان رسانیدو شامل فاکولته زبانهای شرقی پوهنتون «کازان» گردید . چون می خواست وارد کارهای سیاسی گــردد ، بعــد از یکسال درفاکولته حقوق آنجــا ، ثبت نام نمــود ولی به زودی از کارهای فضایی هـــم دلسرد گردید و به همین جهت در درسهای فاکولته منظما حاضر نمی شد و بیشتراوقات خــود را به خوشگزرانی صرف مــی نمود .

هنگامیکه هنوز در کازان بود . دارایی خانوادگی را میان وی و برادرانش‌تقسیم نمودند و یاسنا یــا پالیانا به‌او رسیــد. تولستوی زمانیکه مالك زمین های خانوادگی خود شد فورا حس سرپرستی حکیمانه یی نسبت به روستایی ها در دل او پدید آمد و برای اینکه وضع زندگی آنها راسرو صورت بخشد واز حالت زرخریدی آ نهــا را نجات بدهد به آنجا رفت .

درسال ۱۸٤۸ دیپلومی از پــو هنتون پترز بورگ گرفت . وی خود درین زمینه می نویسد :«از ادبیات چیزی نمی‌دانستیم»

چنــان می نماید که ذوق ادبی او تنهــا دو سال بعد از سفری که به قفقاز کرده است نمو کرده باشد ، زیرا در ماه اپریل ۱۸۵۱ با برادرش «نیکو لای » که در آن جا ماموریت داشت به قفقاز رفت ، ایـــن سر زمین خرم و شاداب چنان نظــــر تولستوی را بطرف خود جلب نمود که‌تولستوی حاضر شد خدمت عسکری را در آن جا بگذراند . تولستوی درین زمان دراندیشه نــوشتن رمان بــزرگی بود که‌می‌خــواست در آن خاطرات ویادگار های خانوادگــی خود را جمع کند . نخستین فصل این کتاب را در قفقاز نوشت و درآن خاطرات زندگی خود را شرح داد و بعد ها کتاب مستقلی‌بنام « کــودکی ، نو جوانی وجوانی»نشرگردید.

در سال ۱۸٦۰ داستان «پالیو شکا و بعدا در سال ۱۸٦۲ داستان «قزاقها »منتشر شد .

داستان «قزاقها »یکی از زیبا ترین و شاعرانه ترین آثار تولستوی اســــت که در آن افکار خاص قزاق ها را در آغوش زیبایی های طبیعت قفقاز با بیان بسیار شیوا نشان داده است .

درسال ۱۸٦۹ نخستین فــصل های کتاب «جنگ وصلح» رانوشت ودرسال ۱۸۷۰ مجله معروف «پیام آور روس» به انتشار آن آغاز کرد . کتاب «جنگ‌وصلح »او نه تنها یکی از شهکارهای این نویسندهٔ بزرگ‌است بلکه از جمله شهکارهای جاودان‌ادبیات جهانی بشمار میرود .

در مورد کتاب «جنگ وصلح »بسیاری از نقادان بزرگ جهان بحث کرده اند.

ماکسیم گورگی که اعتقاد زیادی بــه تولستوی داشته و در آغاز دورهٔ نویسندگی خود که مصادف به پایان‌زندگی‌تولستوی بود در یاسنا یا پالیانا به دیدنش رفتــه است در مورد این کتاب می نویسد:«جنگ وصلح عالی ترین اثر ادبی قرن نزد هـــم است .» گوستاو فلوبر نویسنده معروف فرانسه . مولف این کتاب را «شکسپیرــ دوم » خوانده و می نویسد : «اگر بگویم این اثر درجه اول است و ما نتــــد آن کمتر میتوان خلق کرد . گزافــــه نگفته ام .

چه نقاش و چه روان شناس بی مانندی! در ضمن خواندن این کتاب بارهــا چنان مجذوب میشدم که بی اختیار ازجای می جستم و به نویسندهٔ آن آفرین می گفتم .»

«داکتر ماکو ویلسکی» یــکی از دوستان نزدیك تولستوی ، دربارهٔ پشت کـــارو فــعالیت تولستوی اینطور می نــویسد! «وی هر روز و هر ساعت می نوشت و مطالعه می نمود ، تنبلی را هرگز نمی دانست ...»

آموزش شخصی تولستوی انسان را به حیرت می اندازد ، قرار گفته ماکو ویلسکی تولستوی در اخیر عمر خود این زبانهــا رامی دانست : فرانسوی ، انگلیسی ،جرمنی ایتالوی ، یونانی ،لاتین، زبان قــدیــم یهودی ، بلغاریایی هالندی و اوکراینی.

در اخیر قرن ۱۹ املاك تولستوی بـــه مرکز کلتوری و ادبی تبدیل شده بود .

نویسندگان واشخاص معروف از روسیه و ممالك دیگر در آن جا می آمدند تا با این نویسنده بزرگ آشنا گردند . درآن جا نویسندگانی چون :تور گینف ،فیت. چخــوف ، گور کی، کارالینکو ، و یــــری- سایف و نقاشانی مانند : ریپین ،کرمسکوی ، گی و غیره و همچنان مجسمه سازانی مانند : ترو بیسکوی. گنزبورگ وعده زیادی از موسیقی دانان میامدند .

۲۸ اکتوبر ۱۹۱۰ دریکی ازشبهای تاریك خزان «تولستوی »با دوست خود داکترماکو- ویلسکی مخفی وبرای همیشه از یاسنا یا- پا لیانا حرکت کردند .

صحت نــو یسنده خوب نبــود و تـــوان مسافرت را نداشت . نویسنده در راه به مرض سینه بغل شدید مبتلا گردید. آمر ایستگاه راه آهن تولستوی را بخانه خود برد و ۷ نوامبر ۱۹۱۵ این نابغه ادبیات درگذشت. وی راقرار و صیت خــودش در یاسنا یا پالیانا دفن کرد ند .

به گفته لینن : « گورکــی بــدون شك بزرگترین نماینده ادبیات پرولتــری است »

الکسی ماکسیمو یچ گورکی (پیشکوف) ۱٦ مارچ ۱۸٦۸ در نیژنی گورد که فعــلا بنام «گورکی » یاد میشود بدنیا آمد پدر گورکی ماکسیم سواتیو یچ پیشکوف نام داشت که در اثر مریضی کولرا درسال ۱۸۷۲ در گذشت . در ۱۸۷۸ گورکی مادر خود را از دست داد .

کودکی گورکی در فامیل پدر کلانش که رنگمال بود سپری گردید . مادرکلان گورکی تاثیر قابل ملاحظه را بالای افکار این نویسنده انداخت . وی زنــی بود مهربان ،خوش صحبت که بافسانه های مردمی ودل انگیز خود گورکی رامحو خود ساخته بود .

وقتی گورکی به سن نه‌سالگی رسیـــد پدر کــلانش به اوگفت : «تومدال نیستی که‌در گردن خود بیاویزمت ، این جا جای تو نیست . برو در بین مردم .»

ناتمام

پیروز باد صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی در سراسر جهان



پورتریت نقاشی شده ماری لوپوخین سال۱۷۹۷

از سپوتنیک

ترجمه از احمد شاه

بمناسبت سالگرد انقلاب کبیر اکتوبر

نمایشگاه مشهور نقاشی ترتیاکوف

نمایشگاه ترتیاکوف دراتحاد شوروی مشهور ترین موزیم هنری میبا شد. درسنگ سفید تعمیر نمایشگاه که در آغاز قرن بیستم در یکی از قدیمی ترین قسمت های مسکو اعمار گردیده چنین حک شده است:

«نمایشگاه نقاشی پاول ترتیاکوف و سرگی ترتیاکوف که در سال ۱۸۵٦ بنیان گذاری شده است در سال ۱۸۹۲ پاول ترتیاکوف با وصیت برادر خود سرگی ترتیاکوف به مسکو آنرا اهدا کرده است.»

بنیان گذار نمایشگاه پاول ترتیاکوف در سال ۱۸۳۲ در مسکو دریکی از خانواده ثروت مند بدنیا آمد.

او مرد بسیار کم حرف و اصولی بود. از اوایل جوانی تا دم مرگ هر یك از لحظات زندگی اش محاسبه گردیده بود. او تحصیلات را به سویه عالی به انجام رسانید وعلاقه اش به هنر برایش امکان داد تا کار نیکو و شایسته را اجرا کند یعنی برای نخستین بار در روسیه نمایشگاه ملی ایجاد نماید تا بدین وسیله بتواند شاهکارهای نقاشی روسیه را به جهانیان نشان دهد. در سال ۱۸٦۰ که هنوز ۲۸ سال داشت وصیت نامه ذیل رانوشت «آرزویم صادقانه و قطعی است. سرمایه یك صدو پنجاه هزار روبل نقره را غرض ایجاد موزیم هنری در مسکو بطور ذخیره میگذارم.» ودر جای دیگر «اولتر ازهمه از برادرم سرگی خواهشمندم آرزویم را درك كند و بداند كه من هنر را بسیار صمیمانه دوست میدارم وكار بزرگی ازین نخواهد بود كه بنیان اولین گنجینه هنرهای نقاشی گذاشته شود تا مردم از دیدن آن ها حظ ببرند.»

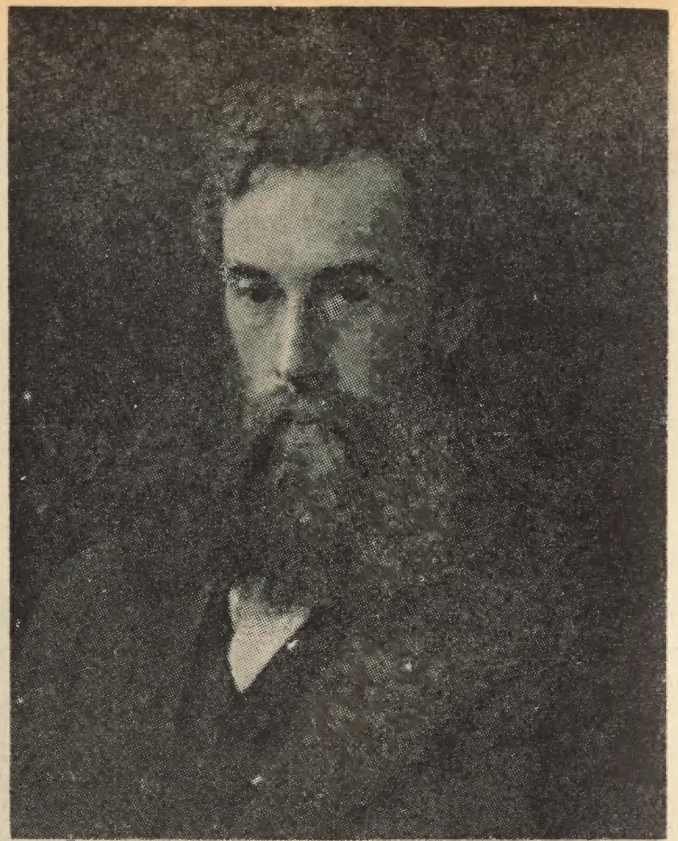
اولین تابلو را که ترتیاکوف در سال ۱۸۵٦ بدست آورد شاهکار نیکلای شیلدر «گمراهی» بود.

این تابلو از نقطه نظر هنر نقاشی برتری خاصی ندارد اما واقعیت های زندگی را بیان میکند.

ارزوی ترتیاکوف در محافل نقاشی فورا پذیرفته شد، دیدگاه نقاشان جوان که از قشر درباریان نبودند باد یدگاه ترتیاکوف مطابقت تام داشت و عقیده داشتند که هنر باید زندگی واقعی مردم را منعکس نماید. ترتیاکوف از طریق نقاشان جوان از برگزاری نمایشگاه ها اطلاع می یافت زیرا آنها کلکسیون ترتیاکوف را نظر به کلکسیون های شاهان و شهزاده ها ترجیح میدادند. در سالهای (۱۸۷۰) در روسیه نمایشگاه های سیار توسط نقاشان جوان ایجاد گردید. عجیب اینست که شاهکارهای معروف مانند «زاغ ها پرواز میکنند» از الکسی ساوراسوف، «صیادان در استراحت گاه» ازواسیلی پیروف، «شب ماه می» از ایوان کرامسکی، «پتر اول از شهزاده الکسی استنطاق مینماید»

از نیکلای گی و قتیکه بمعرض نمایش گذاشته میشد بالای انها چنین نوشته شده بود: «ملکیت پاول ترتیاکوف»

قسمیکه بعد ها معلوم شد ترتیاکوف آنها را قبل از تکمیل شدن از نقاشان خریداری نموده بوده تنقید کننده معروف نقاشی آنوقت ولادیمیر ستاسوف را جع به ترتیاکوف چنین نوشت: «چیزی راکه موسسات بزرگ نمیتوانند اجرا کنند ترتیاکوف آنرا با بسیار ذوق و علاقه



پاول ترتیاکوف

نقاشی ایوان کرامسکی

انجام می دهد و علاوه ازین هیچ کسی به این اندازه از نقاشان غمخواری نمیکند مثل اینکه ترتیاکوف از وضع زندگی آنها وارسی مینماید.»

یکی از اولین اقدامات ترتیاکوف ایجاد «موزیم در موزیم» بود، درین موزیم ترتیاکوف تمثال های نویسنده ها آهنگسازان، اکتور ها، پیشرو های فرهنگ را جمع آوری نمود. او این کار را یکی از وظایف وطن پرستی خویش میدانست.

موزیم ترتیاکوف در کمترین وقت گنجایش تمام نقاشی هارا نداشت. در زمان حیات خود ترتیاکوف پنج بار محل کلکسیون های خود را تغییر داد. زیرا که صالون های تعمیر وقت به وقت توسط شاهکارهای نقاشی جدید پر میشد.

در سال ۱۸۹۲ بعد از مرگ برادر خورد سرگی ترتیاکوف تصمیم میگیرد تا کلکسیون خود و برادر خود را در زمان حیات خود به مسکو اهدا نماید که درین وقت تعداد تابلوهای او به (۱۲۷٦) عدد میرسید.

مردم روسیه ازین کار وطن پرستانه ترتیاکوف قدر دانی نمودند. به افتخار این کار در سال ۱۸۹٤ اولین کنگره نقاشان سراسری روسیه دایر گردید و در آن به ترتیاکوف سندافتخاری تبعه محترم مسکو اهدا گردید.

ترتیاکوف سعی مینمود تا در نمایشگاه خود نبوغ نقاشان روسی را نشان دهد در زمانیکه نقاشی اکادمیك از طرف نقاشان جوان رد میگردید. ترتیاکوف به جمع آوری شاهکار های اکادمیك قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ پرداخت زیرااو این کار را به حیث یادگار های فرهنگی تلقی مینمود. ترتیاکوف با در کارزندگی اقدامش به خریداری شاهکارهای نقاشان سبك جدید مانند والنتین سیروف، میخائیل دروبیلیاپرداخت.

بعد از پیروزی انقلاب سوسیالستی اکتوبر این موزیم بنام نمایشگاه دولتی ترتیاکوف مسمی گردیده چندی بعددر نمایشگاه تغییرات جدیدی رخ داد. کلکسیون نقاشی اروپای غربی علیحده شد و به موزیم هنر های زیبا که در حال حاضر بنام موزیم نقاشی و مجسمه سازی دولتی پوشکین یاد میگردد تعلق گرفت واز اثر انحلال موزیم ها و کلکسیون های شخصی غنی تر گردید.

این موزیم در حال حاضر باز هم توسعه می یابد و در خود شاهکارهای نقاشان شوروی را جا میدهد.

فعلا در نمایشگاه اضافه تر از پنجاه‌هزار آثار نقاشی، مجسمه سازی قرن (۱۱) الی عصر حاضر وجود دارد.

هنر نقاشی روسیه از قرن یازده الی اوسط قرن چارده :

در سال ۱۸۹۰ در مسکو در موزیم‌تاریخی کنگره نهم باستان شناسی دایر گردید درین کنگره ترتیاکوف منحیث مهمان اشتراك نمود و به مطالعه نمایشگاه باستان شناسی پرداخت. او درك کرد که چه خطائی را مرتکب شده است زیرا که در نمایشگاه خود هنر باستانی روسیه را جا نداده است. آنوقت تصمیم میگیرد تابه جمع آوری تابلو های باستانی شروع کند وآرزو داشت که‌به آثار جاویدان نابغه بزرگ اندری روبلوف دسترس پیدا کند. اما کلکسیون تابلو های باستانی ترتیاکوف بسیار ناچیز میباشد.

نقاشان روسیه باستان اگر چه ازقوانین وموضوع های مذهب عیسوی و اسلوب افسانوی پیروی میکردند اما باز هم درین چوکات نکات علیحده به نظر می رسید. به این ترتیب هنر روسیه باستان تصورات ابتدائی مردم را در قسمت‌عدالت، احترام به نیکوئی بشریت، احترام در مقابل محبت مادر و استواری روحیه مدافعین وطن منعکس مینمود.

حملات مغل و تاتارها در قرن سیزده به‌فرهنگ روسیه خسارات زیادی بار آورد و به تخریب شهر ها و از بین‌رفتن خاطرات قیمت بهای نقاشی انجامید. منجا وزین نتوانستند از انکشاف سریع نقاشی جلو گیری کنند.

ازنیمه دوم قرن پانزده به‌این طرف مسکو منحیث پایتخت مرکزی روسیه‌شناخته شد. ازین تاریخ به بعد درتمام نقاط زندگی فرهنگی روسیه رشد سریع ایجاد گردیده محتویات تابلو های نقاشی مغلق شده و بعضی از آنها به قسم تابلوی تاریخی که وقایع حقیقی زندگی را ترسیم میکردند ظاهر شدند، به این ترتیب در هنر باستانی روسیه انعکاس قرابت زندگی حقیقی و ارتباط آن با هنر به نظر رسید. در اوایل قرن ۱۸ از برکت ریفورم پتر اول در فرهنگ نقاشی تحولات عمیق رخ داد هنر روسی از ایدیالوژی پوسیده قرون وسطی جدا شد وبه اسلوب نقاشی اروپای غربی توصل جست.

درین اوقات در هنر نقاشی اسلوب های مختلف علیحده نیز خلط شده در نقاشی تغییرات عمیق رخ داد وبعوض‌جنبه های زیبا پرستی به جنبه دموکراتیك وحقیقی هنر نقاشی رو آورده شده‌در اسلوب های علیحده ترسیم تابلو های مناظرطبیعی بیشتر مروج گردید.

در سال ۱۷۵۷ درروسیه اکادمی‌هنر نقاشی تاسیس گردید و هدف خودرا به‌این شعار خلاصه‌نمود:

«آثار هنری درخود شکوه وعظمت هنری را باید نهفته داشته باشد».

هنر اکادمیك اگر چه از اسلوب‌نمونه های افسانوی استفاده می کرد اما باز هم در ضمن آن نکات بشر دوستی شجاعت ووطن پرستی منعکس میگردید.

فارغ التحصیلان اکادمی در آینده نزدیك شهرت زیاد راکسب کردند از آنجمله الکساندر ایوانوف به شهرت جهانی رسید.





نمای بیرونی نمایشگاه مشهور نقاشی ترتیاکوف

زمانیکه کلکسیون ترتیاکوف ترتیب گردید، اکادمی نقاشی تا اندازه زیاد اهمیت خود را از دست داد. در آثار هنری بیشتر ریالیزم انعکاس می یافت وکسانیکه تابلو هارا جمع آوری می‌نمودند به‌آثار هنری قرن هژده اعتنا نمی کردند اما ترتیاکوف از اهمیت انها اگاه بود.

او بیشتر اوقات در مغازه های عتیقه فروشی میبود به امید اینکه آثار هنری نقاشان معروف را بدست آورد که این کارش چندین بار به موفقیت‌انجامید.

ترتیاکوف این رانیز میدانست که تعداد زیادی از تمثال های معروف و باستانی در خانه های شخصی مردم موجود میباشد از دوستان خود خواهش نمود تا درین مورد به او اطلاع دهند، ترتیاکوف خود نیز با خانواده های قدیمی‌ارتباط مکتوبی میگرفت واز آنها خواهش می نمود تا تمثال ها را به نمایشگاه او واگذار شوند. به این ترتیب تقریبا چهل تمثال قرن هژده را جمع آوری نمود که درین جمله آثار هنری نقاشان معروف نیکیتین، لیوتیسکی، روکوتوف شامل میباشند.

نمایشگاه مشهور نقاشی ترتیاکوف شورش چارده نفر:

اساس و صفحه درخشان کلکسیون ترتیاکوف را سال ۱۸۶۱ یعنی سالی که در روسیه ریفورم بمیان آمد تشکیل میدهد. این شاهکار بزودی در تمام روسیه پخش گردید علاقه‌مندان هنر نقاشی را به هیجان آورده تنها قسمتی ازآنها درین موردازخود ناباوری شان‌میدادند.

نقاشی های مدکور در مبارزه با نقاشی ها یکه صرف جنبه اکادمیك ورسمی داشت مقام مناسب را کسب نموده است. این مبارزه نه تنها علیه اکادمیزم وعلیه سبك هنری بود بلکه مبارزه جهان بینی های متضاد بود که بالاخره به شورش چارده نفر انجامید.

این چارده نفربه سرکردگی ایوان کرامسکی در سال (۱۸۶۳) از روش رهبران اکادمی نقاشی عدم رضایت خود را اعلام نموده و برای ابد با اکادمی قطع علاقه نمودند.

در نهم نومبر سال ۱۸۶۳ محصلین اکادمی غرض امتحان نهائی گرد هم آمدند. رئیس اکادمی منحیث سوال امتحان اعلام داشت تا در قسمت نقاشی هائی کار کنند که موضوع افسانوی را دارا باشد.

درین اثنا ایوان کرامسکی از جای برخاست و اظهار داشت که چارده نفر درین امتحان اشتراك نخواهند ورزید زیرا که‌شورای اکادمی پیشنهاد آنها را مبنی بر انتخاب آزاد موضوع نپذیرفته است.

هریك از اعتصاب کنندگان اخطاریه تحریری بالای میز گذاشته و برای ابد ارتباط خود را با اکادمی قطع نمودند.

بعضی از مداحین وقت این عمل آنهارا میخواستند « سبك مغزی و بی تجربه گی جوانان » جلوه دهنداما واضح بود که این کار سبك مغزی نبوده بلکه نوعی از مبارزه را علیه‌جامدفکری و کهنه پرستی نشان میداد که از مسایل مبرم حیاتی سرچشمه میگرفت.

این شجاعت «چارده نفر» در محیط نقاشی شور و هیجان رابار آورده و متعلمین صنوف ابتدائی ازین تاریخ به بعد، مانند سابق به سخنان پروفسوران خود چندان گوش نمیدادند. وبه‌طرف نقاشان آزاد روسی آور دند در روزهای معین گروه «چارده نفر» گرد هم می آمدند وباهمدیگر مسایل مبرم نقاشی رامطرح می‌ساختند. در مسایل مبرم زندگی .اهداف ادبیات و هنر نقاشی جنبه هنر ریالستی به بسیار سرعت تبارز میکرد. رهبر گروه «چارده نفر» ایوان کرامسکی انسان بسیار عاقل، استوار و در مقابل حوادث بسیار بسر دبار بود. ایوان کرامسکی از خود شاگردان بسیار با استعدادداشت و او امر او را از هر چیز حتی از نشان افتخار اکادمی بلند تر میشمردند.

یکی از اعضای همیشه گی این گروه نقاش معروف سالهای (۶۰) واسیلی-پیروف بود. در آثار ماندگار شاهکار های پیروف که تمام آنها جنبه انتقادی داشت با بسیار احساس ژرف زندگی واقعی دهاقین روسیه را منعکس مینمودند. در اینجا از شاهکار های معروف او « مشایعت متوفی »، « کراچی سه اسپه » میتوان نام برد.

ترتیاکوف این آثار رابه زودترین فرصت بدست آورد.

درسال (۱۸۷۰) ایوان کرامسکی و پیروف که سازماندهان اساسی نمایشگاه سیار بودند در قطار خود نقاشانی راجا دادند که آثار آنها جنبه زیبا پرستی وفرما لیزم را نداشت و به زندگی واقعی خلق ها مطابقت داشت.

به زودی نقاشی این گروه شهرت زیادی را کسب کرد زیرا که نمایشگاه ها نخست در پترزبورگ و بعدا در شهر های دیگر روسیه بمعرض نمایش قرار میگرفت. نیکلای کساتیکن در یادداشت های خود چنین مینویسد: «اگر به هر سو از شمال تا جنوب، از بحیره بالتیك الی بحیره سیاه، از وارسا تا والگا نظر بیافگنید دیده میشود که این نمایشگاه توجه پنج مليون نفررا که دارای موقعیت اجتماعی مختلف وسن های مختلف میباشند جلب نموده است ظهور آنهادرهرجا ازطبق مطبوعات همان محل شور و هیجان بر پا می‌نمود مقالاتی که درین مورد از طرف نویسندگان مشهور روسی نوشته میشد شهرت نمایشگاه های سیار را قبل از ورود آنها به منطقه پخش مینمود وبه اهمیت آنها می افزود.



تابلوی که به‌شیوه خاص کارشده درنمایشگاه ترتیاکوف



نقاشی کارل برولیوف سال ۱۸۳۲

سلام دوستانه به تمام خلق های جهان که در راه آزادی و استقلال و ترقی اجتماعی مبارزه می نمایند

آثار این گروه در نما یشگا ه ترتیا‌کوف بدون کم و کاست آن و جـــو د دارد . بطور مثال آثار ایوان کـــرامسکی **یك صالـــون بزرگ را اشغال نـــموده‌است.** ایوا ن کرا مسکی را جع به تا بلو خود «حضرت عیسی در بیابا ن» چنین مینو‌یسد : «هر شخصی در ز ند گی خود با لحظه مواجه میشود نمیدا ند بطر فرا ست ویاچپ برود ، بطرف پو ل رو گر دا نشود و یا یك قدم در مقابل فجا یع پابه عقب نگذارد .» این تا بلو یکی از شا هکا ر ها ی بودکه تر تیا کو ف انرا بسیا ردوست داشت .

اهداف که درین نقاشی گنجـــانیده شده است به رو حیه و مفکوره روشنفکران پیشرو سا لها ی(۱۸۷۰) که مفهو م زند گی را در منصر ف شد ن از زند گی شخصی بخا طر تحقق ارما ن ها ی مرد م مـــی دید ند بسیار قرابت داشت . یکی ا زقسمت های نما یشگا ه تر تیا کو ف را تا بلو های نیکلای گی که نقا ش مشهور بـــود

و مـــا نـــند کرامسکی در نقاشی های خود ار ما ن های مرد م را تمثیل نموده بـــود تشکیل داده است . این مو ضو ع رایکی از شا هکا ر ها ی او بنا م «پتر اول از **پسر خود شهزاده الکسی استنطاق مینماید»** و نقاشی های دیگر او کـــه در اواخـــر زند گی خود تحت رهنما ئی ها ی لـــف تو لستوی که در عین دو ست بسیار صمیمی گی بود ثابت مینما ید . در قسمت نیمه دوم قر ن نوزده تا بلو ها ی منا ظـــر طبیعی انکشا ف سر یع نمود . در نمایشگاه **سیار خود الـــکسی ساود اسوف یکـــی از شاهکار های خودرا بنام «زاغهاپروازنمودند»** به نما یش گذاشت که به گفتار کرامسکی ازین لحظه طپش به قلب «طبیعت روسیه» آغاز گر دید ه .در پیشر فت ها ی کـــه **نمایشگاه سیار به آن نا یـــل آمد استعداد ها ی ما نند ایلیا ر یپین و واسیلـــی**

سو ر یکو ف رو ل مهمی را با زی نمود ند بطور مثال علاقه خا ص ریپین به حوا د ث در اما تیك در بسیا ر ی از شا هکا رهای اومانند **«انتظار نه کشیدند » ، « ایـــوان** گرو ز نی و پسر ش ا یوا ن در ۱۶نومبر سال ۱۵۸۱ »از نبو غ او در مورد هنـــر نقا شی حکا یت میکند .

یکی از شا هکا ر ها یش «ایوا ن گروزنی و پسر ش ا یوا ن ۱۶ نومبر سا ل۱۵۸۱» رو ی وا قعیت ا ستوار است . در یـــن شاهکاری ها دیده میشود کـــه ایـــوان گرو ز نی در لحظه غلبه خشم پسر خود را بقتل می رسا ند .

تمـــام نکات شاهکار از خطـــا و عمـــل جبرا ن نا پذیر پد ر در مقا بل پسر ش حکا یت میکند . چون این تا بلو خاصیت **افشا ء گری را دارا بود تر تیا کو ف به** بسیا ر تکا لیف تو انست تا آنرا بمعرض نمایش بگذارد .

در شا هکا ر وا سیلی سو ر یکو ف **«منشیکو ف در بر زوف » زند گی تر** اژ یدی و پر مشقت منشیکو ف را کـــه **از بین مردم بر خا سته بود و همر ز م** پتراول بود نقش شده است . پس ازوفات پتر اول منشیکوف میخواست زمام امـــور ر ابد ست گیرد اما در پلان خیر ا ندیش خو یش موفق‌نگر دید . تما م ا موا لو ثروت اش ضبط شدو به سایبر یادر تبعید بسر می‌برد .

سور یکو ف منشیکو ف و خا نواده او را در خا نه محقر نشا ن می دهد .علا وه **از شا هکار های فوق آثار هنـــری نقاشان** معرو ف و مشهور در نما یشگا ه‌ترتیاکوف موجود میبا شد . در سا ل ها ی (۱۸۹۰) واسیلی پولینوف بحیث استـــاد نقـــاشان ظهور نمود . در ین و قت میخوا ستند در شا هکا ری ها ی خود هر چه اضا فه تر **نکا ت شا عرا نه را جا دهند** . ایـــن قسمت صفحه دیگر هنر روسیه را نشا ن مید هد .



نقاشی فدو تف بنام عروسی قوماندان‌سال۱۸٤۸

سلام دوستانه بمردم اتحاد شوروی که جامعهٔ خوشبخت وبدون طبقات را ایجاد می کنند

انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر یاسر آغاز تاریخ نوین بشریت

داد‌علی «نیرو»

هفت نوامبر سال ۱۹۱۷ که از آن مدت تاکنون شصت‌ودو سال‌سپری گردیده است، چنان رستاخیز ژرف ورویداد سترگ درسر- زمین روسیه به وقوع پیوست که درنهانکده دیوان کهنسال زمان‌ودر آیینه پروسه‌تکاملی جوامع بشری هیچ رویداد ورستاخیز ، بـــا چنـین ابهت وشکوه کــه مـا هیت سیر تکاملی زمان وزندگی اجتماعی را دگرگون ساخته باشد درج نشده وباز تاب نگردیده و نمیگردد . این رستاخیز همانـــا انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ در روسیه بود که واقعا جهان بشریت را تکان وتحرك شگرفی بخشید.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبـــر ۱۹۱۷ اولین انقلاب پیروزمند پرولتاری بود که د ر فروغ نبوغ رهبر داهی حزب بلشوبك وموجد وآموزگار احزاب طراز نوین پرولتری‌ولادیمیر ایلیچ اولیانوف (لینن)وبروفق‌اراده پرولتاریای رزمنده روسیه ودر نهایت بمثابه ضرورت‌عینی تاریخ جامعه آنجا بظهور رسید . گر چـــه تاریـخ انقلا با ت زیادی رادیده است، امـا انقلاب سوسیالستی اکتوبر با همه انقلابات پیشین که در مسیر زمان بوقوع رسیده بود تفاوت کیفی دانسته وبه هیچوجه نمیتـــوان چنین انقلاب عظیم وانسانی را با آنها د ر مقایسه گرفت . بطوریکه همه انقلابات پیشین تنها یك فرماسیون اقتصادی، اجتماعی رابدون اینکه بر ماهیت استثماری آن دگرگونـی انقلابی وارد آورد، بجای فرماسیون‌اقتصادی اجتماعی دیگر قرار میداد واما انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ از لحاظ شکل وماهیت وهدف ووظایف خودنه تنها درماهیت ومضمون تاریخ جوامع بشری تغییرات شگرفی رونما ساخت بلکه اولین بار قدرت سیاسی را از چنگال جباران واستثمارگران رهانده وبدست استثمـــار- شوندگان انتقال دادکه این اساسی تریـن تفاوت کیفی انقلاب اکتوبر با انقلابات سلف درپویه تاریخ به‌شمار می‌آید.

انقلاب کبیر اکتوبر سر آغاز ساختمان جهان وجامعه نوین وبمثابه آغاز گر انقلابات پروزمند ملی، خلقی وکارگری در سراسر جهان دارای اهمیت ومقام تاریخی و جها نی بوده‌که چه از جهت مبانی طبقاتی خود و چه از نگاه پایه های ایدیالوژیك وسیاسی اش فرا راه تجربی وعلمی همه انقلابات پرولتری قرار گرفته است . اما در ینجا باید گفت‌که این انقلاب نه اینکه آغاز انقلابات کارگری در جوامع بشری میباشد بلکه در فروغ همین انقلاب بود که نهضت های رهایی بخش ملی وانقلابات ملی ودموکراتیك از مرحله کلاسیك خویش بیرون جهیده ووارد مرحله طرازنوین گردیدند، زیرا تا زمانیکـــــه هسته جهان سوسیالیزم بوسیله فعل و انفعـــالات نتایج انقلاب کارگری اکتوبر نضج وتکوین نیافته انقلاب کارگری اکتوبر نضج وتکوین نیافته بود سخن از انقلابات ملی ونهضت های رهایی بخش ملی به شکل نوین در میان نبود بدین مفهوم که قبلا هدف نهضت های رهایی‌بخش ملی را صرفا حصول استقلال سیاسی احتوا میکرد در حالیکه بعد از پیروزی انقـــلاب کبیر اکتوبر کلیه نهضت های نجات بخش ملی وارد مرحله طراز نوین گردیده وازآن به‌بعد تنها باحصول استقلال سیاسی کشورها بسنده نمیگردد از جهت دیگر نهضت ها ی رهایی بخش ملی وانقلابات ملی ودموکراتیك در جهان پشتوانه وپیشاهنگ بهتر و بر تر از اردو گاه سوسیالیزم ندارد که‌این اردوگاه محصول پیروزی انقلاب اکتـــوبر وره آورد تکـا مـل پر و سه‌ی تاریخی وجهانی‌آنست.

این انقلاب، واقعا دارای ویژگیهای ملـــی ، اهمیت جهانی، مقام تاریخی ماهیت انقلابی، اهداف انسانی ودر بردارنده فورم و محتوای بی سابقه وبی نظیری بوده وهست که میتوان در بیان هریك کتب ورسالات متعددی در قید نگارش کشید اما این مقال از حوصله بیان وبازتاب ووصف کلیه جهات چنین مختصا ت آن عاجز است ولی لازم می بینم که نکات زیرین را بصورت مختصر از نظر خوانندگان مجله وزین ژوندون عبور دهم :

۱ـ مبانی ایدیالوژیك انقلاب سوسیالستی اکتوبر .
۲ـ مبانی طبقاتی واجتماعی .
۳ـ اهمیت ملی .
٤ـ اهمیت بین المللی .
٥ـ مقام تاریخی .
٦ـ اهداف .

۱ـ مبانی ایدیالوژیك انقلاب سوسیالستی اکتوبر :

انقلاب کبیر اکتوبر ۱۹۱۷ که برای‌اولین بار بنیاد استثمار رادرهم ریخت دارای چنان مبانی ایدیالوژیك بودکه آتش خاموش‌نشدنی رادرخرمن ایدیالوژی های بورژوازی وارتجاعی افگنده ونه تنها برای نخستین بار با فرو - ریختن کاخ استثمار در سرزمیـــن روسیه پروسه افول وزوال قطعی استثمار را درمقیاس جهان آغاز نهاد بلکه به نحوی علمی وعملی بی پایه بودن وماهیت ضد انسانی ایدیالوژی های ارتجاعی راکه همواره بخدمت طبقـــا ت میرنده وروبه زوال عمل میکند نیز افشاوبرملا ساخت زیراهمانطوریکه ایدیالوژی های طبقات میرنده وتاریخ زده اجتماعی در سنگراستثمار قرار گرفته واستثمار را جاودانه توصیـــف میکند انقلاب کبیر اکتوبر که در فـــروغ وبر بنیاد ایدیالوژی علمی پرولتاریا به تحقق رسید به همان سان ایدیالوژی های ارتجاعی را ماهیتا افشا کرده واثبات کرد که تمام ایدیالوژی های ارتجاعی به هر شکـــل و نحوه ایکه عمل میکنند قادر نیست که دردی از درد های بشریت زحمتکش را درمان‌کرده ویا آدمیان را بصوب قلل آرمانهای بلندپایه ومرزسعادت واقعی آنان رهنمون واقعی باشد که یکی ازین شواهد همانا زوال خوداستثمار در فروغ انقلاب کبیر اکتوبر در روسیه بود بدین مفهوم که این ایدیالوژی ها، استثمار را جاودانه ودایمی توصیف کرده و بـــرای همیشه پایدار می دانستند اماهمینکه‌مناسبات استثمار گرانه‌بین‌انسانهادرروسیه‌درهم شکست مسلما از یك طرف بی پایه بودن ایدیالوژی بورژوازی‌وپندار هاوتصورات طبقات‌استثمارگر وموعظه های دروغین ایدیالوگ های ایـــن طبقات عملا به اثبات رسید و از جانب دیگر بافروریختن‌دژهای‌استثمار، این‌حکم‌علمی‌آیدیو- لوژی‌علمی‌طبقه‌کارگر که‌سال‌هاپیش‌ازرهبرانقلاب اکتوبر بوسیله مارکس و انگلس تدویـــن شده و بـو سیلـه ولادیمیر ایلیـچ لینـن در پیروزی انقلاب اکتوبر به حقانیت رسید نیز ثابت گردید که استثمار همانسان کـــه در تاریخ همیشه وجود نداشته و در یـــك سنتز عالی جامعه نیز به کلی نا بودمیگردد.

ایدیالوژی ایکه در پرتو آن از جامعـــه روسیه واوضاع جهان شناخت درست به عمل آمده ولینن برپایه آن حزب طراز نـو یـن پرولتری را یجاد کرده وتکامل داد کـــه در نتیجه مبارزات هدفمند وآگاهانه این حـزب انقلاب کبیر اکتوبر مطابق اراده پرولتاریای پیکار جوی روس به پیروزی رسید ودرنهایت این انقلاب نیز بر اساس همین ایدیولـوژی ودر پرتو رهنمود های خلاق آن گسترش و تکامل یافت هماناایدیالوژی علمی طبقه‌کارگر بوده که علمی ترین، پرتوان ترین وواقعی- ترین وبرنده ترین ایدیالوژی ها بوده که در سنگر منافع طبقات زحمتکش وموافق به‌واقعیت های زمان ورشد عینی تکامل جوامع بشری عمل می‌کند.

ایدیالوژی طبقه‌کارگرکه مبانی‌ایدیالوژیك انقلاب کبیر اکتوبر وسایر انقلابات پرولتری جهان بوده ومیباشد از جامعه وجهان شناخت درست بدست میدهد، پدیده های اجتماعی را به نحوی علمی بررسی میکند . استثمار را جاودانه نمیداند وبا اینکه خلق را سازنده تاریخ میداند وباورمند است که در سراسر جهان صلح وترقی اجتماعی به پیروزی رسیده وبرتمام مظالم ملی‌وطبقاتی ونمود هـای ضد ترقی وضد انسانی پایان داده می شـود . از نظرگاه ایدیالوژی علمی طبقه کارگرجامعه سیر پویایی داشته وازسکون وسکوت بعید میگریزد . ایدیالوژی علمی طبقه کارگـر، آینده را از پرولتاریا میداند وپیروزی حق را برباطل وعلم را برجهل ودر فرجامیـــن سخن غلبه ارتقا را بر ارتجاع ضرورت تاریخ وحکم آمرانه داور زمان بیان می کند ازنظر ایدیالوژی علمی طبقه کارگر کهنـــه زوال می‌یابد وجای خودرا به نومیگذارد.

این ایدیالوژی امروز رهگشای پرتوان و مشعل فروزان همه بشریت زحمتکش بوده که هیچ ایدیالوژی دیگر راتوان مقاومت و نبرددر برابر آن نیست زیرا این ایدیالوژی یگانه ایدیالوژی علمی، واقعی، بران وفروزان بوده که در سنگر پرولتاریا ودیگـر زحمتکشان قرار دارد وانقلاب کبیر اکتوبر در پرتـــو وبرپایه همین ایدیالوژی به پیروزی رسیـده وتکامل دیده است واین اولین ومهم ترین انقلاب در تاریخ بودکـــه در پرتو چنیـــن ایدیالوژی تحقق یافت و بر بنیاد همیـــن ایدیالوژی استحکام وتکامل کرد .

۲ـ مبانی طبقاتی واجتماعی :

در بند پیشین دیدیم‌که مبانی ایدیالوژیك انقلاب کبیر اکتوبر همانا ایدیالوژی علمـی طبقه کارگر بود چون ایدیالوژی طبقه‌کارگر سلاح همه زحمتکشان در نبرد با دشمنان‌ملی وطبقاتی شان میباشد لذا اولین انقلابیکـــه آرمانها وخواسته های طبقات استثمار شونده

رادر آیینه مرام انقلابی ودر پروسه عمل خود منعکس ساخت همانا انقلاب کبیراکتوبر بود مثلا قبل ازین انقلاب. در انقلابات دیگر اهداف وماهیت شان به سود اکثریت نبود. تنها با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر بود که کارگران ودهقانان که مطابق اصول علمی ایدیالوژی پرولتاریا متحدین نزدیک آنان در مبارزه علیه ارتجاع، استبداد و امپریالیزم محسوب میگردند. بهم متحدشده ودر پیشاپیش دیگر اقشار و طبقات زحمتکش و مولد اجتماعی درحفظ وحراست وتکامل انقلاب خویش ودرامردرهم شکستن مقاومت بورژوازی وسایر دشمنان طبقاتی شان تحت رهبری دولت دیکتاتوری تیپ نوین ایشان که مولود انقلاب اکتوبر بود در دو جهت یعنی در ساختمان جامعه نوین ودر برابر دشمنان خویش کار وپیکار انجام داده و میدهند.

بنابرین انقلاب کبیر اکتوبر بحیث نخستین انقلاب پیروزمند کارگری نه اینکه علی‌الرغم دیگر انقلابات، در پرتو ایدیالوژی علمی پرولتاریا وبرپایه این ایدیالوژی به پیروزی رسید بلکه اولین بار در تاریخ پایه های اجتماعی چنین انقلاب را علما وعملا کارگران دهقانان، پیشه وران واهل کسبه، کارمندان زحمتکش دولتی. روشنفکران ودیگر اقشار واصناف مولد وزحمتکش تشکیل میداد که در انقلابات گذشته هیچ سابقه نداشت. ماهیت این انقلاب طبقاتی بوده ونه روی ملاکهای محلی. مذهبی. ملی وفامیلی بلکه روی ملاکهای طبقاتی پایه و مایه داشت.

بدین مفهوم که انقلاب کبیر اکتوبر راه نجات کسانی رابه پیش گشود که سازندگان واقعی تاریخ ومولدین اصلی نعمات مادی ومعنوی بودند. واقعا این‌رویداد ژرف وشگرف در تاریخ بشریت بی سابقه بود که قدرت سیاسی برای نخستین بار از دست طبقات استثمارگر بدست طبقات استثمار شونده انتقال یافت. در اثر انقلاب اکتوبر بود که دولت مستبد تزار واژگون شد ودر جای آن دولت دیکتاتوری پرولتاریا مستقر گردید. وبدین ترتیب دولتی پدید آمد که درسنگر دفاع از صلح، استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی قرار گرفته ودرفش مبارزه آگاهانه طبقاتی را در برابر غول ارتجاع و استبداد به اهتزاز در آورد.

در پایان این بندباید گفت که یکی از صفات کیفی انقلاب اکتوبر با انقلابات سلف آن همانا مبانی طبقاتی آن بود که عبارت از کارگرن ودهقانان وسایر زحمتکشان و مولدین نعمات مادی جامعه بودند واین واقعا چرخش ژرف وعظیم تاریخی بودکه طبقات استثمار شونده صاحب قدرت سیاسی شده و بابدست‌گرفتن سرنوشت خویش درراه اعمار جامعه بدون طبقات ودرراه صلح وترقی اجتماعی به کار وپیکار آغازیدند.

۳ـ اهمیت ملی :

انقلاب کبیر سوسیالیستی در روندگسترش ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود دگرگونی های ژرف وهمه جانبه را در جامعه روسیه پدیدار ساخته ودر پرتو همین گسترش چند بعدی، انقلاب اکتوبر بوده که اکنون کلیه جمهوریت های اتحاد شوروی دارای زندگی آبرومندانه وشگوفان و مرفه می باشند. زیرا همینکه انقلاب کبیر اکتوبر به پیروزی رسید ماشین ظلم وستم دولتی بورژوازی تزار درهم شکست، دولت نوین پرولتاری ایجاد شد. کارگران و دهقانان بهم متحد شدند. طبقات استثمارگر ازسریر قدرت فرو افتیدند اولین بار اهمیت ونقش صلح به نحوی همه جانبه‌ارزیابی شده ودرفش آن به اهتزاز درآمد. فرمان مساله اراضی صادر شد که مطابق آن «مالکیت ملاکان برزمین یکجا برای همیشه وبلاعوض ملغی شد. زمین به مالکیت خلق درآمد در اجرای این فرمان یکصدوپنجاه ملیون هکتار زمین زراعتی مجانا به دهقانان واگذار گردید».

علیه بیسوادی مبارزه گسترده آغاز شد. در جهت احیای فرهنگ ملیت های مختلف اقدامات به عمل آمده ودر زمینه حق تعیین سرنوشت ملل، اصل آزادی ملت ها در منصه عمل نهاده شد. قروض واقساط دهقانان ملغی اعلام شد و عملیات واقدامات انقلابی جهت شگوفانی کشورشوراها وبمنظور اعمار جامعه بدون طبقات بسرعت گسترش یافت وطلیعه ارمغان انقلاب کبیر اکتوبر باین ترتیب درخشان ترگشت که: «صلح برای کشور. زمین برای دهقان، آزادی برای زحمتکشان، مساوات برای زنان، رهایی ازستم ملی برای خلقها، نجات ازبند و امتیازات طبقاتی وستم اجتماعی».

در پروسه انقلاب کبیر اکتوبر بعد ازرفرم سوسیالستی ارضی، پروسه میکانیزه شدن عمیق زراعت آغاز نهاده شد صنایع ثقیل وسبك به نحوی شگرفی توسعه وانکشاف داده شد راه های آهن احداث گردید وآنچه که قبلا وجود داشتند همه ملی شده و در اختیار خلق قرار گرفت. بانك هاملی‌گردید.

یعنی در فروغ انقلاب کبیر اکتوبر بودکه وحدت خلقهای برادر وابسته به‌ملیت‌هاو ملل گونه گون سر زمین پهناور شوروی تامین شد زنان برای اولین بار از حقوق طبیعی واجتماعی شان به نحوی عصری ودموکراتیك برخوردار شدند. تعلیم وتربیت اطفال‌وجوانان مطابق روحیه انقلاب ودر پرتو جهان بینی علمی رونق انقلابی یافت، مبارزه علیه انواع بی عدالی، تبعیض، ارتشاء، بیکاری، بیسوادی، بیماری، فقر، جهل، رخوت سیاسی عقب مانی اقتصادی، نابرابری های اجتماعی. زور وزور گویی ونظایر اینها تشدید یافت وکار وپیکار در جهت استفاده از ذخایر سرشار طبیعی وفعال ساختن همه جانبه قوای بشری در دهکده ها ومراکز شهری‌گسترش داده شد وبدین نحوه خلق شوروی در پرتو انقلاب کبیر اکتوبر راه بهتر وبرتر وانقلابی زندگی را جلو انداختند وروزبروز بر معایب مشکلات ومصایب گونه‌گون غلبه می‌آورند. اما در چنین حالات ارتجاع داخلی و خارجی نیز آرام نه نشستند وبه عملیات، توطئه ها، تجاوزات مسلحانه وتخریبکاری ها وتبلیغات بیشرمانه وخصمانه نیز دست یازیدند. مرتجعین داخلی وبازماندگان تزار مواد ارتزاقی را با پول از بازار ها و مارکیت‌ها خریداری کرده ویا بخاك‌پنهان میکردند ویابه دریا ها می انداختند. پارچه های گونه‌گون جمع آوری شده وبه آتش انداخته می شدند کار شکنی وسبوتاژ، اختلال و دهشت وترور، وتخدیر اذهان به شدت دامن زده می شد. جنگهای داخلی مشتعل گشت. تجاوزات مسلحانه دشمنان خارجی انقلاب اکتوبر، براه افتاد چنانچه در برابر دولت جوان شوروی (چارده) کشور امپریالیستی دست به تجاوز بردند تمام منابع تبلیغاتی ونشراتی‌امپریالیزم واستعمرا شب وروز از سقوط وشکست و ناکامی انقلاب کبیر اکتوبر واز نابودی بلشویك ها گذارش میدادند. اما در چنین شرایط انقلاب به پیش می رفت ودشمنان انقلاب پیوسته روسیاه وافشا می شدند خلق ودولت شوروی در دوجنگ اول ودوم جهانی خسارات زیادی متقبل شدند اما از انقلاب خویش تا پای جان حراست وحمایت کردند وهمان است که در طی شصت ودو سال‌کشور شورا ها ازبه اصطلاح پیشرفته‌ترین. متمدن ترین وعصری ترین کشور های بورژوازی چنان پیشی گرفته وچنان جامعه یی اعمار گشت که اکنون میتوان گفت که در روند آنجانتنهانورصلح وسعادت وترقی اجتماعی می تابد واکنون دارند که وارد مرحله دوم جامعه نوین گردند.

٤ـ اهمیت بین المللی :

انقلاب کبیر اکتوبر دارای اهمیت عظیم بین المللی بوده چنانکه از همانیم که به پیروزی رسید بنیاد استثمار وسرمایه را در سراسر جهان به ارتعاش افگنده وتمام‌صفحات گیتی که در سایه سیادت استعمار قرارداشت به دونیم بخش کرده وبدین ترتیب نه تنها قوت استعماری جهانخوار را ضعیف وناتوان ساخت بلکه در همه جا پروسه تلاشی سیستم مستعمراتی سریعا آغاز یافت جهان به دو اردوگاه متخاصم سوسیالیستی وامپریالیستی تقسیم گردید. در سراسر جوامع سرمایداری نهضت کارگری وانقلابی پرولتاریا اوج‌گرفت ودر کشور های آسیا، افریقا وامریکای‌لاتین درفش حریت طلبی ومبارزه علیه استعمار به اهتزاز درآمد چنانچه در پرتو تاثرات امواج نور انقلاب کبیر اکتوبر بود که خلق قهرمان مانیز با قیام مسلحانه خویش برای نخستین باربه سیادت مستقیم استعمار بریتانیادرکشور شان پایان داده وباین شکل یکی از حلقه هازنجیر استعماری رادر ین صفحه گیتی ازهم فرو پاشیدند خلقهای ایران، هندوستان چین وکشور های دیگر علیه ارتجاع داخلی وتسلط استعماری به پیکار برخاسته و بدین نحوه هرروزی که میگذشت کشوری آزادی خودرا از دست استعمار بازمی ستاند.

در ادامه پروسه تکامل همین انقلاب بود که بعد از جنگ دوم جهانی یك عده کشور های دیگر در اروپای شرقی‌دارای نظام های خلقی و کارگری شدند وروز بروز سیستم سوسیالیزم کشش و نیروی جاذب شگرفی در میان خلقهای جهان بازیافت وهم اکنون اکثریت مسکونین سیاره ما راه سوسیالیزم رادر پیش گرفته اند.

یعنی انقلاب کبیر اکتوبر مبارزه طبقاتی رادر مقیاس جهان نیز تشدید کرد و درفش صلح وآزادی خواهی در همه جا بلند شد، و امپریالیزم در آستانزوال قرار گرفت

کلیه نهضت های ملی وانقلابی باسوسیالیزم قرین وپیوست گردیده و همین حالا سه روند نیرو مند انقلابی جهان یعنی سیستم‌جهانی سوسیالیزم، نهضت بین‌المللی پرولتاریا و جنبش های رهایی بخش ملی که علیه استعمار، ارتجاع وامپریالیزم مجدانه بپیکار می نمایند همه محصول مستقیم و غیر مستقیم پروسه تکاملی انقلاب کبیر اکتوبر میباشد.

٥ـمقام تاریخی : انقلاب اکتوبر برپروسه تاریخ و تعیین سیر تکاملی آن نقش انقلابی بجا نهاده و سمت گرایش تکامل جوامع بشری رابیش‌ازپیش‌مشخص گردانید، بویژه اینکه ما میگوییم مضمون دوران کنونی را گذار از بورژوازی به سوسیالیزم تشکیل میدهد حرف ساده نبوده و چنین مضمون تصادفی شکل نگرفته است اما این بدان معنی نیست که از تکامل قانونمند تاریخ انکار کنیم و مرحله سوسیالیزم را که مطابق سیر طبیعی تاریخ و برپایه جبر زمان بصورت محتوم آمدنی بود تنها فرآورده محض انقلاب کبیر اکتوبر و دیگر انقلابات کارگری و خلقی قبول کنیم زیرا سیر تاریخ بصوب همین مرحله بحرکت بوده و بحرکت است. اگر ما بخواهیم ویا نخواهیم روزی در سراسر جهان بشریت درفش صلح و ترقی اجتماعی به اهتزاز آمده و بر همه بد بختی ها و نابرابری های اجتماعی و جنگ و تجاوز و استثمار پایان داده میشود این ضرورت عینی زمان ورشد قانونمند پروسه حدود ناپذیر تکامل اجتماعات بشری بوده که فرماسیون اقتصادی اجتماعی سوسیالیزم روزی در مقیاس گیتی مسلط خواهد شد و همه جوامع به سیر تکاملی خود به مراحل فاقد طبقات ادامه میدهند اما باید اذعان کرد که حقیقت و امر پیروزی آن به دفاع ضرورت دارد، لذا صلح و ترقی اجتماعی نیز ساده به جهان حاکم نمیگردد همانطوریکه به منظور رویش لاله های دلکش صلح و سوسیالیزم در برخی از کشور های جهان. خون هزاران انسان مبارز و صلح طلب وترقی خواه چهره زمین را گلگون کرده و این لاله ها رااز خون خویش و به قیمت خون شان آب داده و طراوت وخرمی بخشیده است بهمان سان استقرار جهانی صلح وسوسیالیزم چنین قربانی ها را بدنبال دارد زیرا طبقات مرتجع و امپریالیست هابه سهولت وسرعت مواضع خویش رارهانکرده و تا پای جان در برابر مبارزات نیرو های تحول طلب و انقلابی مذبوحانه تلاش می ورزند.

ولی فراراه مبارزات تند وشعوری وپرتوان وکثیرالبعد تمام خلقهای جهان مشعل ایدیالوژیك و تجربیات انقلاب کبیر اکتوبر گردید زیرا با این انقلاب در ماهیت و نحوه تاریخ تکامل جوامع بشری سریعانه تغییر وارد آمد و سر زمین شوراها و انقلاب پرولتاریای آن به زودی

بقیه در صفحه ۲۹

برتولت برشت

ترجمه دکتور نجیب الله یوسفی

قاعده واستثناء

جوالی

قسمت دوم

سوداگر: هو؟، ازخاطر دزدها؟ ... امامه می خواهم که مردم بفهمند که تومره کجا میبری . جاپ پای مره که پاك کنی هیچکس نمیتانه بفهمد که تومره کجا بـردی ... (بعد بحالت مشکوك) : برو، توپیش برو ... مه از پشت می آیم .

ـآنها راه خودرا ادامه میدهندبدون اینکه حرفی باهم تبادله نمایند .

سوداگر باخود میگوید : روی ای‌ریگـها جاپ پای به صراحت دیده میشه. بهتراست که جاپ پای ره پاك کنیم ...

جوالی : صاحب. راه ره بالکل درست آمدیم. هیچ غلط نکدیم. اونه. اونجه ره ببین ، (باانگشت اشاره میکند) دریـا ... دریاره... داباشی مره گفته بود کـه دریا میایه (باخوشحالی) ماراه ره شکـر غلـط نکدیم .اوگفت که ده ای‌وخـت‌سال او دریا اوقه زیادنیس، ومامیتانیم به آسانی تیـر شویم . واگه سیل آمده باشه باز دیگـه خطرناك اس وتیر شدن هیچ ممکن نیس .

ـ هردو بدریا نزدیك میشوند . صدای دریا بیانگر طغیانی بودن دریاست .

جوالی : اوه سیل آمده ...

سوداگر : ماوقت نداریم . باید تیرشویم.

جوالی : نمیشه ، خطرناك اس، هشت روز باید صبر کنیم تادریا آرام شوه .

سوداگر : مانمیتانیم یکروز صبر کنیم . توخو هشت روز میگی، ماباید تیر شویم .

جوالی : پس باید يك کشتی یا تنه‌درخت پیداکنیم که غرق نشیم .

سوداگر : نمیشه وخت کم است، دیـر میشه .

جوالی : مه‌که اوبازی راياد ندارم .

سوداگر : او چندان زیاد نیس که تـره غرق کنه ...

جوالی پای خودرا بدریا داخل نـموده و (بها صطلاح قداو) میکند . دو باره به عجله وترس زیاد از دریا خارج شده میگوید : اوز یادس ، از سرم میپره .

سوداگر : وقتیکه داخل دریا شدی بـاز خود بخود او بازی کده میتانی ، مه می‌فهمم، تونمی فهمی ...

جوالی : آخر ماجرا به جورگا بریم ؟

سوداگر : آدم احمق، تونمی فهمی که ای يك خدمت بزرگ برای انسانها خواهدبود، اگر ماتیل بدست بیاریم، وختی تیل بدست آوردیم، اینجاره، استیشن ریل میسازیم و زندگی مردم بهتر میشه، نان، لباس، وخدا میداند که چه چیز های دیگی برای مـردم تهیه خواهد شد .

جوالی : نان، لباس ... ای کار هاره کی میکنه ؟

سوداگر: ما، فقط ما... ای کار به همی سفر مابندس، به مه، به تو، فکر کو، چشم ملیو نها انسان هـمی لحظه بـه طـر ف توس، بطرف تو انسان کوچك وناچیز ..... وتو هنوزهم غفلت میکنـی ووظیفته انجام نمیتی .

جوالی در حالیکه ازترس بعد از هر کلمه سوداگر سر خودرا به علامت مثبت تکـان میدهد ، در اخیر جملات سوداگر میگوید : مه اوبازی ره یاد ندارم ، غرق میشم ...

سوداگر: زندگی مه هم ده خطرس، مه‌از زندگی خود تیر میشم اما تو انسان که‌هیچ چیز نداری، بازهم جرئت‌نمی‌کنی، مه‌می‌فهمم، تواصلا خوش‌نیستی که مازودتر به جورگا بریم ، چونکه بری تو . روز مطرح‌اس، تـو روزانه مزدنه میگیری وهرقدر که مادیر ده راه باشیم، فایده تس، مه ای گپ هـاره می فهمم توبه غیر از مزدت دیگه به هیـچ چیزد ه‌ای سفر علاقه نداری .

جوالی که به کنار ساحـل وحشت زده ایستاده است میپرسد : مه چطور کنم ؟

بعد به آواز خوانی میپردازد :

اینهم دریا

دریای پر خطر ، خطر مرگ

در ساحل دومرد ایستاده اند .

یکی شنامیکند، امادیگـری معـطلی‌دارد.

آیا آن یکی شجاع است ؟

آیا آن دیگری ترسو است ؟

به آنطرف ساحل یکی از آنها

در انتظار معاملهٔ بزرگ وگنـج بزرگ

است .

یکی از خطر میپرد و

نفس سوخته میرسد به‌ساحل تسخیرشده

اوبه جایگاه خود میرسد

او غذای تازه می خورد

اما آن دیگری

از خطر

شتابزده می جهد درآغوش هیچ

تن ضعیف اورا

خطر دیگری در آغوش میکشد

آیا هردو شجیع هستند ؟

آخ : ازدریای مشترك مغلوب

دو برندهٔ مساوی

بیرون نمی جهند

ما ، من وتو

اینها همه یکی نیستند

ماموفقیت بدست خواهیم آورد

ولی تو برمن غالب میشوی

ـصدای طغیان دریا صدای جوالی راتحت تاثیرقرار میدهد . بعد از لحظهٔ سکـو ت جوالی از سوداگر تمنامیکند و میگوید : پس اجازه بتین که‌مه اقلا نیم روزاستراحـت کنم . ازبس که باربردیم خسته شدیـم . وختیکه مه ماندگی خوده گرفتم باز امکان داره بتانم خودمه به اوطرف دریا برسانم .

سوداگر : مه چاره بهتری را بلد هستم. حالا اولهٔ تفنگچه ره به پشت میمانم وشـرط میکنم که توازمه پیشتر به او طرف دریـا میرسی .

(سوداگر جوالی را بامیله تفنگچه تحدید نموده میگوید) : برو ... پیش برو ... پیشه مه ای قدرت ره بری مه میته که مه ازدزد هاترسم ودریاره فراموش کنم ... (سوداگر در حالیکه جوالی رابه داخل دریا مجبـور میسازد به آواز خوانی میپردازد :

به اینترتیب انسان فراموش میکند .

دشت وبیابان ودریای خروشان را

به اینترتیب انسان خودش را فـراموش میکند .

ونیل را، طلای سیاه را، بدست می‌آورد.

شب سیاه :

تاریکی شب فرارسیده . جوالی با آنکه یکدستش شکسته وبادستمال کهنه و چرك آنرا به گردن خود آویخته است، می خواهد خیمه را برای استراحت سوداگر ایسـتاده کند . سوداگر در گوشهٔ متفکر نشستـه است .

سوداگر خطاب به جوالی :ـ خو گفتم که چون دستته ده دریا شکستانـدی و امکـان داره کمی دردهم داشته باشه، ازی خاطر مه خودم خیمه ره ایستاده میکنم ..

(جوالی بدون توجه به سخنان سوداگر به آماده کردن خیمه ادامه میدهـد)•

سوداگر: اگه مه تره از دریا نمیکشیدم. وخت غرق شده بودی .

(جوالی بازهم بی اعتنا به کارخود ادامه میدهد) .

سوداگر: گرچه مه در شکستن دست تو کدام گناه ندارم ولی چون غیر از مه کس دیگی نبود، از ای خاطر کمکت کدم، اگه‌نی به مه چی، امکان هم داشت که اوتنه‌درخت بدست مه می خورد ودست مره میشکستاند• در آنصورت تومره کمك هم نمیکدی. شاید هم نمی خواستی کمکم کنی، چون تو فکر میکنی که ده جیب مه پیسه زیادس، اما مه خاطرته جمع میکنم . خوب گوش کو، مه ده جیبم پیسه زیاد ندارم ، امابه جورگاکه رسیدیم بازاز بانك میگیرم ومزدتره میتم .

جوالی : خوب صاحب .

سوداگر (باخود) : اصلا دلش نمیشه که درست جواب مه بته، خوب صاحب ... بلی صاحب ... اینطور طرفم سیل میکنه که‌فقط دستشه مه شکستانده باشم . ای جوالی ها انسانهای کثیف وبیکاره هستند ... (خطاب به‌جوالی): برو ••• خوکو•••

جوالی کمی دور تر میرود وبگـوشهٔ میشیند.. سوداگر (باخود ادامه میدهـد) انسانهای تنبل وبیکار ... حتی او بازی ره هم یاد نداره، چی ره یاد داری، از هما ن طفولیت تنبل وبیکاره تربیه میشن .. اینها باردوش ما هستند ... شجاعت، دلیری .... اصلا در نهاد اینها نیس، همینطور که آدم چیزهای کثیف وبیکاره ره از خانه خـود بیرون میاندازد باید ما اینهاره هم ازجامعه بیرون پرتیم . مفت خورها انسانهای تر سو وضعیف ••• (بعد سوداگر به آواز خوانـی میپردازد) :

آدم مریض‌میمـپرد و آدم قـوی بـه‌پیش میرود .

اینست رمز خوب زندگی .

آدم ضعیف را کمك کنید •آدم قـوی‌را لگدمال .

اینست رمز خوب زندگی .

بگذار بیافتد . آنچه که میافتد

به اوضربه بزن که زودتر بیافتد

چونکه ، اینست

رمز خوب زندگی

جوالی آهسته نزدیـك میشود ،سوداگرکه متوجه آمدن او شده با خود میگوید : آه ، مثل اینکه‌گپ های مره تماما شنیده باشه... ازترس خطاب به جوالی میگوید : ایستاده باش •• پیش نیا،چی‌می‌خواهی؟

جوالی: صاحب ، می‌خواستم عر ض کنیم که خیمه شما تیارس وشما میتانین استراحت کنین ...

سوداگر: دری تاریکی شو ایطور خیـخ اینطرف وآنطرف نرو، ازی کارها خوشـم نمیایه ... هروقت‌که نزدیك مه میایی، می خواهم که پیش از آمدنت صدای پایتـه بشنوم ... راستی خوب فکرته بگی. هروقت که مه‌همرایت گپ میزنم، می خواهم که به چشمهایم ببینی فهمیدی ؟ •• (بعد به مه‌غرض امرمیکند) برو... خوکو.. تره به مه غرض نیس که خوکدم یانه کدم ...

جوالی بر میگردد که برود ... سوداگر مثل اینکه حرفی به فکرش گشته باشـد خطاب به جوالی صدا میزند : ایستاده باش. توبروده خیمه خوکو. مه اینجه میما نم ... مه‌به هوای تازه عادت دارم .

جوالی به خیمه میرود .

سوداگر : دلش اس که مره ده خیمه‌تیر کنه وباز سرمه حمله کنه ... فقط مه‌نمی فهمم ... می خواهم بفهمم که چقدر ازاشعار مره ای شنیده ... (بعد از لحظهٔ سکـوت)

سوداگر : چی میکنه ؟ فکر میکنم هنوز هم پـلان می سنجه•

سایه جوالی بروی پرده خیمه ظاهرمیشود که مصروف آماده ساختن بستره میباشد .

سوداگر :ای حماقتس‌اگـه مه مـتوجه خود نباشم • اعتماد حماقتس ،دست‌اوبـه خاطر مه شکست وفکر میکنم که ده زندگی دیگه جورهم نخواهد شد . البته که او حق داره ازمه انتقام بگیره ... مه باید متوجه خود باشم، بیدار میمانم ... آدم قوی اگه خوباشه به اندازه آدم ضعیف که بیداراست، زور نداره ... اصلا آدم ده زندگی نبایـد خوکنه .: ••• (مثل اینـکه کمی سردش‌شده باشد) میگوید: اما بهتر است که ده خیمه بیدار باشم : ده هوای آزاد امکـان داره مریض شوم. اماکدام مرض میتانه به اندازه اینطور آدمها خطرناك باشه . بخاطر يـك پیشه ناچیز چند روزش که پشت پشت مـه میابه‌ونوکری مره میکنه‌بخاطریکه مه‌پیسه‌دار هستم . گرچه که راه به اندازه کافی بری هردوی ما مشکل بود ولی او باید بارمیبرد.. وقتیکه گفت مانده هستم، زدمش، وقتیکه داباشی همرایش دست دوستی داد، دستشانه کوتاه کدم . داباشی هم رفت پشت کارش. وقتیکه او بخاطر دزد ها چاپ های پای ماره پاك میکرد مه به اش بی اعتمادی کـد م .

وقتیکه از دریا ترسید، تفنگچه مه نـرسشه پراند. همرای اینطور آدم که‌دلش پرازکینه است، چطور میتانم به یك خیمه خو کنم .. او نمیتانه که ای چیزهاره فراموش کنه ... می خواهم بفهمم که او ده مابین خیمه چی میکنه وکشك چی ره میته ؟

سایه جوالی از بیرون دیده میشود که می خواهد بخوابد ... لحظهٔ بعد جوالی استراحت میکند (دراز میکشد) .

سوداگر : مه‌خو دیوانه نیستم که‌همـرای او بکجا ی خوکنم ...

فردای آنروز باز هر دو به راه خـویش ادامه میدهند، سوداگر که به جوالی اعتماد ندارد از عقب جوالی در حرکت است . آفتاب ظهر دشت ، قدرت وتوان جوالی را خیلـی کاسته است . جوالی میایستد .

سوداگر : برو چرا ایستاده شدی ؟

جوالی : سرك اینجه خلاص میشه .

سوداگر : به قهربه طرف جوالی میرود و میگوید : خوب ، یعنی چی ؟

جوالی : صاحب ، اگه مره میزنین، شماره بخداکه ده دست اوگارم نزنین ... راه از پیشم گم شده، ازی به بعد مه راه ره بلد نیستم .

سوداگر: اما او شاگرد هوتلی خو بری توراه ره نشان داده .

جوالی بلی صاحب .

سوداگر : ووقتیکه مه از توپرسان کدم که راه ره بلد شدی گفتی آ ... وکلیتـه فیل مرغ واری شور دادی .

جوالی : بلی صاحب (لحظهٔ سکوت) .

سوداگر : توگپ های شاگرد هوتلی ره اصلا نفهمیدی ، درست است ؟

جوالی: بلی صاحب.

سوداگر : خی چرا گفتی که مه راه ره بلد شدیم ؟

جوالی : مه ترسیدم که اگه میگفتم که راه ره نلد نیستم ، مره هم جواب بتین ، همینقدر فهمیدم که شاگرد هوتلی گفت ده راه بکدریا میایه وباز کاریز ها ...

سوداگر : خوب او کاریز هاکجاس ؟

جوالی : نمی فهمم .

سوداگر : برو پیش برو وفکر نکو که مه آدم احمق هستم وگپ های تره قبـول میکنم ... مه خوب می فهمم که توراه ره بلد هستی وچندین دفعه ده ای ره آمـدی ورفتی ...

جوالی : مه ازی به بعد راه ره بلدنیستم. بهتر است که مامنتظر دیگر ها باشیم که ازپشت مامی آیند .

سوداگر : خو؟، منتظر باشم ؟ وتوباز تا اووخت استراحت کنی ها، چطور ؟

برو پیش برو ... (آنها میروند) .

سوداگر : کجا میری ؟ ای خو بطـرف شمال س که تومیری ؟ شرق اونجه س . (جوالی بطرفیکه تجار میگوید پیش میرود).

سوداگر : ایستاده باش .

جوالی میایستد ولی چشمهایش به زمین دوخته است.

سوداگر : مه تره نگفتم که هر و قـت همرایت گپ میزنم به چشمهایم ببین . چرا طرف مه سیل نمی‌کنی ؟

جوالی : مه فکر کدم که شرق اونجه‌س.

سوداگر : صبر کو، حالی مه تره شرقه نشان میتـم ، حالی مه تره نشان‌میتم کـــه چطور به راه راست بری . (تاجر او را به دست افگارش میزند) : حالا فهمیدی کـــه شرق کجاس ؟

جوالی فریاد میزند : بدست اوگارم‌نزنین، شماره بخدا بدست اوگارم نزنین .

میزند ومیپرسد :

سوداگر : شرق کجاس ؟؟

جوالی : اونجه (به سراشاره میکند) .

سوداگر: خوب کاریز ها کجاس ؟

جوالی : اوطرف (به سر اشاره میکند) .

سوداگر : اوطرف ... اماتو خو اوطـرف میرفتی .

جوالی : نی صاحب .

سوداگر : خی او طرف که‌نمی ر فتـــی، پس کجا میرفتی. (اورا میزند)...

جوالی : از شدت در د فریاد میزند . بلی صاحب .

سوداگر : کاریز ها کجاس ؟

جوالی : سکوت میکند .

سوداگر : (ظاهرا به محبت وآرام) : تو خو لحظه گفتی که کاریز هاکجاس ، بگو کاریز هاکجاس ؟

جوالی سکوت میکند .

سوداگر : اورا میزند وفریاد میکشد : می فهمی که کاریزها کجاس ؟

جوالی : بلی صاحب .

سوداگر : باز میزند ومیپرسد : می‌فهمی که‌کاریزهاکجا س ؟

جوالی : نی صاحب .

سوداگر : مره پتك اوته.

جوالی : پتك آب خودرا میدهد .

سوداگر : خوب، مه میتانم حالی، ولواگه از تشنگی هم بمیری، بریت هیچ او نتم . اما ... گرچه مره راه غلط بردی ، با ز هم مه ای کاره نمیکنم . بگیر یك شپ اوبخور وبراه راست برو .

جوالی هنوز کمی آب نخورده که سوداگر پتك آب رااز دستش میگیرد و میگوید : بس است . برودیگه ... (آنها میروند .)

سوداگر باخود میگوید : مه اوره نباید به‌ای سرحد میزدم . اوه ... مه کنترول خـوده از دست دادم . (آنها میروند) .

سوداگر : (بعداز لحظه) اینجه خوبودیم. اینه چاپ پای‌ما.

جوالی : فکر میکنم که از همینجه راه ره گم کدیم .

سوداگر : خیمه ره ایستاده کو. پتك او ماخالی شدومه‌ده پتك خود هم هیچ‌اوندارم.

جوالی به آماده ساختن خیمه میپردازد .

(نا تمام)

انقلاب کبیر سوسیالستی ...

نیرو ی در خشا ن و پر کشش در میا ن‌همه انقلا بیو ن ورزمند گا ن را ه آزادی ، برابری ، برادری ، صلح و سعادت همگا نی گردید ه واز انقلاب‌کبیر اکتو بر به بعـد خلقها ی جها ن در امر سا ز ند‌ گی تا ریخ و بمنظور تا مین آزادی شا ن بیش از پیش نیرو مند تر ، هدفمند تر و آگا ها نـــه‌تر عمل کرده و یقین حاصل کرد ند کـــه ظلم و استبداد و استعما ر و امپر یا لیزم پایدار نیست .

انقلاب کبیر اکتو بر سیر حرکت تکاملی تـــاریخ را آهنـــگ سریع السیر داده و کلیه بشر یت متر قی ، تحو ل طلب ، آزاد یخو اه و صلحدو ست را در جهت مبارزه پیگیر و خستگی نا پذیر علیه ار تجا ع استبداد ، استعمار و امپر یا لیزم بسیـــج کرد . مبارزه طبقا تی را در مقیا س جها ن بخصوص بین اردوگـــاه ســوسیـالیـــزم و امپر یالیزم بمیان آورده و تشد ید بخشید با سقو ط نظام منـدرس بورژوازی تـــزار شا او ده پنجمین مر حله تا ریخی یعنـــی سو سیا لیزم را پا یه گذاری کرده وتکامل داد. بلی ! اولین انقلاب، انقلاب‌کبیرسوسیا‌ـ لیستی اکتو بر بود که بشر یت را در استا ن مرحله نو ین تا ریخ قرار داده و پیروزی صلح و ترقی اجتما عی را درمقیاس سیاره ما امر حتمی ثبوت کرده .

این انقلاب کبیر اکتوبر بود که با سر‌ـ نگو نی نظام سر مایداری تزاری ، بنیا د سر ما یه را در همه جا لرزانده و تا ریخ بشر یت را سیر و آهنگ نوین داد . زیرا تا قبل از انقلاب کبیر اکتو بر پیرو ز ی سوسیالیزم و عبـور بشریت بـــه مر حله نو ین تا ریخی که در آنجا سیا د ت‌ارتجاعی بورژوازی نباشد بیك ایدیا ل و بمثا بـــه یك شبح تصور میگر دید چنا نچه ایدیالو‌ـ گها ی بو رژوازی چه در دوران ما ر کس وانگلس وچه در دوران لنین بـزرگ‌وقتـی که سخن از ایجاد جا معه سو سیا لیستی در میا ن می آمد. پوز خند زده مساله را به باد استهزا و پندار واهـــی می گـر فت اما با انقلاب کبیر اکتو بر نه اینکـــه تاریخ وارد مر حله نو ین خود گر دید بلکه به اثبات رسید که جامعه سیر ایستا یی ندا شته و زما ن درنگ نمی پذیرد بنابرین جامعه بورژوازی و ظـلم و نابرابری هـــای اجتما عی بر ای همیش پایدار نیست .

معهذا انقلاب کبیر سوسیا لیستی اکتوبر چر خش عظیم وانقلابی در روند تا ریـــخ پد ید آورده وپیش بینی ها ی مارکس ، انگلس و لنین راکـــاملا در زمینه پیروزی وایجاد جا معه بدو ن طبقا ت حقا نیت‌بخشید بر پندار ها ی وا هی اید یا لو گها ی‌بور‌ـ ژوازی که نظام بورژوازی را تغییر نا پذیرو جر یا ن تا ریخ را بر هم و در هم وتصادفی می انگا شتند یکباره خط بطلان کشید .

٦ـ اهداف انقلاب کبیر سو سیا لیستی اکتوبر :

انقلاب کبیر اکتوبر «۱۹۱۷» در اتحا د شو روی دا رای هد ف کو چك و بسته به نیاز مسکونین یك محل و کشور نبوده بلکه دارای ا هدا ف انسا نی بوده که هما نا اعمار جا معه بدو ن طبقا ت و پیروزی صلح در سراسر جهان بوده و است این اصل ازما‌ـ هیت کا ر گری وانتر ناسیو نالیستی ایـن انقلاب خو ب تر و بهتر عیان گر دیده و میگر دد زیرا هد ف انقلاب کبیر ا کتو بر رها یی انسا ن از بند انوا ع اسا ر ت واستثمار فرد از فرد بوده که بد ین‌ترتیب با قا طبه انسا نها ی اسیر و بد بخـت واستثمار شونده ارتباط میگیرد انسا نها آزادی و برابری می خواهند . انسانهـــا صلح وسعادت می خواهند انسانها زندگـــی مر فه ، مستر یح و پیروزی ها ی در خشان می خوا هند و بالاخره انسا نها در پـــی آنند که در پر تو مشعل علم و در اثـر کار و پیکا ر مستدام و انقلابی خو یش بر جهان حاکم گـردند (در ینجـا وقتیکه‌انسا‌ـ نها می گوییم منظور واقعـا از انسـانهـا است نـــه از انسان نما ها بیکـه دد صفت و درند ه خصا ل اند) در حالیکه ایـــن ما مو ل و هد ف را میتوا ن در پرو ســه تکا ملی انقلاب کبیر اکتو بر در طـــی شصت سا ل بهتر منعکس دید .

اهدا ف انقلاب کبیر اکتوبر آزادی ،برا‌ـ بری ، برادری ، صلح و سعادت وا قعی برای انسا ن ها و در میا ن انسا نها است .اهداف انقلاب کبیر اکتوبر نابودی استثمار ، ارتجاع استعمار و امپریالیزم بود ه که در همه جا استقرار نظام فاقد طبقات و عاری از مظالم ملی و طبقاتی و دیگر معایب و مصـایب را خوا ها ن بود ه و می با شد .

چو ن اهدا ف انقلاب کبیر اکتوبر آزادی انسان در سراسر سیاره ما است بنا برین این انقلاب متعلق به‌همه خلق ها ی جها ن بوده و عید همه زحمتکشا ن میبا شد . زان جهت‌درهر سالگرد آن تما م زحمتکشا ن جهان سرود و پا یکو بی نموده وبخصو ص خلق قهر ما ن افغانستان از شصت و دوم‌ـ سا لگشت این انقلاب در شرا یطی‌استقبا ل بـــه عمل مـی آو ر نــد که انوار زرینـه پوش خورشید انقلاب ثور کـه بـــر حـق دوام دهـنده سنن و اهـداف و عمل کـرد انقلاب کبیر اکتو بر است در سرا ســـر افغانستان عزیز بر کدورت هـای مظالم ملی وطبقا تی در حال غلبه است . انقلاب کبیر اکتو بر انقلاب پرو لتا ریا ی سر ا سر جها ن است . انقلاب همه بشر یت صلـح خواه ، تحو ل طلب، آزاد یخواه و مترقی میبا شد . هما نطوریکه اهدا ف انقلاب کبیر اکتو بر تا مین واستقرار صلح و تر قـــی اجتما عی و غلبه بر ار تجاع واستثمار وامپر‌ـ یالیزم در سراسر جها ن میباشد . بهما‌ـ نگو نه خلقها ی سراسر گیتی می خوا هند ودرین جهت مبارزه میکنند که در فش اهداف وآر مانها ی انقلاب کبیر اکتو بر در همه جا پیروز مند انه برا فر ا شتـــه گردد لذا جشن شصت و دو مین سا لروز ایـــن انقلاب ، جشن همه کار گر ان ، دهقانا ن وسایر ز حمتکشا ن جها ن میبا شد .اکنون که جها ن بشریت گر ایش به تحقق‌اهداف والای انقلاب کبیر اکتو بر دارند امپریالیزم وارتجا ع در همه جا ر و به افول‌قطعی‌بسرمی بـــرد.

زنده بـاد اهداف انقلاب کبیر اکتوبـــر بر افراشته باد درفش صلح و سو سیالیزم در سراسر جها ن .



یادی از اکتوبر کبیر

از دورهٔ نخست سر آغاز بردگی
تا اینزمان که‌عصر رهایی توده هاست
دیدست این جهان
این زال سالخورده
در طول قرنها
در سیر حادثات
بس انقلابها

باگیرو دار غرش وتوفان جنگها

***

آری به هر زمان
هرجا که غول وحشی استمگر پلید
بر خلق بینوا
بیداد کرده است
آخر بکیفرش
جوشیده خون خلق
عصیانها بپا شد بر ضد این و آن
واژون گشته کاخ ستم با ستمگران

***

اما ...
اماندیده تابه کنون چشم روز گار
آنسان که در زمان «لنین»
خلق رنجبر
دهقان وکارگر
بررهبری حزب جهانساز بلشویك
درآخر ین قیام خود از خشم‌انتقام
توفان سیل خلق
مواج وپر خروش
لرزاند دشمنان سیه کار توده ر
شد واژگون نظام‌ستم، آن نظام شوم
ویران گشت کاخ خدا یان زور وزر
پیروز گشت جنبش پیکار کارگر
بربار اولین
در کرهٔ زمین
نابود گشت دشمن بد خواه توده ها
تزار خونخوار
باجمله خاینین
بهر ابد زصحنهٔ تاریخ محو گنشت

***

بر جان آن بنای خرافی ارتجاع
اعمار شد کاخ نوین امید ها
کاخ شکوه خلق
ایجاد شد نظا م نوین برادری
برپایه تعاون وعدل وبرابری

***

در یاد آنزمان
از مادروداد به آن «خلق‌قهرمان»
وزمادرود باد به‌آن «پیشوای خلق»
بر «لنین کبیر»
آموزگار وهمره وهمرزم کارگر
همدرد و همنبرد وهماهنگ دهقان
آن بهترین رفیق‌گروه ستمکشان

آرزومند

دکتور اسدالله حبیب

ثور واکتوبر

باد از جانب کوه آمد
آمد وجامهٔ راهش را
بوی باروت گزان بر میخاست
زود در پرتو خورشید انداخت
برلبش قصهٔ جنگ
در کفش دسته گل سوخته داشت

گفت: آنگه‌که زمین‌ملکیت دهقان شد
آتش کینه فروزان گردید
گفت : ارباب
نوکرش
نوکر نوکر ارباب
خشمگین جانب کهسار به راه افتادند

باد گفت :
به تلاش دلدریا
وبه آزادی خویشم سوگند
که بدان مینازم
آنسوی مرز
دست آلودهٔ چندین دشمن
بایکی وحدت ناپاك
وبانیت شوم
شرم امضای یکی پیمان را
بر جبین میپوشند
هر کجا
اینسوی مرز
درسیه خانهٔ دهقان
وچراگاه بزان شیری
وبه هر تاکستان
آتش جنگ فرو میکارند

باد گفت :
رزمجوبان سپاه مردم
که به پشت دشمن
نام شان باقلم تیربه جا میماند
برفراز سر شان بیرق سرخ ثور است
وبه بازو هاشان
خون پاکیزهٔ «اکتوبر»توان میبخشد
وبه هر سنگر پیکار دفاع میهن
ارتش خلق دو مشعل دارند
یکی از «ثور» ویکی از «اکتوبر»

باد از جانب کوه آمد
آمد وجامهٔ راهش را
بوی باروت گزان بر میخاست
زود دربرتو خورشید انداخت
برلبش حرف ستایش از «ثور»
وفرا راه درازش
تابش مشعل «اکتوبر»

باد گفت :
تانك باغرش پرهول پلنگ
راه بردشمن رهزن بسته
لشکر «ثور» به هریك سنگر
خصم را بازو وسر بشکسته

باد گفت :

درهمه راه شنیدم از خلق
جاودان بادا ثور !

جاودان باد «اکتوبر» !

آفرین باد به باد
که جنین مژدهٔ جانبخش داد !
کابل ۷ عقرب ۱۳۵۸

طلوع مقدس

در دنیا
اگر صدایی
بماند
اگر سرودی
بماند
اگر کلمه یی
بماند
صدای انسان ،
سرود انسان ،
در این کلام است :
عشق من، ای رهایی پرواز ازقفس !-
آزادی ای طلوع مقدس !

به پیشوای انقلاب کبیر اکتوبر

لنین آورده پیغا م بهـــا ر ا ن
به خا ك افگند ه‌او کاخ‌تزاران
به‌آیین عدالت رو ی کـــر ده
یکی را کشته از بهر هزا ران

* * *

عقاب تیز بین ولادیمیر است
گهی اومهربان ،گه سخت‌گیراست
سریر سروری او را مسلـــم
که پتک فرق سلطان‌وامیراست

* * *

تزاران را ز پا لنین بر افگند
اهو را شد رها و دیو در بنـد
جها نی آفر ید او شا د ما نـه
چکش را داده او با داس پیوند

* * *

لنین با عزم وبا نیروی ایمـــان
ستم را ریشه کن کرده زبنیان
ره روشن گز ید و راه پیمود
رفیق کارگر شد یار دهقـــان

م . عاقل بیر نگ کو هدامنی

سور خلقی بیرغ

دغه سور بیرغ چه گو ری
داد لوی افغان غیرت دی
داپه وینو گـهل شو ی
دشهید دبا کی وینـــی

دغه شان دانقلاب دی
داد وینو لوی دریا ب د ی
دښمنانو ته عـذ اب دی
نه جوړ شوی‌سور سـیلاب‌دی

دغه نښه د عزت ده چه خلـقیان پــری‌ویاړ یدلی
نمو نه د شر افت ده چه خلمیا ن پری‌نا زید لی

داد خلقو لوی قدرت دی
دبابا لویه سینه کنبـــــی
سلیما ن دمو دو ورو سـته
په غرور با ند ی ولاړدی

هندو کش چه‌پری نازیږی
دخـو ښی چرس غـرپـیږی
اول واردی چه مسکیږی
سور بیرغ چه‌پری رپیـږی

داسمبول دآزادی دی افغـــانان پری راتـول شوی
دغه نښه دعزت ده چه خلقیـان پــری‌نا زیدلی

دی کنبی ستوری داقبال‌شته
دی کی ژوند دکار گر دی
دغنمو وږی گـــــــو ره
دی کی خلق ر اټول شوی

دیو نوی ژوند الهام د ی
دمز دور پکی مرام د ی
دبزگرو ژوند ته پا م د ی
او لسو نوته پیغا م د ی

هسك رپیږی هسك ولاړ دی د ښمنـان ئی شرمیدلی
دغه نښه دعزت ده چه خلقیان پر ی‌ویاړیدلـی

دا قدرت‌دی دبیو زلو
دا قوت د قو ی مهـــــږ
دعمرونو زور ید لــــــی
اخوانیان او د ښمنان به

په جا برو او چتیـــــږی
دکار گرو خر گند بـر ی
غر یبان پری خو شا لیږی
په تاریخ کښی لاور کیږ ی

دامو ژوند دامو آبروده دښمنـان پــری‌دردیدلی
نمونه دشرافت ده چه خـلمیان پـر ی‌نازیـدلی

جگړن رحمن الدین (اکبری)

دهقان

باغ هستی خرم وسرسبز، چون بستان نبود
گر تلاش صبح وشام فعله ودهقـــان نبود
جمع ما آشفته و درهم چو زلف یار بـود
کار ما گرپایه اش بر وحدت وایمان نبود
دهقان چون برده روز وشب اسیر رنج کار
با چنین رنجی، ورا سهمی زگنج خان نبود
کارگر جان میکند در کارگاه ومزد نیست
دهقان را با همه زحمت به انبان نان نبود
کار فرما ، کارگر را بنده پندارد. ولی
اجرتی این بنده ! را ازآنهمه فرمان نبـود
نان به نرخ جان بدست آرند خیل رنجبـر
اینچنین نانی بدست آورد نش آسان نبود
گر کسی دم زد زظلم کار فرما، یاکه خان
دادرس او را بجز تبعید یا زنـدان نبود
پشت دهقان زخمدار از ضربـۀ شلاق خان
این چنین مـزدی سـزای زارع افغان نبود
طفل دهقان درغم‌نان دیده‌اش گریان چوابر
بزم خان را جز شراب وبـرۀ بریـان نبود
این چنین ظلمی خداوند جهان کـی آفرید؟
این ستمکاری عنانش در کف یـزدان نبود
آنکه گفتت : عزت وذلت از او برما رسد
آن پلید زشت طینت پیرو قرآن نبود
قدرت سرمایه این بنیاد را بـر پـا نهاد
گرچه بنیادش بدوران سخت وجاویدان نبود
دهقان زنجیر محنت را ز دست و پا گشود
این چنین کاری ز دهقان قابل کتمان نبود
اوبه آزادی رسید و من به آبـادی رسـم
گرچه شهر عزم من هم آنچنان ویران نبود
جـان مـن بـادا نثـار دهقـان و همتش
غیر از او «پیروز» رادر زندگی جانان نبود
«پیروز»



مرگ

من اگر روزی مردم
باگیتارم خاکم کنید
وزیرشن

* * *

من اگر روزی مردم
میان در ختان نارنج
وبوته های پونه

* * *

من اگر روزی مردم
واگر خواستید خاکم کنید ،
مرا در درفشی افراشته بپیچید

* * *

من اگر روزی مردم

فدریکوگارسیالورکا

در قلب دشمن نیشتر گردی

سوادآموزجانم ! تاتوهم صاحب نظرگردی
برای خویش و خلق خویشتن نور بصر گردی
اگر خواهی شوی فارغ زقیدغم درین دنیا
توجه کن به آموزش که تاورزیده‌ترگردی
بهر و قتیکه گیری دامن دانش مده‌ازکف
ترا منزل رسا ند گر تو دا یم‌همسفرگردی
چراغ معرفت آنگـه دو چشمت میکندروشن
که آموزی سواد از حال یك‌دیگرخبرگردی
نکردند پردۀ تاریك دور ازپیش‌چشمانت
برای اینکه در بحر تغافل غوطه ور گردی
شده فرصت میسر راه دانش‌راپذیراشـــو
که تا در زند گانی‌واقف‌ازهرخیروشرگردی
زتاریخ درخشان نیاکان درس ها آموز
تو گرآئی بخود در قلب‌دشمن‌نیشترگردی
بنازد « هاشمی » دست‌رسایی راکه‌از گرداب
نجاتت داد کز نیروی وحدت بهرور گردی

اثر: میر محمد کاظم «هاشمی »

هیچکس

هیچکس جزتو نخواهد دید ،
که چگونه در میان صخره های سرخ‌قلبم،
یك درخت عشق می روید .
وفرازشاخه های رنگداراین درخت عشق ،
هیچکس جز تو نخواهد دید ،
که چگونه نورمی ریزد .

هیچکس جزتو نخواهد دید ،
که‌چگونه درنگاه تشنه‌ام خورشیدمی‌روید
هیچکس جزتو نخواهد دید .

دنیای اطفال

اطفال و سؤ تغذی

گراف و احصا ئیه هائیکـــه در دست است سوء تغذی بعـــد از انتا نات تنفسی و هضمی رقم عمده وفیات در اطفال میباشد .

. از آنجا ئیکه اطفال از نگـــــاه هستی مادی و معنوی یك جا معـــه مهمترین قسمت آن محسوب مـــی شود ، قدرت و نیروی آینده جامعه و کشور را تشکیل مید هند رول ارتقا و تکامل جوامع بشـــری را ایشان ایفا نمو ده و این موجودات با ارزش جامعه در سیر نشـــو و نمای جسمی و روحی خود باانواع خطرات و واقعات نا گوار مواجه‌می باشند جهت رشد سالم ، تربیـــه درست و مصوو نیت از هر نـــوع افات و امراض جسمی ، دماغـــی و روحی خود به تشر یك مساعی‌وجهد پیگیر . مو سسات و ار گانهـــای مختلف اجتماع ضرورت دارند .

قبل از انقلاب ثور به حال اطفال زحمتکشان که اکثریت جامعه مارا تشکیل مید هند از طرف حکو مت های پو سیده فیو دالی و مستبـــد گذشته کمتر ین توجه بعمل نیامده و اطفال دستخو ش انواع بیماری‌ها گر سنگی و بیسوا دی بودند .

دایر نمودن سیمینار های علمی و معلو ماتی از طرف مقا مات بـــــا صلاحیت جهت حل پرابلم هـــای فقدان و فقر غذائی ، در امـــان نگهدا شتن اطفال از شر آفات و بیماری های گو نا گون و قابل‌وقایه بی معلوماتی در باره رشد و نموی سالم اطفال و فراهم آوردن امکانات خیلی علمی و تربیتی در بوجـــود آوردن یك نسل سالم و نیرو مند، شجاع و رزمنده و وطنپر ست در خور اهمیت زیاد یست .

سیمینار تغذی و تربیه طفـــل بمناسبت سال بین المللی طفل از طرف سکر تریت سال جهانی طفل بهمکا ری موسسه صحت طفـــل مو سسات ذیعلاقه و مسا عـــدت اداره یو نسف در کابل چنـــدی قبل دایر گردید که در بلند بردن سویه مشمو لین این سیمینارنهایت مفید واقع شد .

ما پیرا مون این سیمینارمصاحبه ای با دو کتور سو نا رام رئـیسس موسسه صحت طفل و سکرتـــر سکر تریت سال بین المللی طفـــل بعمل آوردیم که اینك از نظر شما میگذرد :

ــروی کدام منظور سیمینارتغذی و تربیه طفل افتتاح شد ؟

ــچون اطفال قشر مهم جامعـــه میباشند و قبل از انقلاب ثور در قسمت آنها توجه ای نشده بوداین نو نهالان ما دچار انواع و اقسام بیماری ها می گردیدند . و نظر به احصا ئیه هائیکه در دست است سوء تغذی بیشتر سبب مـــرگ کود کان ایکه در فقر زندگی مـــی کنند می گردد .

سیمینار تغذی و تربیه طفـــل را بمنظور شروع مجادله به این آفت و متوجه سا ختن والدین افتتاح و دایر نمودیم ، در سیمینار متذ کره معلمین مکاتب ابتدائی ، معلمیـــن کود کستا نها ، بعضی از والدیـــن و منسو بین وزار تخانه هااشتراك نموده بودند که تعداد شان به دو صدو هشتاد و هفت نفر می رسید

ـ تدویر چنین سیمینار ها تاچه حد مفید بوده و آیا قبلا نظیر این سیمینار ، سیمنا ری دایر گردیده یا خیر ؟

ــالبته که تدویر چنین سیمینار ها نهایت مفید و موثر می باشد و اشتراك کنند گان بصورت درست گردند ، تا حال گرچه چندیـــن سیمینار تغذی اطفال دایر گردیده مگر چنین سیمینا ری بر گـــزار نگردیده است که این تعداداشتراك کننده داشته باشد .

از دو کتور سو نا رام خواستم تا نتایج این سیمینار را برای مـــا توضیح کنند .

گفت :نتایج سیمینار را که‌حاوی مقالات و مطالب نهایت مفیـــد و دلچسپ بود طور آتی خلاصـــــه میکنم :

پرابلم ها و مشکلات فعلی ایکه اطفال ما به آن مواجه اند :

۱ــ فقر غذائی یکی از عوامـــل



سوء تغذی در اطفال سبب لاغر ی زیاد وامراض‌گو ناگون می گردد.



عمده بیمار یهای اثرات سوء تغذی و وفیات اطفال در افغا نستـــان محسوب می شود ، فقر نه تنهـا مقاومت اطفال را در مقابل امراض انتانی پایین می آورد بلکه تاثیــر مستقیم در نشو و نمای فزیکی و حتی رشد دماغی و روحی آنها دارد که در عقب ماندگی استعداد هـا ، قدرت و نیروی تو لیدی آینـــده اطفال تاثیر نا مطلوب و ســـوء دارد .

قابل تذکر است که یك ســوم تمام اطفا لیکه زنده بدنیا می آیند در اثر فقر غذائی و امراض ناشی از آن قبل از آنکه به سن پنـج سالگی برسند نیست می شوند .

۲ـ امراض انتانی و از آنجمله اسهالات ، پیچشها ، انتانات طرق تنفسی ، توبر کلوز و امـــراض پرازیتی یا طفیلی عمده ترین اسباب وفیات اطفال را تشکیل میدهد . که اطفال دارای سن قبل از رفتــن بمکتب در کشور ما بیشتر قربانی این مرض می شوند .

۳ـ پائین بودن سطح حفظ الصحه محیطی و عدم توجه جدی فامیل ها به صحت جسمی و روحی اطفــال زحمتکشان این سر زمین که ناشی از شرایط ناگ وار اقتصــــادی و اجتماعی ، مشکلات فامیلی ،رسوم و عادات خرا فاتی و عدم داشتــن معلو مات کافی در مورد استعمــال درست مواد غذائی که همه آنهــا میراث عقب نگهدا شتن جامعه مــا توسط حکو مات استبدا دی وطفیلی و فیو دالی گذشته اند .

٤ـ توزیع غیر متوازن، خدمات صحی ، تعلیم و تربیه و غیره بیــن مناطق شهری و رو ستائی و عدم مو جودیت پر سونل کافی دریــن سا حات .

ـ جهت حل مشکلات فوق درین سیمینار چه توصیه های داده شد؟ وی در ادامه صحبت خود گفت :

توصیه هائیکه در سیمینار تغذی و تربیه طفل جهت حل مشکــلات فوق داده شده قرار ذیل می باشد:

اول در ساحه خدمات معالجوی :

۱ـ بسط و گسترش هر چـــه بیشتر مراکز معا لجوی طبــی در فوا صل نز دیك مخصو صادرروستا ها جهت بررسی و حل پرا بلم‌های معا لجوی اطفال .

۲ـ تو سعه ، تقو یه و از دیـاد مراکز رفاء و حمایه طفل و مــادر در سراسر کشور تا درین زمینه از روز های نخستین حیات داخل رحم طفل ، بوی توجه جدی مبذول شده باشد .

دوم اقدا مات اصلاحی ضروری :

۱ـ در نصاب تعلیمی مکاتب و از طریق تعلیما ت سمعی و بصری جدا گانه در باره بیا لوژی انسان، علم غذائی ، حفظ الصحه محیطـی، مضرات دخا نیات و مواد نشه آور (چرس ، تریاك ، هروئین ، الکول و غیره) با در نظر داشت سطــح دانش کلتور ،فهم و عادات اجتماعی هر منطقه ارائه معلو مات کافی .

۲ـ برای نشو و نمای سالم طفل تغذی با شیر مادر یك اصل انکـار نا پذیر ، حتمی است تمام سعـی و کو ششس در جهت تنویــــر و تشویق تمام مادران به پیــــروی ازین اصل بعمل آید ، توصیه های تغذی طفل با شیر مادر چه از راه تعلیمات صحی و چه از طریـــــق نشرات رادیو ، تلو یز یون ، روز- نامه ها ، جراید و مجـلات مفیـــد است .

در تورید انواع شیر های پودری و چو شکها تجدید نظر بعمل آیدو اشتها رات تجارتی نا مطلوب درین زمینه منع قرار داده شود .

۳ـ مواد غذایی که همراه با شیر مادر ضرورتاً عوض آن به طفــل داده می شود نوع و طرز تهیـه آن تعلیم داده شود و کوشش بعمـل آید تا از مواد غذائی محلی وارزان قیمت شکر غنی از مواد ضرو ری که در هر منطقه و محل کشور در دسترس باشد استفاده بعمل آید .

٤ـ بسط و از دیاد تعداد شیر- خوار گاه ها وکو دکستان‌ها وتوزیع رایگان یك وقت غذا در تمـــام کود کستا نها و در صورت امکـان برای صنوف اول و دوم ابتدا ئـی همچنان در صورت امکانات مالی از بین بردن فیس واجرت کود کستان ها .

۵ـ بسط و توسعه مراکز رهنمائی خانواده ها و توزیع بعضی مـــواد غذائی مخصو صا شیر پودری بـه فامیل هائیکه اطفال کمتر از ســن پنجسا له دارند .

بقیه در صفحه ٤٣

تور یا لی ځاځی

داکتو بر ستر سو سیالیستی انقلاب

دوه شپیته کاله دمخه دشو روی اتحاد خلك په دی بریالی شول چی داکتو بر ستر سوسیا لیستی انقلاب سرته ور سوی .

دایو منل شوی حقیقت دی چی کارگری انقلاب دکار گرا نو دطبقا تی مبارزی ترټولو لوړپړاو دی.کارگری انقلاب دټولو پخوا نیو انقلا بو نو څخه په خپلو ځو مهمو خصو صیاتو سره تو پیر لری . ددغو خصوصیا-تو تر ټولو مهم خصو صیت دادی چی کهټولو تیرو انقلابو نو داستثمار دیوه شکل په ځای داستثمار بل شکل ته ځای پریښوده ، کار گری انقلاب له سری څخه دسری به وا سطه پر استثمار ولاړ نظام له منځه وړی او په نتیجه کی دطبقاتود بیخی له مینځه وړلو سبب کیږی .د کار گری طبقی د گوند په لاربښوونه کار گری انقلاب دبی عدا لتی اوستم دټولو ډو لو نو له مظا هرو څخه دټولنی دآزا دی په معنی دی ، دانسا-نانو تر منځ دربښتینی ورو ری او برابری ددوران پیل دی .

داکتو بر ستر سو سیا لیستی انقلاب چی په رو سیه کی د(بلشو-یك) دگوند په لاربښوو نه منځ ته راغی دکلمی په ربښتینی معنی سره یو اصیل کار گری انقلاب ؤ .

داکتو بر انقلاب ددو لت وا گی دخلکو په لاس کی ور کړی ،زیار-ایستو نکو ته یی‌له استثمار څخه نجات ورکړ او دهیواد ټولی طبیعی زیر می ،ټولی تو لیدی مو سسی، بانکو نه او د اوسپنی لاری یی دوی ته وسپا ر لی . ځمکه یی په مجا نی ډول سره بز گرا نو ته ورکړ او ملی ستم یی چی دروسیی له نیمایی څخه زیات خلك رنځول له مینځه یو وړ، او هیواد نه یی له امپریالیستی جنگك (لومړنی نړ-یوال جنگك) څخه نجات ورکړ .

چی تزاری دولت دغه هیواد دخلکو دغو ښتنو په خلاف جنگك ته ور کش کړی ؤ.

دثور دبر تمین انقلاب زړ وز او قهرمان قو ما ندان ، دافغا نستان دخلکو ددمو کرا تیك گو ند دمر-کزی کمیټی عمو می منشی دانقلابی شورا رئیس او لو مړی وز یر حفیظ الله امین په خپل نا متو اثر (دثور انقلاب تیوری) کی داکتو بر دستر سو سیا لیستی انقلابد اهمیت په باره کی داسی لیکی :

«دنړی په تا ریخ کی راز راز پیښی شو یدی . چی دټو لنیزی پر-مختیا دلاری‌دپر اوونوځر گندی‌نښی بلل کیږی اود هغو اهمیت دهغی اغیزی له‌وسعت سره برا بر دی چی د بشری ټولنی په مادی او معنوی ژوند کی یی کوی. په هره اندا زه‌چی دهغو داغیزی سا حه پرا خه وی د بشریت پا مل نه زیا ته‌ځان ته اړوی . دبشری تمدن په سر نو شت

کی ددغو پیښو داغیزی له پلوه هیڅ یوه یی داکتو بر له ستر انقلاب سره دمقا یسی وړ نه ده‌د پرو لتری انقلاب لو مړ نی مشر ستر لنین داکتو بر دستر انقلاب په بری پسی ویل، په دی ور څو

کی‌دبشری ټولنی تا ریخ خپلی‌ډیری لویی او ډیری سختی ځر خید نی سر ته رسوی . دغه ځر خید نی بی‌پایانه اهمیت او له یوی زری‌مبا-لغی پر ته ویلی شم تا ریخی نړیوال اهمیت لری. .

« دامر یکا دمتحده اضلا عو انقلابی متر قی لیکوال جان رید ویل، داکتو بر لسو ورځو نړی ولړ زو له ، نن په تا ریخ کی دغه ثبت شوی ویناوی خپل حقا نیت زیات ځرگند وی . داکتو بر ستر انقلاب دعلمی سو سیا لیزم‌د تیوری پر تمین بر یالیتوب و چی هغه دژور درك ، فهم او هر اړخیز تحلیل په نتیجه کی دشو روی اتحاد دکمو نست گو ند په بر خه شو.

دبلشو یکا نو گو ند وکو لا ی شول چی دکار گری طبقی دوران-جوړوو نکی تیوری درو سیی په لانجمنو او پیچلیو شرا یطو کی تطبیق کړی . هغوی وکو لای شول

چی ددغی انقلا بی تیوری په پیروی دروسیی داستثمار گرانو او ستمگرا نو نظام را نسکور کړی اود لو مړی ځل دپاره په نړی کی دپرو لتار یا خورا بریا لی نظام ټینگك اود استثمار گرو ستمگرا نو له‌منگلو څخه دټول بشر یت دخلا-صون لاره‌پرا نیزی ..»

په رو سیه کی داکتو بر دستر سو سیا لیستی انقلاب بر یا لیتوب اود خار جی یر غلگرو دتیری او تجاوز په مقا بل کی چی دانقلاب په ضدرا ولاړ شوی وو، دشو روی حکو مت ټول ورو ستی بریا لیتو-بو نه او دسولی په‌لاره کی دشو-روی اتحاد دځلا نده‌دریځ،داکتر بر دستر انقلاب دلار ښو دله نامه سره‌شلید ونکی اړ یکی لری ځکه چی داکتو بر دانقلاب ستر لاربښود په تل ویل :

«دجنگو نوختمول ، دملتو نو په منځ کی سو له مینځته راوړل، دزور او تالان پای ته رسول زموږ خاص آرمان دی ...»

شوروی دو لت ته له تزار یزم څخه یو داسی هیواد په میراث‌پاتی شو چی داقتصا دی رشد په لحاظ په خورا ټیټه سطح کی وا قع و. اوه کا له جنگك ، په لومړی سر کی امپریا لیستی جنگك او ورو سته بیا دا خلی جنگك‌چی دانقلاب ددښمنا نو له خوا پیل شوی ؤ دشو روی هیواد اقتصا دی سطح یی دو مره را ټیټه کړی وه چی دانقلاب څخه دپخوا شا خص په نسبت یی هم تو پیر در لود.د شوروی اتحاد ځوان حکو مت‌د خپل مو جود یت له همغو لومړنیو ورځو څخه دټولنی دبیا جوړولو په کار پیل وکړ .

داکتو بر دانقلاب ستر لار-ښو د خپل دولو لوړك ژوند او ټول فعا لیتو نه دزیار ایستو نکوود سعادت او گټو په خا طر، مبارزی ته وقف کړی و.

دتولید په وسا یلو باندی دخصو-صی ما لکیت لغوه کول ، دټو لسو صنفی امتیا زا تو لغوه کول ، اتو سا عتو نو ته دکار را ښکته کول، دنارینه وو او ښځو دحقو قو برا-برتیا ،په ښوو نه او رو زنه کی ددموکرا تیك رفورم منځ ته را وړل، دپوهنی دودی په تالار کی زیار او هڅه ، دنوی او متر قی هنر پرا ختیا اود ملی هو سا ینی منځته راوړل ، هغه ټول مسا یل وو چی دشو روی ځوان حکو مت دهغوی دحل کولو له پاره په فعا لیت پیل وکړ .

دشورا گا نو ځوان جمهور یت خپل ټول خلاق او ایجاد کوو نکی قوت داقتصا دی ورو سته پا تی وا لی ، دمر ضو نو دله منځه وړلو او دغښتلیو کدرو نو دکمبود دپوره کولو له پاره په کار وا چاوه . چی دشو را گا نو دهیواد څیره دسو-سیا لیزم له جوړ ولوورو سته داسی بدله شوه چی چا یی تصور هم نه‌شو کو لی ، هیواد له یوه وروسته پاتی حا لت چی له څلورو بر خو

څخه یی دری بر خی او سیدو نکی دسوا دله نعمت څخه محروم و و.د شما لی سیمو ، سا یبریا اود منځنی آسیا ځینی‌بر خو یی حتی الفبا هم نه در لودل په یو مقتدر صنعتی او زرا عتی دو لت چی دلوړ اوعالی فر هنگك ښښتن دی بدل شو او بیسوا دی یی‌بیخی له منځه یو وړه. دشو روی اتحاد خلکو د علمی سو-سیا لیزم دآرما نو نو په رڼا کی وکو لی شول چی په ډیره لږه

موده کی داسی ستر بریا لیتو بونه لاسس ته‌راوړی چی نړی ور ته حیرا نه شی . په شو روی اتحاد کی دسو سیا لیزم دجوړو لو تجر به دا ثابتوی چی آزا د شوی خلك یوا-زی دټولنی په اجتما عی او اقتصا-دی سا ختمان کی دجدی تحو لا تو په اجرا اود یو غښتلی ملی اقتصادپه جوړ ولو سره کو لی‌شی چی خپل وا قعی استقلال تا مین کړی . داکتو بر ستر انقلاب دخلکو قوت دنوی ټولنی دجوړ ولو په لور را وگرځاوه چی په هغی کی لکه څنگه چی دشوراگانودحکو-مت مو سسس اود اکتو بر دانقلاب لاربښود ویلی وو : چی« نه د امتیاز له پاره ځای شته او نه دیو انسان له خوا په بل انسان با ندی دستم له پاره ځای شته . . . .»

لنډه دا چی دشو روی اتحاد دخلکو دټولو تر قیو اوپر مختگونو او دهغوی دسو سیا لیستی ژوندانه ریښی د۱۹۱۷ کال داکتو بر له انقلاب څخه او به خو ری . هر څه له همغه ځایه پیل کیږی . اقتصاد، فر هنگك ، دسو سیا لیزم معنو ی ار زښتو نه اودانسان نوی څیره داکتو بر دستر انقلاب دبر کت مر هون دی .

پوهنتون

دوستی خلق

این پو هنتون به اسا س تصمیم دو لت شوروی تا سیس‌گرد یـد که از تاسیس آن‌به مقا یسه سایر پو هنتون های اتحاد شو روی‌وقت کمی میگذرد . زیادِه از شش هزار متعلمین وفارغ التحصیـلان مکاتب از صد مملکت مختلف جهان درشش پو هنځی‌مختلف این پو هنتـــون در رشته های انجینری ، فز یـــك، ریا ضیات ، علوم طبیعی ، طب، زرا عت ، اقتصاد ، حقوق وعلـوم سیا سی ، تا ریخ وزبا نشنا سی مصروف تحصیل میبا شند .

محصلین این پو هنتون نظر بـــه احتیاج ونیاز مندی های مملکت خود در رشته طرف ضرورت مشغـــــول تحصیل اند .

فار غان پو هنتون دو ستی در ختم سال تحصیلی دیپلوم دریا فــت میکنند که مسا وی به دیپلوم های سا یر مؤسسات عا لی تعلیمـــی اتحاد شو روی ار زش واعتباردارد.

اعضای تد ریسی پو هنتون اعـــم از پرو فیسو ران،استادان ولکچر‌ـ دهند گان به دوازده صد میر سدکه شا مل معرو فتر ین سا ینتست‌ها میشود .

همچنان هــریـــك از استادان از تخصص موثر دررشته مورد نظـر بر خور دار اند .

این پوهنتون دارای هفتاد دوشش دفتر کار ویکصدو شصت‌و یـــك لا بـــرا توار اتـــــا قهـــــای مطا لعـــــــه ، وور کشا پهـــــا میباشد . دوره ستاژ وکار هـــای عملی راما قبل از فرا غت در کنـار‌ـ خا نهای بز رگ ما نند کار خا نه موتر سا زی لیخا چوف در مسکو، فار مهای زرا عتی اشترا کی‌ودولتی، کلنیکها، مؤسسات تحقیقا تی وسایر که در ار تقاع دا نشی محصلین مؤثر وا قع شود سپری مینما یند .

علاوه بر اینکه‌تحصیل درپوهنتون مجا نی میبا شد محصلین ماهانـــه مبلغ نود روبـــل نیـــز در یافـــت میکنند . همچنان محل رها یشی شبا روزی ، لبا سهای زمستا نـــی، خد مات مجا نی صحی به شمول ادویه ومعا لجه ودر مان ومبلغـــی هم به صفت سفر یـــه الی مسکو واز آنجا به او طان شان که همـــه این تسهیلات برای تمام فار غـــان پوهنتون مذکور تهیه دیده شـــده ایـــن پو هنتون دارای کتا بخانـــه ، شفا خانه ، پولیکلنیک هـــــا، کفتیر یا وکانتین مجهز میبا شـد.



لیف بلیا کوف اسیستا نـــت پرو فیسور در حا لت تو ضیحات در مورد جغرا فیای عمو می .



فادیژ داتینا نکو محصل شو روی‌بایکی از محصلین پیرو .

زند گی این محصلین (گرد هم آیـــی بین المللی محصلین) متکی براصل دمو کرا سی ودو ستی طر فیـــــــن میبا شد . اشتراك محصلیـــن در جلسات ومبا حثات از طرف اتحادیه



یکی از محصلین هندی در صنف جیا لو جی در حال مطا لعه اسا سات کیمیاوی فز یکی .

بین‌المللی دو ستی محصلین تنظیـم میگردد .

شورای محصلین به همکـــا ری استا دان مبا حثات علمی روی‌پرابلم های اجتما عی دایر وزمینه مـلاقات هارا باسا ینتست های مـعروف ، نو یسند گان ، شعراء وهنر مندان وآر تیست هامهیا میسا زد‌محصلین جد یدالشمول پو هنتون را باکورس اجبا ری مقد ما تی که مدت یکسال رادر بر میگیرد آغاز مینما ینـــد. محصلین رشته ای‌را که در پو هنتون تعقیب خوا هند نمود درسال اول‌به صورت عمومی خوانده و درطول‌این مدت لسان رو سی را نیز می‌آموزند.

اگر محصلی در مدت یکسال در کورس مقد ما تی آما د گی کا فی گرفته نمی تواند او اجازه دارد تا مدتی که بتوا ند از عهده رشتـــــه انتخا بی بدر آیددر کو رس مقدماتی بدورس خو یش‌ادامه‌داده میتواند. تواند .

محصلین کو شش های زیـــا دی به خرچ مید هند ودر فرا گیری دروس زحمات زیا دی را متقبل میشو ند.

آنها سا ختمان آخر ین نوع‌ما شین آلات، ما یکر سکوپ الکترو نیك‌و استفا ده از اشعه لایزر وغیره رامی آمو زند .

دو کتوران جوان انا تو می،فز‌ـ یو لوژی ، درما نشنا سی وتمـــام مو ضو عات پیچیده طبی را کـــه در لابرا توار های پو هنتون‌وشفا‌ـ خانهای مسکو مهیا دیده شده اسـت مطا لعه وتحقیق میکنند .محصلین تحت نظر استا دان مجرب وورزیده در لابرا توار وکتا بخا نه هاوکارهای عملی و نظری انجام میدهند .

محصلین میتوا نند بصـــو رت داو طلبا نه اسا سات هنر های‌زیبا را بخوا نند ودر مبا حثـات تاریخ تیا تر،مو سیقی ونقا شی شر کت کنند همچنان این پو هنتون دارای یك تالار شعرو قصه خوا نی بنـــام (قوس قزح) ویك ور کشاب برای ژور نا لیستان دارد سپورت وتربیت بد نی از جمله مضا مین اجبا ری این پو هنتون میباشد .

هغوی چې ژوندي دي

«ژان لافایت»

په بدل کې ډوډۍ واخـــلي ، مــوږ گوروچې هغه دیوه قطي سگرټ په بدل کـــې یواځـــې یوه ټوټه توره ډوډۍ اخلي .

(فرانسوا) (اندره) ته گوري او وایـي:

-عقل دې با یللی دی ، دیو ی ټوټې توري ډوډۍ په بد ل کې دې یو قطي سگر ټ ورکړ.

یو نفر روس زما لستو نی کش کا ږي‌او یـو پاکټ بوره راته ښیي ښا یي چې پنځه قا شو غه بوره ولري .

-(دیه سیات پاپیر وس) رو سی کلمـــــی یعنی (لس دانې سگرټ)

(فرانسوا) دبورې پا کټ په لاس تلی‌خپله گو ته پا کټ کې ننه باسي او ددې لپا ره چې دبورې لـه شته والي ځـخه ډاډه شـــی خپله گو ته په خو له کې ننه با سي او هغه ځمی ورو سته بیا ځواب ورکوي .

-فنف ؟(آلماني کلمه یعنی پنځه)

پلورونکی په ډیر خپگان سره لـــه‌موږنه لرې کیږي او کله چې گوري چې مو ږ هم خپل شاورته گر ځووبیرتـــه را گـــرځي.

-شش . (شپږ)

فرانسوا له داسې ښې‌سره چې‌ښکاره‌کوي چې دا ئې ورو ستی خبره ده وایي.

-فنف آوند ها ب ریگا رتن (الما نی کلمی یعنی پنځنیم‌دانې سگرټ)•

معا مله پا ی ته رسید لې ده . زه خپـــل سگر ټـو نه ور کوم ، غواړم چې یوسگرټ فرانسو انه هم ور کړم خو هغه ئې نه غني ، په‌ظاهره تو گه همائه نیمایي سگـرت چـــی را یا ني ده هغه ته کا فی ده. په خو شحالی سره را ته وایي:

-ښـه معامله دې وکړه بوره ډیره لـــږه پیدا کیږي .

-خو داراته ووایه چې دا بوره له‌کومه تر-لاسه کړې ده .

-زه پدې نه پو هیږم .دلته داسې کارو نوته (ارگـا نیز اسیون)ویل کیږي ، بـا یـد اقرار و کړو چې رو سا ن پداسې کارو نـــوکې نخبه دي . له همد غونه یو تن چې زما خو لی بی غلاکړې وه دیوه کاسه آش‌پـــه‌بـــدل کی ئې بیرته را کړه •

زمو ږ څلور کسیزه ډله اندره ، شار لو ، ریمو ند . او زه کله چې بلو ک ته بیر ته را ستنیږوهغه گنج موچی‌لاس ته‌راوړي پرا-نیزو ، درې ټوټې ډوډۍ ، بوره‌لږځه غوړي یو دانه پیاز اوددغو شیانـو په‌بـــدل کـــی مو خپل دسگر ټو نیما ئی برخه شتمنی لــــه لاسه ور کړې . اوبر سیره پر دې پس له‌دې نه‌نشو کولای چې دبلوک نه‌بهرله چـا سره اړیکـــی تینگی کـړ و ځکه چې زموږ اړیکـــی د بهر سره بیخي غو ځې شوي دي .

(تیرپسی)

فرانسواد هغو سگر ټو په بدل کې چـــی موږ ورته ورکړي ؤ ،دوه خوراکه آش‌یې‌تر-لاسه کړي دي ، ژوول هم یو خوراك اش‌لاس ته راوړي دی .

له بلې خوا نه زمو ږ نور ملگري هم ځنی ښه کارونه سرته رسو لی دي . په تیره بیا دومره بده ورځ نه‌وه . ژوند ادامه لري .وگوړو چې سبا کو م شی زموږ انتظار با سی .

* * *

دموتهوزن نه ماتیدونکی تیږې:

-آین ، زوه ی ، دره ی ، و یر ... (آلماني کلمي یعنې‌یو، دوه ، درې ، څلور ... موتزن..

آب• (آلماني کلمي یعنی ځولـــی وباسي)

په پنځه کسیزو ډ لو کی او پد ا سی‌حا ل کې چې خپلی خولی موږه لاس کې اخیستی‌دې اولاسو نه مو په‌دواړوخوا و کې ځوړ لـــ نیولي له‌یوې دروازې ځخه تیریږو• دد غـــه وخت ا حسا س مو هیڅکله نه هیر یږي .د شنه سهار په هوا کې په زرگونو بند یا ن دارد و گا ه ځخه دکار ځایونو خواته روا ن دي .

دتیږې نه جوړ شوي دروازې لاندې دیولوي ساعت په ځنگ کی چې پنځه نیمې‌بجې ښیي یو میزا یښودل شوی .اس -اس د هرو سلو-کسو دتیر یدونه وروسته یو ټکی پر کا غذ ږدي • دځوان اس - اسونو په منځ کې‌چې ځلاند بوټو نه یې په پښو کې دي یو ستــــر منصبدار ولاړدی او موږ ته په ډیر غرور سره گو ري ، دغه منصبد ار دارد و گا ه رئیس دی .

هغه ساتونکې چـی دده شاو خـوا نـه دریدلی دی دهغو کسانو ځارنه کوي چـــی ښنی یی غلطی شی اویا د لیك ځخه بهـــــر ووځي . په هر حال کې د سو کا نو !ولغتو گذارونه پر لیك با ند ی جاري دي .

یو تور بیرغ‌د جمجمې د علا مت سره ددروازې په سر کې ر پیږي .

کلـه چې ددروازې ځخه تیریدو ، با یـد داس -اس د سا تو نکو دد وو صفو تو لـــه منځ نه‌چـــی ددیواله پـــه‌شان و لاړ د ی تیرشو•

دوه سو ه پنځو س یا درې سوه تنه وسله-وال میراد ورته (دځارنې برجو نه) دبیر تـه ستنیدو انتظارباسي•

دغه قوي نمایش ددې لپاره ده‌چې بندیـان خپله رو حیه له لاسه ور کړي . موږ ښـــه پوهیږ و چې دغه سا تونکي هر یو ستـــــر جنا یتکاران دي او هغه سپي چې ځنځیرو نه ئې په لاس کی لري دانسا نا نو د ځیرو لـــو لپا ره سا تل شوي دي .

-مو تزن ... اف (خولې پرسر)

موږدساتونکو په وړانـــدې تیـر شو ی یواو اوس په‌یوه سر شیو واټ اود(کاپـو) (هغه بند یا ن چی دډلو د مشرانو په تو گـــه او د نورو بند یانو دځارنې لپاره گما رل شوي ؤ) دگنې گو نې په منـځ کې‌چې دلیکوپــه گـرد چا پیـر کی ځغلي، موږ مخ‌په وړاندې ځو .

دهغه واټ پر مخ‌چې دتیږو ځخه‌دي زموږ دلر گیو نه جوړ شوي چپلکو غږ او ریـدل کیږي دواټ په دواړو خواووکې ، ښه او رو-ښانه کورونه دگـلانو باغچې اودوریښمینـو پر دې ښکا ري . دلته داس - اس استو گنځی دي• مو ږ ښې خواته تاویږو خوزه په همدغه شیبه کې پخپـــلې کینـــې خـو ا کې یـــوه ښکلې منظره وینم، هغه دښته چې دانوب یی له منځ نه تیر یږي د سپین یوه ځنډه دکا ج دونو د شانه بر یښي ، دتیرو لی ځو که چی پـــه واورو پټ دې خپلــه زرکلنه ځیره‌یـــی آسما ن خوا ته نیو لی ده . (ژول) چـــــی زما ځنگ‌کی روان ؤ وویل:

-و گوره د نړی ډ یرو ښکلو منا ظرو ځخه دی .

خو موږ په نا چارې سره دهغه نه مخ گر-ځوو . او س زموږ مخې ته هغه دو نو ځخه پټه شو ی غو نډی ده چې د هغې د ځند ی نه تیر یږو . لږ وروسته یو پیچو می را ځي او بیا واټ نامعلومي خواته ادامه مـو مـی زموږ لیك لکه حلزون غوندې مخ په وړاندې ځـــی ، و ړ ا نـدې ځـی او تـر کو مـه ځایه پورې چې ستر گې کا ر کوي ادامه لري .

په همدې‌وخت کې زموږ دلیك مځکنۍ برخه چې‌موږ سره پنځه سوه متره واټن لري مخ‌په ښکته ځي او داسې ښکاري چې دیوې زینې ځخه ښکته کیږي! ددې لپاره چې‌مځکنی‌سړی ته ور سید لای شو با ید و ځغلو او ددغه کا ر د سر ته رسو لو په تر څ کې په مخ لـو یـږ و او بیا پورته کیږو، زینه‌نـږدې کیږي . داسې ښکاري چې د مځکې ز ړه‌کې ننو و ځي.

-آه ! اوس یی ښه لید لی شم. یو لـــوی سرکس پـــه نظر کی و نیسي چی دمځکې‌پـــه تل کی ننو تی وی، دد اسې یوه ځاه بـــه ځیر چی شپږ سوه متره چا پیر یا ل او ځلو-یښت تر شپیتو متره ژورتیا ولري•

هوکی همد لته موږ ښکته کیږو . دا ســی اټکل و کی چی مو ږ دیو ه ستر او ر غور-ځو نکی په زړه کی ښکته کیږو د دغه ځاه په گرد چاپیر کی اغزی لونکی مزی تـړل شوي دي او د هر و پنځو سو مترو پــــه واټن یوساتونکي گمارل شوی دی • مـوږ

اوس هغې زینې کې یوچې دځاه لانـد نـی برخې ته رسیږي مو ږ پسی دبند یا نـــو بای ته نه رسیدونکی لیك‌راروان‌دې، بند یان لکه اتو ما تیکو ما شینو نو غو ند ی له دغه دتیږ و نه جوړ شوي و دانې ځـخـه ښکتـه کیږي ، داسې یوه منظره چې په عین حال‌کې ستره ده دویرې نه‌ډکه هم‌ده تقریبا دزینـو په‌وروستیو پتو کې‌ژول راته‌وایي :

-تا د (مترو پولیس) فیلم لید لی دی ؟

-نه !

-په دغه فلم کې‌ږ ی ما شینی انسا ن‌ښودل مـاهـم ددغو ۱۸٦ پټه ایږې‌زینې‌ځخه‌دښکته کید لو په و خت کې دهمد غو انسا نا نو په شا و خوا کې فکر کاوه .

اوس د محو طی په لاند نی برخه کې یو ، بندیان په چپه خو له یو په بل پسې دریږي. د حا ضر ی و خت دی . یوا ځی د (او بـــر کا پو) و چ فر ما نو نه د چا پیر یا لچو-پټیا له مینځه وړي (اوبرکاپو) دکـا پـود مشر نو م دی . هغه هم دبند یا نو له منـځ نه انتخا بیږي پد غه وخت کې (زا رمبـــا) هغه کارسرته رساوه چې دهغه دجنایا تـــو په‌شمیر هیڅوك نه‌پوهیده او یو ځل بیـــا چو په چو پټیا ده زمو ږ په‌گرد چاپیر کـــی یوا ځی د تیږ و دیوالونه دي .ددغې محو طې په منځ کې درې ستر ی ځا گا نې کیند ل‌شوي چې نه هغو کې ډ برو وړي او ستر ی ټوټې اچو ل شوي دي . د آسما ن د لید و لپاره‌بابد سرو نه‌پورته ونیسو، دهغه ښار اوسیدونکوته ورته یو چې په نا ځاپي تو گه د یو ی زلزلې له‌کبله په مځـــکه‌کې ننوتلي وي د نبـــات او حیوان هیڅ ښـه ښانه نشته، طبیعـــت دمـړی ښـه لري• داد (موتهوزن) کـــار-گاه ده .

(کوماند و فو هرر) (پر ټوله کار گا ه باندې ځارو نکی اس- اس) اوپه هغه پســـی (اوبر کاپو) پداسې حال چې خپله خو لـــی ئې د پطلانه‌په درز کې نیو لی ، رو ان دي اود لیکوپه وړا ند ی تیر یږي .

دځلو رم ځل لپاره موږ شمیر ی ورو ستی فرمـان اوریدل کیږي :

-(ار بیس کو ماندو) (په کوماند و کـــی دکارپیل)•

بند یا ن په کار ځایونو کی سره ټو لیږي ځه با ید و کړو ؟ چیر ته با ید لاړ شو، له نیکه مر غه (فرانسوا) له موږ سره دی، په هغه پسی روانیږو او دهغه په کوماندو کــی ځـای نیسو • بیاهم حاضري • یو ځـــل بیا مو ږ شمیر ی . یو کاپو ز موږ د نمر و یاد داشت نیسي او هر څوك خپل کا ر پسی ځي، فرانسوا هم با ید خپل کار پسی لاړ شي اود (مته کار) په‌ډله کـــی کــارو کـړي پـدغـه وخت کی ما شینو نه پـــه کـار لویږي او بند یان په‌کار پیل‌کوي• دتیـږو دماتیدونه خاورې او دوړې‌پورته کیږي•زموږ په سر پو ری ، په دیرش سریزه وا ټن کې، متحر ك هوایي پلو نه او دتیږې چلو لـــو واگونونه له ځاځخه‌پورته کیږي•

اوس با ید دسهار شپږ بجې وی .

* * *

موږ له اکثر یتو بند یا نو سره دپنډیا نو (جوالیا ن)په ځیر کا ر کوو . پخپلو لاسونو کی تیږې وړو .

دکمپرسورونو، کومو تیفونواو واگونو نـو ژوندون

غږونه چې دېټلي پرمخ ښوئېږي د (کاپو) غږ و نه چې نا ری و هی یو کون کو و تکی ګنهګونه بې منځ تهراوړي دي اوددي لپاره چېپه دري قدمي واټن کې یو د بـــل غږ وا ورو با ید چیغي ووهو . فرانسوا چې د هغه را تګ ته متوجه شوی نه یم ، ز مابـــــه خنګ کې ځای نیسي . ګرد چاپېر تهګوري اومقدماتي توصیي اودستورونه ما تهراسپاري.

-(کاپو) هغه کسا ن دي چې متر و کې په لاس کې لر ی . هر کله چې دد وی ستر ګی درباندي لوېږي باید وخو خـیـږي او پـه تیره بیا باید زموږ دډلي د (کاپو) سره ډېر احتیاط وکړي . دی هماغــه سړی دی چــی خپلې کو ټي خوا ته روان دی . همدا او س دهغه ګرځېدل پیل کېږي . هغه دوه تـنـه هسپانوی مرستیالان لري چې معمو لا فرا-نسویان نهوهي ، سره لـه دي هـم بـایـد توجه و لر ی د (اوبر کاپو)څخه هم چې سـهار دي هغه ولید با ید ځان لر ی و سا تي دوی هر چیر ته حاضر دي . (کو ما ندو خو هرر) هم پرله پسې په هغو کسا نو پسې دي چې کارنه کوي ، هغوی تهځیدو اوسیزه دوی تر ټولو خطر نا ك دي .

او پهپای کې باید اس-اس تــه هــم مو جه واو سیږی ، دا صول له لحا ظه نـه ښا یي چې ددوی کوم یو سړی دکا ر پـه وخت کې ګیر کړ ی .

زه دغه سپار ښتني او د ستو رو نــه خپلو ملګرو ته رسوم، خودزده کــړی وړ-شیا ن دو مره زیات دي چې سړی ټو او نه خیر کید لای نشي .

موږ او س دیوی ستري ډېري پر مـــخ نا ست یو او داسې څر ګند وو چې غوا ړو هغه له ځایه و ښو ر وو خور ښتیا خبــره داده چې هیڅ قوت نه مصر فو و ، مو ږتو ل یدي هڅهکی یو چې تر ممکنه حده پـو ری لږ کا رو کړ و او دا کا ر دو مره مشکل هم ند ی .

هغه ډېرهچې زمو ږ خوا ته ګذار شوی د اندره له خنګه تیریږي او پریو وا ګــون باندي لګیږ ی زه پـــورته ګـورم هــلته یو اس - اس و لاړ ی او موږ څاري.

-ملګر و! هغه اس -اس موږته څیر دی ښایي چې تیت شو .

زموږ د سو چ بر خلاف د الما نیا نوسر ه ټګی کول‌دو مره آسانه کا رنه و ، یو کاپو د (سیمو ن)خوا ته را ځي او دی (سیمو ن) هیڅ متوجه ندی غــبر پری کوو خـو لــه بده مر غه ډېر ځنډ شوی دی . دسیمو ن بر ستر با ند ی د قمچینو ګذارونه پیل کیږي او امر پری کیږي چې دې برو غتی ټوټي لهځمکی څخه پورته او به منډ ه یې وا ګو ن ته ور-سوی او دغه کار باید بی له تم کید ونـه سر ته ور سیږ ی ،مو ږ په پټه ور ته ګورو، ګورو چې بې طا قته شوی دی خپل غا ښونه یو پر بل با ند ی سو لو ی او بیا هـــم خغلي او کاپویې له خنډه زموږ دغه ملګری په قمچینو و هي او هغه دانسا ن له قدر ت څخه او جت کا رونو ته هڅوی .

او س نو سیمو ن نشي کو لی چې تیږ ی وا ګو ن ته پو رته کړی او هر حر کتورته ډېر مشکل‌دی، سره له دی هم صحنه تکرار-یږي او بیا ځی هغه وخت پا ی ته رسیږي چې (سیمو ن)له پښو نه و لو یږي . اوس به دغه جلاد (کاپو) هغه ووژني دنا توا نـــی اوکړکی او ښکی زموږ په ستر ګـو کـــی را ځي سیمو ن پخپل ورو ستي قدرت سر ه بیا هم له ځایه جګیږي ، داسې ښکاري چې دژوند ی پا تې کیدو لپاره ورو ستی هلــــی ځلي کوي دا ځلي (کاپو) هغه سره غـــرض نه کو ی مو ږ هم لږ هو سا کیږو هغه سړی چې زموږ ملګری یې وټکاوه له یو شیطا نـی موسکا سره موږ ته ګوری اوپه لـو ړ غږ اعلانوي چې :

-نا شت ما ل ... کا پو ت . الما ني کلمې (بل ځلي ... مرګ)

او دجهنمي ګنه ګو نـی پــه تــر خ کـی بیا هم کار پیل کیږي (کاپو) اوس دځینو روسانو سره غږیږي موږهم دفرصت څخـه په استفادي سره د کا ر د شد ت څخـــــه کمو و . مو ږ نه غواړ و چې دستر الما ن!؟ لپاره کارو کړو . یو کا میو ن دکا ر ګا ه غو لی ته ننو ځي او د تیږ و دیو غر تر څنګ دریږي (فرانسوا) ددو هم ځل لپاره مو ږ ته نږدې کیږي اووایي:

-سا عت او ه بجې دی .

دکا میو ن ډې کولو لپاره ټول هغهکسا ن درو مي چې پخپلو لاسو نو کې څه شی نلر ی موږ هم ځغلو .

پس له پنځو دقیقو څخه کامیون ډ کیږي او حر کت کو ی . دوا ګو نو نو قطارده‌وړ ځای نیسي ، وا ګونونه هم په هما غه چټکی سره ډ کیږي . بند یا ن ددی لپاره چې د تیږ و ټو ټي پیدا کړي یو دبل سره تکرخوري موږ او س پو هید لی یو چې با ید ترممکنه حده پوری لږ کارو کړ و اوخپل قوت زیرمه کړو .

بیا هم مو ټرو نه رار سیږي او بیا هـــم اور ګا ډي دمو ټرو نو ځایونه نیسي . وموږ بوا ځي دد غو با ر نیو لو په منځ کی ، کېلی شو لږ څه دمه وکړو . او سره له دی نه ښا یي چې (کا پو) هیر کړو ځکه چې په ډېر ځیر سره موږ څاري .

* * *

اوس د لمر وړ انګی کار ګا ه رو ښا نه کوی او د تیږ و شین رنګ په ډېر ښکلا سر ه څر ګند وی .

خوساعته کیږي چې کار کوو؟

هلته دزینو په سرو یو تـور ټکی‌سیوری اچـو لــی سا عت لس بجـی د ی دغــــه سړی د (کوماندوفوهرر)لپاره ښو ر وا راو ړی ده او د هغد ی کا ر لپاره دزینو څخه پورته کیږي (دغه موضوع شارلو مـاته وایـی ، هغه هم د فر ا نسوا څخه اوریدلی و).

اندره زماپه غوږ کیوایی :

-ډېر وږی یم .

-ټول وږی یو، ډېر وږی یو، خه و خت به ډوډی را کړی ؟

آهای یووچ غږ پورته کیږي څــه خبــره ده ؟ خپل سرو نه پورته کوو ، داسې ښکاري چې میرا دور (دځارني برج) تــه نـــږدی اغزی لرونکو مزو با ندی دکالـی ټـو ټـی بند شوی دی ښه خیر کیږو هغه یو سړی دی، یــی و زلی غو ښته چــی د کـــا پـــو د منګلو څخه و تښتي او په همد غه تر خ کی له ممنوعه پو لــی څخه تیر شوی ؤ اوس به یو سا تو نکی دد غې منظری عکس ونیسي او ددغه بند ی په دو سیه کی به یــــــــی ونښلوی اوو به لیکيچی :

-دتښتید و په و خت کې ووژل شو .

ددغه دو سیی په څیر ا ته و یشت ز ره دو سیی د جیل خا نی په د فتر کی شته . (ژول) را ته کیسه کو ی هر کله چې کو م بند ی مړ شي د هغه دمړی عکس دهمد غو مزوسره نیسي او هماغـــه مشهـــورهجمـله پکی لیکي .

تا زیان پخپلو کا رونو کی داصول مرا عات کوی . (!!)

داسې ښیني په کا ر ځا یو نو کی یـــــو عادی کار دی ځکه چې خوك تو جه نه کو ی او پخپلو کـــارونو بوخت کیږي خوورځـــی ورو سته ما د ما شین ګنو دګو لو یـــــو غږ و او ر یدچیدغه ډزی تل پر انسا نا نـــو با ند ی کید لی .

دکا ر دپا ی ته رسید لو اعلان کیږي . غر مه ده ، کا ر پا ی ته رسید لی دی.

* * *

(کو ماند و) سره ټولیږي .

-آین ،زوه ، دره ی ، وپر ...

په مر تبو لیکو نو کی دډوډی خو ړ لـــو لپاره ځو دډوډی خوړلو ځای، کارځای تـــــه څیر مه واقع دی او هغه دیو واړ پهڅیردی چې بند یا ن په پنځو لکیونو و یشل کیږ ی دهر یوه لیك په وړاندی د آش پنځــــــوس لیتر یزه لو ښی ایښو دل کیږي . یو کاپو پدا سی حا ل کی چې خپل لستو نی بی‌پورته کړی دی او یوه لویه ملاقه‌یی په لاس کی ده او هغــه د آ ش په لــوښی ننـه با سي‌او ښو روی یی . د (رو تابا ګا س)آش بــــی مو ږته پو خ کړی دی با ید چې د آش بـږ ځاځکی هم بیځایه تو یی نشي ځکه چې ملا قه دهرچا دپاره یو ځلي پورته کیږي زهدویش پهلـــومړیو شیبو کـــی ورسیدم نو ځکــه بوا ځي او به را ته ور سید لی او بس .

شا ر لو چې زما نه نیکمر غه ؤد ښا ټو دری ټوټی یی پهنصیب کی شو، هغه‌وروسته رسید لی و نو ځکه دلو ښی ورو ستي بر خه ورته ور سید . آش په ولاړه خورو او خورا خو ند را کو ی خو زمو ږ د ځې شیبي مځکی دلو ږی حالت لا هم پا تی دی و یا ښا یی چې زمو ږ اشتها ډېره شو ی وی.

دخواړه و یش پای ته رسیدلی دی اوموږ ددی لپاره چې دد یګی د لاند نی بر خــــی څخه یو څه لاس ته راو ړو په هلی ځلـــی لاس پوری کوو خو ګنه ګونه دومره زیاتهده چې خوك نشي کو لی دیګی ته نږ دی شي.دغه مو ضو ع زمو ږ په ګنه ده ځکه چې دزیاتی ګنه ګونی له کبله (کاپو) خبـــریږي او را ځي او په خپل ټول قو ت سره بند یا ن ټکوی او په نتیجه کی ځی کسه پر ځمکه لویږي او د مځو نو څخه یی وینی بهیږ ی دا سې ښکاري چې یو ځو ښکاري سپې دیوی ډ لي وږو ګیډه پو په منځ کی لو ید لی وی.

د شکیل غږ پورته کیږي د غر می رخصتی پای ته رسیدلی دی، داټـولی پیښې یواځی نیم سا عت وخت نیسي او موږ دکار ځایو نو خوا ته درو مو .

* * *

-فرا نسو زه فرانسو زه ... (فرا نسو ی ، فرا نسو ی ...)

یو سړی چې اوږ د قد لري زما لاس کش کا ږي ښا یی چې (کا پو) وی ځکه چې پـه لاس کی یی کو تك دی .

کسل ترا ګر ، کسل ترا ګر ... (د یګی یو سې دیګی یوسی).

سو چ کوم چې د ځان تیر ا یستل بهپه ګټه نه وی له همدی کبله بیر ته ګر ځواو او ږ دسړی (کا پو) هم را پسې روانیږ ی اتکلا ټـول فرانسویـان دتشو د یګیـو په شاوخوا کی و لاړ دی . مو ږ یې نن د تشو دیګیو دوړلو لپاره پخلنځی ته انتخابکـړی یو ، هر د یګی د پنځه دیر ش کیلو بـــــه شاو خوا کی وزن لري او موږپه ډېر زیـار سره دیګی پخپلو اوږ و با ند ی جګو و اود (کاپو) تر ځا رنی لاند ی روا نیږو . ز غم نه منو نکی بیګا ری ده لاتر او سه پنځـــــه سو ه متر ه وا ټن پاته دی څو مو ږ ډېر ستړی شوی یو پنځه سوه مترو لاروهو اوزینو تـه رسیږو او باید اوس دیو سلوشپږ انیاپټـو څخه پورته شو، موږ دسمندری آسونو پـه څیر ستمیږ و پداسی حال کیچی ارمیږونـه مود درانه بارله زوره کاږه شوی دی او لـه دی ډا ره چې و نه پر زو خپل با رو نه ځای په ځای کو و . زه ددغی ډلي په منځ کی یم او (پتی لوئی) پداسې حال کی چې خپل‌ورو ستی سلګی و هی زما په څنګ کی دی ډېـری ستړ یاله زوره خپل غا ښو نه یو پر بل باندی سو لو او مو ږ خپله هم حیرا ن یو چــــی څر نګه کو لی شو دغه درو ند با ر ددغوزینو څخه پورته کړو . دمخکینی ملګرو بوا ځی دری پښی راته ښکاري چې د (شا رلو)پښی هم دهمد غو پښو په منځ کی دی. تر شا می دګنـهګونی غږونه پورته کیږي خـو د ګر-ځیدو او لیدو مو ضوع مطرح نده څو ورو سته پوه شولو چې یواس -اس خپل چاړه د(ریمون) پر شا ننه با سی او بیر ته یی با سی دا ځکه چې هغه لږ څه بیرته پاتی ؤ بیا هم یو زنه څو، ما دزینو دپتو په شمیر لو پیل کړ ی ؤ، څو ډېر ژر پو ه شوم چې داکار هم ممکن ندی ځکه چې د مخکینو ملګرو ګړ ند بتو ب زیانه شوه او (کاپو) هم پخپل کمر بند سر ه زموږ په و هلو پیل کړی دی .

-شنل ، شنل ... (ژرژر ...)

اودادی وروستی پټی ته ورسیدو خـوار-دوګاه ته درسیدو لپاره ښایي چېدیو لوږد واټ څخه تیر شو نوربیا

واټ څخه تیر شو، (نوربیا)

دشوروي ترکمنستان په باب معلومات

قسيم حسن

ترکمنستان چې دشوروي اتحاد له پنځلسو جمهوريتونو څخه يو جمهوريت دی او د شوروي اتحاد په جنوب کې موقعيت لري دځمکې مساحه يې پنځه زره کيلو متره مربع ده .

دغه هيواد دوه مليونه اته زره تنه نفوس لري او د افغانستان او ايران له هيوادونو سره ګډې پولې لري .

دا کتونبر له انقلاب څخه مخکې هلته بې سوادي زياته وه او د ترکمنستان خلک سخت استثماريدل دانقلاب څخه دمخه د ترکمنستان خلک دجابر و جاګير دارانو له خوا په پوره ډول کړاونو سره مخامخ ووا کله چې د ۱۹۱۷ انقلاب بريالي شو نو دترکمنستان زړه ور خلک فيوډاليزم دبرې ويې کړاو داستثمار کړۍ يې سره وشلولې .

له انقلاب څخه وروسته ددغه هيواد په هره برخه کې ستر مهم اوحياتي تحولات منځ ته راغلي او په هره ساحه کې دخلکو په ګټه مهم مترقي ګامونه او چټ شول که څه هم له انقلاب نه مخکې شوروي ترکمنستان دکار يوهانو له کمښت سره مخامخ و خو دغه نيمګړتيا دشوروي اتحاد دنورو جمهوريتونو څخه پوره کړه. په داسې حال کې چې ددغه هيواد په کورنيو جګړو و کې انګليسي استعمار ګرو د ترکمنستان په خاوره کې مداخلې کولې خو دوی و کولای شول ای ددښمن دغه ناوړه عمل نه په کلکه ځواب ووايي او دښمن ته ماتې ور کړي او دغه جګړه په ۱۹۲۰ کال کې پای ته ورسيده .

دترکمنستان خلکو څوموده مخکې د خپلې خپلواکۍ پنځوسمه کاليزه په شاندارو مراسمو سره و لمانځله څرنګه چې مخکې وويل شو اوس په دغه هيواد کې صنعت پر مختيا کړې او ډېرې فابريکې يکې توليد کوي د هنداری جوړ و لو او پوټين وبد لو فابريکې يې مشهورې دي .

دغه راز دترکمنستان دتيلو ويستلو فابريکې چټک پرمختګ کوي او له هغه څخه په زړه پورې ګټې اخستلې کيږي ترکمنستان په خپله ۲۰ فيصده ګاز توليدوي دشيميا صنعت وده کړې او ډامبر (اسفالت) دفابريکې توليدات زيات شوي دي د عشق آباد په ښار کې دچينۍ جوړولو فابريکه شته او ددغه ښار دبريښنا توليد يوا ځې اوه مليارده کيلو واټه ته رسيږي چې دغه رقم يو زيات رقم دی په دغه ښارګي دېکرانو داوبدلو فابريکې شته او دغه راز شل دوه جوړلو فابريکې وجود لري په دغه ښار کې دخوراکي مواد وفابريکې ښه وده کړې او ښه فعاليت کوي دجرجو او نورو ښاروونو کې دغو يو فابريکې شته د عشق آباد ښار ته نږدې دود انيو جوړولو او لوله (کړي) جوړولو فابريکې وجود لري چې د توليد اتو سطحه يې زياته ده .

په دغه هيواد کې د غاليو او بدلو صنعت زيات پر اختيا کړې او دغه کارونو ما ښځې سرته رسوي او ترکمنستان ښځې ددغه صنعت دپر اختيا لپاره په زړه پورې رول لوبوي.

دقرا قرم کانال چې ددغه هيواد په کر نه او سمسور تيا کې زياته مرسته کوي داو يا کيلو متره په شا وخوا کې دبيړۍ چلولو لپاره مساعده ده دغه رازداوسپنې لارې پر اختيا موندلې او د موټر چلولو لپاره ډېرې لارې جوړې شوې دي. دغه هيواد ديوهنې له پلوه زيات پرمختيا کړی او په دغه هيواد کې ۳۰ ليسې او شپږ پوهنتونونه موجود دي په دغه هيواد کې له هر ولسو زرو څخه ۱۳۲ ته زده کوونکي دي چې دغه ډول يا رقم د سرمايداري ټولنو څخه څو چنده ښه او زيات دی . دترکمنستان خلک چې له انقلاب څخه مخکې دبيسوادي له دردونکي رنځ څخه په عذاب ؤ اوس ښځې دي که نارينه سواد لري او داسې څوک نه پيدا کيږي چې سواد و نلري . د کرنيز دچارو دزده کړو لپاره ډېر متوسطي ښوونځي تاسيس شوي دي په دغه هيواد کې ما شوما ن ښوونځي ته له ورتګ مخکې په وړکتونوکې ژوند کوي په دغه هيواد کې کتابتونونه او تيا ترونه زيات دي د هر ولسو زرو تنو لپاره د ير ش ډاکتر شته په ۱۹۷۶ کال کې د ترکمنستان د خلکو دهرو لسو زرو تنو لپاره ۲۶ تنه دالمان دانحادي جمهوريت دهرو لسو زرو تنو لپاره ۲۳ تنه او په انګلستان کې دهرو لسو زرو تنو لپاره ۱۶ تنه ډاکترا ن فعاليت کاوه .

دغه هيوا د دعلومو اکاډمي د هغه ځای دزده کونکو علمي اړ تيا پوره کوي دغه اکاډمي په ۱۹۵۱ کال کې تاسيس شوه دغه اکاډمي ۱۴ پوهنځي لري او په مجموعي ډول ۲۱۳۰ تنه کار کوونکي لري ددغه اکاډمي زياتره زده کوونکي دترکمنستان خلک دي دترکمنستان دعلومو اکاډمي په اوسني وخت کې په درېو برخو ويشله کيږي:

۱ـ دفزيك برخه
۲ـ دتخنيك برخه
۳ـ دشيميا برخه

په دغه اکاډمي کې دزلزلې دپيشبينۍ پوهنځي او د لمر څخه دانرژۍ داستفا دې پوهنځي شته بابا يف دترکمنستان د علومو داکاډمۍ رئيس د توضيحا تو په ترځ کې داسې وويل : څرنګه چې ترکمنستان دافغانستان په څېر زيات لمر لري نو موږ دا هڅه کوو چې دلمر دانرژۍ څخه ګټه واخلو چې له دغه کار څخه مو ګټورې نتيجې تر لاسه کړې دي د غه اکاډمي دصحرايي پوهنځي په نامه يو پوهنځي لري چې دټول هيواد لپاره فعاليت کوي او په دغه اکاډمي کې هر کال درزو ټوکو څخه زيات علمي کتابونه چاپيږي.

دغه اکاډمي پر له پسې څلورمجلې خپروي چې دغه مجلې دترکمنستان دعلومو په نامه ياديږي ددغو مجلو مطالب عمو ما کيمولوژيک او فيزيولوژيک تشکيلوی د ټولنيز علومو او بيالوژی په نومو د وی نورې مجلې خپروي او يوه مجله د صحرايي ستونزو په نامه چاپيږي چې له دغه مجلې څخه ټول دشوروي اتحادخلک استفاده کوي په ترکمنستان کې مطبوعاتي چارې زياته پر مختيا کړې په ترکمنستا ن کې اوه ورځپا نې چا پيږي او د خلکو داستفادې وړ ګرځي . ترکمنستان پنځه ولايتونه لري او په هر و لايت کې ورځپانې په روسي او ترکمنۍ ژبو چا پيږي .

د ښځو ځوانا نواو ماشو ما نو د مطا لعې لپاره مجلې او ورځپانې خپريږي د مثا ل په ډول يوا ځې دپيو ند په نامه ورځپا نه د ۱۸۰ زرو په تيراژ خپريږي .

دترکمنستان خلکو نه يوازې د صنعت له خوا پر مختګ کړی بلکه دژوند په ټولو برخو کې يې فو ق العاده امتيا زا ت تر لاسه کړي او د صنعت په څنګ کې کرنه هم زياته پر ا ختيا موندلې ده .

دبزګرانو لپاره ۱۹۲۷ او ۱۹۲۹ کلونو ترمنځ دژوندا نه اسا نتيا وې برا برې شوې او هلته ستر کلخوزونه ايجاد شوي دي د تر کمنستان بز ګران په کلخوزونو کې را ټول دي اوله هرډول استثمار څخه خلاص ژوند لري .

امان عبدوف د کلخو ز په باب داسې معلومات ورکړل:

ز مــو ږ کلخو ز په ۱۹۲۹ کال کې جوړ شو او سا حه يې ۲۶۶ ز ر ه هکتا ر ځمکه ده او ددغه کلخوز مسلکي فعا ليت دځارو يو او ميوو روزل دي.

امان عبدوف وويل : مــوږ وکولای شوای چې تېر کا ل ۲۷ زره ټنه تر با ره لکه خټکي ـ هندوانې ـ غوښه رومي با نجان ـ پياز او جمبر خيا ل حاصل واخلو او هغه صادر کړو ز موږ د تير کا ل حا صلات جز وار داسې خلاصه کيږي:

هندوانې او خټکي څلورسوه زره اودوه سوه ټنه، غوښه ـ نهه سوه ټنه ـ غنم څلورزره ټنه اونورې ميوې دشپږو سووا وپنځه سوو ټنو په شا و خواکې ٠ موږ په خپل کلخو ز کې ۵۵۰۰ ډول ډول حيوا نا ت تر روز نې لاندې نيولي دي او دغه راز ديو سلو نو ی زرو په شاوخواکې الـو تکې مر غان په دغه کلخوز کې روزل کيږي او موږ تير کا ل يواځې ۲۶ ټنه ورشمين حاصل واخيست .

ده وويل په او سنی حال کې ز موږ کلخوزيو سلو اوياترا کتوره ، ۱۳۰ موټرې او له شپږ و سوو څخه زيا ت د کر نيـ ما شين ا لات لري او په دغه کلخوز کې پنځه زره پنځه سوه تنه کار کوي چې يوا ځې دتير کال د محصو لاتو بيـه ۱۲٫۶۸۸۰۰ روبلوته ورسيده .

په دغه کلخوز کې دکلخوز چيانو لپاره دژوندانه ټول مسا يل حل دي لکه څنګه چې وليدل شول په دغه کلخوز کې څلور ليسې فعا ليت کوي چې له هغه څخه کلخوزچيان په لوړه سو يه استفاده کولای شي .

دکلخوز چيا نو ژوندانه ته پوره پاملرنه شوې او د کلخوز په هر کورکې تلويزيون او را ديو شته په دغه هيواد کې د خوا ناتو لپاره هر ډول وسايل موجود دي .

دترکمنستان د خلکو دهو سا ژونــد لپاره دومره ستر او بر يالي کارونه سرته رسيدلي دي چې باسنې تشريح تر مشـت نمو نه خرو ار څخه هم لږ ده داځکه چې دغه خلک له انقلاب څخه مخکې هيڅ نه دراودل اوداستثمار ګرانو له خوا به سخت استثماريدل. بې سوادي دومره يکې زياته وه چې حد يې نه ؤ.

لوږه، بې ګوري او بربنډ تيا دپخوانـي جابرو حکو متونو جبرې تحميل ؤ چې دتر ـ کمنستان په زبار ايستو نکو تحمليده.

خو او س په دغه هيواد کې د شوروي اتحاد دنورو هيوادو په څېر خلک سوـ کاله اوبسيا ژوندلري .

هلته لوږه نشته هلته خلک بې کوره نه دي هلته بربنډ تيا نشته او دټولو خلکو لپاره دژوند ضروري شيان پوره شوي دي بې سوادي ور که شوې او اوس دترکمنستان خلک دعلم په رڼاکې خپل ورځني کارونه سرته رسوي چې البته دغه کا ر ددې باعث ګرځيدلی چې ترکمنستان د ټول شوروي اتحاد د جمهو ريتونو له خلکو سره غږسته وکړي .

هلته خلک بې تشو يشه ژوند کوي هلته هيڅ تشويش له چاسره نشته خو يـو تشو يش چې دهغه ځای خلک ور سره مخامخ دي هغه دادی چې څنګه کولای شي چې خپل هيواد لاسمسور او ودان کړي .

دغه ټولې نيکمرغۍ چې او س دترکمنستان دزيار ايستو نکو خلکو نه ور پـــه برخه شوې دهغې ټولنې محصو ل دی چې په هغه کې د سړي څخه دسړي استثمار نـه وی او په دغه هيوادکې د سړي څخه دسړي استثمار بيخي محوشوی دی.

(پای)

پیوسته بگذشته

واژه‌های سیاسی، اجتماعی واقتصادی

روابط انسانها بین هم ونیروهای مولده و مناسبات تولید :

درحالیکه چنین تصوری از انسان تولید کننده و جامعه ای انسانی به هیچ وجه با واقعیت و فق نمیدهد و مطلقا غیر علمی است. انسان هرگز حتی در ابتدائی **ترین مراحل پیدایش و تکامل خود را نیز** تنها نبوده ونیازمندی های زندگی خویش را مجزا از زندگی دیگران تولیدنمی کرده است . انسان موجودی است اجتماعی واز نخستین روز پیدایش بحالت جمعی در گروه های خانوادگی می زیسته وبا گذشت زمان جامعه ی خود را گسترش داده و می دهد .

انسان مولد نه بصورت انسان جدا از جامعه ،بلکه بصورت جزئی از یک جامعه‌ای مفروض تولید و مصرف می کند . تولید امری اجتماعی و سازمان یافته است ولذا **بجای آفریدن انسان فرضی منفرد در** عالم خیال و تصور . باید انسان واقعی اجتماعی را شناخت و دید که این انسان اجتماعی در درون چه مناسبات تولیدی وچه ساختار (استروکتور) اقتصادی مشغول تولید است واین ساختار اقتصادی چگونه و موافق کدام قوانین تکامل میابد و چه **نقشی درپیدایش و تکامل سایر مناسبات و** نهاد های اجتماعی و سیاسی دارد .

برای درك این مطلب باید توجه داشت که هر انسانی بطور جداگانه برای خودش بوت . کلاه . لباس ،نان خانه و ... تولید نمیکند همه ی این وسایل ونیازمندیهای زندگی و یا بنا به اصطلاح اقتصادی «خواسته های مادی » بطور اجتماعی تولید می شود وبسته به سطح تکامل جامعه . تولید اجتماعی نظم معینی دارد و میان افراد جامعه ودر جریان تولید مناسبات معینی بر قرار **می شود ، موضوع رابیشتر توضیح میدهیم: برای تولید خواسته های مادی ازنان وکفش وکلاه گرفته تا ماشین** وطیاره وتجهیزات کار خانه ها و مسکن و بندر وسرك و ... وجود سه عامل ضروری است .

۱ـ کار انسانی

۲ـ وسایل کار

۳ـ محمول یا موضوع کار

انسان کارکن با مهارت معینی که دارد وسایل کار را بکار می اندازد وبوسیله‌ی آن روی زمین .یا ماده ی اولیه تاثیر می گذارد . تاآنرا بصورتی که برای رفع نیازمندیهای خویش لازم دارد در آورد . مثلا برای تولید گندم . دهقان گندم کار ، یعنی انسانی که مهارت معین **و قدرت جسمانی معین دارد** وسایل کار : یعنی ابزار شخم زنی .بذر پاشی ، آبیاری ، درو وغیره ... رابسته بدرجه ی تکامل (از بیل و خیش گرفته تا تراکتور وخرمن کوب مدرن) بکار **می‌اندازد تاروی موضوع کار، یعنی** زمین قابل کشت . آب، بذر گندم، کود و غیره، آن چنان تاثیر بگذارد که مقدار گندمی بیش از بذری که کاشته بدست آورد .

وسایل کار و موضوع کار در مجموع خویش وسایل تولید نامیده می شود که انسان با نیروی کار خود آنرا بخدمت میگیرد تا خواسته های مورد نیاز خوش را تولید کند . مجموعه ی وسایل تولید و نیروی کار را که در روند تولید بهم پیوسته است نیرو های مولده می نامیم.

تا اینجا ظاهرا مسئله ساده است دهقان شخم می زند ، بذر می پاشد و گندم تولید می کند ، کفاش چرم را می برد و میدوزد وبه قالب می کشد و بوت تولید می کند ، اما در همین جایك نکته ی گرهی وجود دارد که باید بان توجه کرد .وآن **اینکه هر دهقانی در هر زمان و مکانی** بذر وزمین وو سایل کار و غیره ندارد وهر **کفاشی صاحب چرم و افزار کفاشی** نیست . و لذا برای اینکه گندم ویاکفش تولید شود دهقان وکفاش باید شرایط معینی را بپذیرند تا بتوانند به وسایل تولید دسترسی پیدا کنند . این شرایط تصادفی و مربوط به هرتولید کننده جدا**گانه ونتیجه ی توافق شخص او بافرد** دیگری جامعه نیست . بلکه نظم معین اجتماعی است .

در دورانها ، زمان ها و مکان های **مختلف ودر کشور های گوناگون ، انسان** مولد با شرایط گوناگون امکان دسترسی به وسایل تولید را کسب می کند واگر این شرایط را نپذیرد و ازانجام وظایف ناشی از آن سر باز زند اصولا به این وسایل دسترسی پیدا نخواهد کرد و نخواهد توانست تولید کند .

بعبارت دیگر وقتی از بهم پیوستن وسایل تولید و نیروی کار انسانی سخن می گوئیم باید توجه کنیم که این پیوند امر اجتماعی است و انسان مولد تنها در درون نظم معین اقتصادی اجتماعی است که می تواند به این وسایل دست یابد و آنرا در اختیار بگیرد .

برای مثال ،تولید گندم و بوت را در کشور خویش در نظر بگیریم . چنانکه همه می دانیم تا قبل از پیروزی انقلاب **کبیر ثور نظام ارباب رعیتی بر اقتصادحاکم** بود . به این معنی که زمین ، آب ،بذر، گاو و غیره بطور عمده در مالکیت ارباب قرار داشت . دهقان گندم کار نمیتوانست به ابزار کار ووسایل کار دسترسی پیدا کرده و به تولید گندم بپردازد.مگر اینکه نظام ارباب رعیتی را بپذیرد وموافق اصول فئودالیزم کار خود را میان عوامل پنجگانه : زمین ، آب ، بذر ،گاو ونیروی کار انسان تقسیم کند و هر سهم رابه **مالك آن عامل تحویل دهد. البته این نظام ارباب رعیتی درنقاط مختلف کشور خصوصیاتی داشت ولی بهرصورت اصولی کلی وشالوده‌ی اصلی آن که مالکیت اربابی بر زمین زراعتی بود در سرا سر کشور حاکم بود ونیروی کار وو سایل تولید دراقتصاد زراعتی افغانستان بوسیله‌ی** این نظام بهم می پیوست . وتنهادر درون آن بود که تولید اجتماعی ممکن می شد وتنها باپذیرش آن بود که دهقان(رعیت) میتوانست به‌کار زراعت بپردازد، تا سپس **از حاصل آن ودر حدود سهمی که به او میرسد بخورد، بپوشد بنوشد و مسکن** داشته باشد .

بعبارت دیگر رفع ابتدائی ترین نیازمندی های یك انسان در جامعه ایکه مناسبات تولیدی فئودالی (ارباب‌ـ رعیتی) بر آن حاکم باشد موکول به پذیرش آنست . و لذا این مسئله ی ظاهرا ساده که انسان ها باید بپوشند و بخورند وبنوشند به مسئله ی بسیار مهم مناسبات تولیدی مربوط می شود .

و همین طور بود در مورد تولید بوت و شرایط مسلط بر کفاش در کشور ما که انسان زحمت کش رابا وسایل تولید و شرایط حاکم مربوط می سازد .

حال لازم است که مناسبات تولید را موجز و مختصر تعریف کنیم :

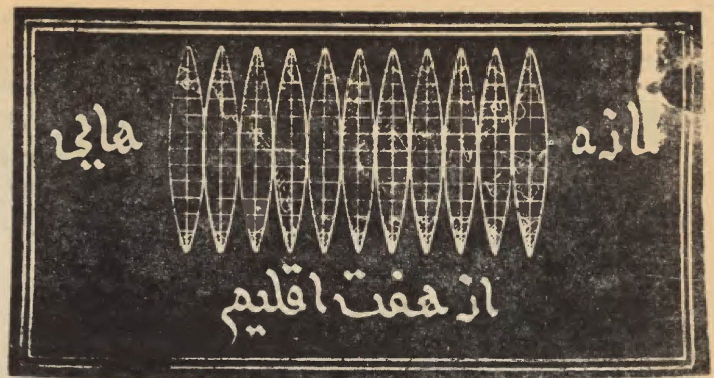
(مجموعه ی مناسبات اقتصادی که در روند تولید اجتماعی میان انسان ها بر قرار می شود مناسبات تولیدی نامیده می شود . مهم ترین بخش این‌مناسبات عبارت است از مجموعه ی روابطی که در درون آن نیروی کار انسان مولد به وسایل تولید پیوند میابد و حلقه ی مرکزی آن مالکیت وسایل تولید است . »

مثلا اصول مزارعه ، مهم ترین بخش مناسبات تولیدی در نظام ارباب ـرعیتی کشور ما بود و رابطه ی مزدوری میان کارگر محروم از وسایل تولید ومالك وسایل تولید یعنی فئودال ده و یابیروکرات شهر و یا کمپرادوران زمیندار بود .

حلقه ی مرکزی مناسبات تولیدی عبارت است از شکل مالکیت وسایل تولید ، **بسته به اینکه مالکیت وسایل** تولید چگونه باشد انواع مناسبات‌تولیدی **واشکال سازمان اجتماعی تولید ویاساخت اقتصادی یعنی مجموعه‌مناسبات تولیدی** بوجود میاید .

اما باید توجه داشت که شکل مالکیت در عین حال که اساس مناسبات تولیدی است ، همه ی این مناسبات نیست. کار انسانی جنبه ی اجتماعی دارد و مناسبات **تولیدی شبکه ی بسیار و سیعی از مناسباتی‌راکه میان ملیون ها اعضای یك** جامعه در جریان وروند تولید ، توزیع ،مبادله و مصرف خواسته های مادی بوجود میاید در بر می گیرد . مثلا در جامعه‌ی سرمایداری چنانکه میدانیم میان کارگر و سرمایدار یعنی انسان محروم **ازوسایل تولید وانسان مالك وسایل تولید رابطه ی مزدوری برقرار می شود که‌اساسی ترین حلقه‌ی مناسبات تولیدی سرمایداری است. اما علاوه برین میان خود سرمایداران و کارگران نیز انواع مناسبات برقرار است که باید جزو مناسبات تولیدی بحساب** آورد . سرمایداران با یکدیگر دررقابت اند . بزرگتر ها کوچکتر ها را می‌بلعند، میان وام دهنده ووام گیرنده . بانکدار و صاحب کار خانه ، رشته ی حمل ونقل با رشته ی زراعت و غیره و غیره هزاران رویك پیوند برقرار می شود تا روند تولید بی وقفه جریان یابد . بعبارت دیگر وقتی از سرمایدار سخن می گوئیم نباید یك سرمایدار منفرد را در نظر بگیریم ،بلکه **باید طبقه‌ی سرمایدار را درنظر بگیریم** وآن مناسبات اقتصادی و تولیدی راکه آنها را بهم پیوند می دهد و بصورت یك طبقه در می آورد جز و مناسبات‌تولیدی بدانیم . هم چنین در مورد کارگران نیز نباید یك کارگر تنها را در نظر گرفت ، بلکه باید طبقه ی کارگررا در نظر داشت و رقابت میان کارگران برای بدست آوردن کار که در مراحل‌ـ ابتدائی رشد جنبش کارگری وجودداشته واتحاد و تشکل کنونی آنها را در اتحادیه های کارگری و سازمان های طبقاتی که کارگران برای دفاع مشترك از منافع و حقوق خویش تشکیل داده اند جزئی از مناسبات تولیدی دانست . زمانی که از تولید سخن بمیان میاید ـمثلا از تولید گندم یا بوت ـچه بسا درنظر اول روند تولید در معنای کاملا محدودآن در نظر مجسم می شود : بصورت تولید گندم در مزرعه و تولید بوت در کفاشی در حالیکه وقتی از تولید اجتماعی سخن می گوئیم باید تولید را به معنای وسیع آن در نظر گرفت و توجه داشت که گندم در کشتزار و کفش در دکان کفاشی فقط مرحله ی معین از تولید است واین محصولها وقتی می توانند نیازمندی انسان را بر آورند که مراحل بعدی تولید را نیز طی کرده و بدست مصرف کننده برسند برسر سفریی‌قرارگیرد و یا **پاکسی را بپوشانند . بنابر** این تولید اجتماعی و مناسبات تولیدی رابایدبمعنای وسیع ودر سیکل کامل تولید : **ازتولید به‌معنای اخص تا توزیع** ومبادله و حمل و نقل تا مصرف در نظر گرفت و توجه داشت که مناسبات اقتصادی ایکه میان انسانها در جریان توزیع و مبادله و حمل و نقل تا مصرف بر قرار می شود جزئی از مناسبات‌تولیدی است . (در ینجا باید بیك نکته ی اساسی توجه داشت و آن اینکه توزیع ومبادله و مصرف جدا از تولید وجود ندارد و نباید جدا از تولید بررسی شود).

برخی از دانشمندان بورژوا چنین می‌کنند و بجای بررسی تولید تنها به بررسی **مبادله و نوسانهای بازار می‌پردازند و** به نتائج نادرستی می رسند .



ترجمه وتنظیم از : میرحسام الدین برومند

صرفه‌جویی دیکتاتور رژیم پینوچت در بانکهای خارج و ورشکستگی اقتصاد چیلی

درست شش سال از کودتای چیلی که بوسیله فاشیست ها صورت گرفت، میگذرد . رژیم پینوچت که شکل دیکتاتوری را دارد پیوسته تحت الحمایه اقتصادی کشور های امپریالیستی قرار گرفته نشریه «افق» منتشره جمهوریت دموکراتیک آلمان به استناد راپور های مستند و موثق در یکی از شماره های خود گزارشی پیرامون ورشکستگی اقتصادی چیلی مینویسدکه: اقتصاد چیلی به‌یك ورشکستگی جبران ناپذیر روبروست بحدیکه تاسال ۱۹۷۸ بیش از (۸۰۰) میلیون دالر در بانکهای کشور های خارج بوسیلهٔ دیکتاتور رژیم چیلی آنهم بحساب کاملا شخصی وی پس انداز گردیده که روی این ملحوظ در بودجهٔ اقتصادی آن کشور کسر بزرگی وارد آمده است. در چیلی اکثرا این سوال پیش آمد که صد میلیون دالر قرضه بیکنگ در چه مدرکی صرف گردیده . از طرفی فاشیستی های چلی اسلحه های فراوانی را که اسرائیل آن ها را از امریکا خود خریداری نموده ، در یافت مینماید چه چیلی مستقیما از امریکا نمیتوانند اسلحه خریداری نماید . خرید اسلحه بمنظور بقای دیکتاتور فاشیست مذکور ووقف نمودن یک مقدار قابل توجه پول در زمینه ، در پهلوی صرفه جویی دیکتاتور مذکور در بانک های امریکا از عوامل دیگریست که اقتصاد چیلی‌را کاملا تضعیف وچهره حریصانه و آزمندانه دیکتاتور مستبد مذکور را بیشتر برملا میسازد ، چون به حقوق انسانی و کرامت انسانی بوسیله زمامدار فاشیستی ارج گذاشته نمیشود معذالك کشور های غربی بوسیله فیصلهٔ یکی از کنگرس های حقوق‌بشر حق فروش اسلحه ها را با لای رژیم پینو چت ندارند .

بتازگی ها «گو بیلوز» وزیر خارجه چیلی به لندن رفت تا با مقامات امریکایی مذاکراتی بعمل آورد تا مگر بتواند راهی برای دریافت اسلحه پیدا کند . ناظرین و دیپلومات ها این ملاقات راکه شکل شخصی داشته، دنباله ارتباطقبلی چیلی با مقامات غربی میدانند . باید متذکر گردید که باری یکی از حکومات کارگری در سال ۱۹۷۵ به سفیر سانتیاگو خبر داد که پلیس مخفی چیلی درضمن شکنجه های غیر انسانی خود با دکتور «شایلا گاسیدی »که یکی از دکتوران ورزیدهٔ آنجا بود ، رویهٔ ضد کرامت انسانی نموده وبشکل فجیعانه بیچاره زن مذکور راشکنجه نموده است . قرار یك گزارش دیگر «گا بیلوز» درماه سپتمبر با مقامات جمهوریت فدرالی آلمانی نیز به غرض دریافت کمك ها در تماس آمد .

در نشریه «لاس انجلس تایمز»از قول پتراس فرستاده از امریکای لاتین آمده است :

یکتعداد از ناظرین ادعا دارند که‌ظاهرا دیکتاتورچیلی طوری وانمود مینمایدکه گویا درچلی مجازات و شکنجه از بین رفته است و لیکن دیکتاتور مزبور بخاطر بقای خود وادامه دادن به روش های ضد انسانی وفاشیستی خویش اینك‌خواسته سرپوش قانونی بگذارد چه موصوف اینك به اعمال مستبدانه ودیکتاتورانه خود میخواهد شکل شرعی ومذهبی بدهد به استناد یك گزارش اینك تنها در مرکز چیلی (۲۵۰۰)نفر بیگناه بدستور فاشیست پینوچت باریسمان ها بسته اند و شب وروز تحت شکنجه های طاقت فرسا گرفته شده اند و پینوچت با چنین رویهٔ مخالف بشر دوستی خویش خواهان جلب‌همکاری های فراوانتر نیز است . آیا زیر پاگذاشتن کرامت انسانی ، پامال ساختن حقوق بشر و عدول از موازین وپرنسیپ‌های اخلاقی محض برای دیکتاتوری‌فاشیستی پینوچت ، جنا بت محض نیستؤپروفیسورا «میلتون فرید مان » یکتن از مفسران اقتصادی جهان مینگاردکه رژیم‌چیلی با وصف تلاش و دست وپا نمودن زیاد بهیچوجه نمیتوان خودش را ازرکوداقتصادی ورهاند چه هزینهٔ هنگفتی وقت خریداری بیمورد واضافه از حد اسلحه وصرفه‌جوی شخصی در بانك های خارج گردیده است .قیمت اشیای لوکس بی نهایت بالا رفته و میزان اقتصادی پول هر آن در کشور مذکور قوس نزولی خود را می پیماید، درچیلی مجادله مردم بارژیم فاشیستی‌چیلی مجدانه ادامه دارد و مردم ضمن تظاهرات خواهان کار ، عدالت ، آزادی ودموکراسی اند ، از همینرو بتاریخ اول می که مصادف بود به روز تجلیل ازروز کارگران سراسر جهان ، و هر سال در همین روز جشن کارگران در سراسر جهان برگزار می یابد ، برای دیکتاتور چلی اخطار نامه از طرف (۱۰۰۰۰) نفرکارگران جهان فرستاده شد .در اخطار نامه آمده‌بود که در چیلی با کارگران روش غیرانسانی صورت میگیرد واو شان به عنوان اینکه کارگرانند از بسیاری امتیازات وحقوق مدنی محروم ساخته شده اند، در اخطاریهٔ مذکور علاوه شده بود که کارگران جهان از کارگران چیلی حمایت کامل مینمایند امروز برای همه محسوس است که همبستگی وحمایت از میهن پرستان چیلی وخوشبختی واقعی مردم چیلی روزتاروز در حال گسترش است . کشور های برادر سوسیالیستی پیهم در صدد خدمتگزاری های بیشتر زحمتکشان در پرتو دموکراسی وعدالت ودرنهایت برای تمام کتله های بشری اند، هفته‌همبستگی باخلق‌چیلی که چندی قبل برگزار گردید ، چلی ها را برای دستیابی و تامین حقوق قانونی شان بمبارزه علیه ستم وظلم دیکتاتور، رزمنده‌تر و آبدیده‌تر ساخت .



یکی از زنان درحال تطبیق داروو تحت نظرسازندگان ادویه مذکور

داروی جدیدی بجای قرص های ضدحاملگی

از آنجاییکه اکثر هضم قرص هاییکه خانمان برای جلوگیری از زایمان میگرفتند به اثبات رسیده که بعضا نتایج زیانآوری در قبال داشته است و عدهٔ بیشماری از خانم ها با گرفتن قرص های ضد حاملگی دچار زخم معده ،پندیدگی وجود ، زیادت وزن ، سرگیچه ، خرابی گرده ها وده ها مشکلات دیگر گردیده است . محققین و علمای طب که پیوسته در صدد کشف دارو های جدید اند روی همین اصل مهم و درخور توجه بشری اینك یکدکتور سویدنی که زن نامبرده نیز دکتور ولادی و نسایی‌است بنام «کریستر بریکویست » داروی‌جدیدی ساخته اند . مشخصات این دارو در نشریه طبی سویدن بنام «هوسپالا» منتشر گردیده است . درین خبر طبی گزارش‌یافته است که دیگر زنان نیازی بگرفتن قرص های ضد حاملگی نه خواهند داشت . چه‌در جلسه که به اشتراك (۲۷) زن طبیب از کشور های مختلف دایر گردید یکنوع مایع جدید که بس نادر و کمیاب و قیمتی است نظر به آزمایشات قبلی مادهٔ موثر وعاری از هر گونه ضرر ، برای جلوگیری از آبستن زنان تلقی میگردد . این داروکه برای دانشمندان ارزش بس مهم دارد بتازگی ها کشف گردیده و بعد با ساير دارو ها اختلاط واز آن اینك بحیث داروی ضد حاملگی استفاده بعمل آمده میتواند . این داروی مایع بر خلاف قرص‌های‌ضدحاملگی که تا قبل ازین تهیه گردیده‌هیچگونه اثرات سو و ناخوشایند و یا کسالتی برای استعمال کنندهٔ آن بجا نخواهد گذاشت . (بریگویست) که خود در یونیورستی «هوخیرالا» در سویدن مصروفیت دارد مدعی است که : تجارب طبی برای ما ثابت ساخته که موثریت این دارو بیشتر از دارو های قبلی میبا شد . طرز استفاده وبکار گرفتن این دارو همانست که فقط یك قطره از ین داروی مایع را سه بار در روز یکبار صبح، یکبار چاشت ویکبار شب باید بدماغ رسانید .

بوتل مذکور پلاستیکی بوده وساختمان آن که خود حاوی قطره چکان مخصوص

ژوندون

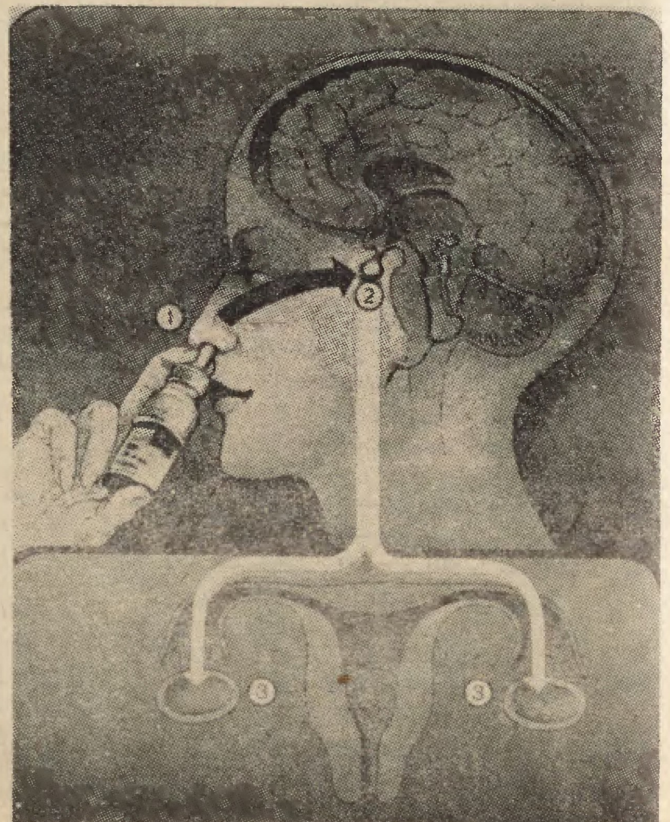
است بمحض فشار دادن بوتل دارو خودبخود از قسمت های ساختمانی عمدهٔ بینی گذشته وخود را بدستگاه مغز میرساند. درنتیجه هر مراتبه صفر عشاریه پنج ملی گرام مواد وارد وجود میشود. داروی مذکور از طریق پوسته مخاطی بینی داخل غده های مخصوص در مغز گردیده و درفرجام وارد هارمون های دماغ می گردد که عواقب آن همانا گذاشتن اثر مطلوب بالای «هیپو فیز» است. «هیپو فیز» عدهٔ مخصوصی است که شخصا وظیفه ساختن هورمون هایی مخصوص را دارد. «هیپوفیز» که یك اصطلاح طبی بخصوص است درحین حال یك مرکز اتصال بیوشیمی دماغ وسایر هورمون ها وارگان های وجود بوده ودر ضمن آن ها را کنترول میکند. علمای سویدنی «کریستر بریگویست» و همکارانش «زخن یوهان تیلوز» و«لایف وید» در واقع از اولین کسانی اند که میخواهند سایر هورمون ها وارگان های وجود را از طریق کنترولی مغز از بسی فعالیت ها باز دارند. بعباره دیگر این دارو بمحض رسیدن در مغزرشته های محرکه وجود را که در تخمدان در ارتباط بوده و فعالیت دارند، فعالیت شانرا بطی میسازد بطوریکه مانع فعالیت تخمه ها میگردد.

... و این بمراتب بهتراست که رشته‌های عصبی باعث کندی همچو فعالیت ها در موارد لازمه گردد و همچو مسایل از طرف اعصاب کنترول گردد تا آنکه مستقیما دارو ها تجویز گردد.

چه در صورت دومی ممکنست دارواثرات سوء بالای وجود بگذارد. داروی متذکره خود یك ترکیب کیمیاوی است، بعلاوه موادی که از آن تذکار بعمل آمد سایر ناراحتی ها را تحت الشعاع قرار داده ومشخص استعمال کننده فرحت حس میکند.

بدین اساس دارو های ضد حاملگی دیگر پس از عبور از راه پر پیچ و خم روده ها ومعده بهدف نمیرسد فقط هورمون ها مشخصه وجود از طریق سیستم عصبی تحت کنترول آمده و محض دردقایق حساس اتصال زن و مرد فعالیت تخمه دان‌ها بطی خواهد گردید ودر نهایت از گرفتن حمل و آبستن جلو گیری خواهد نمود اثرات قرص های ضد حاملگی تا ۲٤ ساعت در وجود میماند حالانکه فقط پس از پنج دقیقه اثرات داروی جدید مرفوع میگردد، کار تست این دارو شش ماه تمام درکلینیك یونیورستی سویدن ادامه پیدا کرد. زنانیکه گریپ و سرما خوردگی داشته باشند ضمن تطبیق این دارو اثرات مذبور نیز رفع شده میتوانند.

دواسازان فرانکفورت در مرکز «هوخست فرانگفورت کنون سعی دارند که این دارو رابشکل بهتری عرضه بدارند. علمای سویدنی در نظر دارند که در سالیان بعدی این دارو را بطور قرص نیز برای آندسته از خانم ها که مایل به تطبیق آن از طریق بینی نیستند. به بازار عرضه کنند. قرص های مذکور خود بخود به تخمدان ها خودش را خواهد رسانید. مسلما دارو های جدید جای قرص بزودی جای قرص های ضد حاملگی را خواهد گرفت.



۱- دارو ازبینی بدماغ رسیده و ا پس‌به‌کمك رشته های عصبی خودش رابه‌تخمدان رسانیده و ازگرفتن حمل‌جلو گیری‌میدارد.

بایسکل سواری که‌توانسته تاکنون فاصلهٔ ۱۵۶۰۰۰ کیلومتر رابا بایسکل بپیماید

دراینجا گزارشی ارائه می یابد در مورد یك معلم سپورت، معلمی که زیاد جوا نست یعنی تازه به ۲۳ سالگی پا نهاده است. وی «آفو پیکو ووز» نام دارد وتوانسته تاکنون در (۷۵۰) مسابقهٔ بایسکل رانی کنسرت ومجموعا فاصله (۱۵٦۰۰۰) کیلو متر را بسواری بایسکل تا کنون پشت سر بگذارد موصوف ازچهره های تابان ورزش است که بخاطر سهمگیری در مسابقات بایسکل دوانی بازی های المپیایی «مونتر یال» توانست به احراز قهرمانی نایل آید روز نخستینکه وی سوار بایسکل میشد پا هایش و گاهگاهی تمام اندامش درد میکرد، اما دفعتا این بایسکل سواری عادی توانست سرو صدایی در حلقه های هنری راه بیندازد و مسئله در خور دقت وبسیار بسیار جالب اینست که بایسکلی را که در مسابقات المپیایی «مونتریال» نامبرده سوار شد، یك بایسکل زیادعادی ومال خودش بود، حینیکه وی میخواست سوار بایسکل شود، گرچه بایسکل قبلا چك شده بود، لاکن زنجیرش خطا خورده وبیجا شد ودرین میان «والیری چا پلکین» یکی دیگر از مسابقه دهندگان بایسکل رانی «آفو» رادرین میان کمك کرد. و وانگهی جمعی از بایسکل سواران با اعلام آغاز مسابقه توسط نفر موظف شروع کردند به مسابقهٔبایسکل رانی، هر یك شطارت میورزید، سعی میکرد تا سریعتر پا بزند واز حریفان پیشی گیرد و درفرجام همه با شگفتی دریافتند که «آفو پیکو ووز» چسان زودتراز دیگران در محل‌معینه رسید وبدون ناراحتی و احساس ذلگی توانست فاصله یکصد کیلو متری راهمرای با یسکل بپیماید. بعلاوه وی در ۸ می ۱۹۷۷ توانست منحیث تیزترین‌رانندهٔبایسکل بر بالای سرك های پولیند، شناخته شود وجایزهٔ ارزندهٔ دیگری را کسب بداردلاکن در پایان همین مسابقات گرچه برای «آفوپیکو ووز» قهرمانی آورد. جراحاتی بر داشت، چنان جراحاتی که‌دکتو ران وی‌را از مسابقه مانع شدند لاکن با وصف آن «آفو» در آرزوی پیمودن فاصلهٔ(۱٦۹۵) کیلومتری بود. در فاصلهٔ هر چند کیلو متر تکه های کشباف یا زنگ های زرد گذاشته شده‌بود که‌وی همه تکه ها را دریده و پارچه آن هارا در اخیر مسابقه درموزیم ورزشی رسانید. «آفو پیکو ووز» که قسمت زیاد عمرش رادر شهر ساحلی «تارتو» گذشتانده. مادرش «هالی» نرس یك شفاخانه‌وپدرش «نیکولای پیکو ووز» یك کارگر ساختمانی بود «آفو» با بچه های بزرگتر و با استعداد تر از خودش طرح رفاقت ریخته بود، در پنج‌سالگی او و همسالانش برای فراگیری‌وآموختن آببازی‌خودشانرادریك بحر پرتاب کردند «آفو» هفت سالی بیش نداشت که بربالای یکدرخت شاخ بلوط بر آمد لاکن از بالای درخت افتیده و پا هایش هر دوشکستند.

در سنی ده سالگی وی روز یك قطی سگرت میکشند وی در قطعه بازی بلدیت کامل داشته حتی به قمار متوسل گردیده بود، در دیوار هائیکه بیش از بیست متر بلندی‌داشت می بر آمد. آخر الامر او در میدان مرها کی روی میخ» پاگذاشت، در هر کجا همبازی هایش بدنبالش بودند بازی تریننر مکتب ورزشی اطفال به او در خرد سالی اش گفته بود: «آفو» آیا گاهی با خودت اندیشیده ای که چرا چنین‌نحیف الجثه وکوچك اندام هستی، برای اینکه سگرت دود میکنی!؟ و آنوقت بود که «آفو» یکباره به کشیدن سگرت پایان داد، ودر تابستان همانسال بود که‌قدش هفت سانتی متر بلند شد «آفو» در اولین مراتبه که سوار بایسکل شد خودش در یافت که‌چه تند میراند، سرعت تند رانی او حتی مایه شگرف خودش گردید، از طرفی یکی از تریننر هابه خاطر مهارت های چشمگیری «آفو» به‌نامبرده یك بایسکل جدید اهداء کرد که با یسکل مذکور در فاصله (۱۸۰) کیلومتری ایشان بود آفو به سواری موتر به‌نقطهٔ متذکره رفته وسپس‌همان‌فاصله ۱۸۰کیلومتررابدون‌کوچکترین توقف به اصطلاح با یك نفس آورد، متعاقبا سه ساعت تمام مصروف بازی تینس گردید، اینحرکت «آفو» تریننر مذکور رابحدی بر افروخته ساخت که بنا چار بایسکلرا ن مذکور را نکوهش کرد. «آفو» در راندن بایسکل مهارتی داردکه هیچ بایسکل سواری صاحب چنان مهارت نیست. صرفنظر ازینکه راننده اصولی است. در گولایی ها یا چابکی برك میزند. با یسکل رابه اطراف خویش حین سوار با زاویه های مختلف می چرخاند در بهار سال ۱۹۷۳ بود که «آفو» آنهم محض برای یکبار از مقام قهرمانی افتید اما در ظرف همانسال ریکارد قهرمانی تمام قهرمانان بایسکلرانی را شکست وبا اشتراك در مسابقه موسوم به«مسابقه صلح» که در ردیف دوم قرار گرفت وشهرتش با آنهم فزونی یافت.

«الکسندر کوز یا پتیکوف» کپیتان مسابقات ورزشی شوروی در یادداشت هایش مینویسد:

بسان تو هیچ رانندهٔ بایسکل نمی راند وی در پاسخ گفت: من میخواهم بیشتر

بقیه‌درصفحه٤٦

ستراتیژی سیاسی و نظامی انگلیس در افغانستان

اسماعیل

پیوسته بگذشته

معاهده ای که رهبران ملت افغان بتاریخ ۱۱دسمبر ۱۸٤۱ با انگلیس ها در حالیکه اردوی انگلیس هنوز در کابل و (ترون بنار) و کندهار مستولی بودند .با انگلیس ها عقد کردند این معاهده این طور شروع می شود : قرار داد عهد و میثاق که فیمابین عالیجاهان معلی جایگاهان حشمت و شوکت دستگاهان نواب مستطاب معلی‌ـ القاب نواب عالی نواب محمد زمان خان. ونایب ثانی رفیع مکانی والا جاه نائب امین الله خان «لوگری» و ... و صاحبان باوقار انگلیسیه بسته شده است .

ودر ماده‌ی دهم این معاهده ی آبرو‌ـ مندانه به انگلیس چنین اخطار داده شده است : «شرط دهم اینکه دو مراتبه صاحبان انگلیس خواهش ملک افغانستان رابه هیچ وجه نکنند ونسل بعدنسل فیما بین رابطه ی دوستی واتحاد مربوط ومضبوط باشد ، و سرکار افغانیه هرگاه بجهت مدافعت اعدای بیرون امداد بخواهند ، سرکار انگلیسیه در تبلیغ آن دریغ و مضایقه نکنند ...»

این معاهده نمونه ی کامل شعور سیاسی و شجاعت اخلاقی خلق افغانستان است که

در معاهده ی سال ۱۸۵۵ بین امیر‌ـ دوست محمد وانگلیس نیز طرف افغانی بشکل بسیار تحقیر آمیز یاد شده است چنانچه در ماده ی سوم آن گفته شده جناب امیر‌ـ دوست محمد خان والی کابل وورثای او در قلمرو کمپانی مداخله نکرده وبدوستان «آنریبل ایست اندیا کمپنی» دوست باشند و با دشمنان کمپنی مذکور دشمن باشند (!) معاهده ی دیورند که بین امیر عبد الرحمن وانگلیس امضاء شده نیز همین برخورد صورت گرفته (اگرچه برخورد توهین آمیز انگلیس چیز طبیعی است زیرا خود این شاهان جیره خواران و نوکران انگلیس بودند)

ودر ماده ی هفتم آن چنین گفته شده است : نسبت به طریقه ی دوستانه که جناب امیر صاحب درین گفتگو و معامله «قبول معاهده ی دیورند» ظاهر ساخته اند ، دولت عالیه ی هند بروجه عطیه سالانه یك مليون و دو صد هزار روپیه که‌آلان به جناب ممدوح داده می شود ، ۶۰۰هزار روپیه سالانه مزید نموده شود .

اما آوانیکه خلق افغانستان و رهبران ملی طرف انگلیس را تشکیل می دادند **نه‌تنها بر خورد تحقیر آمیز دشمن را قبول نداشتند بلکه اراده‌ی قهر مانانه ی‌خود را بر دشمن تحمیل می کردند چنانچه**

در برابر یك دولت بزرگ استعماری وقشون منظم انگلیسی ، در نهایت سادگی وعاری از هر نوع مجاملات درباری ، با نوك شمشیر امضاء وملت خود را صادقانه تمثیل کرده است . در حالیکه امضاءکنند‌ـ گان این معاهده نه دارای دولت وتشکیلات سیاسی و نظامی بودند و نه برای خود امارت ووزارت و سلطنت می خواستند مقایسه ی این عهد نامه ی ملی با معا‌ـ هدات سیاسی ایکه امرای افغانستان پیش از آن و بعد از آن با انگلیس عقد نموده ، برتری . شجاعت . اصالت‌فکری ووطن پرستی خلق‌را نسبت به سرداران وامیران و درباریان بوضوح نشان می دهد .

واما فعالیت جاسوسی انگلیس درافغا‌ـ نستان از عملیات نظامی آن شدید تر و موثر تر بود . دولت های افغانستان‌در برابر جاسوسی انگلیس بکلی خلع‌سلاح و عاجز از مدافعه بودند واکثرا خودعمال دولت ودربار خود برای انگلیس جاسو‌ـ سی می کردند ، زیرا در دولت های افغا‌ـ نستان کدام تشکیل و یا اورگان ضد جاسوسی وجود نداشت و اگر هم اورگان های موجود بود برای جاسوسی داخلی و کنترول خلق افغانستان وجود داشت ، پس عمال جاسوسی انگلیس در افغانستان آنچه بطور سری کار می‌کردند،

برای همیشه مخفی و مستور می ماندند. واما آنانیکه علنا بنام سیاح ، طبیب، تاجر ، ترجمان ، معلم ، مستخدم ، مهاجر و پناهنده سیاسی و غیره به کشور مامی آمدند با دست باز به جاسوسی می‌ـ پرداختند و بعضا اعمال جاسوسی افشا و آفتابی می شد ، انگلیسها در آغاز آشنائی با افغانستان برای این کار از عناصر خالصا انگلیسی استفاده می کردند چنانچه میجرا یلدرد پاتنجر ، (۱۸۱۱‌ـ۱۸٤۳) یکی از اعضای توپخانه ی بمبئی و بازمعاون ناظر سیاسی سند، به کابل آمد و بقیافه ی ملای هندی به هرات رفت و همینکه حمله ایرانی ها در هرات شروع شد به فعالیت های جاسوسی پرداخت وبعدا کاملا افشا گردید ، «مستر کیمپل» یکی دیگر ازین قماش اشخاص بود که در حمله ی ۱۸۳۳ شاه شجاع فراری درقندهار افسر یك کندك نظامی او بود و چون شاه شجاع درین جنگ شکست خوردکیمپل نیز زندانی و بعدا مسلمان ! شد، وامیر‌ـ دوست محمد خان این تازه مسلمان! شده را در بدل معاش ماهوار چار صد روپیه قوماندان توپخانه ی اردوی کابل‌مقرر نمود خوانندہ محترم توجه کنند که

نکرد :

همینکه انگلیس وشاه شجاع و سکها در ۱۸۳۹ بکابل حمله کردند امیر دوست‌ـ محمد خان شیر محمد خان (مستر کیمپل) را بدفاع از کابل مامور نمود ولی اواز کشیدن شمشیر بمقابل انگلیس و شاه‌ـ شجاع انکار نمود . بعد از فرار امیر دوست‌ـ محمد ، شیر محمد قوماندان يك قطعه ی گارد شاهی کابل از طرف شاه شجاع مقرر شد و در سرکوبی مبارزین کابل سهم فعال گرفت اما قطعه‌ی مربوطه ی اوتباه شد وخودش بنام اینکه مسلمان ! شده استزنده رها گردید. بعداز تباهی انگلیس و شاه شجاع و آمدن دو باره‌ی امیر دوست محمد به سر قدرت با تعجب دیده می شود که شیر محمد از طرف امیر دوست محمد به قوماندانی ـ اردوی پانزده هزار نفری بلخ مقرر می شود و سردار محمد افضل خان والی بلخ پسرك دوازده ساله ی خود عبدالرحمن را (بعد ها امیر عبد الرحمن پادشاه افغا‌ـ نستان وامضاء کننده ی معاهده ننگین دیورند با انگلیس) به شاگردی و می دهد ، کیمپل (شیر محمد) سه سال این پسر بی سواد را صرف سوهان کاری و قسما جراحی در روز سه ساعت می آموزد آری امیر عبدالرحمن شاگرد و پیرو همین شخصی بود که بعد ها مطابق هدایات

این مسلمان شده ی درباری چه ها که ورهنمایی هاو تلقینات این جاسوس زبر ـ دست خدمات شایسته‌ی را به نفع‌انگریز و بضرر کشور خود «؟!» انجام داد. کیمپل در ۱۸۵۸ بمرد .

هکذا رابرت لیچ از ورود رسمی به افغانستان مدتها در ولایات شرقی افغانستان گشت و گذار کرده و معلومات زیادی بدست آورده بود . حتی الکساندر برنس که حیثیت نماینده‌ی رسمی دولت انگلیس را در دربار کابل‌داشت.

مگر این گونه عمال خالص‌دوست‌انگلیس دچار مشکلاتی می شدند ازین جهت که با زبان ، فرهنگ و مذهب خلق‌افغا‌ـ نستان بسیار بیگانه بودند . پس‌انگلیس‌ها به‌عمال شرقی خود بیشترمتوجه‌شدند چنانیکه در عهد زمانشاه بواسطه ی میان‌ـ غلام محمد هندی به تشکیل جمعیت‌ضد شاه و تحریك خان های محلی پرداختند یکی از ین عمال موهن لال بود که زبان دری و انگلیسی را در دهلی فرا گرفته و داخل شعبه ی جاسوسی‌گردیده بود، این **آدم در ایران بنام آغاحسن‌کشمیری‌ودر افغانستان بنام میرزاقلی کشمیری‌معرفی**

شده بود موهن لال در سند وبلوچستان خدمات زیادی برای انگلیس ها انجام داد ودر جنگ اول افغان و انگلیس درافغانستان به‌تاسیس شعبه ی جاسوسی انگلیس پرداخت ، ولی چون موهن لال هندی ـ الاصل بود بعد از آنکه انگلیس ها اورا خوب به نفع خود استعمال کردند ، رهایش نمودند و بحالت بدی بمرد .

از آغاز قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم این دسته اشخاص در دوره‌ی هر دولت از افغانستان موجود بودند مثلا در عهد امیر دوست محمد خان در لشکر قطغن (تخارستان) قوماندان سواره نظام افغانی با قرعلی شاه هندوستانی ، درعهد امیر شیر علی خان در قشون هرات‌جنرال پیاده نظام کریم بخش خان هندوستانی بودند . دولت انگلیس از مستخدمین مسلمان خود در افغانستان چنان استفاده‌ی سوئی می نمودند که از عناصر انگلیسی میسر نبود . لذا تا جنگ سوم افغان‌وانگلیس (۱۹۱۹) تمام نمایندگان انگلیس در کابل ،مسلمان بودند،بعدازآنکه‌وزرای مختارانگلیس نژادهم در کابل مقیم شدند، معاونین آنها مسلمان بودند ، چنانچه در عهد دولت امانیه در سرحدات شرقی افغانستان ، شیخ محبوب علی خان پنجابی پولیتیکل اجنت « پاره چنار» و معاون او اسکندر خان ایت آبادی بود . بعد ها

که «سر همفری» پولیتیکل اجنت خیبربحیث وزیر مختار انگلیس در کابل آمد شیخ محبوب علی خان به صفت سکرتر شرقی، همکار نزدیك او در کابل بود و فعالیت های بیشتر ی سری و علنی سفارت انگلیس را بزمه داشت ، تا توانست اغتشاش‌خونین وارتجاعی افغانستان را بچشم سرورضائت خاطر تماشا کند ، در چنین مواردبصراحت می توان گفت که مقیاس ظلم دول‌استعما‌ـ ری وامپریالیستی در مشرق زمین ،تنها استثمار و بهره برداری از مستعمرات‌آنان نیست بلکه آنچه را می توان بزرگترین جنایت استعمار نامید اینست که آنان فرزندان يك مستعمره را طوری تربیت‌می کنند که آنان خیانت بوطن را و خدمت بدشمن وطن خود را ، مایه ی افتخار و در عین حال يك کار شایسته وطبیعی می دانند !؟.

انگلیس ها در مورد رجال افغانستان هم‌از واقعیت و حقیقت انحراف کرده و هر که را با منافع و اغراض خود منطبق ویا مستعمل یافتند ، او را به نیکوئی ستوده ونمونه ی مثال در تاریخ‌قرار دادند ، و آنکه را مخالف اغراض خود و موافق منافع ملی افغانستان دیدند ، در پرده های توهین وافترا پیچیده ، به‌بدی تبلیغ کردند بطور مثال در مورد رحمت الله و فادار خان (وزیر زمانشاه) که استحکام دولت را می خواستند نوشتند او يك پوپلزایی گمنام وفاسداست!درمورد **یارمحمد خان وزیر کامران که پاتنجر راباوجود همه استحکاماتش از هرات اخراج کرد نوشتند :**

بقیه‌در صفحه ٤۵

بقیه صفحه ۱۱

نگاهی به‌اهمیت ...

بخش ضد استعماری با گام های نیرو مند در جهت نابودی و زوال سیستم استعما ری به بیشس رفت و یکی پی دیگر استقلال و آزادی کشور های تحت زنجیر استعما ری تامین گردید و خلقها ی جهان به اکتوبر کبیر دلبستند و کشوز شورا ها را پایگاه مطمئن نهضت‌و انقلاب کار گری ، دانستند .

مشعلدا ران انقلاب اکتو بر که اولین آز مایشس انقلابی را به پیروزی رسا ندند همه از انقلاب و آرمان های انقلابی آن دفاع نمودند و همچنان پرو گرام ها و نقشه های علمی را برای اعمار جامعه نوین سو سیا لیستی طرح کردند که از همان آوان شگو فانی و آبادانی وهمچنان آرامی و سعادت خلق را بشارت می داد . و گذشت زمان به اثبات رساند که رهروان راه اکتوبر بر هبری حزب واحد سراسری کشور آگا هانه و انقلابی وطن خود را آباد ساختن ، چنانچه امروز کشور شورا ها در ر دیف او لین کشور های جهان در تمام سا حات اجتماعی به حساب می‌آید و در اکثر سکتور های اجتما عی مقام اول را احراز نموده است .

پهلوی دیگر مسئله همان نقشس و تاثیر بین المللی انقلاب اکتوبر است که در پرتو آن در اروپای شرقی بعد از حمله خائنانه وتجاوز گرانه فاشیست های آلمانی که عنوان جنگ جهانی دوم را بخود گرفته اردو گاه سو سیا لیزم بنیان گذاشته شد و سنگر صلح و سو سیا لیزم در جهان با قوت و نیرو مندی شکست نا پذیر دژهای پارینه و پو شالی امپر یا لیزم رانه تنها به لرزه در آورده بلکه مژده نابودی و زوال آنرا به جها نیان علنا اعلام داشته که این مسیر تا کنون به پیروزی های زیادی دست یازیده است .

واقعات عصر و زند گانی نوین خلقهای جهان در پرتو انقلاب اکتوبر نشا نداد که انقلاب اکتوبر نه تنها در روسیه و اروپا محدود و محصوز نماند بلکه در آسیا افریقا و امریکای لاتین نیز راهش را باز نمود و امروز زحمتکشان گیتی باسر افراشته و امید فراوان مشا هده می نمایند که کیوبای انقلابی در امریکای لاتین باتوانایی شکست نا پذیر در مقابل عظیم ترین نیروی امپر یا لیستی مقاومت نموده و مایه امید و ستا ره رهنما یی برای نهضت های انقلابی در کشور های آسیایی ، افر یقایی و امریکای لاتین گردیده است .

نهضت های اخیر در امریکای لاتین و دگر گونی های عمیق و انقلابی در افریقای سیاه به مثابه خنجری به پیکر نیمه‌جان امپریالیزم ضربه های پیهم خویشس را همه روز وارد نموده و در جهت زوال امپر یا لیزم نقشس خویشس را آگا هانه ایفا می نماید .

در آسیا نیز جنبشس بیشتر از همه وسعت پذ یرفته قدرت های رو بزوال استعمار و امپر یالیزم و بخصو ص سیستم استعما ری درین منطقه جهان امیدی ندارد .چه حلقه های نیرو مند نهضت وانقلاب از ویتنام قهر مان تا افغا نستان انقلابی و تمام کشور های آسیایی روز بروز به هم می رسد که این همه جنبش ونهضت راکسی‌بخواهد یا نخواهد در تحت تاثیر انقلاب اکتو بر به پیش می برد

اکنون که خلقها ی سراسر گیتی شصت و دو مین سالگرد انقلاب اکتوبر را جشن می گیرند . بازهم او ضاع و احوال در کشور های جهان پیروزی های هر چه بیشتر انقلاب اکتو بر را تائید نموده وپیام انقلابی اکتوبر در دور ترین نقاط جهان به گوش جها نیان رسیده و عملا سپاه نیرو مند دفاع ازآرمان های اکتوبر کبیر و تحقق آن بوجود آمده و در میدان های مختلف ودر جبهت های گونا گون علیه امپر یا- لیزم می رزمند و یقین دارند که بالا خره امپر یا لیزم از روی کره زمین به مزبله تاریخ دفن می گردد و در فر دای زند گی که اکتوبر آغاز گر انقلابی آن است از ظلم و ستم ، بیعدا لتی و تجاوز استثمار و چپا ولگری جایی‌نخواهد بود و جهانیان برادر وار و رفیقانه یکجا باهم زندگی خواهد داشت.

با امید های یقینی که درفروزانی مشعل اکتوبر بوجود آمده بی جا نخواهد بود به ارتباط شصت‌ودومین سالگرد انقلاب سو سیا لیستی اکتو بر در روسیه به پیشا هنگان انقلاب و فر زندان خلف آن تبریك بگویم و به آرزوی روابط نیك و انقلابی اتحاد شو روی سو سیا- لیستی با افغا نستان نکات‌مختصری از تا ثیرات اکتوبر را در افغا- نستان به یك نگاه مشا هده کنیم که اینك به اختصار در زیر یاد داشت می شود :

خلق وطن ما و حافظه زمان بیاد دارد که بعد از انقلاب سو سیا- لیستی اکتوبر در روسیه ، که در سال ۱۹۱۷ به وقوع پیو ست جنبشس و تحول انقلابی در افغا- نستان نیز شکل نوین گرفت خلق افغا نستان بر هبری مشروطه خوا هان‌استقلال‌سیاسی افغانستان را بدست آورد و عملا زنجیر های استعماری در افغا نستان به‌شکست مواجه گردید .

دولت نو بنیاد شوروی استقلال افغا نستان را نه تنها بر سمیت شناخت بلکه ، با قاطعیت اعلام داشت تا دست مدا خلات خارجی از افغا نستان کوتاه گردد .

از آن به بعد اتحاد شوروی در اکثر پروژه های سا ختمانی در افغا نستان بصو رت بی شائبه همکاری نمود و امروز بیش از نیم قرن نشا نداد که اتحاد شوروی و مشعل داران اکتوبر کبیر دو ستان نزدیك خلق افغا نستان است واین دوستی با پیروزی انقلاب ثور در افغا نستان از نظر محتوی نیز تحول پذ یرفت .

در اخیر باز هم جشن اکتو بر را صمیمانه‌تبریك گفته وآرزومندیم بعد ازین نیز روابط افغا نستان و شوروی هر چه بیشتر انکشاف یابد و دو کشور همسا یه بصورت آزا دانه در راه آبادانی و سعادت خلق های شان به پیروزی های وسیعی دست یابند .

بقیه صفحه ۳۳

اطفال وسوءتغذی

سوم – سرو یسها ی وقایوی :

۱- مصرف آب آشا میدنی وپاك حق مسلم هر انسان است که در تهیه آن هر چه بیشتر مساعی بعمل آید .

۲- سرویس های واکسیناسیون در تمام مناطق کشور رونق بیشتر داده شود تا اقلا هشتاد فیصدتمام اطفا لیکه دارای سن قبل از رفتن بمکتب اند در مقابل امراض قابل وقایه معافیت کسب نمایند در ینجا متذکر می شویم که در ممالك عقب مانده سالانه بیشس از پنج ملیون طفل قربانی امراض می شوند که بیماری های مذکور در ممالك به اصطلاح پیشر فته با معافیت های کلتوری از بین رفته اند .

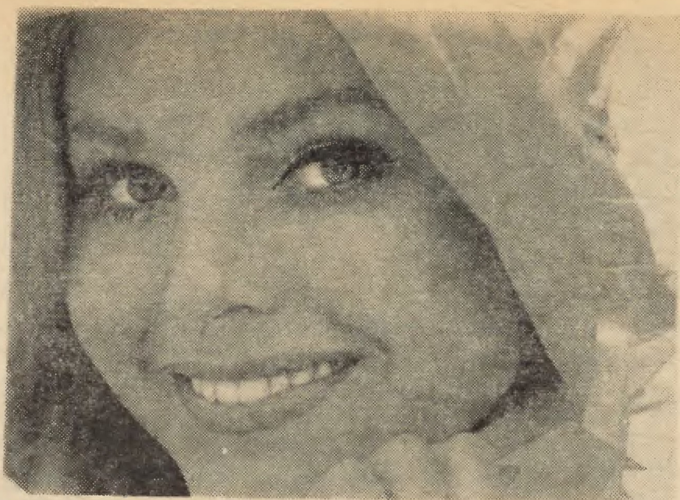
۳- بهبود بخشیدن شرا یط حفظ الصحه محیطی و از بین بردن کثا فات انسانی ومعنوی در وقوع امرا ضیکه عامل مرض تو سط آب انتقال میکند کاهشس قابل ملاحظه ببار می آورد ، در پروژه های‌صحی حق تقدیم به آن داده شود .دراینجا با ید اضا فه نما یم‌که‌صرف باتطبیق اسا سات سادهٔ حفظ الصحوی وفیات کود کان تا حدود نود فیصد در ممالك عقب نگهداشته شده پائین خواهد آمد .

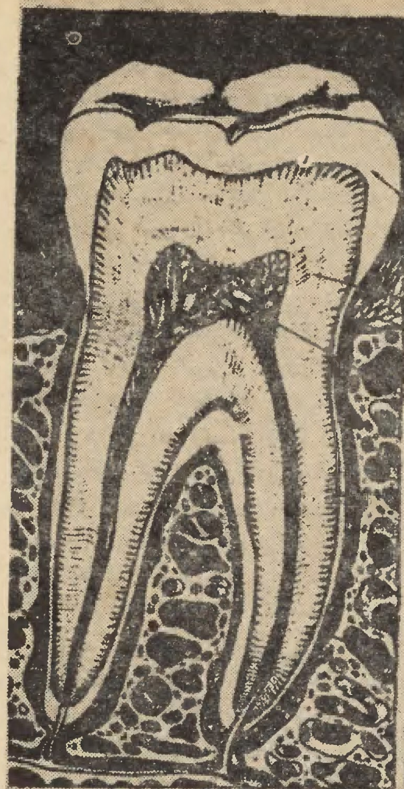
چهارم – در ساحه تر بیت مجدد .

سرویس‌های مو سسات‌اجتماعی مر ستونها و دار التادیب‌دربهبودی و تجدید تربیت اطفال محروم ذیل کمك‌شایانی نموده میتوانند :

اطفال یتیم ، اطفا لیکه معیوبیت های فزیکی وجسمی دارند،اطفالیکه عقلا عقب مانده اند ، اطفال شریر اطفا لیکه والدین و فامیل های خود را از دست داده اند و اطفا لیکه بنا به‌عللی‌از نظر افتاده ویا سهل- انگاری در حصه آنها شده و یاهم بعلت بی نظمی های فامیلی تحت زجر وشکنجه اند .

پنجم محیط مکتب : بعد از محیط خانه و فامیل مکتب مهمترین کانون تربیت طفل محسوب می‌شود طفل در محیط مکتب تحت تا ثیر عوامل‌مختلف که در نشو و نمای فکری،ذهنی ، روحی ، دماغی و بروز استعداد وی موثر اند قرارمی گیرد. طفل در محیط مکتب دوستانی از خود پیدا میکند . تفریح می‌نماید می آموزد و صاحب شخصیت می شود .





دندانهای سالم رمز تندرستی

توسعه • داکر عبدالسبحان هاتفی
عضو اداره تبلیغات صحی ریاست طب وقایوی

دندانها علاوه بر اینکه باعمل جویدن درفعل هضم موادغذائی کمک می کنند در زیبائی انسان نقش اساسی داشته ودرتکلم درست کلمات درست یاری می کنند :

نمو وساختمان دندان :

هردندان از نظر نمود چارمرحله دارد : مرحله رشد ونمو، آهکی شدن نیش زدن و بالاخره فرسودگی ، دندانها ازنظر ساختمان به سه حصه تاج ، گردن وریشه تقسیم شده است .

تاج قسمتی از دندان است که در بالای **بیره واقع شده ومعلوم میشود، ریشه های دندان میان بیره واقع شده ودیده نمیشود** قسمیکه ریشه وتاج دندان را با هم وصل می **کند بنام گردن دندان یاد میشود پوش سفید** وسختیکه دندان تان را پوشانیده مینای دندان **است.**

ـ مینای فوق العاده سخت بوده ودرحفظوسلامت دندان نقش مدافعوی دارد .

خرابی مینای دندان باعث کرم خورد گی و فرسودگی آن میشود . بعد از مینای دندان صدف دندان قرار دارد و قسمت داخلی آن بنام خمیر دندان یاد میشود اعصاب ورگهای خون در بین دندان وجود دارد که برای دندان غذا میرساند وآنرا قوی وسالم نگهمیدارد

اقسام دندانها : دندانها بدو نوع شیری و دایمی یاد میشود همه دندانهای شیری قبل ازینکه طفل تولید شود دررحم تشکیل میشوند. ولی تکامل آنها تا سن دونیم سالگی طول میکشد وقتیکه طفل شش ماهه شد اولین دندان که در قسمت پیشروی الاشه پائینی **وبالایی پیدا میشود بنام ثنا یاد میشودو** وظیفه قطع کردن مواد غذائی رابه عهده دارد. دندانهای پهلوی ثنایا را بنام انیاب یادمیکنند

این دندانها نیز برای پاره کردن مواد غذائی بکار میروند درحالت عادی هرکس چاردندان **انیاب میداشته باشد بعداز دندان های انیاب دندانهای آسیاب ابتدایی وا قع شده اند و** دربین ۹ـ ۱ ۱ سالگی آسیاب ابتدائی میریزند.

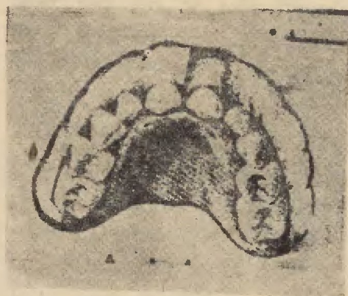
وقتیکه دندانهای دایمی تشکیل شد ۱۲ عدد دندان آسیاب خواهید داشت یعنی شش **دندان درالاشه بالا وشش دندان در الاشه** پائین واقع هستند دندان های آسیاب غذا را طوری میده میکند که در عملیه بلع وهضم سهولت رخ بدهد مجموع دندانهای شیری ۲۰ عدد بوده در حالیکه دندانهای دایمی ۳۲عدد می باشد .



الاشه بالای دندانهای دایمی

نیش زدن دندانها :

دندان های الاشه پائین معمولاً قبل از دندان های الاشه بالائی نیش میزند . دختران نسبت به پسران زود تر دندان میکشند در اطفال قد بلند دندانها زود تر از اطفال چاق نیش میزند در بعضی حالات دندانها خیلی قبل ویا دیرتر از وقت معینه نیش میزند ممکن است این دندانها طبیعی یا اضافی



باشند• دندانهای اضافی قبل ازنیش زدن دندانهای طبیعی می ریزند اگر این دندانها مانع در **شیر خوردن و یامکیدن پستان مادر شوند بایدآنها کشیده شوند • درحال طبیعی** اولین دندان شیری ممکن است قبل از یك سالگی (٦ـ٨ ماهگی) ظاهر شود .

تاخیر پیدایش دندانها بعداز یك سالگی نشانه اختلال عمومی تغذیه یا امراض هارمونی است در بعضی امراض دیگر مانند سفلیس نیزاین امکانات موجود است . باید رادیو گرافی یا عکس دندانها گرفته شود در **هشت ماهگی اطفال میتوانند بعضی غذاهای** نرم مثل بسکوت را بخورند این کار در تیزی دندانهای آنها کمك خواهد کرد .

بعدازین ، خوردن سیب، مالته ومیوه جات دیگر دندانها را بخوبی پاك میکند ولی کیك **وغذاهای نشایسته یاآردی چسپنده بوده پاك** کننده نیستند . به دندانها چسپیده وبه این **ترتیب به رکود تجزیه مواد غذایی کمك میکند وسبب کرم خوردگی دندانهامیگردند •**

تکامل ریشه دندانهای دایمی معمول تا سه سال بعداز نیش زدن دندانها شیری طول می کشد ودرسن هفت سالگی اولین دندانهای دایمی ظاهر میشود ودر صورت تکامل پوره دندانهای دایمی تعداد آنها ۳۲ عدد میباشد.

نظافت دندانها درسنین مختلفه:

قبل از نیش زدن دندانها نظافت مصنوعی **دهان بیفایده است زیرا بخاطر دهن شیر**ـ خوران واطفال کوچك نازك است وبه آسانی صدمه می بینند .

دندانها رانباید قبل ازسه سالگی بررس کرد قبل ازسه سالگی تاج دندان را می توان

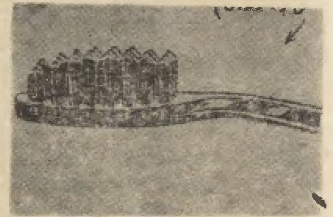
گاهی باپنبه آغشته بامحلول نمك پلی (سودا) پاك نمود .

در سال سوم والدین محترم بایددندانهای اطفال خودرا برس کنند وازسال پنجم معمولا اطفال خود شان این عمل را بعهده گیرند .

برای خارج ساختن غذا های نرم، چسپنده وریشه دار از میان دندانها لازم است از برس **یامسواك استفاده شود این‌عمل از پوسیدگی** یا کرم خوردگی وامراض اطراف دندان جلوگیری میکند .

درین جا بهتر **است‌تذکر داده‌شودکه‌برس دندان باید خرد بوده مویك های آن از هم** فاصله داشته وسخت باشد برس دندان باید بعد از هر دفعه استعمال پاك شود . وجهت خشك شدن آن آویزان کرده شود .

هر عضو فامیل باید برس دندان علیحده داشته باشد در صورتیکه برس دندان کهنه و نرم شود باید از برس جدید استفاده‌شود.



در وقت برس نمودن الاشه پائین برس باید از پائین به بالا ودر الاشه بالائی ازبالا به پائین‌در حرکت آورده شود طوریکه مویك **های‌برس مواد غذایی میان دودندان را بخوبی** پاك نموده بتواند بعدا بااحتیاط لازم قسمت داخلی دندان را باید برس نمود .

پاك نگهداشتن دهان مخصوصا برای اطفال بسیار مهم است والدین گرامی باید اقلا **روزانه دوبار دندانهای اطفال خرد سال** شانرا پاك کنند برای این کارتکه پاکی را **دور انگشت شهادت خود پیچانده وبامادهٔ ضد** عفونی یامکروب کش آغشته نمایند وبه آهستگی دهان ودندان های طفل پاك شود برای پاك کردن دندانهای اطفل شیر خوار کافی است یك مقدار آب به اطفال نوشانیده شود .

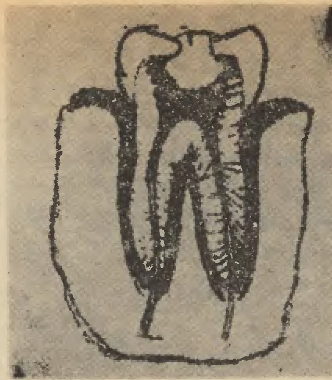
اهمیت تغذیه:

اهمیت تغذیه برحسب مراحل نموی‌دندان و ساختمان مخصوص آن فرق میکند اهمیت **تغذیه درشیر خوران واطفال کوچك بیشتر** از دیگران است . زیرا در ین هنگام اکثر **دندانها در حال نشو نما هستند و به‌تدریج** دندان نیش میزند همزمان باآن اهمیت‌عوامل **غذایی نیز کمتر میشود وبعداز خروج همه** دندانها دیگر عوامل غذائی اثر مستقیمی ندارد .

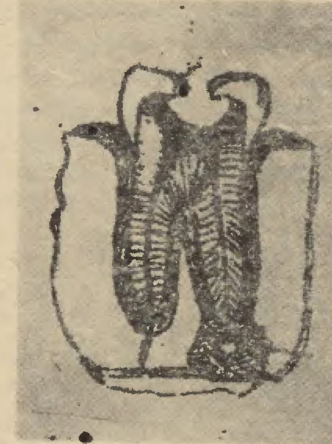
دندانها در وقت رشد ونموی خود به تمام غذا های‌اصلی احتیاج دارند مخصوصاًضرورت زیادتر ویتامین سی و ویتامین دی وکلسیم **میباشد . مگر تجویز کلسیم‌یاویتا مین** به منظور تداوی کرم خوردگی بیفایده‌است.

کرم خوردگی دندانها :

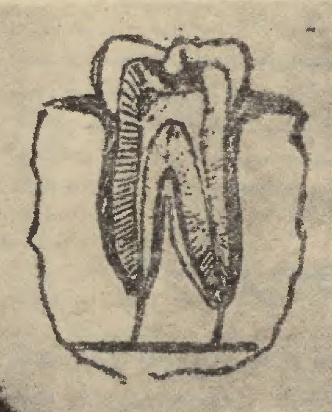
با وجود اینکه مینای دندان فوق‌العاده سخت ومحکم است باز هم اگر مراقبت‌درست ازآن ها به‌عمل نیاید ممکن است فرسوده شده وسوراخ هادرآن پیدا شود .



کرم خوردگی دریك حصه میناپیدامیشود



پندیدگی در ریشه دندان



کرم خوردگی دندان به خمیر دندان‌راه پیدا میکند



کرم‌خوردی دریك حصه مینا پیدا میشود

علت کرم خوردگی هنوز بصورت یقین فهمیده نشده مگر صرف نظر از بسیاری‌عوامل را در پیشرفت کرم خوردگی موثر هستند دلایل موجوده نشان میدهد که علت اصلی کرم خوردگی دندانها مکروب است خرابی دندان یا کرم خوردگی از قسمت خارجی دندان ها شروع میشود وبه طرف داخل‌دندان **پش میرود اگربه علاج یك دندان‌فرسوده** اقدام نشود این فرسودگی پیش رفته وسبب یك‌پندیدگی در همان الاشه میشود پندیدگی الاشه عبارت از جمع شدن چرك در ریشه دندان می‌باشد واین پندیدگی از سبب مکروبهایی پیدا میشود که در سوراخ‌های دندان داخل میگردند . اگر این مکروب‌ها داخل جریان خون شوند شاید به قلب‌مفاصل ودیگر حصص وجود ضرر برساند یك‌دندان **فرسوده مقدمه یك روماتیزم بوده میتواند.**

کرم خوردگی دندان های شیری در پنج تا هفت سالگی واز دندان‌های دایمی بین‌سن (۱۲ ـ ۱۸ سالگی می‌باشد که‌شاید مهمترین وقت کرم خوردگی در همین سن (۱۲ـ۱۸) سالگی می‌باشد .

وقایه :

۱ـ ازصرف نمودن یا خوردن مقدار مواد قندی برای مدتی جلوگیری کنید ودر عوض آن میوه جات را زیادتر صرف نمائید .

۲ـدندانهای خودرا بعدازصرف غذا برس نمایید ویا لااقل روزانه دوبار برس‌نمایید.

۳ـازاشیای نوك تیز وفلزی مثل‌میخ‌سنجاق سوزن وغیره به‌منظور پاك کردن دندانهای‌خود استفاده نکنید.

٤ـ برای کشیدن پارچه های کوچك‌مواد غذائی از بین دندان های خود ازتار استفاده کنید .

٥ـ اگر دندانهای شما تکلیف دارند ولو کوچك هم باشد باداکتر دندان مشوره‌نماید.

ستراتیژی سیاسی و ...

«او یکمرد بد ذات و بسیار بی مایه است» زیرا مو هن‌لال هندی و مستر تاد انگلیسی را گفته بود که شما سگهای بی عقیده هستید . در مورد امیر شیر علی خان که مستقلانه ارتباط با ممالك خارجی برقرار ود ر داخل مملکت به تشکیل کابینه و قشون و تاسیس کارخانه و جریده پرداخت لارد لیتن و سیرای هند «بقول تتلر» چنین قضاوت نمود :امیر شیر علی یك و حشی نیمه دیوانه است . سپهسالار غلام حیدر خان چرخی که در دفاع از وطن **بسختی باانگلیس جنگید وشمشیر زد و در مقابل تحمیلات انگلیس و خط استعماری دیورند مقاومت می‌نموداز‌طرف سیا ستمدار** و مورخ انگلیسی «تتلر» عنوان «فامیل شریرچرخی »گرفت.

هنگامیکه امیر دوست محمد در صدد استرداد پشاور بر آمد و هم با دولت‌روس تماس سیاسی گرفت آقای سرجان کی، انگلیسی در مورد او چنین نوشت !» دوست‌محمد یك سپاهی هرزه و بی سواد و بی **تعلیم ودائم الخمربود»** انگلیسی دیگری نوشت که دوست‌محمد خان دریك مکتب خیانت و توطئه و فریب بزرگ شده بود . اما بعد از آنکه امیر دوست محمدخان سرنوشت استقلال ملی و سلطنت خود را باپشاور بترحم دشمن سپرد، انگلیس **ها راجع به اوچنین گفتند : «امیر دوست‌** محمد خان مرد زحمتکش ، خوش خلق محبوب مردم و پابند به عهد بود ، او از **شراب دست کشیده و قرآن مطالعه می کرد ...» فریزر تتلر هم نوشت: «امیر** دوست محمد خان یك لیدر خوب سواره نظام و مثل سایر اعضای خاندان خود **دارای نبوغ یك اداره کننده ی مادر**زاد بود ! ... محمد زائی ها بر عکس سدوزائی هاتوانسته اند یك سلسله فرمان‌روا یان لایقی !؟ بوجود آوردند ، که بتوانند مملکت را نگهداری کنند ..

انگلیس ها مردم افغان را بحیث یك خائن و دروغگو وبد قول شناختند ، در حالیکه در بین فرمان روایان آنها مخصوصا در نسل پاینده خان وبارکزائی ها ما یك معیار شرافت‌و صداقت میابیم که اکثر **آنهارا قابل اعتماد واطمینان می سازد... دوست محمد خان اولین فرمان روایی** افغانستان بود که ثابت کرد : در زیر کلیه ظواهر نا استوار و کرکتر ضعیف، هسته ی صداقت و ثبات هدف در بین رهبران بزرگ بارکزائی موجود است... **زندگی دوست محمد خان نشان می‌دهد که‌اویك اداره چی لایق ویك جنتلمین** بزرگ بود !؟ ...» .

چرا نویسندگان انگلیس در مورد یك فرد اینقدر متناقض و متضاد قضاوت می کردند ؟ برای آنکه این فرد را یك روز مخالف خود میافتند و روز دیگرموافق را جع به امیر دوست محمد خان نیز چنین بود مثلا بعد از آنکه انگلیس ها معاهده‌ی ۱۸۵۵ پشاور را با نماینده وپسر امیر (غلام حیدر خان) بسته و دوست ودشمن انگلیس را دوست و دشمن امیر قرار دادند و بعد ها در ۱۸۵۷ در پشاور با خود امیر دوست محمد خان معاهده ی باصطلاح انگلیس دوستانه عقد نمودند و امیربعد از امضای معاهده گفت : «اینك من با **حکومت انگلیس متحد شدم واین اتحاد را** تا دم مرگ حفظ خواهم نمود و لو هر چه پیش آید ...». پس قضاوت انگلیس ها نیز در باره‌ی او خوبتر شد .

انگلیس ها در قضاوت نسبت به امیر **عبدالرحمن خان مترددبودند زیرا از یك** طرف سازش و مدارای او را با خود می

بقیه در صفحه ٤٧

بقیه صفحه ۱۹

درجهت آرامش...

صندوق مصا رف اجتما عی :

پول این صندوق که یك جزء از عواید ملی است برای افراد کشور اختصاص داده شده تا از آن مفاد مادی و کلتوری کسب نمایند و در ضمن علاوه از دستمزد ها یشان امتیا زاتی را نیز تصا حب نما یند.

صندوق مصا رف اجتما عی تخصیصیه ایست که‌ازبو دجه‌دولت و پول های‌ساز مان های کوپراتیف های ولایتی ، فارم های زراعتی و اتحادیه های‌تجارتی متشکل گردیده است .

چگونه ازین صندوق میتوا ن استفاده کرد ؟

این صندوق برای اینکه افراد اتحاد شوروی . تحصیلات را یگانی رابه سویه عالی انجام داده بتواند آنان را کمك میکند . همچنان برای محصلا نی که مصروف تحصیل میبا شند مدد معاش میدهد و برای کار گران که آرزو دارند مهارت های فنی شان بیشتر گردد وخد مات موثر تری را در راه تولید زیاد تر و بهتر انجام بدهند امداد هایی را بعمل می آورد .بعلاوه در راه انجام خد مات طبی را یگان‌برای مردم وبرای اشخاص معیوب، برای تولد طفل مادران بدون شوهر و یا مادران دارای فامیل بزرگ و متقا عدین و غیره کمك های موثری را انجام میدهد .

کلیه کار کنان و مستخد مین، دو لتی اتحاد شو روی ، در ایام رخصتی قانونی سالانه شان ، از این صندوق بهره مند میشو ند .

کو دکستا نها ، شیر خوار گاه‌ها، مکاتب شبا نه ، سنا تور یم هایی که برای اشخاص کهنسال تاسیس گردیده اند و بعضی دیگر ازسازمان های که خد مات رایگان را برای خلقها انجام میدهند از این صندوق مستفید می گردند و در نهایت دولت نیز برای حفظ و مراقبت اماکن دولتی و برخی از سایر کار هایش از صندوق مصارف‌اجتماعی استفا ده مینماید .

این یك حقیقت روشن است که انسان میل دارد ، کاری را انجام بدهد که‌به‌آن‌علاقمند باشد و آنرابا قدرت و مهارت انجام داده بتواند لذا چون افراد کار های گونا گونی را انجام میدهند دستمزد ویامعاش شان نیز کم و زیاد و سطح‌مصارف شان از هم متفاوت است و این تفاوت بخصوص در موارد یکه کارگر یا مامور دارای فامیل بزرگ یا کوچك باشد بکلی واضح است.

پس تقسیم و توزیع یك قسمت از عواید ملی ، بین جمعیت از طریق صندوق های تعا ونی تا اندازه‌ای این بی تفاو تی ها را در بین مردم تنظیم می کند . چه کسانیکه عواید کم واشخاصی که فامیل بزرگ دارند مستحق امتیاز در یافت کمك از صندوق می گردند که از آن در فوق تذکار یافت .

از طریق صندوق مصرف اجتماعی نابرا بری های مصرف نظر به عواملی که از آن تذکر بعمل آمد ، بتدریج کم شده میرود و توسط همین صندوق است که از نگاه وضع مادی ، فرصت های مساوی برای تما می طبقه کارگر، جهت تحصیل ، بهبود در مهارت ، تنویر فکری و در یافت کمك های طبی و غیره میسر میشود .

اکنون این صندوق مصرف اجتما عی ، ۲۵ تا ۳۰ فیصد عواید حقیقی خلقهای سر تا سر اتحاد شو روی را در بر می گیرد .

در سال ۱۹۴۰ جمله مبلغ این صندوق مصرف اجتما عی ،عبارت از چهار عشاریه شش ملیون ربل بود اما در سال ۱۹۷۳ مبلغ مذکور به هفتاد و هشت هزار ملیون ربل رسید که این پول برای هر فرد از جمعیت اتحاد شوروی ، یك صدو ده ربل می رسید و طی سا لهای اخیر رقم هفتاد و هشت هزار میلیون ربل نیز خیلی زیاد گردیده است .

پنجاه فیصد سر مایه این صندوق در جهت سود و منفعت جمعیت شوروی بکار میافتد وپنجاه فیصد دیگرآن در راه حقوق تقا عد، امداد های تعلیمی ، و غیره امتیازها صرف می شود .

در سال ۱۹۷۳ زنان کار گر مستحق امتیازات حقوق دوره ولادت شدند و زنان مذکور حق امتیاز شان را از طریق همین صندوق بدست آوردند . علاوه بر آن متقا عدین وخا نواده هائیکه فرد کمایی گر شان را از دست داده بودند نیز ازین صندوق مستفید شدند .

همچنان تخصیصیه های امدادی برای شا گردان مکاتب مسلکی از راه همین صندوق تثبیت گردید .

نظر به اهمیتی که این صندوق تعا ونی دارد اتحاد شوروی در نهمین پلان پنجسا له اش ، معیار بهتر و مترقی افزایش سرمایه این صندوق را بمقا یسه افزایش های عمومی دستمزد های کار گران در نظر گرفت .

پس میتوان گفت که طی پلان پنجسا له کنونی ،دستمزد کارگران، مامورین دوایر ، زارعین فارم هایی که روی آنها کار های دسته‌جمعی صورت می گیرد ۳۶ فیصد افزایش یافته و پول صندوق مصرف اجتما عی چهل فیصد اضافه تر گردیده است .

افراد اتحاد شو روی ، برای ترقی و پیشرفت همه جانبه کشور شان و سعادت و آسو دگی مردم شان میکوشند و تلاش می نمایند .

این‌صندوق در راه تکا مل و پیشرفت تعلیمات عمو می جامعه سو سیا لیستی اتحاد جما هیر شو روی بشمول تعلیما ت آرت و کلتور ، خد مات ارزنده ای را انجام داده است . زیرا ، از همین‌صندوق مصرف اجتماعی است که برای تعلیمات عامه مردم ، سالانه بیش از بیست هزار میلیون ربل خرج میشود .

ویك اندازه پول دیگر ، در جهت انکشاف کتابخانه‌ها،موزیم‌ها،تیاترها کلوپ ها و غیره مو سسات کلتو ری و تعلیمی بمصرف می‌رسد چنا نچه درسال ۱۹۷۵ در حدود ده هزار ملیون ربل در راه حفظ‌ومراقبت اماکن بزرگ‌و تاریخی خرچ گردید

همچنان در سال مذکور بیش از بیست وهفت هزار ملیون ربل در جهت پیشر فت سپورت سا ختما نهای صحی ، استراحتگاه ها و برای اتحادیه های زراعتی و تجارتی ، بمصر ف رسانیده شد .

خلاصه اتحاد شو روی از طریق این صندوق سالانه کم از کم نود هزار میلیون ربل ، در جهت انجام خد مات اجتماعی و رایگان مصر ف می نما ید تا سطح زند گا نی خلق های آن سر زمین بلند تر برود و مرد مان جمهو ری های مختلف آن در رفاه و آسودگی هر چه بیشتر زیست نمایند و با کار و کوشش های پی گیر شان خدمات ارزنده ای را در راه صلح گیتی و آرامش جهانیان انجام بدهند .

بایسکل سواری که...

پشتکار به‌خرچ بدهم، امروز صد بار تلاش میکنم . فر دا یکصدو بیست ... تا خلاشی مر بوط به ورزش مطلو بم مرفوع گردد.

درمسابقهٔ بایسکل رانی که نه‌تنها فن را نند گی بلکه اسلوب و مقر رات لازمه **واز همه گذشته تسلط بر اعصاب ،امریست**

مهم وجدی • چه اکثرا یا ناراحتی‌های اعصا ب ، خو یش را به گر داب نیستی و بد بختی غوطه ور میسازند . یك ورز شکار **خوب به هدایات نفر موظف . گوش فرا- داده وبه اسلوب ورزش مطلوب توجه عام** وتا م مینما ید . قهرمان مسا بقه بایسکلرا- **نی منعقده المپیایی ۱۹۶۰ در روم‌به«ویکتور-** کاپی تو نو ف» از اتحادشوروی در مو رد **«آفو» تعجب کنان گفت : من هیچ باورم** نمیشد که «آفو پیکو ووز» چنین مهار ت بخصو ص در قسمت بایسکلرانی دا شته

باشد که اینهمه پیروزی هارانصیب‌شود• ورزشکار متذکره پس از تحصیلا ت ثانوی اینك در حال فرا گیری تحصیلا ت عا لی است ، ادبیا ت رابیشتر دوست دارد .«آفو» در پا سخ به سوال یك نشریه سپو رتی که مسا بقهٔ بایسکلرا نی چه مفهو می از نگاه او دارد ، جوا بداد : مسا بقه با یسکل را نی ، شهامت شخص ورزشکار **را آشکارمیسازدونیز ثابت میگرداندکه‌ورزشکار مذکور ازتوفان وبادشدیدنهرا سیده، باران ورعد وبرق رانادیده گرفته وبه آنجا که** هدف است نزدیك و نزدیکتر میشود • دیده شود «آفو »با آماد گی های اسا سی وقتی **اش درمسابقه ایکه بسویه جها نی بسر- گزار میگردد بابا یسکلش چه کساری را** از پیش خوا هد برد .

ستراتیژی سیاسی ...

دید ند تا جا ئیکه از استقلال کشور گذشت وخط دیورند راقبول وو لا یات شر قی افغانستان را از چترا ل تا بلوچستا ن بـه انگلیس ها گذاشت : چنا نچه «تتلر »در همین مورد نوشت : « امیر عبدالر حمن-خان رول خودرا خوب بـازی کرد و نقشی راکه میبایـد در مذاکراتنازك ومـشكل میباخت بخوبی در ك كرد تا منتج بموازنهٔی نهائی در تعیین تمام خط طویل سر حـدی از پا میر تا ایرا ن گردید . و حتی امیر یکبار هم مانع اقدامات حکو مت انگلیس . جهت حل عادلانه یمسئله (!) نشد ولی امیر مصمم بود که نگذارد وا قعیت تسلط انگلیس بصور ت آشکا را در برابر دیـد-گان مردٔ مش قرار گیرد ...»

ولی امیر عبد الر حمن برا ی حفظ مقا م خود در نظر ملت ، علنـأ بر ضد انگلیس سخن زد و رو حجهاد را در برابر انگلیس ظا هرا زند ه نگهمیداشت روی همیـن ملحوظ انگلیس ها در قضاوت نسبت بهامیر-عبد الر حمن خا ن و معر فی او بمرد م انگلیس ، فورمول تازه ومر کبی ایجـاد کر دند . از آنجمله لارد کر زن که خـود بدر با ر امیر عبد الر حمن آورده بودچنین گفت : «امیر عبد الرحمن خان یك معجو ن مر کبـی است از سیاست مداری و ظرافت و حشی گر ی . گر چه امیر این اتها م وحشی گری را رد می کرد وادعا می نمود کهاین روش و حشی گری یگانه طر یقهٔی معامله باچنین یـك نژاد غـدار و خیا نـت کار (!) (مطلو ب او مرد م افغانستان می باشد) است ...» همچنان «کـر ز ن » بـا ر ضایت خاطر ازقول یك نفر انگلیس مقیم کابل می گو ید که امیر عبد الر حمـن خا ن خود گفته است که ۱۲۰ هزار نفراز مرد م خود را کشته‌است ...

«گرزن» می گوید کـهایـن پـادشاه در آن واحد یك شخصی بزرگ، یك و طـن-پرست، یك عفریت ویك شریر بود ... بـا مزاج متغیر وزبا ن در شتی که داشت عموما یك دو ست پا یدار و متحدو لت انگلیس بو د و مستحق این است در تا ریخ افغانستان وتاریخ امپراطوری هند نام او بدرجه عالـی ضبط و قید گر دد ..

انگلیس ها چنا نیکه بو سیله یفعالیت ها ی مخفی جا سو سی خود در بین ملت افغانستان نفاق وشقا ق واختلا فا ت نژاد ی ولسا نی و سمتی و قبیلوی را تو لیـدو تو سیع کرد ه می رفت ، تا از نظر مذهب سنی و شیعه ، از نظر زبا ن دری وپښـتو ازنظرنژادپښتونوهزاره، ازنظر قبیله غلجا یی ودرانی واز نظر منطقه فرایی و لغمانـی و امثال آن مخالف و بد بین همدیگر گر دیده آنقدر بجا ن خود مشغو ل گر دند کهمصالح عمومی کشور و مخا طرا ت دشمن خا ر جی فرا مو ش شا ن گر د د. هم چنـا ن انگلیس ها تو سط مطبو عا ت خود دا نما بشکل غیر مستقیم پادشا ها ن افغانستانرا به وارد کرد ن فشا ر با لای ملت افغانستان رهنمونی مـی کردند خلـق افغا نستان را توهین میکردند و سزا وار ظلمو استبـداد و مجا زات و ستم قلمداد می کر دند چنانچه از زمان سلطنت امیر عبد ا لر حمـن پا دشا ه دست نشا ند ه و مستبد افغانستان می نو شتند که یك ملت آهنین (افغانستان) پادشا ه آهنینی (امیر عبد الر حمن) بکار دارد (!) هم چنا ن هنگا میکه خلق منگل پکتیا از فشار حواله جات غله و علوفه ی دولت ، بجان رسیده بودند ودر مقا بـل حکو مت قیا م مسلحا نه کردند (۱۲۹۱ شمسی ۱۹۱۳ع) امیر حبیب الـله بـر عکس رو یه ی پد رش در برابر این قیا م دهقانان بطور نسبی از مداوا کار گر فت و ...چون این روش خلاف تمایلات امپریا لیست هـای انگلیس بود: فورا تایمز آف اندیا در مـاه آگست همان سال مضمون تحریـك آمیزی نشر کردکه درآن گفته شده بود: (امیر- بازیچه ی مـلا ها و اطرافیا ن خود قـرار گر فته و در برابر شو ر شیا ن منگل‌دولت را ضعیف نشا نداده است ، در حا لیکه اتحاد بین اقوام افغانستان بر ضد منا فـع امیر است (!) .

از طرف دیگر انگلیس ها برا ی افغا ن دیگر ان ، از اداره ی دولت تحت الحمایهٔی افغانستان بشکل مبالغه آمیز آنقدر حـر ف مـی زدند تا هـر شخص بهتمنای تحت-الحما یگی دولت انگلیس در افتد(!) مثلا درسال ۱۹۱۳ یك نفر انگلیس «داکتـروا-لتر سا یز » بعد از سیا حتی به افغانستان می نو یسد که : افغانستان یك مملکت شر قی نیست زیرا امیر عبد الر حمن خواب وخورد را برخود حرام کرده بود تاتهـداب تر قی افغانستان را گذاشت !

واز مدنیت حقیقی ارو پا استفاده نمود . امیر حبیب الله د رمملکت فابر یکه هـای اسلحه سازی ، عسکر منظم، مکاتب!! و... با این فعا لیت ها غزنی فر دوسی دو با ره عظمت گذشته ی خود را خوا هد یافت(!!).

بر عکس انگلیس ها زما نیکه با خلق افغانستان ودر باره ی آنها سخن می گفتند کلـمات مو هـن ومختصر استعمال مـی کر دند . و هم چنین انگلیس ها میلداشتند هیچگونه افتخار دست نا خورده بـرای خلق افغانستان با قی نما ند از نیرو هر کا رنامهٔی خلق‌مارابنوع‌دیگری تعبیر مـی کردند مثلا آوا نیکه خلق افغانستان در جنگ او ل اردوی انگلیس را معدوم کـرده وسر مشق آزاد یخو اهان مشر ق زمین قرار گرفتند، انگلیس ها چنا ن وانمود کردند که :

قیا م مرد م افغانستان برضد انگلیس‌تنها ازجهتی بعمل آمد که انگلیس هابر ز نـان تجاوز (!!) کرده بود ند (!) .

از همینجا ست که به همه خوا نندگان باید عر ض شود کهدر موقع مطا لعـه ی آثار مورخین درباری انگلیس کمال احتـیاط رابخـر چ دهند زیرا آنها اکثرا حقـا یـق را قلب‌کرده به خورد خوانند گان مـی دهند و هکذا در گذشته اکثر نویسند گان ما نیز بشکل نا گز یر (برای اینکه منبع دیگر ی بد ست نداشتند) تحت تا ثیر نو شته ها ی آنها رفته اند .

دخارجي منابعو څخه

دبریالی علی زاد ژباړه

له‌تو پیر غوښتونکو رژیمونو سره دامپر یالستی ټولنوژ دی اړیکی

دا یو منلی او ښر گند حقیقت دی چی‌په جنوبی افریقا او رودیشیا کـی د تو پیر غو ښتونکو گو ډاگی رژیمو نو دبقا اصلی عوا مل د هغو سره د نړ یوال پانگوا لـی نظا مونو نږدی اړ یکی اود امپر یالیسـتی قوتونو تر پردی لاندی اقتصادی او پو ځـی مرستی دی .

امپر یا لیستی هیوا دو نه نه یوا ځـی دنړ ی پد غه بر خه کی انسا نی ضدرژیمونه په پښو در و لی او دهغو د پا یښت د پا ره هر راز هلو ځلو ته لاس اچوی بلکی ددغو هیوادو نو دخلکو پهوینو لړل شوو غـوړ-ومړیو باندی چی ددغو هیوادونو د خلکو دلاسونو دتهاکو محصول او دغـو هیـواد-ونو دطبیعی منابعو څخه خپل نسونه مـړ-وی.

لدی‌سره سره چی دنړی متر قی هیوادونه داپا ر تا ید غوند ی نړ یوا ل د ریـښ غوره کړی او د نړی دټولو هیواد و نـو متر قی جنبشو نه او متر قی خلك د اپارتاید او توپیر غو ښتنی پرضد را پا رو لی بیا هم امپر یا لیستی ټو لنو د هغو پر خلاف په بیړه کی دی چی که په رود یشیا او نامیبیا کی دهغو د گو ډا گیو رژیمو نو لړی پا ی ته ورسیږ ی او ددغو هیوادو نو د خلکـو دغو ښو څخه ددوی غا ښو نه وویستل شی باید بی‌له ځنډ ه دنړی پدغه سیمه کی په نوی‌بڼه دخپل نوی استعمار خادر و غـو ړوی باید وویل شی چی امپر یا لستا ن تل دنژادی تو پیر د لاپیاوړ تیا دپاره‌په کلکو اقداما تو بو خت دی او ددغه انسانی ضد سیا ستد دوام دپا ره دراز راز نیر نگو نو څخـه کار اخلی او په دی لټه کی دی چی د ملی آزادی بخښونکی جنبشونو دشنډولو او دهغو دو لتـو نـو د پښو د غور ځولـو د پـاره چی دخپلو هیواد ونو دپرمختگ د پـاره دمترقی ټو لنیزو پالیسیو پیروی کوی پـه هر دول شرو مونکی عملو نو لاس پو ر ی کړی .

امپر یالیستان نه یوا ځی درود یشیا اود جنو بی افر یقی دگو ډا گی رژیمو نو کلك ملاتړ کو ی بلکی ددغو هیوادونو داصلـی اوسیدونکو(تورپوستکو) پهاستثمار و لـو او پر هغو با ند ی دنژادی تو پیر د سیا ست پـه عملـی کو لو کی ښکاره لا س لـری.

چی ددغو هیوادونو په کمپنیو کی د تـور پو ستکو او سپین پوستکو کارگرو تر منځ دمزد تفاو ت ددغه حقیقت داثبات خو را ښر گند دلیل کیدای شی .

دهغو احصا ئیو له مخی چی‌اخیستل شوی په (۱۹۷۰) او (۱۹۷۳ کلو نوکی په جنوبی افر یقا کی د موټرو نو کمپنی گا نی یوا ځی سپین پو ستکو کار گروته چی د جنو بـی افر یقی د مو ټر ونو د کمپینو دکا ر گرو ځلو رمه برخه تشکیلوی یو سلو یوشپیتـه ملیونه دجنوبی افر یـقی مـزد و ر کـړی ؤیداسی حال کی‌چی تور پو ستکو کار گروته یواځی اته پنځوس ملیونه د جنـو بـی افر یقی رو پی مز دور کړ ی ؤ همدا اوس د دغه هیواد په فابر یکو کی دسپین پو ستکو کار گرو عا یدا ت دجنو بی افر یقی دتور پو ستکو کار گرو د عا ید انو پنځه چنده دی .

کله کله دپا نگوا لی ټو لنو اجتما ن‌ددی دپاره چی خپل استثماری او د نژادی توپیر غو ښتنی سیا ست اصلی بڼی ته یی ظاهری بد لو ن ور کړی وی وائی چی تور پوستکی پر ځان باورنه لری او پخپله دوی دی چـی دفکر ی کارو نود تر سره کو لو څخـه ډډه کوی اوفکری کارونه دسپین پو ستکـو میراث بولی .

داهم دیا دولو وړ ده چی د جنو بی افریقی په زیاترو فابر یکو کی هیڅ سپین پوستکی کارگر کارنه کوی مگر همدا تور پو ستکی دی چی په نیما ئی معاش هغه کا ر چـی سپین پوستکی ئی. په پوره معاش کوی په ډیـره ښه تو گـه سرته رسوی . مگرد کمپنیو خا وندا نود خپلو شو مو او ناروا غو ښتنو او اعما لو دد وام او د هغه د پټ سا تلو په خا طر دافر یقائی تور پو ستکو کا رگرو دند ی په بیلا بیلو نومونو یادوی لکه ځنگه چی د جنو بی افر یقی دار تجاعی دولت سره داقتصاد ی مر ستو د زیا توا لی او پایښت پر ضـد نړ یوال فشا رونـه او غندنی مخ په زیا تیدو دی مگر ډیر ژربـه دغه حقیقت و مومو چی پدغو هیوادو نوکـی لوئی کمپنی گا نی ځنگه په خورا زیر کـی دخپلو چارو د پټولو دپا ره په یولړ جد ی اقدا ما تو لاس پوری کوی دا یو ښر گند حقیقت دی چی او س دامپر یا لستی کړ یو دپاره ډیر گرا ن تما میږی چی دنژادی تو-پیر غو ښتونکو رژیمونو او پا نگوا لوټولنو تر منځ نږدی اړیکی د نړ یوا لو له سترگو څخـه‌پټ اوپدی تو گه شومـو اعمـا لـو پرمخ لاهم پردی و غوړوی .

داځکه چی په امپر یا لیستی هیواد ونوکی (په تیره بیاپه جنو بی افر یقا کی چی دهغه ددولت‌اصلی بنسټ دنژادی توپیر غوښتنی‌پر-سیا ست ولاړ وی) دنژا دی تو پیر ضـد جنبشو نه په ډیره چټکتیا سره وده کوی .

اودغه آزادی بخښونکی جنبشونه د سو-سیا لیستی او متر قی هیوادو نواو د نړی‌د ټو لو هیوادو نو د کار گری او متر قـی جنبشونو دکلك مـلاتړ څخه برخور دار دی او ددغه حقیقت له مخی په ز غرده تو گـه ویلای شو چی که امپر یالیزم او دهغه تو-پیر غو ښتو نکی اجنټان هر څومره زیا ر وگا لی او دخلکو د آزادیو په لارو کـی راز راز خنډ و نه واچو ی او له هر ډو ل چمونو څخه کار واخلی بیا هـم دخلکـو بر یالیتو ب حتمی دی او ورو سته لد ی امپر یا لیزم نشی کو لای چی په راز را ز چمونو او زور سره خلك‌داستعماراواستثمار په کړ یو کی بند و سا تی او پد ی توگه دخپل گو ډاگی رژیمو نو بقا تا مین کړی.




د(غیور)ژباړه

جولیا ـ بوگدانووا

زه غواړم چی دا لمپیك په لو بو کی د سر و زرو یو بل مډال هم و گټم د نړی سپورتی ټولنی د (۱۹۷۷) کال دما ر چ په میاشت کی هغه راپـور خپور کړ چی پـه هغه کی و یل شوی و . (جو لیا ـ بوگدانو-وا) دمو نټر یا ل دالمپیك په نړ یوا لو-لوبو کی خپل حریف او رقیب (مارینا ـکو-شیو ا یا) ته دلامبو وهلو په (۲۰۰)متره ایز واټن کی‌ما ته ورکړه اودسرو زرو د یـــوه مډال په گټلو بریا لی شوه .

ددغه ستر بریا لیتو ب څخه ورو ستـــه (جولیا)پخپل کور د لیننگراد په ښا ر کی دلامبو وهلو په یوشمیر نورو مسابقو کـــی و نډه وا خسته اوپه ټولو کی دمډ الو نـــو او سپـــور تی جا یزو په گټلـــو بریالی شوه (جولیا) چی او س دیا ر لس کلنه ده په مونټریال کی دسروزرو دمډال دا خستلـــو څخه وروسته هڅه وکړه چی خپل مخ‌دعکا-سا نو د کمرو څخه پټه کاندی . د شوروی اتحاد دغه نو ی نامتو ورزشی څېره ډ یره شر منا که ده او نه غواړی چی هر و خت دعکا سانو او ژور نالستا نوسره مخا مخـــه شی . د (۱۹۷۷) کال دما ر چ د میا شتی څخه را په دیخوا په څه دپاسه دوه نیم کلنه دوره کی (جولیا ـبوگد انو وا)دتېر په وا سطه دلامبو وهلو په سلو او دوه سوه ایزو مسا بقو کی نوی قهر ما ن لقبو نه‌گټلی او په شو روی اتحاد ، اروپا او نړ ی کی‌د زیا ت شهر ت او زیا تی ا وازی خا وند شویده (جو لیا ـ بو گدانووا) چی په او-سنیو وختو نو کی یی د شو روی اتحادد نو و ورزشی څیرو په کتار کی در ید لـــی او افا قی شهر ت یی تر لاسه کړ ید ه‌دنړی په ټولو ورزشی غو نډو ، کنفرانسو نـــو فستیوالونو ، مټینگو نو او سمپوزیمونو کـــی برخه اخلی یوا زی یو محد ود شمیر کسان په دی واقعیت باندی پوهیږی چی (جولیـا-بوگدانووا) په ناڅـاپی او تصادفی تـوگـه دورزش او اتلتیکی لوبو نړی ته ور داخله شوه . څو موده د مخه کله چی (جولیا-بو گد انووا)په یوه ښو و نځی دیوه ورزشی ډا کتر له خواترطبی کتنو او معا ینو لاندی ونیوله شوه ثابته شوه چی دغه ځوانـــــه ورزشی لو بغا ړی درو ما تیزم د نا روغی له خطر سره مخا مخ ده په شوروی اتحادکی

معمول او مروج دی چی هر کال دپسرلی-په‌لومړنیو شپو اوورځـو کی دټـولو ښوو-نځیو او تعلیمی کد رونو سپو ر تــــی‌څیری دډاکترانو له خوا معاینه او تداوی کیږی‌او ددغو طبی کتنو او تداویو ټول لگښت پـــه وړ یا ډول ددولت له بود جی څخه تمو یلیږی طبی ډا کتر ا نود (جولیاـ بوگدا نووا)پلار ته سپار ښتنه و کړه چی ډیر ژرد معد نـــی او بو په واسطه دخپل دلور علاج‌او تداوی کو لو ته اقدام و کړی .

د(بوگدانووا) پلار چـــی دلیننگراد د ښار په یو ه فابر یکه کی کا ر کو ی د ډاکترانو دسپا ربښتنی سره سم دلیننگراد دکارگرانو داتحادیی دمعدنی اوبوپـه یوه ډ نـډ کـــی خپله لور (جولیا) تر معا لجی لاند ی ونیوله (جولیا) د تداوی څخه وروسته روغه رمټـه

شو ه او د څه د پاسه (۱۲) میا شتو پـــه موده کی یی د (مید ی دو لفین) د جایزی په گټلو بر یا لی شوه . د اور ز شی څیره دلامبو و هلو په فن کی ښـه استعداد لر ی او کو لای شی چی د (۲.. ـ ۳..) متر وپه واټن کی په‌ویاړ سره برخه واخلی اوخپلو حر یفا نو او رقیبا نو ته ما تی ور کړی . د(جولیا ـ بوگدانووا) مور او پـلار چـــی دواړه په فابر یکو او صنعتی تا سیسا تو کی کار کوی کله چی په ښو و نځی او اتلتیکی لوبو کی دخپل لور پر مختگ او حیرا نو-ونکی بر یالیتوبونه د سر په سترگـو وینی نو زړ ونه یی باغ باغ کیږی او خوشحا-لیږی .

د(بوگدانووا) په‌عقیده په ورزشی لوبو کی ونډه اخستل هیڅکله د هغی ددر سو نود وروستـه پا تی وا لی با عث‌نه‌گر ز ی داپخپلو ټو لو در سی از مو ینو کی ښی نمری تر گوتو کوی او د تل له پا ره بر یا لـــی ده .

لکه چی د (بوگدانووا) دورزشی ژ و نـد څخه ځر گند یږی دتیرو دوو کلو نو پـــه موده کی یی یوازی په‌یو څو محدود و سپو رتی پرو گرا مو نو او لو بو کی ما تی خوړلی او تر اوسه پوری هیڅکلـــــه مایو-سه شو ی نه ده . دا سپور تی قهر ما نه نجلی عقیده لری‌چی ورز شکا ران با یـد هیڅکله د ماتی خو ړ لـو څخه وروسته نا-امیده نه شی او د تل له پاره آیند ه ته متوجه و او سی داورزشی څیره دژوندانـــه په ټولو پړ اوونو کی خپل متا نت زړ ورتیا‌او جسا رت سا تی او د ورزشی لو بو پـــه جریان کی دقوی مورال او پیا وړی روحیاتو خا وند ه وی . که څه هم تر او سه پو ری د (جولیا ـبو گدانووا) په مډالونو اوجایزو-کی بیلا بیل ډو لونه شا مل دی خو داکو-ښښ کو ی او زیا ر با سی چی دا لمپیك په‌هغو نړ یوا لو لوبو کی چی د طر حشوی پرو گرا م له مخی د (۱۹۸.) کا ل پـــه اوړی د مسکو په ښار کی جـوړ یږی د لامبو و هلو دورزش به (۱۰۰) متره ایـــزه مسا بقه کی د سرو زرو دیوه مډال پـــه اخستلو موفقه شی‌. (جولیا) په‌دی وروستیو وختونو کی‌دلامبو و هلو په ورزشی کــــی دشو روی اتحاد یوبل نامتو لو بغاړی (لینا-کا چو ستا یا)ته بلنه ور کړیده چـــــی دلیننگراد په ښار کی دلامبو وهلو دسپورټ‌د (۲..) مترو په مسا بقه کی ورسره مقا بله وکړی .

(جو لیا ـبو گدانووا) دلیننگراد په ښار کی دخپلو ورزشی تمر ینا تو دلړی دتعقیبو-



(جولیا ـبوگدا نووا) دلامبو و هلو دورزشی په (۱۰۰ـ۲۰۰)متره ایزو مسا بقوکی‌د سر وزرو دمډال وړ و نکی



(جولیا)به مونتریال کی د لامبو و هلودبر یالی مسابقی ترسره کـو لـو خخـه‌وروسته د نارینا امیدوواسره دخبرو پـه حال کی .

لو له پاره تا کلی مر کزونه لر ی .دشوروی اتحاد د لامبو وهلو د فن دغه نوی نا متو ورزشی خهره په‌کال کی خو خـلی دشوروی اتحاد خینو مهمو ښا رونو او صنعتی مرکزـ و نوته سفر کوی او غوا ړی چی په مسکو کی دالمپیا د (۱۹۸۰) کال دنـړیـوا لـو لوبو خخه وروسته خینو ارو یا یی هیوادونو

ته هم لاړه شی (جولیا) پخوا ز دی چی مونتریال ته لاړه شی او د (۱۹۷۷) کال د المپیك په نړ یوالو لوبو کی و نډه وا خلی دمسکو په ښار کی دالمپیا د(۱۹۸۰) کـال د لوبو له‌پاره دیو لړ تمر ینانو په‌تر سر ه کولو بو خته وه . دا ورزشی چهره پـه

مو نتر یا ل کی دجا پا ن د لامبو و هلو خو تنو نا متو ورزشکا رانو ته چلنج ور کړ او دا خبا رو الاو دیوی ږو ښتنی په خواب‌کی څر گنده کړه چی حاضر ده د تمر یه واسطه د (۳۰۰) مترو په واټن کی دجا پا نی لو بغاړ و سره مسا بقه و کړی .

تاریخچه آغاز بازی های المپیا

عزیزه عز یزی

بازی های المپیکی در یو نـان قد یم در هر چهار سال یکمر تبه دراسپار تا در میدا نهای ور زشی المپ صورت میگر فت که در یـن مسا بقات از تمام شهر های یونان ور زشکا ران ور زیده‌شر کت‌مـی‌نمودند ،این مسا بقات ورزشی‌یکی از وا قعات بز رگ در تا ریـخ‌یو‌نان بشمار میرفت واهمیت آن بـه اندازه بود که دوره های تار یخـی یونان به اسا س آن تعیین میشد. بازی های المپیکی برای او لیـن بار در سال۷۷٦ قبل از میـلاد صورت گر فت ومردم یو نان نظربه اهمیتیکه به‌آن قا یل بود ند از دورـترین نقاط کشور برای تماشای آن می آمد ند .

در ابتدا ، این بازی ها مدت‌پنج روزدوام میکرد وشا مل با زی های پهلوا نی ، دو یدن، آب بـا زی‌و بعض بازی‌های ورزشی مروج‌آنزمان بود. کسا نیکه در ین مسا بقـات برنده میشد ند مقام ار جمندی رادر بین مردم حا صل میکرد ند واحترام زیادی به‌آنها قا یل بود ند بـه منظور احترام از مقا م شان آنـها رابه عراده هایکه ده‌اسپ سفیدآنها راکش میکرد می نشا ندنـد ودر عرض راه از طرف هزا ران نفـر تما شا چی مورد استقبال قـرار میگر فتند، بر ند گان هر کـدلم جامه ار غوا نی را به تن‌کرده وتاج المپیك را به سر می کرد ند. وبـه این منظور جشن های مجللی درشهر برپا میشد. درین جشن ها در مدح قهر مانان ورزیده خو یشبی شعـر میگفتند ومردم شهر برای ایـن قهر مانان دسته های گل تحفـه میدا دند .کسا نیکه در یـن مسا بقات برنده میشد از طرف دو لـت آنوقت خانه‌های مجلل بد ست میـ آوردند واز پردا خت ما لیات بـه دو لت نیز معاف میشد ند .

این باز یها تقر یبا تـا سال ۱۱٦۹ به همین رقم ادامه داشت‌که چندی بعد از آن از طرف امپراطوری روم شرقی منع قرار داده شد ودر حمله ایکه بالای یونان صو رت‌گرفت معبدبز رگ المپیـك ومؤسسـات ور زشی را آتشس زده وغا رت‌کردند به ایـن صو رت بازی های‌المپیکـی تاسال ۱۸۹٤ صورت نگر فت تاآنکه در سال ۱۸۹٦توسطیکنفر فرانسوی بنام «پیر وکو بریتن» که اهمیـت زیادی‌برای تقو یه وانکشاف جسمی جوانان فرا نسه قا یل بود کمیتـه رابنام اتحاد یه‌مر کزور زشی‌فـرا‌نسه تشکیل نمود وبا زی های تاـریخی المپیك را سر از نو رو نق‌داد که برای اولین بار این مسا بقـات به‌یاد، از باز یهای قد یمی آن در آتن مرکز یو نان برکزار گردید .

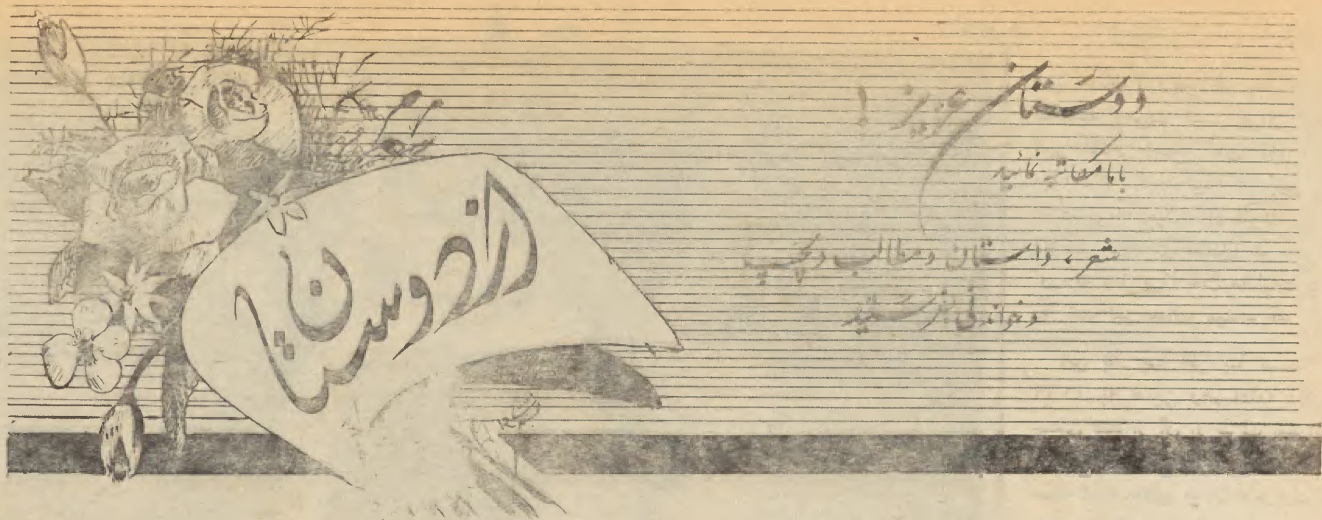
«پیر کوبر تین» میگویـد :«آن چیزیکه در بازی های المپیك اهمیت دارد مسا بقات نیست بلکه‌آما دگی وتیاری گر فتن برای شر کت درآنها است زیرا آماد گی جوا نان بـرای انجام مسا بقات زور آزما یی‌وقدرت نشا ندا دن زور مندی اوست».

این باز یهای سپور تی گر چـه در دوره های تاریخی نیز بر گـزار میگر دید واز آن به بعد در هرچهار سال دریکی از کشور های جهـان صورت میگر فت . امـا فعـلابازی های المپیا دارای یك مر کزدا یمـی بوده که کمیته بین المللی المپیـك نامیده میشود . در ابتدای تاسیس المپیك دارای شعاری از اینقرار بود که: «قو یتر ، بالا تر ،تنو مند تر»

فعـلا حلقه های که بـر روی اتحاد وهمکا ری ور زشکا ران قاره های دنیا بوده که ذیـلا تشر یـح میشود .

۱ـ حلقه سیاه علامت قاره افریقا.
۲ـ حلقه زرد علا مت قاره آسیا.
۳ـ حلقه سرخ‌علامت قاره‌امریکا.
٤ـ حلقه آبی‌علامت قاره‌آسترلیا.
٥ـحلقه‌سبز علامت قاره ارو پا.

بقیه در صفحه ٥٨



حب وطن

کشور محبوب ما افغانستان
باشد تاریخش کهن وباستان
مردمش باشد دلیر وصلحخواه
در گذرگاه های گیتی قهرمان
دیده بسی رنجهای بیکران
برده بدوش بار، این بیچارگان
بوده همیش در نبرد وهم ستیز
با گروه خاین واهریمنان
کرده است بیداد، ستم وناروا
برهمه خلق غریب، آن حاکمان
گرچه فقرو بیسوادی ومرض
برده بدوش ازقرون و سالیان
دارد تشعشع زاد وار دور
واز تمدنهای قدیم جهان گذشتگان
بهر حفظ خاك و ناموس وطن
رزمها کرده است بابیگانگان
بوده پشتیبان صلح و امنیت
درهمه دنیاوهر عصرو زمان
چون به نیکوئی نگری خویشتن
با زبفهمی که کی ئی ایجوان؟
در قبال زحمت و سعی وتلاش
باش وفادار چو دلدادگان
برهمه اعمال وکردارت نظر
میکند تاریخ و هم آیندگان
در همه پیشرفت هاواعتلا
نقش داردزحمت کاریگروفرزانگان
هر که خدمت کردبه میهن زصدق
باشد به یقین درسلك وارستگان
باش «جولان »، بهر اعمار وطن
همره و همکار با هم میهنان

جلیل جولان

یار کارگر

به زخم دست توای یارکارگر قسم است
که مرغ عشق توکنون گرفته پر، قسم است
به آن جوان رشیدی که رفته راه ترا
به بازوان سطبرتو رنجبر، قسم است
به آن رفیقی که بگشوده درب زندانرا
به آن کسی که درین ره بداده سر، قسم است
به اتحاد تو نازم که سراسر ملك
به بلند لوای سرخ توهرسحرقسم است
که نام تواست بلند وجهان تو است بلند
که کارتو است بلندومکان تواست بلند

تتبع و نگارش از :فاروق تیموری

احیای حماسهٔ «وشکست انگلیسها»

ادبیات محصول عصر و زمان ونمایندهٔ تحولات اجتماعی و سیاسی است. تدقیق آثار نویسندگان و شعرا ما را به درك تغییرات و تحولات سیاسی واجتماعی رهنمونی میکند.

مطالعه ادبیات یك عصر معین بدون درنظر گرفتن انقلابات و تبدلات آنزمان کار را به دشواری می کشانند و درك رموزو آثار ادبی مشکل می افتد.

از ظهور ادب دری و دوره های ارتقابی آن با مطالعه و تحقیق در منظومه های حماسی ملی بعد از اثر فردوسی واضح میگردد که طریقه و اسلوب عالی فردوسی در نظم روایات حماسی ملی از قرن پنجم تا قرن هفتم معمول ومتداول بوده وشاعرانی که بعد از وی به نظم بقیه داستانهای حماسی پرداختند هیچیك ، از راهی که شاعر بزرگ ما یعنی فردوسی پدید آورده بود منحرف نشدند وحتی از سیاق و روش اونیز کار گرفتند .

روحیه حماسی و بوجود آمدن حماسه های ملی بعد از قرن ششم هجری آهسته آهسته روبه ضعف وناتوانی گذاشت وابن پیش آمد در تاریخ تطور نظم حماسه های ملی بر اثر دو عامل بزرگ صورت گرفت .

نخست اینکه ، از یك طرف نفوذ شدید اسلام و ضعف انحطاط فکر ملی وتعصب نژادی :

بدین معنی که مردم بجای اینکه به کارنامه های گذشتگان خویش افتخار کنند واز اعمال آنان سخن به میان آرند، بفکر تدوین اشعاری افتادند که به دین اسلام ارتباط داشت و اگر اشعار حماسی هم می سرودند شعر دینی ومذهبی و یا حماسه دینی میبود نه حماسه ملی .

دوم اینکه ، غلبه و کشتار اقوام بیرونی افغانیان است ، و آن غلبه و کشتارند-گان و حمله چنگیزیان میباشد و بروز این حادثه در حقیقت بر اساس ضبط سیاسی یکی از شاهان افغانستان موسوم به سلطان محمد خوارزم شاه بوده است. در اثر این غلبه وکشتار، مردم تارومار شدند و چنان ضربه یی خوردند که تا مدتها جز گوشه نشینی وانزوا چیزی آنها را بخود جلب نمی کرد این وضع بدون شبه روحیه حماسی و افتخار گذشته حماسی دری گویان افغانی را از ذهن مردم بدور ساخت و مردم بدنیای تصوف گرائیدند . بنابران میتوان گفت که از قرن هشتم به بعد آثار حماسی ملی در ادبیات دری ظهور نکرد .

احیای فکر حماسی و تدوین و انشای حماسه های ملی درادب دری بنا بر جنگهای مسلسل و حملات متداوم اجنبی هاکه از دوره های دور به این طرف در کشور دیده می شد و مردم همواره از وطن و آزادی در دفاع بودند و نمی گذا-شتند استعمار طلبان به منظور های شوم خود برسند . از طرف دیگر اهل استعمار نیز برای پیشبرد آرزو ها و آمال خود بیکار ننشستند . در نتیجه روحیه یی بوجود آمد و روشی جدیدی را در ادبیات پیش گرفتند . ظهور ادبیات حماسی و روح تاریخ نویسی بود که مردم را باگذ-شته و آینده پیوند داد وایشانرا درمقابل دشمن تشجیع نمودند که کار نامه های اسلاف خویش رابخاطر بیاورند و بیشتر به مجادله و مبارزه تشویق شوند واز طرف دیگر شمه یی از کارنامه ها و مجاهدتهای شان برای فرزندان شان سر مشق ونمونه بماند . همان بود که جنگهای صد ساله افغان وانگلیس شروع میشوددر این وقت وطنداران غیور ما همواره از وطن و خاك خود شجاعانه دفاع نموده ونگذا-شتند که اشغالگران و استعمارخویان به مقاصد شوم خود برسند و شعرای این دوره که متوجه صحنه های خونین جنگ بودند دوباره روحیه حماسه سرایی را زنده ساختند .

جنگهای صد ساله افغان و انگلیس در حقیقت روح رزمی وحماسی را بیشتر در قالب ادبیات شفاهی و تحریری داخل کرد و آثار زیادی در ترانه های ملی ومحلی بمیان آمد از آنجمله یکی جنگنامه های منظوم یا ادبیات حماسی همچون اکبر-نامه حمید کشمیری که این اثر درخصوص اولین جنگ افغان وانگلیس به نظم نوشته شده است و دیگر از آثار حماسی این دوره حبیب القصاید ، محمد عزیز خان ساکن حمالی بهسود ترون بنار است که شرح کار نامه ها ودلاوری مردم اقوام مهمند ،تیرا و دیگر اهالی سرحدی افغا-نستان رابه صورت قصاید با احساسات ملی و هیجان افغانی به نظم آورده است که از نظر تاریخی مملکت و قهرمانان ملی و مجادلات آنها با انگلیسها قابل اهمیت و ستایش است .

اثر معروف دیگر درین زمینه جنگنامه است که داستان جنگ اول افغان وانگلیس را در وصف مجاهدات میر مسجدی خان غازی و سایر مجاهدین رشید ملی علیه متجاوزین اجنبی در سالهای (۱۸۳۹- ۱۸۴۲ع) بازگو می کند این اثر از مولانا محمد غلام کهستانی متخلص به «غلامی » میباشد ، حالا برای خوانند-گان محترم یکی از آثار حماسی آن دوره را که اکبر نامه حمید کشمیری است با چند شعر حماسی آن معرفی می کنیم.

اکبر نامه حمید کشمیری:

ملا حمیدالله یکی از شاعران حساس قرن سیزدهم هجری است که گزارشی از جنگهای اول افغان وانگلیس را درسال (۱۲۵۵ قمری ۱۲۳۰هجری) به رشته نظم آورده ورشادتهای تاریخی قهرمانان افغانستان را یاد میکند و کتاب خود را «اکبر نامه » نام کرده است . وی حقایق را با کمال صراحت اظهار داشته و امید وار هیچگونه صله نبوده است.

اکبرنامه در روح رزمندگان افغانستان و هندوستان تاثیر گرمی کرد واین حماسه بیش از توپ و تفنگ برتن دشمن لرزه انداخت.

اکبرنامه اصلا رساله یی است منظوم وبه پیروی شیوه حماسی که خاصه خراسان در (۱۲٦۰هـ) دو سال بعد ازآزاد شدن افغانستان به رشته نظم سروده شده است.

واز نقطه نظر ادب وامانت تاریخی اثر گرانبها یی است که به نویسندگان تاریخ معاصر افغانستان کمك زیاد میکند و ممکن است این حماسه را شاهنامه قرن نزد هم افغانستان خواند و از طرف‌دیگر میتوان آنرا فصل معاصر شاهنامه فردوسی حساب کرد.

در اکبرنامه همیشه از شجاعت ومردانگی و قهرمانی افغانها ذکر شده **چنانکه در وصف اکبر خان قهرمان** جنگی چنین میگوید!

شنیدم ز دانشوران گزین
مقیمان غزنین و کابل زمین
که چون فتح‌کرد اکبرچیره‌دست
به شمشیر فوج مخالف شکست
بطفلی دلیری چو سهراب کرد
چنان جنگ با فوج پنجاب‌کرد
بمردانگی گشت نامش سمر
چو رستم شد اندر جهان مشتهر

وقتیکه لشکر امیر دوست محمد خان وهری سنگهه در پشاور با هم مقابل می‌شوند در ینجا شاعر صف آرایی دشمن را باسر لشکر آن معرفی میکند. اما **این وصف در لشکر افغانها با تمام‌جزئیات** آن معرفی می شود. در حالیکه لشکردشمن **تنها به صورت کلی معرفی می شود:**

دلیران کابل بجوش آمدند
چو شیر ژیان در خروش آمدند
بجستند و بستند اسباب جنگ
روان بر نشستند و خستند سنگ
برون آمدند آن یلان سره
چو شیر دری از دهان دره
بما ندند قایم بمیدان جنگ
صف آراسته همچو غران پلنگ
صف میمنه افضل نامدار
بیاراسته همچو روئین حصار
سوی میسره اکبر چیره دست
صف جنگ چون سد یاجوج‌بست
بقلب اندرون ماند جبار خان
بدشمن کشی تنگ بسته میان
بجنگ آوری دست و بازوکشاد
صف تو پها در مقابل نهاد ...

وقتی برنس برای جاسوسی به قصد تجارت به دربار کابل آمد وامیراز آن آگاه شد او را از کابل اخراج کردو به لندن فرستاد او چنین میگوید:

چو پرنس ز کابل به لندن رسید
زاندوه و رنج سفر آرمید
بپرسید از او نامور شهریار
چه کردی وچون است کابل دیار

بپا جست برنس ز مین‌بوسه‌داد
در اوصاف‌کابل زبان بر گشاد
که شهریست اندر هوا وفضا
بسی نزهت انگیز و فرحت فزا

جوانان، مرد چو غلمان درو
چو خلد از طرب جمله سامان‌درو
ولی خیل مردان او همچو دیو
بشکل و لباس و کلام و غریو
زنان نازنین چهر آن سر زمین
کشد صد فرنگی به‌ضرب سرین...

چنانکه گفتیم اکبر نامه یکی ازحماسه های ملی ما ودرراه مبارزه وپیکار بر ضد استعمار، ووحدت ملی در راه پیروزی مردم این سر زمین میباشد. لذا در سر تا سر این منظومه هر جا دشمن افغانها قرار دارد مستقیم، یا غیر مستقیم کوبیده می شود و آنها محکوم به پلیدی وپستی میگردند. چنانچه اگر بحث اززدوخورد افغان وانگلیس است شجاعت ومتانت افغانها را وصف، و بر زبونی وخواری دشمن انگشت می گذارد. با اینکه تعداد آن ها از صد ها هزار تجاوز کند.
مثلا:

زفوج‌بد اندیش بدسی هزار
بقتل آمدند اندران کارزار
بقدر هزاری ز جسم غفیر
زخرد وکلان شد شهادت پذیر...

ویا از زبان فرمانروای فرنگ چنین بیان میکند:

که ما را به گیتی وقاری نماند
بملك جهان اعتباری نماند
زما خلق دیدند بازی بسی
نخوردیم بازی زدست کسی
بجز میر کابل که دروقت‌جنگ
سبق برد بر فیلسوف فرنگ

چنانکه وقتی برنس به دربار کابل به عنوان سوداگری می آید ودر دربار راه پیدا می کند واز ین واقعه شاه‌ایران خبر می شود از آنجا نامه برای امیر کابل فرستاده ودر آن انگلیس ها رامعرفی میکند.

وفا نیست در مردمان فرنگ
ندانند چون دیو جز دیوورنگ
طلسمی ندانند غیر از نفاق
نه مردی مگر دعوی طمطراق...

ویا وقتی هری سنگ به امیر دوست محمد خان نامه می نویسد و امیر دوست محمد خان رابه تسلیم وامید ارد امیر دوست‌محمد خان در جواب میگوید!

رسید از توام نامه پر گزاف
همه محض بهتان و هذیان ولاف
مگر باده نوشیده بودی چوموش
که از جوش آن‌ازسرت‌رفت‌هوش..

اما آنها ییکه بمردم و دولت خودخیانت میکنند به سخترین زبان آنرا میکوبد چنانکه حاجی خان را از زبان امیر‌دوست محمد خان میگوید:

بکف سبحه زنارت اندر بغل
چه خیزد ترا از ین دغا و دغل

ببازی جوی چند دادت هری
بدنبال چو تاختی از خری
و میگوید!
میا دیگر ای بد نمك‌پیش من
میفشان نمك باز بر ریش من

حمید کشمیری همیشه افغانها را بر ضد استعمار ترغیب میکند و از غیرت افغانها در هرجا صفت میکند چنانکه اشعاراو نما‌یانگر این واقعیت میباشد!

وقتی در جنگ هری سنگ، وزیراکبر‌خان متوجه زیادی ومجهز بودن عساکر دشمن می شود به حیرت میرود دریـن وقت افغانی از عقب او را مخاطب قرار داده از دودلی نجات میدهد.

باین مردی و گردی و جست‌وخیز
بکن گرم جولان چومردان مرد
تو شیری نزیبد زشیران گریز
تك آور مخالف بر آور بگرد

حمید کشمیری هزار مرتبه مردن را بهتر از زندگی به ننگ میداند.

نکو گفت رستم که مردن به‌جنگ
لبی بهتر از زندگانی به ننگه

ویا:

به شمشیر مردن بمیدان جنگ
به از زنده ماندن به‌قید فرنگ

قربانی وطن

ای وطن به‌کوه ودشت وبیابان تو سوگند — به غیرت و مردی مردمان تو سوگند
این بود تصمیم من‌که در راه تو قربان شوم — بروح پاك شهیدان تو سوگند
دشمن تو دشمن جانی من است — گر گریزم ز دستش بی وجدانی من‌است
هیچ بیگانهٔ را حق ندهم که ترا بدگوید — گرد هم این حق به او بی ایمانی من است
تاسر در بدن دارم دفاع از تو کنم من — سروم را گر بریدند وداع با تو کنم من
به گور برد این آرزو را دشمن تو — چون بعد از آن بچه ام اعطاء بتوکنم من
بچه ام چون خودم «آزاد» خواهد بود — به عشق تو ای وطن دلشاد خواهد بود
انتقام تو و پدر خویش خواهد گرفت
دشمنت بسته به‌زنجیر واو آزادخواهدبود

قیوم «آزاد»



به انتخاب: اسدالله «مفتون»

حق وحقیقت

- حقیقت تنها در پرتو دانش میتواند وجودپیدا کند.
- تسلیم شدن به حقیقت درعین زورمندی، بزرگترین نجات اخلاقی است.
- حقیقت رامی توان خم کرد، ولی نه‌میتوان‌آن راشکست.
- شراره لحظه‌ای میدرخشد اما نورحقیقتی‌است که هرگز خاموش نمیشود.
- بسا حقایق امروز موهومات فردا خواهندبود.



برهنهٔ سرفراز

وقاحت گفت: مرا بانشان ها وامتیازات‌بیارائید.
رذیلت گفت: مرا باخلعت فضیلت افتخاردهید.
خیانت گفت: تاج امانت بر سر من‌نهید.
ظلم گفت: زنجیر عدالت بر در سرایم‌بیاویزید.
تکبر گفت: مرا به زیور تواضع مباهی‌کنید.
شرارت گفت: مرا با لباس نیکی وصلاح‌بپوشانید.
خدعه گفت: مرابه جامهٔ اخلاص وصمیمیت‌ملبس سازید.
استبداد گفت: صورت آزادی را بر چهرهٔ‌من نقش کنید.
تزویر گفت: بالاپوش صدق ومحبت رابدوش‌من اندازید.
حق درین میان گفت: مرا برهنه گذاریدوپیرایه ای برمن مبندید. من از برهنگی خود شرمسار نیستم.



دشوروی اتحاد دعلمی خیړنو په یوه‌لابراتوار کی دپلاستیک جوړولو په‌برخه‌کی‌دلویو علمی خیړنو یوه ګوښته·

دغور ژباړه

دشوروی اتحاد علمی، اقتصادی صنعتی اوفرهنګی بریالیتوبونه

شوروی اتحاد دنړی‌دکارګرانو بزګرانو او زیار ایستونکو لو مړنی هیواد چی دتاریخ په‌پاڼوکی دشوراګانو دخاوری په نامه هم یادیږی د څه دپاسه دوه شپیته کلونو په اوږدو کی دنړی دسولی او امنیت د ټینګښت له پاره زیاتی هلی ځلی وکړی او دادی نن د ځمکی په کره‌کی دیو مترقی، پرمخ تللی اوبریالی هیواد په‌توګه را منځ ته شویدی.

داکتوبر دسترسوسیالستی انقلاب یعنی‌د (۱۹۱۷) کال داکتوبر څخه‌راپه‌دیخوا دشوروی سوسیالستی جماهیرو داتحاد اقتصادی، علمی فرهنګی اوصنعتی بریالیتوبونه اوپرمختګونــه څکه دپاملرنی وړدی چی‌ددغو پرمختګونو او بریالیتوبونو په مرسته شوروی اتحادو کړای شو چی دآسیا، افریقا ولاتینی امریکی پــه بیلابیلوهیوادونو کی‌نویوخپلواک شووهیوادوپه بیلابیلو اقتصادی، علمی، کلتوری، زراعتی، صنعتی اوکارګری انکشافونو اونهضتونو کی ستره اوفعاله ونده واخلی·

دشوروی اتحاد د تزاری رژیم په‌دوره‌کی دسل ګونو کلونو په موده کی په‌زرګونونه خلك دلوږی، قحطی، ناروغی اونورو اجتماعی ستونزو څخه‌سخت‌به‌عذاب وواودخلکو ورځنی ژوند دزیاتو کړا وونو سره مخامخ ؤ.

په (۱۹۱۳) کال‌کی‌چی‌دتزاری روسیی پــه تاریخ کی‌دکرنی دمحصولاتو له درك څــخه ستاری نه لری اودهغه هیواد خلك په سلوکی دوه اتیاپه کلیو او محلاتو کی ژوند کاوه اود هغوی شمیر څه دپاسه یوسلو دیرش اعشاریه اوه میلونو تنو ته رسیده دکرنی دمحصولاتو له‌مدرك څخه په‌ګډه سره (۸٦) میلیون‌تنه غله لاس ته‌راغلل په‌داسی حال کی‌چی‌دیــوی وزوستی احصایی له مخی په (۱۹۷۸) کال کی په‌شوروی اتحاد کی دغلو دانودمحصولاتوتوله اندازه (۲۳۵) ملیون تنوته رسیدلی ده. که

حه‌هم دتیر کال (۱۹۷۹) دجون دمیاشتی تــر منځنیو وختو نوپوری دشوروی اتحاد په‌کلیو اومحلانو کی‌دکرهنی دمحصولاتو په سکتورکی دمحلی اوسید ونکو ونــډه په سلو کــی اوه دیــرش لــږه شوی وه بیا هــم داکتو بر دستر انقلاب (۱۹۱۷) کال به مقایسه دشوروی سو سیالستی جماهیرودکرنی دپیدا وارو معیار په‌سلو کی څلور اعشاریه‌شپږځلی وده کړی ده.

دشوروی اتحاد په‌کلیو او محلاتو کی دکرنی دماشین آلاتو زیاتوالی، دکرنی ماشین آلاتوته دبر بښنا دانرژی برابرول، دکیمیاوی‌او معدنی سرو دتولیداتو زیاتوالی اوپه کرونــدو او میکانیزه فارمونوکی دهغو څخه‌ګټه اخیستــل دهغو عواملو څخه شمیرل کیږی چی د جوی اواقلیمی شرایطو دبنه والی سره جوخت‌په شوروی اتحاد کی دکرنی دمحصولاتو دمعیار په لوړولو باندی ستره اغیزه لری.

لکه‌چی دکرنی دماهرانو او اګرونومستا نــو تجربو ثابته کړ یده دبرښنا دانــرژی پــه مرسته کیدای شی چی دشوروی اتحاد دکرنی دتولیداتو معیار په‌سلوکی څلویښت څلــی زیات اولوړ شی د(۱۹۱۷) کال‌دانقلاب‌تروخته پوری دشوروی اتحاد دکرنی چاری دیوه‌کــال په توګه دانسانانو دلاسونو او اسونو پــوری اړیکی درلودلی‌مګرد (۱۹۷۷) کال‌ترلومړیوورځو پوری ددغه هیــواد په‌کلیو او محــلاتوکی‌دوه‌ـ اعشاریه څلور ملیونه‌تراکتورونه، یوه‌عشاریه څلور ملیونه باروړونکی موټرونه‌اونوری نقلیه

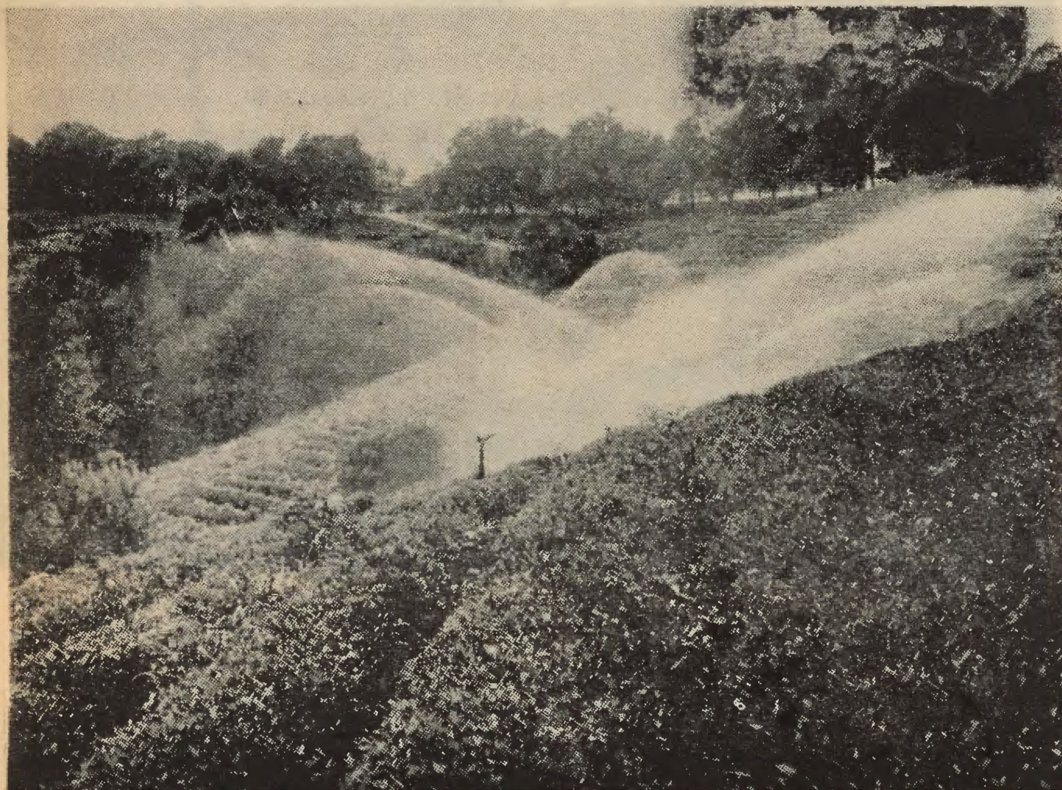
وسیلی اوه زره دزراعتی پیدا واروداتولولو ما شینونه اویو زیات شمیرنور ماشیــن الات موجود ؤ.

دتزاری روسیی دعصر څخه‌وروسته‌دشوروی اتحاد دودانو شوو ځمکو ساحه څلور برابره زیا ته شوه اوپیاوروسته په (۱۹۷۷) کال‌کی دغه اندا زه شپاړسو میلونو هکتارو ځمکوته ورسیده، دغه رقم‌دهغه هیواد دټولوتعاونی او دولتی میکا نیزه فار مونو دزرا عتی تولیدا تو په سلو کی پنځه‌ویشتم رقم تشکیلوی· دشوروی اتحاد دکرنی دماهرا نو په عقیده په کلیو اومحلاتو کی دکرنی دکو پرا تیفو نو په جوړیدلو او دغه راز په دغو سیمو کی دکرنی دمیکانیزه کروندو او فارمونو په رامنځ تــه کولو سره دغه کارته ښه زمینه اوپه‌زړه‌پوری شرایط برابریږی چی ګویا دکرنی دتولیدانو دسطحی دلوړوالو په‌برخه کی سترپرمختګونه او دلیدو وړ بریا لیتو بونه تــرګــوتوشی په‌شوروی اتحادکی‌د (۱۹۱۷) کال څخه وروسته په ډله ایزه توګه د اشترا کی تولیــــدا نود بنسټ له‌مخی دکرنی دچارو دانکشاف اوودی له‌پاره په داوطلبانه تو ګه دکرنی تعا ونــی سازمانونه او تعاونی کوپراتیفونه جوړ او دعمل ډګرته وړاندی شول· دغه کوپراتیفونه په زرا عتی ځمکو کی زیات کار کوی اوددغه زیاتوالی په اثردشوروی اتحاد دکرنی دتوـ لیدانو په‌حجم‌کی دلیدو وړتحولات اوانکشافوـ نه صورت نیسی.

دهغو تجربو له‌مخی چی د(۱۹۱۷) کال‌څخه راپه‌دیخوا دکرنی دمحصولا تو دزیاتوا لــی په‌برخــه کــی‌دشوروی اتحاد دماهر ا نــو او اګرونو مستانوپواسطه ترګوتو شو یــدی زراعتی کوپرا تیفونه اومیکا نیزه فار مو نه‌یه واقعیت کی داقتصادی پراختیا له پاره‌اساسی شرایط او بنسټ جو ړوی· دیوی وروستنی احصائیی له‌مخی په اوسنیو وختــو نـــو کی او س په شوروی اتحاد کی دکر نی مر کوپراتیف ته شپږ اعشاریه شپږزره هکتــار او هر تعاونی سا زمان او میکا نیزه فار م ته اتلس زره هکتاره ځمکه رسیږی. دکرنی دغه راز کرو ندی او سا ز مانو نه چــی هر یو ی د (۵۵۰) او یا زیا تو کا ر کوونکو او زرا عتی پر سو نل د پاره په نظر کــی نیو ل شو ید ی کال په کال د ودی‌اوپراختیا په حال کی دی. دغه راز سا ز مانونه او میکا نیزه زراعتی کوپرا تیفو نه ددی قدرت لری چی پخپله هر ډو ل زراعتی ما شیــن آلات و پیری او په هر ډو ل عمرا نی او سا ختما نی کا رو نو باندی اقدام و کړ ی د همد غه کار نتیجه ده چی شو روی اتحاد په‌نړی کی دزراعتی محصولاتــوله مــد رك څخه زیا ت بر یالیتو بو نه تر ګو تو کړیدی دکلیو او محلاتو دلګښت تعاونی ساز مــاــ نو نه چی د کلیو الی و ګړو د ژوندانه‌د سطحی دپه‌نظرکی‌نیو اوسره‌دسوداګری چاری‌د یوه منظم پلان په‌چوکاټ کی‌تر سره کــوی د شو روي اتحاد د ښا رونو او محلاتو ترمنځ داقتصادی منــا سبا تــو دپیاوړ تیا پـــه برخه کی مهم رول لوبوی· دمثــــال پــه توګه په (۱۹۷۷) کال کی د شو رو ی‌اتحاد هرو (۱۰۰۰) تنو کلیو الی و ګړوته پـــــه منځنی ډول یو سلو پنځه نو ی را ډیوګانی،



په‌عکس‌کی دشوروی اتحاداذربایجان‌په‌جمهوریت‌کی د پو مبی دمو سمی حاصلاتو درا ټولولویوه منظره لیدله کیږی •



چای او دهغه صنعت او کرنه په شوروی‌اتحاد او نړی کی خا ص شهر ت لر ی. په‌عکس کی دشوروی اتحاد د (کرا سنودار)په سیمه کی دچایو یوه میکانیزه فارم

یو سلو یو اتیا ټلو یزیونو نه ، یو سلودوه دیرش یخچا لو نه اوخه دپاسه یــو سلوـ شلوینښت د کالیو پرې‌مینځلو ماشینو نــه رسیده . دغه رقم که چیری په نړ یوالــه سویه دنړی دنورو هیوادونو سره مقا یسه شی څر گند یږی چی دبین المللی ستندړ ډله مخی یو ډیر لوړمعیار دی .

دلید و وړخبره داده چی د کر نی‌دکوپراـ تیفو نو د کمیت او کیفیت په ښه والی سره نه یوازی داچی د شوروی اتحاد د کلیو او ښا ری و ګړو تر مینځ غوره اقتصاد ی روابط ټینګیږی بلکه په کلیو او محلاتو کی دو ګړو د ژوندانه طرز او طریقه هــم تغییر خوری تعاونی ســاز مانونه چــی په واقعیت کی د عمومی را یه اخستلو په نتیجه کــی داساسی، مالی او اجتماعی پرابلمو نو دحــل له پا ره غوره لاره او ار و ی‌د کر نــی دتولید : تودمار کننګ او دتعاونی ســازـ ما نو نو او ار ګا نونو د اقتصادی روابطو د پیاوړتیا لوری ته‌په زرګونو تنــــــــه

کروند ګر او زراعتی کــارګران را جلبوی· په شوروی اتحاد کی دهر ډول مــذهبــی ، نژادی ، لسانی ، جنسی اونورو توپیرو نــو څخه پرته دکلیو او محلاتو خلک دښا رونو او هغسی مر کز و نو د اوسیدونکو سره مسا وی حقو قاو امتیا زات لر ی.

په‌کلیو ، محلا تو او ښارونو کی دښوونــی او روزنــی لــــه پرو ګرا مونــو څخه‌ټول خلکو ته مسا وی ګټه رسیږی او په‌اجباری

تو ګه خلک مجبور دی چی د لیک اولوست زده کړه ، وکړی .

دانرژی په‌برخه کی دشوروی اتحاد بریاـ لیتوبونه:

دشوروی اتحاددنامتو فز یک پوه(الکساندر استرلیتوف) دوینا له مخی، انسان کولای‌شو چی دبرښنا دانرژی په لاس ته راوړلو سره دخیلو تخیلاتو اوعقلی قوا وپه انډول‌دژوندانه دیر مشکل‌پرابلمونه اوخوراپیچلی مسلی‌حلی کړی .

ددغه پورتنی وینا په‌تائید دشلمی پیــړی په‌محض پیل کیدو سره زمو نــږه روا نــه پیړی لو مړی دبر ښنــا دعصر او وروسته د اتوم او فضا دعصر په نا مه ونو مو لــه شوه او دادی څه دپا سه اتیا کا له کیږی چی د غه نا م ګذ ری څېلی وا قعیتاو حقیقت نړ یوا لوته څر ګند وی. دور وستیو احصا ئیوی را پو رونو له مخی په شوروی

اتحاد کی دتیرو پنځوکلــو نوپــه دوران کی (۷۱ـ۱۹۷۵) کلونو په موده کی‌دبرښنا دانرژی دتولیداتو په سطحه کی څه‌دپاســه

دری سوه ملیارډ کیلو واټ ساعته‌زیاتوالــی راغلی دی او دارقم تر (۱۹۶۰) کــالــه پوری دشوروی اتحاد دالکتر یکی قواو دمجموـ عی رقم څخه هم زیا توالی ښیی . بــه شوروی اتحادکی دبرښنا هغه انرژی چــی دهایدرو الکتریکی پروژو څخه تر ګو تــو کیږی زیا نه اقتصادی او ارزانه تمامیږ ی دشوروی اتحاد دانجنیرا نو او ما هرا نو بــه عقیده دانسا ن د علم نتیجه با ید دا وی چی دا وبودفشار او دطبیعت دنورو خلا قــه قدر تونو په مرسته له یوی خوا ز یا تــی

زراعتی ځمکی خړوبه کړی اوله بلی‌خــوا څخه په کافی اندازه دبرښنا انرژی هــم تر ګو تو کړی . او س او س د شوروی اتحاد ما هرا ن او انجنیرا ن په دغه کــار باندی ښه پو هیږ ی چی څو مره انر ژ ی له کو می زیرمی څخه دګو ـــــــو مقصدو نو او اهدافو له پاره تر ګونو کــړی

لکه چی شوروی اتحاد انجنیرا نو اوماهرانو په ورستیو راپــورو نوکی‌ویــل شوی دی اوس‌ـاوس دفرانسی ، انګلستان، ایتا لیا او نو رو لو ید یځو هیوادو طبیعی زیر مــی ختمی شو ید ی او س په دغه راز هیوادونو کی‌داسی‌پروژی طرح‌کیږی چه‌له یوی خــوا زیا تو پیسو او اقتصادی لګښتو نو ته اړتیا

لری او له بلی خوا زیا تو بشری قو اونه هم ضرورت لری .

او س او س په شوروی اتحاد ګی بــه سلو کی پنځه او یا داوبو دبر ښنا او هایدـ رو الکتریکی پروژو څخه‌کار اخستل کیږی د همد ی ضرورت له مخی تو لګا د نیپر او

لطفا پانی‌واړوی

دلیستر سیندونه چی ددغه هیوادپه اروپای برخه کی موقعیت لری ډیر کو چنی شویدی او په متراکم ډول گټه ور څخه اخستلــــه کیږی . ددی له‌پاره چی دصنعتی تاسیسااتو له‌پاره دبر ښنا دانر ژی له در که څخــه ددغه هیواد اړتیا وی لری شوی وی لــــه څو مودی څخه راپه دیخوا شوروی ما هران او انجینر ان کو ښښ کوی چی دبر ښنا نوی پروژی دمر کزی آسیا په بیلا بیلـــو بر خو کی جو ړی کړی . دغو انجنیرا نو او ما هرا نو خپله لو مړنی پروژه دشوروی اتحاد دقزاکستان په جمهوریت کی تطبیق او بشپړه کړه . همدا رنگه دسا یبر یا په‌حوزه هم دبر ښنا دانرژی یو زیا ت شمیر نوی تا سیسات تر جوړیدو لاندی نیو ل شویدی . دسایبریا حوزه پــه اقتصا دی

اقتصادی او اسعاری ستو نزو علاوه دلینونـو په‌اوږ دو کی دبرښنا د تلفاتو اندازه‌هــــم څو چنده لو ړه او زیاته ده ـ له بلی خــوا دقفقاز او سا یبر یا په سیمو کی د صنعتی تا سیسا تو د څر خونو دفعالولو د پا ر ه دبر ښنا زیا تو انرژیو ته اړتیا محسو ســه ده .

دشوروی اتحاد په ارو پایی برخو کی د حرا رتی ، ها یدرو الکتر یکی او هستو ی بر ښنا تولی پروژی او تا سیسا ت دا سی شرا یط را منځ ته کو ی چی تر ټو لو څخه دمخه د کار ساحی ته اوله یــــوی سیمی څخه وبلی سیمی ته دبر ښنا دانر ژی دلیږ دو او له پاره غوره امکا نا ت پیداشی . اوس اوس کله چی په قفقاز او سا یبر یا کی‌شپه راو رسیږی او تیاره را شی ټول کو رو نــه

له (۲۵_۳۵) پوری را ښکته کیږی .

ددی له‌پاره چی په‌قفقاز اوسا یبریا کــی دبرښنا دانرژی دتولیداتو او لگښتونو اندازه په خپل عادی معیار کی ساتله شوی وی له (۱۹۷۰) کال څخه راپه‌دیخوا ددغه هیواد د ما هرا نو له خوا په ټولو هاید روالکتر یکی تاسیسناتو کی د(اکومو لاتیور) په نــــامـــه یو شمیر دستگا وی جوړی او داستفادی‌ړ گر ته وړاندی شویدی . دغه ډول دستگاوی کـږ۔ لای شی‌چی دبرښنا د لگښـــت او تــــولید اندول‌پخپل عادی او نور ما ل حالت کـــی وسا تی .

دشوروی اتحاد انجینرا ن او ما هرا ن‌غواړی چی دمسکو ښارته نژدی دزاگور ســـــك په سیمه کی دڅه دپا سه (۲۰۰) زرو کیلو واټو په ظر فیت دبر ښنا دتو لید و لــــو له‌پاره یو ه نو ی پرو ژه جوړه کا ندی



د (پو لتیزاد) په نا مه د شوروی اتحـاد دکتا بونو د ورو ستی نږ یوا ل ننندار تون‌یوه څنډه .

لحا ظه دنو ړ هاید رو الکتر یکی پروژو دجو ړ یدلـو نظره غوره شرایـط او پــه زړه پو ری امکا نات لری . لکه چــــی دشو روی اتحاد د ما هرا نو او انجینرا نو په یو ه ورو ستی را پور کی و یل شویدی په او سنیو و ختو نو کی دسا یبر یا لــــه حوزی څخه اروپـا یی هیوادونونـــه دبر۔ ښنا دانرژی دلیږدولو له‌پاره غوره شر ا یط اوپه‌زړه پوری امکانات تـر گــوتو شو ـ یدی . با ید وویل شی‌چی دتقر یبا بیچلـو جغرا فیایی شرا یطو دشته والی له امله د قفقاز څخه ارو پا یی هیوادو نو ته د برښنا دانرژی دلیږ لو کا ر مشکل او گــران ښکاري . یا په بیله ژبه په دغه کار کی په

روښانه کیږی تلویـــزونونـــه پــــه کـار لوئیږی او په تدریجی او تکا ملی ډو لد بر ښنا دانر ژی دلگښت اندازه هم پو رته کیږی .

دیوی احصا ئیی له مخی د شپی له۱۲بجو څخه وروسته په نو موړو سیمو کی دبرښنا دانرژی د لگښت اندازه ډیر زیا تیږی او خپل ورو ستی حدته رسیږی . دشپی لـــه ۱۲ بجو څخه وروسته په قفقاز او سایبریا کی دبر ښنا دلگښت اندازه دوه برابره کیږی .

باید وویل شی چی په دغو دووسیموکـــی دژمی په نسبت د اوړی په شپو او ورځو کی‌د بر ښنا د انرژی دلگښت اندازه په سلو کی

ددغه کا ر دپا ره دغو ما هرانو څخـــــه کـړ یده چـی دلر غـونی‌روسی د(زاگور۔ سك) په ښار کی دیو کوچنی سیندد سروی کار بشپړ کړی او بیا ورو سته د سیند دپاڅه دبرښنا دانرژی یــوه تـولیـــدی دستگاه‌ودروی، په اوسنیو وختو نو کی بــه شوروی اتحاد کی دبر ښنا دانرژی او بــه د(۸) مترو په پنډوالی او (۷۵۰) مترو بــه اوږ دوا لی لولو او نلو نو په مر سته لـــه یوی حوزی څخه وبلی حوزی ته لیږدولـــه کیږی په دی ډول‌چی دهرو شپږو لولو بــه واسطه څه دپاسه شپاږس ملیون مکعـــب متره اوبه دسلو مترو لوړ والی څخه تور بین ته دا خلیږی . دځلور وساعتو فعالیــــت څخه وروسته داوبــو دبند په‌پورتنــــــی

برخه‌کی داوبو سطحه ترنهو متروپوری ښکته رالوئیږی . په یوه کا ل کی دڅه دپا سه یو ملیا رد کیلو واټه برښنا په لاس‌ته‌راوړل او سره څه دپاسه اته‌سوه هکتاره ځنگلو نــه او شاړی ځمکی په زراعتی ځمکو باند ی‌اړول کیږی .

دصنعتی ،تخنیکی‌اوفلزی چارو انکشاف:

له ډیـرو پخوانیو زمانو څخـه را پــه۔ دیخوا فلز اتو ته دصنایعو دخواړه نــــوم ور کړ شو ید ی .

ددغه پورتنی اصل له مخی په شوړو ی اتحاد کی د فلزی چارو انکشا ف او ودی‌ته زیا ته پا ملر نه را گرځو له شویـــــد ی اواو س د څه دپا سه (۱۲۰)زرو مو ســو او ار گا نونو په در لو دلو سره دشوروی اتحاد فلـزی تولیدات داوسپنی اوپـولا دو دسا ختما نی او پرا سس کوو نکو مو سسو او ساز ما نونو په واك کی ور کو ل کیږی ما هرا ن اوانجینر ان کو لای شی په هر هیواد کی دنورو فلزاتو دپراختیا اوپراسس معیار داوسپنی اوپولا دو له مخی محاسبه او ار ز یا بی کړی .

په (۱۹۲۱) کا ل کی‌د شوروی اتحاد د نورو فلزاتو دتولید او پراسس ټــــــول معیا ر یوازی صفر اعشا ریه دوه و نیمه میلو ن ټنو ته رسیده چی دا معیار دنړ یو۔ الو معیا رونو څخه ډیر لږ او را ښکته ؤ په شوروی اتحاد کی په څو وروستیو کلونو کی‌نه‌یوازی دفلزی چارودودی او پــر ا ختیا له پاره بنه بنسټ کیښودل شو بلکه پــــه (۱۹۷۱) کال کی داوسپنی او پولا دو دپرا۔ سس کو لو او تو لید اتو په سکتو ر ونو کی په ټوله نړی کی لو مړی د رجــــــه مقـام هم و گـــا ټــه . همدارنگه دیوی بلی احصا ئیی له مخی په (۱۹۷۸) کا ل کـــی په‌شوروی اتحاد کـــی (۱۵۱) ملـــیون ټنـــه پولاد تو لید شو چی دغه رقم په دغه کا ل کی دامریکا دمتحده ایالاتو او انگلستـــان په‌پر تله څو چنده زیا ت او لوړ دی.

دنورو فلزاتو او په تیره داوسپنــــــــــی او پولادو د تو لید اتو د سطحی دپرا ختیا له پاره شوروی اتحاد غوا ړی چی په څوراتلو۔ نکو کلو نو کـــی په دغه سکتور کی زیاتــه پانگه واچوی ، او ټاکل شویــــده چـــــی دد(۱۹۷۹) کا ل په اوږ دو کی دفلزا تـــو دسکتور دپیاوړ تیا له‌پاره داسی پـــر وژی او پلانو نه تر اجرا لاندی و نیسی چــــــی دهغو په تطبیقو لو سره په (۱۹۸۰) کــــال کی په نو مو ړی هیو اد کی د پو لادو د تولید اتو او پراسس اندازه څه دپا ســـه (۱۶۰) ملیون ټـنو ته ورسیږی په (۱۹۷۸) کا ل کی ددغه هیواد دپو لادو دتولیداتو‌او پـراسس ټو له اندازه ۱۵٦ ملیون. ټنو ته رسید لی دی .)

تجر بو څر گنده کړیده په هره اندازه چی په یوه هیواد کی دمتالوژی فابـــــریکی او دهغو قدرت دنیروی په هما غه اندازه‌دهغی ټولنی داقتصادی‌قدرت معیار هم لو ړ وی دهمد ی دلیل له مخی په شو رو ی اتحاد کی داقتصادی او صنعتی و دی په خا طر د فا بر یکو شمیر زیا ت دی . هر کا ل په دغه هیواد کی په لو یو ظر فیتو نو سره د

پاتی په۵۸مخ کی



اسپ هانری چهارم

ها نری . چها رم را اسپی بود که آنرا دوست مید ا شت .
اسپ نا خو ش شد . گفت هر کس خبر مرگ اسپ را بیا و رد حبسش میکنم . وبدارش خـواهم آ و یخت . میر آخو رش که‌آدم شوخی بود بعداز مردن اسپ پیش ها نری آمد و عرض کرد آن اسپ‌قشنگ، آن اسپی که‌شما آنرا خیلی دوست میداشتید آن بیچاره اسپ، آن اسپ، آن‌اسپ.
ها نری گفت چه شد؟ مرد ! میرا خـور گفت خود شما فرمودید کـه : مـردم حالااگر حکم سیا ست را در باره خود تا ن معمول میفر مائید مختا رید .

اگر گشنه شدم آنرا بخورم

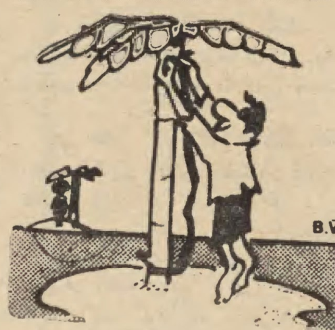
دیوانه که میخواست خودکشی کند یك نان را برداشته به چاراهی روان شد .
همینکه دیوانه درچاراهی رسید دروسط چاراهی خوابیده ونان‌را زیر سرخود گذاشت. دفعتاً عوتری برك زده وپرسید بالاشو کـه موترمی‌کشدت. دیوانه جواب داد: من‌میخواهم خودکشی کنم. دربور گفت: پس‌نان‌راچرا زیر سرت گذاشته‌یی دیوانه گفت: بخاطراینکه‌اگر موتر ناوقت‌آمد من‌گشنه شده‌نان رامیخورم.

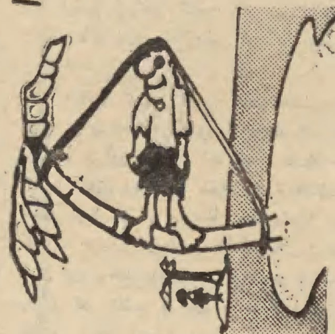
پذیرائی

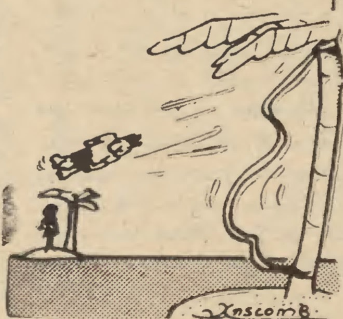
معلم از احمد پرسید چرا ناوقت آمدی .
احمد جواب داد . معلم صاحب من شب‌خواب بدیدم که در طیاره به ممالك خارج سفـر میکنم . معلم ازمحمودپرسید: توکجا بودی؟ محمود جواب داد: من ر فته بودم تـر میـنل که احمد را پذیرایی کنم.

به‌غیر از پدرم..!

کریم به‌حمید گفت : تـا هنو ز بـه خانه جد ید تان نرفته اید؟ حمیدگفت‌رفتیم.
کریم: آیابرای تمام تان یك‌یك اطـا ق رسید؟ حمید جواب داد: برای تمامان اطاق رسیده به‌غیر ازآغایم . کریم‌گفت:پس آغایت درکجاست ؟ حمید: بیچاره آغایم تابه هنـوز در اطاق مادرم زنده‌گی میکند .
ارسالی حکیم‌الـه متعلم صنف دهـم لـ سانیس لیسه شیرشاه سوری







ازبالابه پایین بدون شرح

پول حمام

روزی رجب خان بعد ازمریضی طویلی به‌حمام رفت چون حمامیان لباس خراب ورنگ زرد اورا دیدند خـدمت اورا نکردند.وقتیکه‌از حمام بیرون آمد (۳۰) افغانی به‌حمامی داد .
روز دیگر بالباس زیبا به حمام آمد چون‌حمامیان لباسش را دیدند وپول آنروزه آنرا باخود گفتـند : اگـر خـدمت کنیم (٦۰)افغانی خواهد داد. خدمت آنرا بدرجه اعلی‌به انجام رسانیدند وقتیکه از حمام بیرون آمد(۵) افغانی بالای میز حمامی نهاد .
حمامی به‌تعجب گفت: این چیست؟
رجب خان: پول امـروز ازآن روز است‌و آن پول به امروز مجرا شود .
ارسالی احمد فواد دامع متعلم صنف۹ب‌متوسطه محمد ایوب خان

لکه‌ابر

ملا نصر الدین را دید ند که در صحرابا کما ل او قات تلخی بعضی از نقا طزمین راکنده چیزی را تفحص‌مینمود.
پرسیدند چه میکنی ؟ گفت : پولـی رادر ایـن جـا دفـن کرده بودم واینك هـر قدر جستجو میکنم نمی یا بم .گفتندوقتـی‌که دفن کر دی مگر نشا نی نگذاشته بودی؟
گفت چرا نی. گفتند چه نشا نی ؟ گفـت‌نشا نی آنکه لکه ابری در آنو قت برو ی آن نقطه از زمین سایه اندا خته بود !

کارت ویزیت

روزی یکی از اشخا ص از خود را ضی‌بدید ن ولتر ، نویسندهٔ شهیر فرا نسو ی رفته بود بر خلاف انتظار دید که وضع اطاق‌ولتر بسیار در هم و آشفته وگرد و خا ك ز یـاد رو ی میز تحریر ش نشسته است! از فر ط نا راحتی با انگشت خود روی‌همان میز گردآلود نوشت: «خر!» ورفت ...
فر دای آن روز تصا دفا و لتر را در راه‌دید و گفت دیروز خد مت رسید م تشر یف ندا شتید .
ولتر بانگاهی فیلسوفانه گفت‌بلی! کـارت‌ویـز ت شما را روی میـز تحر یـر دید م !!

آرزوی جوانی

مردی از دوست خود پرسید : آیا تا بـه حـال که شصت سال از عمر ت می گذرد، به یکی از آرزو های جوانیت رسیده‌ای؟
گفت : آری ، فقط به‌یکی .هنگا می که پدرم موهـای سرم راکشیده و مرا تنبیـه می کرد ، آرزو می کردم که به هیــچ وجه مو نداشته باشم وامروز ، بحمد الله. به این آرزو یم رسیده ام !



احمدجان ـهرمو قع که سیرشدی، بیـا بیرون تامن داخل شوم .

بقیه صفحه ۱۳

انقلاب کبیر اکتوبر جهش...

تئوریک پدیده های نو را بصورت‌راه حل های سیاسی درست و قابل درک برای خلق بمورد اجرا گذارد. نیز ازهمینجا سر چشمه می گیرد.

آغاز به ساختمان سوسیالیزم یافتن راه‌حل برای‌بسیاری از بغرنج ترین مسائل کاملا جدید را هم بشرح ذیل طلب می کرد:

اصول ساختمان دولت و ساز مان دولتی در کشور کثیر الملیت، تناسب اقتصاد با سیاست، نقش نظام های مختلف اقتصادی واشکال مالکیت، خصوصیات مبارزه طبقاتی دردوران گذارو شیوه های لغو طبقات استثمار گر، خصلت روابط میان شهر و روستا و اهمیت تجارت، نقش پول، راه های گذار از تولید کوچک وانفرادی در روستا به تولید بزرگ سوسیالیستی، صنعتی کردن سوسیالیستی، مراحل ساختمان سوسیالیزم، ترتیب و طبقه بندی و ظایف، سیاست در رشته ی فرهنگ، دانش وهنر، وضع قوانین و اجرای امورقضائی مناسبات با جهان خارج یعنی اصول سیاست بین المللی دولت پرولتری‌ونیروهای مسلح آن وصد ها مسائل دیگر.

تئوری دولت سوسیالیستی رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بمثا به وسیله ی عمده ی‌دفاع و ساختمان جامعه ی نوین از اجزای متشکله ی طبیعی آنست. رهبر انقلاب‌کبیر اکتوبر وحزب بلشویک بر پایه ی تحلیل ساختمان طبقاتی جامعه در دوران گذار نشان دادند که استقرار حاکمیت‌سیاسی طبقه ی کارگر، که‌این طبقه در اتحاد با دهقانان و دیگر قشر های خلق‌زحمت کش بوجود میاورد مهم ترین قانونمندی جامعه ی سوسیالیستی است.

در تئوری سوسیالیزم علمی، تجزیه‌و تحلیل پروسه های اقتصادی همواره‌مقام عمده و مرکزی را داشته است. اگر در گذشته اندیشه ی اقتصادی ایدیالوژی مترقی روی این مسئله که چگونه سرمایه داری انقلاب سوسیالیستی را آماده می کند، متمرکز بود، حالا دیگر بوجود آوردن دانش ساختمان اقتصاد سوسیالیستی وبالاتر از آن‌ایجاد تئوری اقتصادی یکپارچه سوسیالیزم ودر واقع‌فصل نوی در مجموعه ی آموزش ایدیالوژی پرولتری و مترقی ضرورت داشت. در سیستم سیاست اقتصادی حکومتی که با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر بوجود آمده بود به همین مسئله بستگی داشت.خود سر نوشت انقلاب اکتوبر هم بدرستی این سیاست وابسته بود.

یکی از عظیم ترین کشفیات رهبرانقلاب کبیر اکتوبر در این زمینه «سیاست‌اقتصادی نو» یعنی «نپ» بود. تجربه ی سیاست اقتصادی جدید که اصول تامین اتحاد طبقه‌ی کارگر با دهقانان و دیگر اقشار غیر پرولتری. از آن جمله قشر های ی‌میانه انطباق پراتیک خود را در آن یافتند اهمیت بین المللی فراوان خودرا در دوران ما هم حفظ می کند. رهبر انقلاب‌کبیراکتوبر خاطر نشان می کرد که: «آن مسئله‌ای را که اکنون -بطور موقت- به تنهائی حل می کنیم یك مسئله ی خالص روسی بنظر می رسد و لی در واقع مسئله‌ایست که در برابر همه سوسیالیست ها مطرح خواهد شد...» (جلد چارم آثار بزبان روسی ۳۲۹).

رهبر انقلاب کبیر اکتوبرباتیزبینی‌فوق‌العاده‌ای‌مساعد ترین وقابل درك ترین راه گذار به اقتصاد جمعی کشاورزی‌سوسیالیستی برای دهقانان را تعاونی های زراعتی تشخیص داد.

حزب انقلابی روسیه ی شوروی (بلشویك) در تجدید ساختمان اقتصاد به شیوه ی سوسیالیستی از لحاظ تئوری متکی به این اصل بود که وظیفه ی تاریخی رشد نیرو های تولیدی بمثابه پایه وایجاد تحول در کلیه مناسبات اجتماعی تنها از راه صنعتی کردن کشور می‌تواند تحقق پذیرد.

صنعتی کردن جامعه سوسیالیستی نه فقطیك پروسه ی فنی، بلکه هم چنین پروسه‌ی اجتماعی است که در جریان آن علاوه بر اینکه طبقه ی کارگر از لحاظ کمی‌افزایش میابد، بر خورد تازه ای هم نسبت به کار پیدا می کند و بسیکولوژی صاحب اختیار تولید در آن شکل می گیرد واشکال تازه ی فعالیت و رشد تولید بدون‌سرمایه داران، بدون استثمار، طبق برنامه ی مشترك‌ملی، فارغ از بحران ها ی‌اضافه تولید وهرج ومرج‌های روابط متقابل اقتصادی، پدیدمیاید.

یکی از برجسته ترین موفقیت های علم اقتصاد شوروی -بزرگترین دستاورد تفکر اجتماعی جامعه‌ی بشری عبارت است از تدوین اصول برنامه ریزی تمام اقتصاد وتدوین تیوری رهبری‌مجموعه اقتصاد کشور طبق برنامه ی معین «اصطلاح پلان یا برنامه ی پنج ساله» به یك اصطلاح بین المللی تبدیل شده است و بزبان بسیاری از خلقها داخل شده است.

شیوه های ساختمان اقتصاد ی طبق برنامه پلان «در سراسر جهان‌و درکشور های نوبه‌استقلال رسیده‌ودرحال‌رشد که می کوشند با آهنگ های سریع خود را به عرصه ی ترقیات معاصر برسانند، توجه خلق را بخو دجلب‌میکند در کشور های سرمایه داری هم این شیوه را با دقت بررسی میکنند. اما تنها درست حکومت انقلابی‌که بیانگر منافع زحمتکشان باشد و با وجود مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید، پلان گذاری عملا قابل اجراست و می تواند به منافع خلق خدمت کند.

تهیه‌و تدوین مسئله ی حقوق وآزادیهای اتباع اتحاد شوروی در طرح قانون‌اساسی اتحاد شوروی در بسط و تکامل دموکراسی سوسیالیستی شوروی دستاورد تازه ای است. در ردیف حقوقی مانند حق کار، وسایر حقوق واقعی که مدتها ست درکشور اتحاد شوروی‌به موجب قانون‌اساسی تثبیت شده اند، در طرح قانون اساسی جدید موادی گنجانده شده است که بطور اصولی نواست ودر قوانین اساسی کشور های بورژوائی وجود ندارد و نمی تواند وجود داشته باشد. این مواد عبارتند از حق شرکت در امور دولتی و اجتماعی، حق انتقاد از نارسائی ها در کار، حق مسکن، حق حفظ تندرستی، حق استفاده از دستاورد های فرهنگی، آزادی کار خلاق در زمینه ی دانش و تخنیك و هنر... غیره. همه‌ی این حقوق وسایر حقوق که‌همه وتو باید در راه بهروزی خلق‌و توده های مردم زحمتکش چند ملیونی که بطور استوار و برای همیشه زندگی و سر نوشت خود رابا سوسیالیزم پیوند داده اند، مورد استفاده قرار گیرد.

در طرح قانون اساسی اتحاد شوروی تعریف مبسوط نقش رهبری کننده‌ی حزب کمونیست در جامعه ودر کشور با تفصیل تشریح شده است. حزب که هم چنان حزب طبقه ی کارگر باقی می ماند اکنون بمثابه حزب همه خلق‌عمل می کند.

منافع اقشار وگروه های مختلف رابا منافع تمامی جامعه پیوند می دهدو وحدت سیاسی و معنوی جامعه را تامین می کند.

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر درهمان‌آستانه‌ی انقلاب ناگزیری وجود هم‌زمان دولدارای نظام های‌اجتماعی متفاوت را طی دوران تاریخی معین مستدل ساخت، این‌استنتاج ناشی از قانون تشدید رشد ناموزون سرمایه داری در مرحله ی امپریالیزم بود که خود او کشف کرده بود. پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر واقعا چنین دورانی فرارسید واین زمانی بود که بنابه پیش‌بینی ایلیچ بزرگ «کشور های سوسیالیستی و سر مایه داری به زیستن در کنار هم پر داختند».

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بارها احتمال حمله ی مسلحانه بکشور شوراها رااذکر داد وباد آور شدکه باید قدرت دفاعی کشور بحدی رسانده شود که دفاع از دست آورد های سوسیالیزم را تامین کند. حزب کمونیست اتحاد شوروی‌از همان اول وهله تاحال این توصیه‌ی ایلیچ را مد نظر داشت و دارد و حالا قدرت دفاعی اتحاد شوروی ودیگر کشور های جامعه سوسیالیستی بقدری است که هرنوع تجاوز را از هر قماشی که‌با شد به اندکترین فرصت خورد و خمیر می نماید.

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در عین حال وجود «احزاب صلح» و «احزاب جنگ»‌دارای روحیه ی تجاوز کارانه‌رادرآن واحد در داخل دو گاه بورژوازی خاطر نشان می ساخت و همواره وجود شرایط مقدماتی عینی واز جمله اقتصادی همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای سیستم متضاد را یاد آوری می کرد سیاست همزیستی مسالمت آمیز درسراسر دوران پس از پیروزی انقلاب سترگ اکتوبر از جانب حزب و دولت شوروی عمیقا بررسی و تدوین شده است.

واما انقلاب کبیرا کتوبر و کشور های عقب نگهداشته شده واز جمله افغانستان: انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر موجب گسترش جنبش نیرو مند آزادیبخش ملی گردید. تحولات تاریخی‌اخیر افغانستان در دوران اخیردر مسیری‌که‌از همان جریان تا انجام می گیرد که در نتیجه ی انقلاب کبیر اکتوبر بوجود آمده وجز و مهم ترین واقعه ی سیر تکامل‌جهان شدند.

بحث بر سر جریان بحران و زوال سیستم استعماری امپریالیزم و همچنین بر سر ملت ها و کشور ها ئیست که طی سالیان دراز در زیر قید فشار وابستگی استعماری و نیمه استعماری قرار داشتند ودر نتیجه‌ی رستا خیز و انقلابات‌خوددر راه استقلال سیاسی و اقتصادی گام‌نهادند.

در نتیجه ی انقلاب کبیر اکتوبر در یك ششم بخش دنیا نظام اجتماعی نوینی بسر قرار گردید که بکلی با سیستم سازمان بین‌المللی استعماری‌واستثماری‌مباینت دارد.

در نتیجه ی تاسیس دولت سوسیالیستی در روسیه، موقعیت بین المللی افغانستان تغییر کرد و مواضع محافل ملی و میهن پرست افغانستان که برای احیای حق‌حاکمیت کشور خویش مبارزه می کردند تحکیم یافت.

در بهار سال ۱۹۱۸ ترجمه ی تری پیام دولت شوروی به‌همه مسلمانان زحمتکش روسیه و خاور زمین به افغانستان رسید. درین پیام حقوق ملی خلقها، اعم از بزرگ و کوچك، اعلام گردید و سکنه کشور ها ئیکه زیر قید ستم امپریالیزم قرار داشتند به از هم گسستن یوغ بردگی منفور استعماری فرا خوانده شدند. زحمتکشان روسیه‌ی شوروی اعلام کردند که مصمم اند به ملت های کشور های‌مستعمره و وابسته، در راه کسب آزادی ایشان‌کمك نمایند.

در این مرحله نکته ی مهم در زمینه ی پیدایش وتقویت تمایلات ضد امپریالیستی در همه کشور های شرق میانه این بود که دولت شوروی اسناد سیاسی محرمانه ی دول بزرگ را افشا و دادو بدین نحونقشه های استعمار گرانه‌ی امپریالیزم راافشا نمود و بعلاوه درسالهای ۱۹۱۷ و۱۹۱۸ اقداماتی در راه برقراری تماس مستقیم با دولت های کشور های همسایه ی آسیائی انجام داد. در سال ۱۹۱۸پیشنهاداتی در باره ی برقراری مناسبات دوستانه از ترکستان شوروی بکابل رسید. با وجودیکه در افغانستان آنوقتها عیاش ودست نشانده ای (امیر حبیب الله)حکمروائی داشت، خبر مربوط به این پیشنهاد به سرعت درافغانستان پخش گردید و شور و شعف عظیمی در میان محافل اجتماعی افغانستان بوجود آورد. وطن پرستان افغان نیز نقشه ی تحصیل استقلال‌افغانستان و نابودی عمال امپریالیسم انگلیس را می کشیدند و اعلان اصول برابری‌حقوق وآزادی ملی خلقها که دولت روسیه‌شوروی در نتیجه ی انقلاب کبیر اکتوبر تحت رهبری داهیانه رهبر انقلاب آنرا اجرا کرد با

صفحه ۵۶

مبرم‌ترین خواست خلق افغانستان مطابقت داشت.

در فبروری ۱۹۱۹ وضع افغانستان تغییر کرد. دولت امیر امان الله که طرفدار نهضت جوانان افغانستان آنرا تائید می‌کرد **رویکار آمد واین دولت بلا درنگ استقلال** افغانستان را اعلان و دست به ریفورم های زیاد زد. روسیهٔ شوروی بحیث اولین کشور تحت رهبری، رهبر انقلاب کبیر اکتوبر استقلال سیاسی افغانستان را برسمیت‌شناخت **دولت جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه بتاریخ ۲۷ مارچ سال ۱۹۱۹** اعلام‌داشت که استقلال کامل دولت‌افغانستان را برسمیت می شناسد.

در مورد خصوصیات مناسبات جمهوری جوان شوروی با کشور همسایهٔ خود افغانستان، باید این واقعیت معروف را یاد آوری کنیم که: جمهوری جوان شوروی هنگامیکه در حلقهٔ محاصرهٔ دشمنان قرار داشت، می کوشید هر چه از دستش میاید در زمینهٔ سیاسی بکار بردتا از مداخلهٔ امپریالیست ها در امور داخلی افغانستان جلو گیری شود. دولت جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیوی روسیه در ماه مارچ سال ۱۹۱۹ شرایطی را که توسط رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در زمینهٔ انعقاد صلح با روسیهٔ شوروی تنظیم شده بود به کنفرانس صلح پاریس فرستاد، در بند اول این شرایط قید شده بود که همه کشور ها باید متقابلا تعهد نمایند که به قوهٔ قهریه برای‌سرنگون ساختن دولت افغانستان‌متوسل‌نشوند.

روز ۲۸ فبروری سال ۱۹۲۱، علی رغم **تلاش های استعمار گران برتانیایی** که می خواستند از تحکیم مناسبات شوروی **وافغانستان ممانعت نمایند**، قرار **داد** بین جمهوری شوروی سوسیالیستی **فدراتیوی روسیه وافغانستان امضاء شد.** این سند سیاسی که اکنون هم معتبراست یك اقدام بین دوکشور بود که موجب تشدید پشتیبانی از **استقلال افغانستان** گردید و مبانی حقوقی استوار برای‌روابط حسن همجواری شوروی و افغانستان ایجاد نمود.

چنانچه حفیظ‌الله امین‌منشی‌عمومی کمیته‌ی مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی وصدراعظم‌ری دموکراتیك افغانستان سال گذشته بمناسبت شصت و یکمین سالگرد انقلاب کبیر اکتوبر اتحاد شوروی سوسیالیستی چنین فرمودند: «آوانیکه برهبری خلاقوبر نبوغ رهبر کبیر انقلاب اکتوبر در روسیه، اولین دولت کارگری جهان با قهرمانی **های پرولتاریای انقلابی روسیه به‌پیروزی** می رسید و تکامل می کرد **در افغانستان** نیز راه اکتوبر بکلی نا معلوم نبود، جنبش آزادیخواهی، مبارزات ضد استعماری امپریالیستی و **ضد استبداد فیودالی اوج می** گرفت، با وجود توطئه های استعماری امپریالیستی ارتجاع ونوکران امپریالیزم و **استبداد** در بار امیران نوکر استعمار، آتش آزادیخواهی خلق ماخاموش نگردید و با اوج گیری امواج انقلاب کبیر اکتوبر شعله ور تر شده می رفت تا اینکه در سال ۱۹۱۹ در قلب آسیا، خلق زحمتکش‌افغا- **نستان به شور آمدند وبار اول افتخار استقلال کامل سیاسی خود را از استعمارامپریالیزم بریتانیا بدست آوردند ...».**

دوستی و حسن هم جواری بین افغانستان واتحاد شوروی با انعقاد معاهدهٔ ۱۹۲۱ که رهبر انقلاب کبیر اکتوبر مبتکر و طراح آن بود آغاز گردید واین روابط دوستی **با انعقاد معاهدهٔ سال ۱۹۳۱ تشدید** و تائید گردید.

این معاهدات واجد منافع حیاتی ملی خلق افغانستان و اتحاد شوروی میباشد.

با پیروزی انقلاب ثور که «ادامه دهندهٔ **اهداف انقلاب کبیر اکتوبر» میباشد نه تنها کشور افغانستان ازنظر** موضع بین‌المللی خود از صف کشور های امپریالیستی و استعماری خارج و در صف ممالك صلح دوست ومترقی قرار گرفت بلکه با پیروزی این رستاخیز خلق‌افغانستان که تحت رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان «پیش آهنگ طبقهٔ کارگر کشور» صورت گرفت روابط و مناسبات بین افغانستان واتحاد شوروی نیز بمرحله‌ی نوین و تکاملی پا گذاشت و به یك رابطه‌ی نمونه و صادقانه بین کشور ها تبدیل شد. **چنانچه نمایانگر این حقیقت معاهده‌ی** دوستی و حسن همجواری بین افغانستان و اتحاد شوروی میباشد که در ماه دسمبر سال گذشته در مسکو به امضا رسید. در مقدمهٔ این معاهده منجمله گفته می‌شود «.... دو کشور با اظهار عزم راسخ به انکشاف دست آورد های اجتماعی‌واقتصادی خلق‌های افغانستان و شوروی و برای حفظ امنیت و استقلال آنها و بطرفداری قطعی از همبستگی تمام نیرو هاییکه در راه‌صلح استقلال ملی، دموکراسی وترقی اجتماعی مجادله می کنند و با ابراز عزم راسخ به مساعدت تقویه صلح وامنیت در آسیا وسراسر جهان و سهم گیری در انکشاف علایق بین کشور ها و در تحکیم همکاری ثمر بخش متقابل و مفید در آسیا و با در نظر داشت اهمیت بزرگ به تقویهٔ پایه‌ی حقوقی روابط معاهداتی خود و با تائید مجدد وفاداری به‌هدف ها و منشورملل‌متحد تصمیم گرفتند معاهدهٔ دوستی، حسن همجواری و همکاری را منعقد و در موردمراتب ذیل موافقت نمودند....».

در نتیجه باید گفت که پیروزی انقلاب **کبیر اکتوبر ودست آوردهای ذیقیمت آن** نه تنها کشور بزرگ دوست و برادر **اتحاد شوروی را از پسمانی، استثمار،** استبداد وارتجاع رهانید و در صف ممالك **پیشرفته ترین جهان و حامی صلح و امنیت** جهانی قرار داد بلکه این انقلاب بزرگ اجتماعی تاثیرات شگرفی در سراسر جهان واز جمله افغانستان انقلابی داشت و دارد مادر حالیکه شصت ودومین سالروز پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر را به خلق‌برادر شوروی وهمه محافل مترقی و انقلابی جهان تبریك می‌گوئیم شعار می‌دهیم که

-پیروز باد صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی در سراسر جهان.

-پیروز باد انترناسیونالیزم پرولتری‌این سلاح نیرومند کارگران جهان.

جاوید و مستحکم باد دوستی خلل ناپذیر خلقها ی افغانستان و اتحادشوروی.

بقیه صفحه ۷

استفاده‌ازقوای‌بشری...

نمایند برای اینکه دانش ومعرفت حزبی آنها توسعه یابد و انکشاف نماید کمیسیون های مربوط حزب هم درین زمینه توجه خاصی دارد و فعالیت می نماید. دفتر سیاسی و رهبری حزب یك پروگرام خاصی روی دست دارد و آن اینست در ولایات وولسوالی ها کارهای حکومتی و حزبی را از هم تفکیك نماید، سازمان حزبی جدا و سازمان دولتی جدا، حزب، حکومت و دولت را رهبری خواهد کرد، ولی امور دولت ووظایف آنرا انجام نمی دهد. حکومت ودولت وظایف خود را انجام خواهد داد و حزب آنرا رهبری خواهد کرد، حزب این قدم ها رابر داشته است وبسرعت به پیش میرود که برای انکشاف و تقویت اعضا و کدر های حزبی بسیار موثر خواهد بود.

سوال: تعداد اعضای حزب دموکراتیك خلق افغانستان را گفته میتوانید؟

جواب: ما کار توزیع کارت های عضویت حزبی را آغاز کرده ایم، چندین هزار کارت تاحال توزیع شده و تا هنوز کار توزیع آن ختم نشده است. فقط در ختم کار توزیع کارت ها میتوان تعداد دقیق اعضای حزب رابشما اظهار کنم، ولی قبل از انقلاب ثور که ما کارت های عضویت برای اعضای حزب نداشتیم تعداد اعضای حزب راتقریبا پنجاه هزار تخمین کرده بودیم.

سوال نمایندهٔ روزنامه دثور انقلاب: باپیروزی انقلاب ثور در زندگی خلق ماتحولات عمیقی پدید آمده است و تحت رهبری حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان درگوشه های مختلف زندگی خلق ما گام های وسیع و متینی بر داشته شده است.

سوال من در زمینه تعلیم وتربیه است در آن زمینه که شما قسمت زیادی از زندگی خود را در آنجا سپری نموده اید آیا در درس های تعلیم و تربیه و پوهنتون ها کدام تحول عمیق‌وانقلابی درنظر دارید یا نه؟

جواب: انقلاب ثور که در معنی واقعی خود یك پدیدهٔ انقلابی بود که قدرت را از طبقات استثمار گر به نمایندگی زحمتکشان به طبقهٔ کارگر انتقال داد در تمام ساحات زندگی خلق ما یك تغییر انقلابی بوجود آمد درین جهت انقلابی طوریکه شما تنها به تعلیم وتربیه اشاره کردید در تعلیم و تربیه هم تغییرات انقلابی بوجود آمده است‌که محتوای تعلیم و تربیه از منافع استثمار گران به نفع خلق زحمتکش تمرکز یافته است اکنون تمام نصاب تعلیمی به این متوجه است که جوانان و اطفال رامطابق به منافع خلق زحمتکش تربیه نماید و در تشکیل سیستم تعلیم و تربیه نیز تغییر آمده است آن اینکه قبل از انقلاب هشت سال مکتب ابتدایی، چهار سال ثانوی و چهار سال تعلیمات عالي بود ولی در آغاز انقلاب این تدبیر اتخاذ گردید که محتوای تعلیم‌و تربیه غنی تر شود واز سال های آن کاسته شود یعنی هشت سال تعلیمات ابتدایی دوسال دورهٔ ثانوی یا تعلیمات متوسط و چهار سال تعلیمات عالی به این اساس در سیستم تعلیم و تربیه تغییرات بوجود آمده است. در پایان رفیق امین‌از اشتراك ژورنالستان درین مصاحبه دوستانه تشکر کرده اظهار امید کردند که ژورنالستان مهمان بار دیگر بتوانند از کشور مادیدن کرده وواقعیت اوضاع کشور را به خلقهای کشور های خود انعکاس بدهند.

د۸مخ پاتی

داکتوبر ستر انقلاب...

ښتګو نو د لاری مثال وګرځیده ...)

په رښتیا سره هم چې د شوروی اتحاد کمه نیمت ګوند او دولت هیڅکله خپله اتر نا سیو نالیستی دنده دانقلاب دبری له هما غه لومړی ورځو څخه نه ده هیره کړی او تل یی دنړی په ګوټ ګوټ کی داستعمار اوامپریالیزم په مقابل کی د ملی آزادی غښتو نکو جنبشو نو او کارګری او متر قی ګوند و نو کلک ملاتړ کړی دی او دنړی زیار ایستو نکو داکتوبر دستر انقلاب سره لاره (دنړی دزیار ایستونکو د ژغورنی لاره) تعقیب کړی او د هغی په رڼا کی یی له و یاړه لاړک بریا لیتوبونه تر لاسه کړی دی .

داکتو بر دستر انقلاب لارښودولادیمیرایلچ لنین په علمی توګه په ثبوت ورسوله چی سو سیا لیزم به په نړ یواله سویه بریالی شی او پانګوالی چی امپریالیستی پړاو ته یی ګام ایښی دی دخپل کړ ښیرن ژوند وروستی شپی ورځی تیروی.

داکتوبر ستر انقلاب ستر لارښود و یل: «زموږ لاره سمه ده اوهماغه لاره ده چی ټول هیوادونه به یو پر بل پسی پر هغی باندی ګام کښیږ دی او دادی دا خبره زمونږ دستر ګو په وړاندی تحقق مومی.»

دا لاره دزیار ایستو نکو د ژغورنی او د انسا نیت دو یاړ لاره ده ، ددی لاری همدا سپیڅلتوب او لوړ تیا ده چی دنړی په ګوټ ګوټ کی په ملیونوملیونو پلویان لری .

هغه بریا لیتو بونه چی دیوه هیواد خلکو ته سوسیالیزم په غیږ کی دژوندپه هره برخه کی په یو ه تا کلی مو ده کی تر لاسه کیږی پا نګو ا لی نظام لرو نکو هیوادوله هماغومره وخت سره دپرتلی وړندی اوکه پر تله هم شی نو دسو سیا لیزم دنړ یوا ل سیستم دافتخا راتو شمله به لا جګه شی.

دمثال په ډول سره لدی چی د شو روی اتحاد (داکتو بر د ستر سو سیا لیستی انقلاب زانګو) له جو ړ ید و وروسته دعمر څه نا څه شل کا له یی دامپر یا لیزم له خوا په تحمیل شو یو جګړو کی تیر شوی خو بیا هم دژوندانه په هره برخه کی یی داسی پر مختګو نه پر مصیب شو ی دی چی داکتوبر له انقلاب څخه مخکی وخت سره په مقا یسه کی دسو سیا لیزم حقا نیت جو نو ی .

لکه چی یوازی او یوازی د ۱۹۷٦ کا ل ملی عا ید ا ت داکتو بر دستر سوسیالیستی انقلاب څخه دمخکی و خت په پرتله ٦٥ واره زیات شوی دی . داکتو بر دستر انقلا ب لارښود به و یل چی سو سیا لیزم دپا نګو الی په نسبت د اجتما عی ساز ما ن ډیر سرو لوړ کا ر دی او داخبره دسو سیا لیز م دما هیت او منبع دبر یالیتو ب قو ت اوو ثیقه ده .

داکتو بر ستر انقلاب چی دکار ګرا نو د ستر لار ښود په رهبر ی بریا لیتو ب ته ورسید لومړنی انقلاب و چی نه یوازی یو اقتصادی ، اجتما عی فور ما سیو ن یی دبل پرځای را مینځ ته کړ بلکی دبودوزوازی دلړ زید لی قد رت په را نسکو رو لو اوله استثمار ګرانو څخه استثمار شویو ته قدرت پهلیږدولو سره یی دلومړی ځل له پاره دنړی په یو ه برخه کی دکار ګرا نو سیاسی واکمنی ټینګه کړه . ددغه و یا ړ لی انقلاب په نتیجه کی ژوچی دبرو لتا ریادیکتاتوری مینځ ته راغله او دټولنی داکثر یت په ګټه واقعی دموکراسی را مینځ ته شوه اوپدی توګه زموږ په ټوله نړی کی دارتجاع، استبداد ، استثمارواو امپر یالیزم دراپرزولو پروسه پیل شوه .

ددغی ستری ټو لنیز ی پیښی ستر تو ب او اهمیت دټولنیز پر مختګ په لاره کی دبشریت په هر نو ی ګا م سره تر پخوا زیات په ډاګه څر ګند یږی .

داکتو بر ستر انقلاب تا ریخی بری او د ریښتینی سو سیا لیزم دتجر بو نړ یو ا ل اهمیت پدی کی دی چی دزیار ایستونکو په ګټه یی دټولنی دڼیر عا دلانه سا ز ما ن بیلګه وښو د له .

سوسیالیزم دریښتینی بشر دوستی ټولنه ده چی د زیار ایستونکی انسان نیکمرغی ددی ټولنی اصلی هد ف دی . په سوسیالیزم کی هرڅه د انسان دنیکمرغی اوسو کالی له پاره دی سوسیالیزم دټولنیزی نیکمرغی ټولنه ده.

اوس په نړی کی سو سیا لیزم تر ل دریالیتوب پړاوونه وهی او دزیار ایستونکی انسا ن له اورږو څخه دا سا رت اواستثمار جغونه غورځوی .

دسو سیا لیستی هیواد وبر یا لیتو بو نه ددی ټکی څر ګند ثبوت دی چی آینده دسو سیا لیزم ده او بر عکس دپا نګوالی ټولنه آینده نلری دا ځکه چی دپا نګو ا لی ټو لنه دزیار ایستو نکو داستثمار، ظلم او ټولنیز سیا سی ستم او د بیکاری نژا دی او ملی تو پیر ټولنه ده .

امپریالیزم دوسلی بی بنده وبساره دمالی تـه امن وهلی اوپدی هڅه کی دی چی د نړی په بیلا بیلو ګو ټونو کی جګړی او شخړی را مینځ ته کړی او ددغه نا وړه او غیر انسانی لاری څخه خپلی نا روا او شو می ګټی تر لاسه کړی (او په خړی کړی او کبان و نیسی) خو دا نړیوال سو سیا لیزم (هغه چی داکتو بر د ستر انقلاب په پل پل اسر دی) دی چی دامپریالیزم دد غه ناوړه اعما لو مخه یی نیو لی او نیسی او نه پر یږ دی چی بشر دتبا هی کندی ته و غورځیږی نو پر ځای ده چی ووایو !

ژوندی دی وی داکتو بر دستر ناانقلاب دلارښود نوم او کار .

بر یا لی دی وی پرو لتا ری انتر ناسیونالیزم دغه دنړی دکار ګرانو پیاو ړ ی وسله .

د٥٤ مخ پاتی

دشوروی اتحادعلمی...

اکسیجن دبد لوږ نکو دستګا ؤشمیر اوحجم زیا تیږی .د مثال په توګه یوا زی په (۷٥ـ۹٦٦ ۱) کلونو کی دشوروی اتحاد دفلزی تا سیسا تو په حجم کی په سلو کی یوویشت اعشاریه انلس زیاتوالی رامینځ ته شو ید ی . په شوروی اتحاد کی دتولید اتو دتمر کز کو لو کار د استهلاك اوموثریت دمعیا ر له مخی محاسبه او سنجو ل کیږی .

ددغه محا سبی او ارزیا بی له مخی د (۱۹۷۱ـ۱۹۷٥) کلو نو په د و ر ان کی دشوروی اتحاد د او سپنی په تو لید اتی حجم کی په سلو کی اوویاوود پولادو په حجم کی په سلو کی شلوینیشت زیا توالی راغی .

د شوروی اتحاد دفلزی تو لید ا تو دچارو ماهران زیار باسی چی دفلزی محصو لاتو او پیداوارو دکیفیت د سطحی دلوړ و لو په برخه کی دساینس او تکنا لو ژی څخه په زیاتی استفادی کو او سره دنو و ماشینو نو څخه زیا ته استفاده وکړ ی . دساینس او تکنالوژی له نوو طریقو او تکنیکو نو څخه په کار اخستلو سره دغه کا رته لاره او ارزیری چی تر (۱۹۸۰) کاله پوری ددغه هیواد دفلز ی جاو په محصو لاتو کی له (٥ـ٦) میلو ن ټنو پوری سپما صورت ونیسی.

هیوادو نو کی د او سپنی اوپولادو دو یلی کولو دپا ره دا سی نوی علمی طر یقی کشف شو ید ی چی دهغو څخه په استفادی کو لو سره د بشری قواو په معیار کی په سلو کی پنځو س لږ والی را منځ ته کیدا ی شی .

څر نګه چی په او سنیو وختو نو کی په شوروی اتحاد کی د چا پیر یا ل دسا تنی له پاره زیا ته پاملر نه صو ر ت نیسی نو څکه د هغه هیواد دفلزی او و مو موادو دبهره برداری په سکتور کی هم زیا تی پر اختیا وی را منځ ته شو ید ی نن په شو روی اتحاد کی دچا پیر یا ل او دغه راز د طبیعی محیط دسا تنی مو ضوع دصنعتی سکتور دو دی او پر اختیا سره نژ دی اوله شلیدونکی اړ یکی لری، همدارنګه په دغه هیواد کی د استخدام او دکار ګر انو داجتما عی او اقتصادی شرا یطو د ښه وا لی مساله هم دچا پیر یا ل دسا تنی سره مستقیم ارتباط لری .

ددغه کار دپا ره دالکترو نیکی وسا یطو په مر سته داداره کو لو دیوه اتو ما ت سیستم د طرحه او رامنځ ته کو لو دپا ره زیاته اړ تیا شته . هغه ډیره ستره وظیفه چی دغه راز اتو ماتیك او خود کا ره وسایل یی تر سره کو لای شی دتو لید ، حمـل اونقل اودمحصولا تو دمار کتنګ په جریاناتو باندی د نظارت او څارن څخه عبارت

په شوروی اتحاد او نورو سوسیالستی ده .

بقیه صفحه ۹

انقلاب کبیر اکتوبر...

عمده ترین عامل موثر خارجی است که هم استقلال سیاسی افغانستان (۱۹۱۹) واستقلال کشور های مستعمراتی سابق حاصل شد وهم انقلابات کارگری در عده قابل ملاحظه یی از کشور ها فیض کافی ازآن دریافت نمودند.

باپیروزی انقلاب کبیر اکتوبر تکوین نخستین کشور سوسیالیستی دریك برششم حصه کره زمین است که دوران بزمین زدن امپریالیزم آغاز گرفت وتحت تاثیر آن نه تنها جنبش ضد امپریالیستی در افغانستان ترکیه ، چین، هندوستان ، مصر ، وعده از کشور های امریکایی جنوبی شدت گرفت بلکه این پیروزی راه نجات واقعی را در سراسر جهان روشن وضرورت ایجاد وفعالیت احزاب طبقه کارگر را در کشور های مستعمره ونیمه مستعمره سودمند دانست . اکنون که خلقهای ستمدیده و زحمتکش جهان برهبری حزب طبقه کارگر کشور در اکثریت کشور ها این روز فرخنده را جشن می گیرند . بجاست تا باژرفترین احساسات انقلابی ورفیقانه این جشن شکوهمند را بخلقهای قهرمان اتحادشوروی و سراسر جهان شاد باش بگوییم ومبارزات قاطع وهر چه بیشتر شانرا درامر انقلاب ضد امپریالیستی وضداستعماری درسراسر جهان تمنا کنیم.

بقیه صفحه ٤۹

تاریخچه آغاز..

در سال ۱۹۲۰ بلژیك بیرق رسمی المپیك را به کمیته بین المللی المپیك هدیه داد واین بیرق در هر دوره بازی های المپیا پس از ختم مسا بقات بطور اما نت به همان شهر یکه در آن آخر ین باز یهای المپیا صورت میگر فت سپرده میشد ودر دوره بعد به شهر دیگر یکه در آن بازی های المپیایی صو رت میگر فت سپرده میشد . بعد ها شعار جد یدی به شعار های المپیایی از طرف آلما نها افزود شد که روی بیرق المپیك درج شده است یعنی (من تمام جوا نان جهان را به خود میخوا هم .) علاوتا المپیك دا رای مشعلی نیز میباشد ،قرار مقر راتیکه تا امروز باقی ما نده این مشعل از آغاز هر دوره بازی های المپیایی در محفل اصلی خود یعنی در کوه المپ افرو خته میشود واز همانجا توسط ورزشکا ران به محلیکه درآن مسابقات المپیا یی صورت میگیرد ، برده میشود .

جواب نامه های شما

سلام همکاران و دوستان عزیز

به امید سلامتی شما، می‌آغازیم به جواب نامه های دوستانیکه مطلب فرستاده اند :

دوست عزیز ، عزیزه رسولی

دونوشتهٔ شما را بنامهای «رسالت تاریخی زنان امروز» و«در انتخاب همسر باید احتیاط را از دست نداد» دریافتیم وآرزومندیم که همکاری قلمی تا نرا بیشتر از اینگسترش بدهید وبا ارسال مطالب، خوب و خواندنی همیشه بامجلهٔتان همکاری نمایید . همینگونه که فرموده اید ، باید در انتخاب همسر ، محتاط بود وبادرست اندیشی دست به‌گزینش همسر مورد پسند زد ، واقعاً درست میگویید، ولی تنها صاحب ایدیالوژی وعلم و دانش‌بودن برای زندگی مشترك کافی نخواهدبود، نه‌تنها بصورت ضمنی وپهلوی این صفات، تفا هم واعتماد در بهبود زندگی نقش عمده دارد و همای سعادت وخوشبختی را برفراز خانه به گردش می آورد، بلکه اساسا خشت بنای ازدواج رابرتفاهم واعتماد گذاشت وهمینهاست که‌زندگی پرلذت زنا شویی را، دوست‌داشتنی تر میسازد .

باحفظ اینکه سواد وتحصیل، علم ودانش زندگی مشترك زن ومرد را رنگ دیگری میزند، اما شرط کافی برای یك زوج‌خوشبخت به‌شمار نمی رود. به‌همین ترتیب زیر نظر آورید، زن وشوهری راکه با داشتن سواد ودانش همه روز شان، به جنگ است و به ناخوشی روزگار می گذرانند .. مگر زن و شوهری بیسوادی را پیش چشم مجسم‌کنید که‌شوهر دیگرانه‌بر میگردد، زن از آمد نش باسلام گرم صمیمانه به استقبال می شتابد که خوش آمدی، شوهر عزیز... با این‌مثال فقط میخواهم بگویم که‌تنها صاحب ایدیالوژی بودن برای ازدواج کافی نیست، زندگی مشترك زن ومرد چیز های دیگری را نیزلازم دارد . بهرصورت، هردو مطلب شما را ، در شماره های‌آینده به چاپ میسپاریم، انتظارش را ببرید. به امید نامه های دیگر تان خدا حافظ .

دوست مهربان وحید حیران متعلم صنف دهم اجتماعیات لیسهٔ شاه دوشمشیره (ع) !

«داستان کوتاهٔ واقعی» شمارا خواندیم ومتاثر شدیم ولی در عین حال خوش شدیم وخوشی ما ازغم مابیشتر بود این «داستان کوتاهٔ واقعی » شما قطعاً داستان نیست و گزارش عشق شکست خورده شماست .

دوست عزیز! درسن وسالی که قرار دارید ، دل راپرخون نکنید وبایك نگاه خمار گو نه‌فلان دختر همسایه فریب نخورید، در عوض درسهای خودرا بخوانید و حیران حیران به حسرت دیدار دختر شوهر کرده، چشم‌خیره نکنیدکه مبتلابه مرض چشم نشو ید که درمانش راهیچ معشوق دل آزاری انجام داده نمی تواند جز اینکه فکر تانرا به هوس یار دیگری مشغول بسازد، کاری نخواهد کرد .

قبلا گفتیم خوش شدیم وخوشی ما از غم ما بیشتر است، بخاطر اینکه فعلا از این مرض واگیر وزودگیر عشق رهیده اید و نجات یافته اید، حال سررا به گریبان ببرید و وضع وحال خرد وخانواده را بسنجید و اینگونه که‌به عشق وغم دلدار پرداخته بودید واز درس وفکر گریخته بودید ودرسن شانزده سالگی که وقت آموختن است و تحصیل، چگونه اینکارها را پذیرفته بودید، دقت کنید، ، حتما عقل تان به‌خنده می‌اندازید تان، که دگر کارهاراخوب نمودی که به‌عشق پرداختی . اگرازاین گفته ها بگذریم، فعلا حالت تب گونه وحرارت گرمی که بوجود تان سرایت کرده است فقط با فراموشی دلدار ومعشوقه که فعلا مناسب حال سن کم سال تان نیست، درست میشود وبه کار های تان برسید وبعد هاکه درس ومکتب وفاکولته را خلاص کردید، این کلمه سه حرفی را با انتخاب همسر خوب به پهلویتان بنشاید و زمزمه سردهید که آنچه با این زندگی خوش مادریم، دارا وسکندر ندارد .. با آن امید خدا مددگار تان، ولی فراموش کردم که‌بگویم چیزهای بهتری برای نشربفرستید، انتظار داریم .. حرف دیگر که با کلمه‌عشق گم شد اینستکه هرچه مینویسید ومیفرستید به یك روی ورق بنویسید وبس .

دوست ارجمند احمدالله رهین «داغ» متعلم صنف دهم لیسه شیرخان کند ز !

متقابلا سلام میگوییم وسلامتی تانرا میخواهیم . از نظر نیك شما ممنونیم واینکه دیگران رانیز به خواندن مجله ژوندون تشویق وترغیب کرده اید، کار بس پسندیده نموده اید، ولی یك چیز دیگرراه اگر زحمت ایجاد نکند، به همه دوستان نیز بگویید که مجلهٔ ژوندون، مجله شعر وقصه نیست ، بلکه پذیرای مطالب دیگر نیز است وضرور نیست که تنها همکاران مجله شعر وداستان بفرستند، فکاهیات پرخنده، اختراعات جالب، معما وچیستان فکر برانگیز، مقاله های خوب سیاسی واقتصادی واجتماعی ... وصدها مطلب خواندنی دیگر بفرستند که به اسم ونشان شان چاپ کنیم واز همکاری شان خرسند گردیم .

دوست مهربان، پارچه شعرشماراخواندیم وبه دیداجتماعی شما تحسین گفتیم . عجالتا برای سرودن شعر فکر واندیشه خوب دارید وکوشش نمایید که بیشتر قریحه و ذ و ق شعری را با ورق گردانی دیوان شعر شعرای بزرگ ما پخته وباورسازید وتفاوت استعمال مصدر وفعل رابجایش بگذارید، چنانکه کلمه «می تپیدن» در شعر سرودهٔ شما، سخن رادر زمینهٔ شعر وشاعری شما میگذریم به بعد و اینك شعر چکیده از فکر شما :

نرگس مستش که سویم بی سروپامی تپد
دل درون سینه من بسمل آسا می تپد
ور نسوزد شمع رویش این پر پروانه ام
درحریم او کجا پایین و با لا می تپد
بسکه آن تیرنگاهش کرده حال من خراب
دل بغم دست وگریبان بوده شبهامی تپد
گرگل رویش ببینم می تپم پیش ر خش
مثل آن بلبل‌که آواز شوق گلهامی تپد
گرچه می باشم اسیر تاب زلفانش همی
بهر قتل وکشتن من چشم شهلا می تپد
مردمان دیدهٔ من از هجوم سیل اشك
مثل ماهی در میان موج دریا می تپد
می تپیدن جز به راه خلق کی باشد سزا
طبع شعر تو«رهین» در عشق بیجا می تپد

دوست گرانقدر میرحبیب الله شفق عضو مهندسی ریاست تعمیرات وزارت دفاع !

متقابلا سلام عرض میکنیم‌وهیچ جای ندارد که از «عقب پرده داخل مذاکره» گردید ومطمئن باشید که مذاکره به مشاجره ختم نمیگردد . همین کلمه که بحث بالای آ ن است ، شرح وتفسیر آن درفرهنگ های‌دری ذیل به مفهوم که شما خواسته اید، دیده نشد، از آنجمله فرهنگ عمید ، فرهنگ نفیسی، فرهنگ برهان قاطع .

اما بهر حال ، حرف شمارا قبول میکنیم وتقاضا داریم‌که همان پارچه شعر تانرا دو باره بفرستید تابه نشر بسپاریم . آن پارچه شعر شما در لابلای نامه های دوستان که جوابش ارایه شده است، گم شده است که باعرض‌معذرت، عذرمارامی‌پذیرید، آرزومندیم همکاری خویش را باارسال مطالب خوب باادامه دهید وبگذارید که‌گاه‌گاهی حرف و سخنی باهم بزنیم وهیچ شکی د ر دل راه ندهید که حر ف دو دوست به محکمه بیانجامد ...

دوست گرانقدر عبدالقدیر بران متعلم صنف یازدهم لیسه رحمن بابا !

علیك میگوییم وسلام میفرستیم ، چرا آزرده شویم ؟ شوخی تان بالای چشم . اینهم شوخی تان .

بخت ناساز من زازل زیر جبر تقدیر
صفحهٔ ژوندون ز نالهٔ من رقم نزدبه تحریر
روزهاتاشام بودم انتظار چاپ مضمون
زطرف شماغیردو صدای دیگرنیافتم‌به‌تقریر
اگرازشما صدای بشنیدم قسم خورم
ز نامه من خواهد شد صفحه ژوندون سیر
به نام شعرمن گرگویم حسن کلام نداشت
جوابت همان اصلاح باشدنه جواب سرتیر
گر مضمون نرسد بچاپ اینست علتش
با انتظار شما وخواهش‌جواب‌نامه من اسیر
دو جوابیکه رقم زدی در صفحه ژوندون
کس نداده جواب منفی غیرتوبه قسم مضمر
غیر جواب مضمون ندارم دیگر توقعی
از انتظار زیاد جوانی ام شده پیر

دوست عزیز ، این مصراع فی البدیهه به پاسخ نامه شماازذهن به قلم افتید وبه‌شوخی حسابش بدارید .

گر تو پنداشتی که حالت چو نست
بخت و روزگارت سراسر شومست

دوست مهربان، چندی پیش چاپ جدول متقاطع راوعده دادیم که در شمارهٔ قبل به نشر رسید وهمینگونه وعدهٔ چاپ مضمون «نیروی خلقها شکست ناپذیر است» را به شما دوست عزیز دادیم که به ترتیب نوبت به چاپ خواهد رسید، دیگرچه میگویید ؟ آخر اندکی صبر باید که عجله کارشیطان است !!

دوست عزیز، از شکوه و شکایت تان چنین برمی آید که بخت ناسازتان باجبر تقدیر گره خورده وعبدالقدیر را به نالهٔ تقدیر کشانده است وبه استناد قول پروین اعتصامی «این گنه تست نه حکم قضاست .» به امید همکاری بیشترتان با مجله ژوندون، دعا میکنم، دعای معروف، که پیر شوید، خداحافظ ...

دوست گرانقدر علی اصغر بختیاری‌سوپر وایزر ریاست مبارزه بابیسوادی !

خوشو قتیم‌که همکاری تانرا بامجله خود تان آغاز کرده اید . شعر «یارکارگر» شما را خواندیم وجهت چاپ به مطبعه فرستادیم. از اینکه فرموده اید «اگر این پارچه شعرم مورد قبول تان قرار نگرفت ، مهم نیست ، کوشش خواهم نمود تا استعدادش را کسب نموده، بعدا بتوانم شعری بنویسم که قابل نشر باشد ...» حرف عاقلانه یی زده اید ومابرای پرورش استعداد تان، تقاضا داریم که اشعار شاعران نو پرداز معاصر رابیشتر بخوانید واز خرمن شعر قدماخوشه هابرچینید وتوشه هابرگیرید . وبه این امید خدا یار تان .

دوست ارجمند اشرف رسولی مفتش وزارت عدلیه !

سلام عرض میکنیم. مضمونی بنام «تازن آزاد نشود، اجتماع آزاد نخواهد شد» ازشما همکار عزیز، دریافتیم خوشوقتیم که اگر این همکاری را ادامه دهید وبا ارسال مطالب خواندنی، مجلهٔ خودرا رنگین تر بسازید . وبراستی اگرزن آزاد نباشد، میشود ازآزادی اجتماع یادکرد، واضحا که نه. این مضمون تانرا در یکی از شماره های آینده به‌چاپ میسپاریم وبه امید همکاری شماخداحافظ .



مدیر مسئول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
تیلفون دفتر مدیر: ۲۶۸۴۹

مطبعهٔ دولتی